

شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید

همه چیز چگونه شروع شد:

پیدایش ۱-۱۱

دکتر باب آتلی
پروفسور بازنشسته علم هرمنوتیک
(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری راهنمای تفسیری

عهد عتیق، جلد ۱ الف

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

فهرست مطالب

i.....	توضیح مختصری درباره منابع فنی استفاده شده در مجموعه
iii.....	معانی مختصر و تاثیرگذار حالات افعال عبری بر روی تفسیر
viii.....	اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر
ix.....	مقدمه نویسنده: چگونه این تفسیر می تواند به شما کمک کند
xi.....	راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس
۱.....	کلام آغازین برای مطالعه سفر پیدایش ۱-۱۱
۳.....	مقدمه‌ای در باب پیدایش
۱۱.....	پیدایش ۱: ۲-۳
۲۶.....	نگرشی در متن پیدایش ۱: ۲۴-۳:۲
۳۵.....	پیدایش ۲: ۴-۲۵
۴۵.....	پیدایش ۳: ۱-۲۴
۵۲.....	نگرشی در متن پیدایش ۳: ۱۴-۲۴
۶۱.....	پیدایش ۴: ۱-۲۶
۶۸.....	پیدایش ۵
۷۲.....	پیدایش ۶: ۱-۲۲
۸۴.....	پیدایش ۷
۸۷.....	پیدایش ۸: ۱-۲۲
۹۱.....	پیدایش ۹: ۱-۲۹
۹۹.....	پیدایش ۱۰: ۱-۳۲
۱۰۶.....	پیدایش ۱۱: ۱-۳۲
۱۰۹.....	مقدمه‌ای بر پیدایش ۱۱: ۲۴-۱۳: ۱۸
۱۱۱.....	بیانیه عقیدتی

فهرست موضوعات خاص

۱۵ موضوع خاص: طول عمر و شکل‌بندی زمین
۲۱ موضوع خاص: YOM
۲۶ موضوع خاص: منابع طبیعی
۳۲ موضوع خاص: پرستش
۳۶ موضوع خاص: اسامی خداوند
۴۷ موضوع خاص: پیشرفت‌های الهیاتی عهد جدید درباره بحث اخراج از عدن
۴۸ موضوع خاص: مار
۴۹ موضوع خاص: شریر شخصی
۵۵ موضوع خاص: چرا خداوند آدم و حوا را با پوست حیوانات پوشاند
۵۶ موضوع خاص: Olam
۵۹ موضوع خاص: کروبیان
۶۳ موضوع خاص: دانستن
۷۳ موضوع خاص: پسران خدا در پیدایش ۶
۷۶ موضوع خاص: واژه‌های استفاده شده برای جنگجویان یا گروه‌های مردمی قد بلند/قدرتمند
۷۸ موضوع خاص: عدالت
۸۲ موضوع خاص: پیمان
۹۴ موضوع خاص: شراب، نوشیدنی سنگین
۹۶ موضوع خاص: نژادپرستی

توضیح مختصری درباره منابع فنی استفاده شده در مجموعه

”شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید“

سری تفسیری عهد عتیق

I. بلحاظ واژگان

در زبان عبری باستان، واژگان بی نظری متعددی وجود دارد.

- A. کتاب *Hebrew and English Lexicon of the Old Testament* نوشته فرانسویس براون، س. ر. درایور، و چارلز آ. بریگز. این کتاب بر اساس واژگان آلمانی نوشته ویلیام جسنیوز می‌باشد. این مجموعه از طریق اختصارات **BDB** شناخته می‌شود.
- B. کتاب *The Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament* نوشته لودویگ کهلر و والتر بامگارتنر، ترجمه ام. ای. جی. ریچاردسون. این کتاب بر اساس واژگان آلمانی نوشته ویلیام جسنیوز می‌باشد. این مجموعه از طریق اختصارات **KB** شناخته می‌شود.
- C. کتاب *A Concise Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament* نوشته ویلیام ال. هالیدی و بر اساس واژگان آلمانی بالا.
- D. مجموعه پنج جلدی مطالعات الهیاتی تحت عنوان *The New Int. Dictionary of Old Testament Theology & Exegesis*، ویرایش شده توسط ویلیام آ. وان گمرن. این مجموعه از طریق اختصارات **NIDOTTE** شناخته می‌شود. من در جاهایی که انواع واژگان قابل توجه وجود داشته، ترجمه‌های مختلف انگلیسی را نیز فراهم کرده‌ام (NJB، TEV، NRSV، NKJV، NASB). هم از ترجمه‌های کلمه به کلمه و هم از معادل پویا (رجوع شود به کتاب *How to Read the Bible For All Its Worth* نوشته گوردن فی و داگلاس ستوارت، صفحات ۲۸ تا ۴۴).

II. بلحاظ دستوری

شناسایی دستور زبانی معمولاً بر اساس مجموعه چهار جلدی جان جوزف آونس بنام *Analytical Key*

to the Old Testament صورت می‌پذیرد. بازبینی این کار توسط بنجامین دیویدسان در کتاب *Analytical Hebrew and Chaldee Lexicon of the Old Testament* انجام گرفت.

منبع مفید دیگری که می‌توانم برای ویژگی‌های نحوی و دستوری، که در بیشتر نسخه‌های ”شما هم می‌توانید کتاب مقدس را درک کنید“ درباره عهد عتیق استفاده شده معرفی کنم، کتاب ”کمک برای مترجمین“ از انتشارات United Bible Societies می‌باشد. تیترا این مجموعه به صورت ”A Handbook on _____“ می‌باشد.

III. بلحاظ متنی

من بسیار تحت تاثیر متن بی‌صدای عبری هستم (البته نه متون مازراتی صدا دار و علائم و نشانه‌هایش). از آنجایی که همه متون باستانی بصورت دستی نسخه‌برداری شده‌اند، موارد متعددی را می‌توان به زیر سوال برد. این امر عموماً به دلایل زیر اتفاق می‌افتد:

- A. *hapax legomena* (کلماتی که فقط یکبار در نسخه عبری عهد عتیق استفاده شدند. معادلی برای فارسی آن یافت نشد)
- B. اصطلاحات شرطی (کلمات و عباراتی که معانی ادبی آنها از بین رفته‌اند)
- C. رویدادهای تاریخی غیرقابل اتکا (کمبود دانش ما نسبت به دنیای باستانی)
- D. دایره محدود فرهنگ لغات عبری که ریشه سامی دارند
- E. مشکلات ناشی از مترجمینی که بعدها متون عبری را بصورت دستی نسخه‌برداری کردند.
- F. مترجمین زبان عبری در مصر تعلیم دیده بودند که به منظور تکمیل و قابل درک شدن بیشتر برای مردمان همان دوران، از آزادی بیشتری در تغییر متون در هنگام نسخه‌برداری برخوردار بودند. (NIDOTTE صفحات ۵۲-۵۴).

منابع متعدد دیگری نیز از کلمات و متون عبری خارج از متون سنتی مازراتی وجود دارد.

A. کتاب‌های پنجمانه سامری

B. لوح‌های دریای سیاه

C. چند سکه، نامه و مکتوب سفالی (قطعات شکسته سفالی که برای نوشتن از آن استفاده می‌کردند)

ولی در بیشتر موارد، هیچ نسخه خطی در عهد عتیق همچون نسخه‌های خطی عهد جدید بزبان یونانی وجود ندارد. بعنوان یک مقاله خلاصه درباره قابل اتکا بودن متون مازراتی (A.D. 900's) به *The Reliability of the Old Testament Text* نوشته بروس ک. واتکی در NIDOTTE جلد ۱ صفحات ۵۱-۶۷ مراجعه فرمایید.

متن عبری که در *Biblia Hebraica Stuttgartensia* چاپ انجمن انجیلی آلمان سال ۱۹۷۷ استفاده شده، بر اساس مجموعه قوانین لنینگراد (۱۰۰۹) می‌باشد. در صورت بوجود آمدن ابهام در نسخه عبری، از نسخه‌های باستانی (یونانی، آرامی، سوری‌ای و لاتین) نیز در دوره‌های مختلف استفاده شده است.

معانی مختصر و تاثیرگذار حالات افعال عبری بر روی تفسیر

I. مختصری درباره توسعه تاریخی عبری

عبری بخشی از زبان سامی، از خانواده زبان آسیای جنوب شرقی می‌باشد. این نام که توسط کاتبین پیشرفته به آن داده شده است، برگرفته از نام پسر نوح، سام است (پیدایش ۵: ۳۲؛ ۶: ۱۰). از نوادگان سام در کتاب پیدایش ۱۰: ۲۱-۳۱ بعنوان پسران نوح، سوریه‌ای، آرامی و آشوری نام برده شده است. در حقیقت برخی زبان‌های سامی توسط ملت‌های کنعان، فنیقیه و اتیوپی که در ردیف فرزندان حام بودند (پیدایش ۱۰: ۶-۱۴) نام برده شده است.

عبری بخشی از گروه شمال غربی این زبان‌های سامی می‌باشد. کاتبین پیشرفته‌تر نمونه‌هایی از این زبان باستانی را بصورت زیر دسته‌بندی می‌کنند:

- A. عموری (لوح‌های ماری از قرن ۱۸ پیش از میلاد مسیح در آکادادیان)
- B. کنعانی (لوح‌های راس شامرا از قرن ۱۵ در اوگاریت)
- C. کنعانی (نامه‌های آمارنا از قرن ۱۴ در آکادادیان کنعانی)
- D. فنیقی (زبان عبری از الفبای فنیقی استفاده می‌کند)
- E. Moabite (ناحیه‌ای تاریخی که در شرق دریای مرده و در جنوب غربی اردن امروزی قرار گرفته بود، سنگ مشا، ۸۴۰ سال پیش از میلاد)
- F. آرامی (زبان رسمی امپراطوری ایران که در پیدایش ۳۱: ۴۷ [دو بار]؛ ارمیا ۱۰: ۱۱؛ دانیال: ۲: ۴ تا ۶: ۷؛ عزرا ۴: ۸ و ۶: ۱۸؛ ۷: ۱۲ تا ۲۶ که یهودیان فلسطین در قرن اول استفاده می‌کردند)

عبری زبانیست که در اشعیا ۱۹: ۱۸ "لب کنعان" نامیده شده است. با شروع کلیسا در حدود ۱۸۰ سال پیش از میلاد، این زبان در ابتدا "عبری" نامیده شد (و در چند جای دیگر، رجوع شود به *Anchor Bible Dictionary* جلد ۴، ص. ۲۰۵). به احتمال خیلی زیاد ارتباط نزدیکی با موآبی و زبان استفاده شده در اوگاریت دارد. نمونه‌هایی از عبری باستان که خارج از کتاب مقدس یافت می‌شود عبارتند از:

۱. تقویم جزر، سال ۹۲۵ پیش از میلاد (دست‌نوشته یک پسر مدرسه‌ای)
 ۲. کتیبه شهر سیلوم (سیلوم یا سیلوان هم نامیده می‌شود)، در سال ۷۰۵ پیش از میلاد (نوشته‌های تونل)
 ۳. سفال‌های سامری، ۷۷۰ پیش از میلاد (مالیات‌های ثبت شده بر روی سفال‌های شکسته شده یافت شده است)
 ۴. نامه‌های شهر لاجیش، ۵۸۷ سال پیش از میلاد (مکاتبات مربوط به جنگ)
 ۵. سکه‌ها و مهرهای مکابی
 ۶. برخی متون ناحیه دریای مرده
 ۷. کتیبه‌های متعدد دیگر (زبان‌های عبری، ABD ۴: ۲۰۳)
- همچون سایر زبان‌های سامی، قالب‌بندی لغات عبری برای سه نوع حروف صدادار تعریف شده است. زبانیست بسیار انعطاف‌ناپذیر. سه حرف ریشه‌ای صدادار حامل معنی اصلی لغت می‌باشند، در عین اینکه پیشوند و پسوند داشته و یا اضافات داخلی که نشان‌دهنده عملکرد نحوی آن است (حروف صدادار بعد اضافه می‌شود، کتاب *Linguistic Analysis of Biblical Hebrew* اثر سو گرین، صفحات ۴۶ تا ۴۹).

لغتنامه عبری تفاوت میان شعر و گویش محاوره‌ای را نشان می‌دهد. معانی لغات به علوم ریشه‌شناسی قومی مرتبط هستند (نه گویش مناطق اصلی). بازی لغات و اصوات کاملاً در این زبان رایج است (استفاده از لغات در حالات مختلف).

II. بخش‌های گزاره‌ای

A. افعال

انتظاری که به طور طبیعی از چیدمان لغات داریم، فعل، تلفظ، موضوع (با صداگذاری‌ها)، اشیا (با صداگذاری‌ها) می‌باشد. فعل بدون علامت ابتدایی کال می‌باشد، کامل، مفرد و دارای جنسیت. عبری و زبان‌های آرامی اینگونه ترتیب‌گذاری می‌شوند. افعال برای نشان دادن حالات زیر تغییر حالت می‌یابند

۱. عدد-مفرد، جمع، دوتایی
۲. جنسیت- مذکر و مؤنث
۳. حالت- اخباری، وجه شرطی، امری (در قیاس با زبان‌های پیشرفته غربی، ارتباط عمل با واقعیت)

۴. زمان فعل

a. زمان کامل، که از حالت شروع، ادامه و نتیجه‌گیری یک عمل، اتمام آن را می‌رساند. معمولاً این حالت در عملی که در گذشته اتفاق افتاده بود ظاهر می‌شود. J. Wash Watts در کتاب *A Survey of Syntax in the Hebrew Old Testament* می‌گوید "تمام آنچه که بوسیله فعل کامل تعریف می‌شود، قطعی تلقی می‌گردد. یک عمل ناتمام می‌تواند حالت ممکن یا مشتاق به انجام رساندن و یا انتظاری را متصور سازد، اما یک عمل کامل، آنچه را که حقیقی، قطعی و با اطمینان است را ارائه می‌دهد" (ص. ۳۶).

S.R. Driver در کتاب *A Treatise on the Use of the Tenses in Hebrew* اینگونه شرح می‌دهد:

"زمان کامل به منظور نشان دادن اقدامات انجام شده است که در واقع در آینده به انجام می‌رسند، اما به عنوان امری وابسته به تصمیمی بی‌قاعده که ممکن است از روی دادن آن صحبت شود: بنابراین قطعیت، وعده، و یا حکم، به ویژه یک حکم الهی، اغلب در زمان کامل بیان می‌شوند" (ص. ۱۷. زمان کامل قابل پیشبینی).

Robert B. Chisholm در کتاب *From Exegesis to Exposition* صرف این زمان را بدینگونه شرح می‌دهد:

"... موقعیتی را از بیرون بعنوان یک امر کلی می‌بیند. بدینصورت که حقیقت ساده‌ای را ترسیم می‌کند، که آیا بتواند عملی یا حالتی باشد (شامل حالت وجودی و یا ذهنی). در حالت استفاده، عمدتاً به عمل بعنوان یک عمل تمام شده از منظر لفظی سخنگو و یا راوی می‌نگرد (که آیا کامل شده یا خیر و یا واقعیت آن مد نظر باشد یا نباشد). زمان کامل می‌تواند وابسته باشد به عمل یا حالتی در گذشته، حال و یا آینده. همانطور که در بالاتر اشاره شد، مترجم باید برای ترجمه یک زمان کامل به زبان انگلیسی که به سختی انعطاف‌پذیر است قالب زمانی را از درون متن مشخص سازد (ص. ۸۶)."

b. زمان ناقص، که بیان‌کننده عملی در حال اجرا می‌باشد (ناتمام، تکراری، ممتد و یا مشروط)، و اغلب حرکت به سمت هدفی را تعریف می‌کند. معمولاً این حالت برای عملی در حال و یا آینده استفاده می‌گردد. J. Wash Watts در کتاب *A Survey of Syntax in the Hebrew Old Testament* می‌گوید: "همه زمان‌های ناقص معرف عملی تمام نشده هستند. آنها یا تکرار شدند و یا در حال بسط و یا شرطی هستند. عبارتی دیگر، یا بخشی از آن بسط یافته، یا اطمینان می‌دهد که به پایان نزدیک است. در هر صورت، در تمام این حالات ناتمام تلقی می‌گردند" (ص. ۵۵).

Robert B. Chisholm Jr. در کتاب *From Exegesis to Exposition* می‌گوید:

"بسختی می‌توان ذات یک مفهوم ساده ناتمام را تقلیل داد، چون از هر بعد و حس و حالی را در بر می‌گیرد. بعضی اوقات یک جمله ناقص برای نشان دادن رفتاری نمایشی در یک حالت واقع‌گرایانه استفاده می‌گردد. در مواردی، یک عمل را بصورت ذهنی، بشکل فرضیه، مشروط، ممکن و در حالات مختلف دیگر ارزیابی می‌کند" (ص. ۸۹).

c. حرف و اضافه شده، فعل در حال عمل را به افعال قبلی ربط می‌دهد.

d. افعال امری، که مبتنی هستند بر اراده گوینده و عکس‌العمل احتمالی شنونده.

e. در عبری باستان، حروف بزرگتر تعیین‌کننده قصد و زمان اصلی نویسنده بودند.

B. هفت حالت صرف اصلی و معانی ابتدایی آنها. در واقع این حالات وظیفه پیوستگی با یکدیگر را در یک متن دارند.

۱. *Qal (Kal)*، رایج‌ترین و ابتدایی‌ترین حالت در تمام اشکال هستند. هیچ علیت و یا مشخصاتی را نشان نمی‌دهد.

۲. *Niphal* (دومین شکل رایج است). معمولاً حالت مجهول داشت، ولی بصورت دو طرفه و منعطف عمل می‌کند. هیچ علیت و یا مشخصاتی را نشان نمی‌دهد.

۳. *Piel*، این شکل فعال بوده و نشان‌دهنده در حال بوقوع پیوستن حالتی می‌باشد. معنی ابتدایی آن در بسط و گسترش حالت موجود تعریف می‌گردد.

۴. *Pual*، جنبه مجهول نسبت به *Piel* دارد. اغلب با یک صفت مفعولی استفاده می‌شود.

۵. *Hithapel*، که یک عمل انعکاسی و متقابل است. معرف تکرار یا دوره یک عمل نسبت به شاخه *Piel* می‌باشد. حالت بندرت مجهول آن *Hothpael* نامیده می‌گردد.

۶. *Hiphil* حالت فعال شاخه علیت در تضاد با *Piel* می‌باشد. می‌تواند جنبه قابل قبول داشته باشد، ولی عموماً به علت بوقوع آمدن یک رخداد رجوع می‌کند. ارنست جننی، یک متخصص دستور زبان عبری، معتقد بود که *Piel* معرف در حال بوقوع پیوستن حالتی بوده، در حالی که *Hiphil* نشان از چگونگی وقوع آن اتفاق می‌داد.

۷. *Hophal* حالت مجهول و نقطه مقابل *Hiphil*. این دو، کمترین موارد استفاده شده در هفت حالت دستور زبان را دارند.

کتاب *An Introduction to Biblical Hebrew Syntax* نوشته بروس ک. واتکی و م. ا. کانر، صفحات ۳۴۳ تا ۴۵۲ اطلاعات بیشتری در این زمینه به شما می‌دهد.

نمودار علیت و واسطه. یکی از نکات کلیدی در درک نظام افعال زبان عبری، دیدن آن از منظر الگوهای ارتباطات صوتی است. بعضی شاخه‌ها نسبت به سایرین در تضاد هستند (*Qal - Niphal; Piel - Hiphil*) نمودار زیر کاربرد ابتدایی فعل را بعنوان علیت رسم می‌کند:

صدا یا موضوع	بدون واسطه دوم	یک واسطه دوم فعال	یک واسطه دوم مجهول
فعال	<i>Qal</i>	<i>Hiphil</i>	<i>Piel</i>
مجهول متوسط	<i>Niphal</i>	<i>Hophal</i>	<i>Paul</i>
انعکاس‌دهنده/دو طرفه	<i>Niphal</i>	<i>Hiphil</i>	<i>Hithpael</i>

این نمودار برداشتی است از بحث فوق‌العاده نظام افعال در تحقیقات جدید آکادادیان (از کتاب *An Introduction to Biblical Hebrew Syntax*، نوشته بروس ک. واتکی و م. ا. کانر، صفحات ۳۵۴ تا ۳۵۹).

R.H. Kennett در کتاب *A Short Account of the Hebrew Tenses* نکته بسیار لازمی را هشدار داده است.

"در زمان تدریس زیاد مشاهده کرده‌ام که مشکل اکثر دانش‌آموزان درباره افعال عبری، درک معانی اصلی بوده که بطور مستقیم به ذهن یهودیان ارتباط داده شده است. بعبارتی، در میان آنان تمایلی وجود دارد که به هر کدام از زمان‌های عبری، معادلی اختصاص دهند که در فرم‌های لاتین یا انگلیسی است معمولاً ترجمه می‌شود. البته نتیجه شکست معنی شدن تعاریفی است که به زبان عهد عتیق، زندگی می‌بخشد. سختی استفاده از افعال عبری در نقطه نظری است که با آنچه ما باور داریم، کاملاً متفاوت است. عبری از یک عمل و زمان می‌آید. ما اولین چیزی که مدنظر قرار می‌دهیم زمان است، برای آنان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. بنابراین دانش‌آموزان باید ابتدا به ساکن قالب‌های لاتین و یا انگلیسی را که ممکن است در ترجمه هریک از زمان‌های عبری استفاده می‌کنند، کنار بگذارند و آن جنبه از عمل را در نظر بگیرند که معرف ذهن یک یهودی است.

استفاده از عنوان 'زمان‌ها' آنطور که به افعال عبری اعمال شده، گمراه‌کننده است. آنچه که بعنوان "زمان‌های عبری" نامیده شده، حس زمان را القا نکرده و صرفاً حالتی از یک عمل می‌باشد. در واقع برای سردرگم کردن نبود که 'حالت' را هم به اسامی نسبت دادند و هم به افعال، لذا 'حالات'، کاربرد بسیار بهتری از استفاده 'زمان‌ها' خواهد داشت. همیشه باید به خاطر داشت که بدون در نظر گرفتن محدودیت زمان، که در عبری وجود ندارد، ترجمه افعال عبری به انگلیسی غیر ممکن خواهد بود. یهودیان باستان هرگز به یک عمل بعنوان رویدادی در گذشته، حال و آینده نگاه نکردند، بلکه خیلی ساده آن را کامل و یا ناقص، بعنوان کاری که در حال انجام است می‌دانستند. هنگامی که می‌گوییم زمان‌های مشخصی در عبری با عملی کامل، نیمه‌تمام و یا آینده در زبان انگلیسی ارتباط دارد، صرفاً باید همانگونه که هستند به انگلیسی ترجمه شوند. زمان یک عمل در میان یهودیان با هیچ یک از قالب‌های افعالی صرف نمی‌شد."

بعنوان دومین هشدار خیلی بجا، Sue Groom در کتاب *Linguistic Analysis of Biblical Hebrew* می‌گوید:

"به بهیچوجه نمی‌شود فهمید که آیا محققان جدید که حوزه‌های معنایی و ارتباطات حسی زبان‌های مرده را بازسازی می‌کردند، صرفاً نظرات خودشان را بازتاب می‌دادند، یا زبان رایج کشور خودشان را، و یا تمام آنچه را که در عبری کلاسیک موجود بوده است" (ص. ۱۲۸).

C. حالات خلق و خوی (که بیشتر قیاس گرفته شده از زبان‌های امروزی غربی است)
۱. اتفاق افتاده، در حال رخ دادن (اخباری)، معمولاً برای زمان حال کامل یا صفت مفعولی استفاده می‌شود (تمام صفات مفعولی، اخباری هستند).

۲. اتفاق خواهد افتاد، می‌توانست اتفاق بی‌افتد (وجه شرطی)

a. از یک زمان مشخص ناتمام استفاده می‌کند

۱) متفرقه، اول شخص با قالب ناتمام، که معمولاً درباره آرزویی، خواسته‌ای حسی را القا می‌کند (عمل بوسیله فرد سخنگو تعیین می‌شود)

۲) صیغه امری (تغییرات درونی)، سوم شخص ناتمام (می‌تواند نفر دومی هم در جمله دخیل باشد) که عموماً از خواسته‌ای، یا اجازه‌ای و یا نصیحتی صحبت می‌کند

b. از زمان کامل استفاده می‌کند با *lu* یا *lule*

ساختار آن شبیه جملات شرطی نوع دوم در یونانی کوبین می‌باشد. عملی اشتباه (protasis) منتهی به نتیجه اشتباه (apodosis) می‌گردد.

c. از یک زمان ناتمام بعلاوه *lu* استفاده می‌کند

متن و *lu* ، به‌همراه گرایش به آینده، این وجه شرطی را علامت‌گذاری می‌کنند. برخی نمونه‌ها از J. Walsh Watts در کتاب *A Survey of Syntax in the Hebrew Old Testament* پیدایش ۱۳: ۱۶؛ تثنیه ۱: ۱۲؛ اول پادشاهان ۱۳: ۸؛ مزامیر ۲۴: ۳؛ اشعیا ۱: ۱۸؛ (ص.ص ۷۶-۷۷)

D. *Waw* - معکوس/متوالی/نسبی. این نوع همگام‌سازی عبری (کنعانی) منحصر بفرد در طول سال‌های متمادی مسبب سردرگمی‌های فراوانی شده است. بر اساس ژانر، به اشکال بسیار زیادی استفاده شده است. علت سردرگمی این بود که محققان اولیه، اروپایی‌هایی بودند که تحت تاثیر زبان مادری خود، سعی در ترجمه متون داشتند. هنگامی که این دشواری به اثبات رسید، آنان غیرمصطلح بودن زبان عبری باستان را باعث شکست خود در ارائه یک کار دقیق می‌دانستند. در زبان‌های اروپایی افعال مبتنی بر زمان هستند. برخی مفاهیم دستوری بوسیله حرف *waw* که به افعال کامل و ناتمام اضافه می‌شوند، مشخص می‌گردند. این امر نگاه به عمل را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۱. در گویش تاریخی، افعال در یک زنجیره استاندارد به یکدیگر متصل هستند.

۲. پسوند *waw* نشان‌دهنده یک ارتباط خاص با فعل یا افعال قبلی خود دارد.

۳. متن بزرگتر، کلید درک زنجیره افعال می‌باشد. افعال سامی در یک حالت محصور قابل ارزیابی نیستند.

جی. واش واتس در کتاب *A Survey of Syntax in the Hebrew Old Testament* ویژگی‌های متمایز کننده عبری را در هنگام استفاده *waw* پیش از افعال کامل و ناتمام بیان کرده است (ص. ۵۲-۵۳). مبنای زمان کامل، گذشته است، و اضافه کردن پسوند *waw* اغلب باعث انعکاس آن در زمان آینده می‌شود. همچنین این حقیقت زمان ناتمامی است که مبنای نظری آن حال و یا آینده است؛ و اضافه شدن این پسوند آن را به گذشته بر می‌گرداند. این تغییر زمان غیرطبیعی است که اضافه کردن *waw* را می‌تواند توضیح دهد، نه یک تغییر در مفهوم زمان جمله. حرف اضافه *waw* کار را همچون پیشگویی تکمیل کرده، در حالی که همین پسوند در زمان ناتمام برای گویندگان می‌تواند کارساز نیز باشد (صفحات ۵۴ و ۶۸).

Watts این تعریف را ادامه می‌دهد،

"بعنوان یک فرق بنیادین میان *waw* (بعنوان حرف ربط) و *waw* (پشت سر هم)، تعابیر زیر فراهم گردیده است:

۱. پسوند *waw* چنانچه در نقش هماهنگ کننده ظاهر شود، نشان‌دهنده موازات دو عمل است.

۲. پسوند *waw* چنانچه بصورت متوالی ظاهر شود، نشان از توالی عملی دارد. این تنها حالت استفاده پسوند *waw* در جملات ناتمام متوالی است. ارتباط میان افعال ناتمام، به صورت توالی موقت، نتیجه منطقی، سبب منطقی، و یا تضاد منطقی متصل شده است. این توالی در تمام موارد وجود دارد." (ص. ۱۰۳).

E. مصدر - دو نوع مصدر وجود دارد

۱. مصادر قطعی، که به گفته J. Wash Watts در کتاب *A Survey of Syntax in the Hebrew Old Testament* "قاطع، مستقل و دارای القا کننده حس تهاجم که کاربرد آن برای اثرات دراماتیک است... بعنوان یک موضوع، گاهی هیچ فعل نوشتاری در خود ندارد، اما لغت همواره بشکل چشمگیری به تنهایی کاربرد دارد."

۲. ساختار مصدر، که "بصورت دستور زبانی، بوسیله حروف اضافه، ضمائر ملکی و ارتباط ساختاری با جمله مرتبط هستند." (ص. ۹۱). در کتاب *A Practical Grammar for Classical Hebrew* اثر J. Weingreen، حالات ساختمان مصادر اینگونه تعریف شده است: هنگامی که دو (یا چند) کلمه خیلی بهم نزدیک باشند که یک ترکیب را تشکیل دهند، در آنصورت لغت یا لغات مستقل در حالت ساختن قرار می‌گیرند" (ص ۴۴).

F. ادوات استهفامی

۱. همیشه در ابتدای جمله قرار می‌گیرند.

۲. اهمیت آنها بلحاظ تفسیری

a. *ha* - انتظار پاسخ ندارد

b. *halo'* گوینده انتظار پاسخ "بله" را دارد

حروف نفی

۱. همیشه پیش از کلماتی که نفی می‌کنند، قرار می‌گیرند.
۲. بیشتری حرف نفی رایج 'lo' است.
۳. لفظ 'al' دارای خاصیت متضاد است و با استفاده از COHORTATIVES و JUSSIV ها استفاده می‌شود.
۴. لفظ *lebhillti* معنی "در صورتیکه... نه" داشته و با مصادر استفاده می‌شود.
۵. لفظ 'en' با صفات مفعولی استفاده می‌شود.

G. جملات شرطی

۱. چهار دسته از جملات شرطی هستند که هم تراز با کوبین یونانی می‌باشند.
 - a. چیزی که روی دادن آن و یا فکر تکمیل شدن آن، متصور است (رده اول در یونانی)
 - b. چیزی که برخلاف واقع، اتمام آن غیرممکن باشد (رده دوم)
 - c. چیزی که ممکن باشد (رده سوم)
 - d. چیزی که امکان آن ضعیف‌تر بوده، لذا در وقوع آن شک وجود داشته باشد (رده چهارم)

۲. سازنده‌های دستوری

- a. تصویری که حقیقی بوده و یا وضعیت واقعی بودن آن بصورت زمان کامل اخباری یا صفت مفعولی استفاده شود و معمولاً مقدمه آن بوسیله مفاهیم زیر معرفی می‌گردد:
 - (۱) 'im
 - (۲) ki (یا asher)
 - (۳) hin یا hinneh
- b. برخلاف یک وضعیت حقیقی، از یک فعل کامل یا صفتی مجهولی با مقدمه الفاظ *lu* یا *lule* استفاده می‌کند
- c. هرچقدر وضعیت احتمالی استفاده شده در فعل ناتمام یا صفت مجهولی بیشتر باشد، در اینصورت معمولاً کاربرد 'im یا ki بعنوان حروف وابسته بیشتر می‌شود.
- d. هرچقدر وضعیت احتمالی از وجه شرطی ناتمام کمتر استفاده کند، در آنصورت همیشه از 'im بعنوان صفت مجهولی استفاده خواهد کرد.

اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

<i>Anchor Bible Commentaries</i> ویرایش Albright William Foxwell و David Noel Freedman	AB
<i>Anchor Bible Dictionary</i> ویرایش (جلد ۶) David Noel Freedman	ABD
<i>Analytical Key to the Old Testament</i> نوشته John Joseph Owens	AKOT
<i>Ancient Near Eastern Texts</i> نویسنده: James B. Prirchard	ANET
<i>A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament</i> نویسندگان F. Brown, S. R. Driver and C. A. Briggs	BDB
<i>The Interpreter's Dictionary of the Bible</i> (چهار جلد) نویسنده George A. Buttrick	IDB
<i>International Standard Bible encyclopedia</i> ویرایش (جلد ۵)، James Orr	ISBE
Jerusalem Bible	JB
<i>The Holy Scriptures According to the Masoretic Text: A New Translation</i> (The Jewish Publication Society of America)	JPSOA
<i>The Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament</i> نوشته Ludwig Koehler and Walter Baumgartner	KB
<i>The Holy Bible From Ancient Eastern Manuscripts</i> (the Peshitta) نوشته George M. Lamsa	LAM
Septuagint (Greek-English) نوشته Zondervan ۱۹۷۰	LXX
<i>A New Translation of the Bible</i> نوشته James Moffatt	MOF
Masoretic Hebrew Text	MT
New American Bible Text	NAB
New American Standard Bible	NASB
New English Bible	NEB
NET Bible: New English Translation, چاپ دوم بنا	NET
<i>New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis</i> (جلد ۵) نوشته Willem A. VanGemeren	NIDOTTE
New Revised Standard Bible	NRSV
New International Version	NIV
New Jerusalem Bible	NJB
<i>Old Testament Passing Guide</i> by Todd S. Beall, William A. Banks and Colin Smith	OTPG
Revised English Bible	REB
Revised Standard Version	RSV
The Septuagint (Greek-English) by Zondervan, 1970	SEPT
Today's English Version ، توسط اتحادیه انجمن‌های کتاب مقدس	TEV
Today's English Version from United Bible Societies	YLT
<i>Zondervan Pictorial Bible Encyclopedia</i> (5 vols.), ed. Merrill C. Tenney	ZPBE

مقدمه نویسنده: چگونه این تفسیر می‌تواند به شما کمک کند

تفسیر انجیل یک فرایند منطقی و معنوی است که تلاش می‌کند تا نویسنده باستانی تحت الهام را به شیوه‌ای درک کند که بتواند پیام خدا را به زبانی که امروزه قابل درک است، بیان کند.

فرایند معنوی بسیار حساس است و به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. این فرایند شامل تعادل و باز بودن با خداست. باید تشنه (۱) او، (۲) شناختن او (۳) و خدمت به او باشیم. این فرایند شامل دعا، اعتراف و تمایل به تغییر شیوه زندگی است. روح در فرایند تفسیر قاطع است، ولی چرا درک انجیل به صورتی دیگر برای مسیحیان صادق و خداپرست عجیب است؟

فرایند منطقی را راحت‌تر می‌توان توصیف کرد. ما باید نسبت به متن استوار و بیطرف باشیم و نباید تحت تاثیر تعصبات فردی یا مذهبی قرار بگیریم. ذهنیت همگی ما از لحاظ تاریخی شکل خاصی گرفته است. هیچکدام از ما مفسر واقعگرا یا بی‌طرف نیست. این تفسیر یک فرایند دقیق منطقی را که حاوی سه اصل ساختار یافته تفسیر است را ارائه می‌کند تا کمک کند بر تعصبات مذهبی خود غلبه کنیم.

اصل اول

اصل اول توجه به زمانهای تاریخی است که در کتاب مقدس نگاشته شده و نیز توجه به مناسبتهای تاریخی از دید نگارنده. نویسنده اولیه هدفی و پیامی برای برقراری ارتباط داشت. متن نمی‌تواند معنایی داشته باشد که غیر از منظور نویسنده باستانی تحت الهام بوده است. قصد او - و نه تفکر تاریخی، احساسی، فرهنگی، فردی یا تعصبات دینی - نکته کلیدی است. کاربرد، بخشی جدایی ناپذیر از تفسیر است، ولی تفسیر مناسب باید همیشه بر کاربرد تقدم داشته باشد. همیشه باید تکرار شود که هر متن انجیلی فقط و فقط یک معنی دارد. این معنی آن چیزی است که نویسنده اصلی قصد داشته که تحت هدایت روح القدس با زمان خود ارتباط برقرار کند. یک معنی خاص می‌تواند کاربردهای بسیار متفاوتی برای فرهنگهای مختلف و موقعیتهای متفاوت داشته باشد. این کاربردها باید با اصل حقیقت نگارنده اصلی مرتبط شوند. بدین منظور این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا مقدمه‌ای برای هر یک از کتابهای انجیل باشد.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی ادبیات هر واحد است. هر کتاب انجیل یک سند متحدالشکل است. مفسرین حق ندارند که یک جنبه از حقیقت را با حذف بقیه متمایز سازند. بنابراین، ما باید تلاش کنیم تا قبل از اینکه هر تکه را جداگانه تفسیر کنیم، هدف کل کتاب انجیل را درک کنیم. هر بخش به صورت منفرد - فصلها، پاراگرافها، یا آیات - نمی‌توانند معنایی داشته باشد و کل آن واحد معنی دیگری داشته باشد. تفسیر باید از گرایش قیاس کل به گرایش القایی هر بخش تغییر جهت داده شود. بنابراین، این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا به دانشجویان در تحلیل ساختار هر واحد توسط پاراگرافها کمک کند. بخشهای هر پاراگراف و فصل تحت الهام نیستند، بلکه به ما در شناسایی تفکر هر بخش کمک می‌کنند.

تفسیر در سطح یک پاراگراف - نه جمله، عبارت، گزیده، یا کلمه - کلید پیگیری منظور اصلی نگارنده انجیل است. پاراگرافها بر اساس عناوین متحدالشکل هستند، که اغلب به آنها تم یا جمله موضوعی گفته می‌شود. هر کلمه، عبارت، و جمله در پاراگراف به نوعی با این عناوین متحدالشکل در ارتباط هستند. آنها بحث را محدود به موضوعی خاص کرده، آن را بسط داده، توضیح داده و یا مورد سوال قرار می‌دهند. کلید واقعی برای تفسیر درست این است که تفکر نویسنده اصلی را پاراگراف به پاراگراف در طی هر بخش که کتاب انجیل را تشکیل می‌دهند، دنبال کنیم. این راهنمای مطالعاتی تفسیری برای کمک به دانشجویانی تنظیم شده که این کار را با مقایسه با ترجمه‌های مدرن انگلیسی دنبال می‌کنند. برای این هدف ترجمه‌های خاصی انتخاب شده‌اند، زیرا آنها بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

۱. نسخه ویرایش چهارم متن یونانی جامعه متحد انجیلی (UBS⁴) منتشر شده است. این متن توسط اساتید مدرن متن پاراگراف بندی شده است.
۲. نسخه جدید شاه جیمز (New King James Version - NKJV) ترجمه کلمه به کلمه متن دستنویس یونانی است که به Textus Receptus نیز معروف است. تقسیم‌بندی پاراگراف‌های آن طولانیتر از سایر ترجمه‌ها است. این واحدهای طولانیتر به دانشجو امکان مشاهده موضوعات متحدالشکل را می‌دهد.
۳. نسخه جدید استاندارد بازبینی شده (New Revised Standard Version - NRSV) نسخه تغییر یافته ترجمه کلمه به کلمه است. این ترجمه در نقطه مبانی دو نسخه مدرن قرار می‌گیرد. تقسیم بندی پاراگراف‌های آن کاملاً در شناسایی موضوعات مفید است.
۴. نسخه انگلیسی امروز (Today's English Version - TEV) ترجمه پویایی است که توسط جامعه متحد انجیلی منتشر شده است. این ترجمه تلاش می‌کند که خواننده انگلیسی مدرن امروزی بتواند معنی و مفهوم متن یونانی را درک کند. اغلب، به خصوص در اناجیل، تقسیم بندی پاراگرافها بر اساس گوینده است تا موضوع، درست همانند نسخه بین‌المللی جدید. برای ترجمه و تفسیر، این نسخه مفید و کمک کننده نیست. جالب است که به این نکته توجه کنیم که هم UBS⁴ و هم این نسخه توسط یک موسسه ترجمه شده‌اند، با این حال، پاراگراف بندی آنها تفاوت دارند.

۵. انجیل اورشلیم (Jerusalem Bible - JB) یک ترجمه پویا است که از روی نسخه کاتولیک فرانسه ترجمه شده است. مقایسه پاراگراف بندیهایی این نسخه از دیدگاه اروپایی بسیار مفید است.
۶. نسخه چاپی مربوط به سال ۱۹۹۵ بنام انجیل امریکایی جدید بازبینی شده (Updated New American Standard Bible - NASB) ترجمه کلمه به کلمه است. تفسیر آیه به آیه در ادامه این پاراگراف بندی است.

اصل سوم

اصل سوم این است که ترجمه‌های مختلف انجیل را مطالعه کنید تا معنی و مفهوم گسترده‌تر و جامع‌تری را بتوانید از کلمات و عبارات انجیل درک کنید. اغلب یک کلمه یا عبارت یونانی را می‌توان به چندین شیوه مختلف درک کرد. این ترجمه‌های متفاوت این گزینه را در اختیارتان قرار می‌دهند و به شما کمک می‌کنند که بتوانید تنوعات مفهومی نسخ دستنویس یونانی را شناسایی کنید. اینها بر روی دکترین تأثیر نمی‌گذارند، بلکه به ما کمک می‌کنند که به متن اصلی که نویسندگان باستانی تحت تأثیر الهام بوده نزدیکتر شویم.

این تفسیر راه سریع‌تری را به دانشجوی برای بررسی ترجمه خود ارائه می‌دهد. قطعیت هدف نیست، بلکه اطلاع رسانی و تفکر برانگیز بودن است. اغلب، سایر تفاسیر احتمالی به ما کمک می‌کنند که زیاد کوتاه نظر، دگم و مذهبی نباشیم. مفسرین لازم است که طیف وسیع‌تری از گزینه‌های تفسیری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند که زبان یونانی قدیم تا چه اندازه می‌توانسته است مبهم باشد. حیرت آور است که چقدر تفاهم اندکی میان مسیحیانی که ادعا می‌کنند انجیل منبع حقیقت است، وجود دارد.

این اصول به من کمک کردند که برای بیشتر مسائلی که از نظر تاریخی ذهنیت مرا شکل داده بودند، با اجبار کردن خود بر تلاش بر روی متن باستانی، فائق‌گردم. امید من این است که برای شما هم برکتی باشد.

باب آتلی

۲۷ ژوئن ۱۹۹۶

راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس: جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می‌شود؟ آیا می‌توانیم از طریق منطق آن را به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلقی وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا در این دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سوالات - سوالاتی که همه افراد معقول به آن می‌اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگی به خاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده‌ام بود. در سنین بزرگی سوالات در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبه‌رو می‌شدم یا در باره آنها می‌خواندم، مفهومی نمی‌بخشیدند. آن روزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومیدی در مواجهه با دنیای بی‌احساس و مشقت‌باری بود که در آن زندگی می‌کردم.

بسیاری ادعا می‌کردند جوابیهایی برای این پرسشهای اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی‌بردم جوابهایشان بر این مبانی بود: (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنیهای روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود و نسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تایید کننده، تعدادی ادله و براهین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگی را بر مبنای آنها بگذارم.

اینها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ‌ها را در اینها یافتم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تایید علم باستان‌شناسی، (۲) صحت پیشگوییهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تالیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگی‌شان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت به عنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد، بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدسی، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید.

تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگی - مسیح را، آن‌طور که توسط کتاب مقدس شناخته می‌شود - یافته‌ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می‌شد چه تفسیرهای گوناگون و عدیده‌ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیساها و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می‌باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می‌توانم تفاسیر متنوع و متضاد بسیاری بخشهای مشکل کتاب مقدس را تایید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟ این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. می‌دانستم ایمانم به مسیح، (۱) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی‌گراییهای فرهنگ من (پست مدرنیته)، (۲) دگم‌اندیشی و مطلق‌انگاری نظامهای متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (۳) و خود بینی فرقه‌های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجو برای راههای صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش‌داوریهای تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن به عنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده می‌کردم و با این کار نا امنیها و کمبودهای خود را از نو تایید می‌نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود! اگر چه هرگز نمی‌توانم کاملاً عینی‌گرا باشم، می‌توانم کتاب مقدس را به طرز درست‌تر مطالعه کنم. می‌توانم پیش‌داوریهای خود را از این طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند، محدودیت ببخشم. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده‌ام، اما با ضعفهای خود مواجهه کرده‌ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است.

اجازه بدهید تعدادی از پیش‌فرضهای خود را که در مطالعه‌ام از کتاب مقدس دخیل می‌کنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی نمایید:

I. پیش‌فرض‌ها

۱. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. از این رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.
۲. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چهارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی‌کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنان که در ابتدا آنرا می‌خواندند یا می‌شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و اشکال و اسلوب تفهیم و تفاهم معمول مردم را به کار

می‌گیرد.

۳. من ایمان دارم کتاب مقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می‌باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.

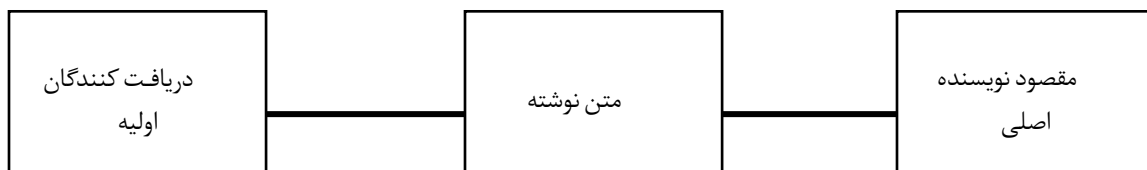
۴. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می‌باشد. گرچه هرگز نمی‌توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را می‌دانیم، بسیاری از شاخصها، نشانگر آن می‌باشند:

- a. ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
- b. زمینه تاریخی و/یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
- c. چهارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
- d. طرح متن (طرح کلی) واحدهای ادبی، آن طور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می‌کنند
- e. خصیصه‌های دستوری ویژه که برای بیان پیام به کار رفته‌اند
- f. واژگان انتخابی برای ارائه پیام

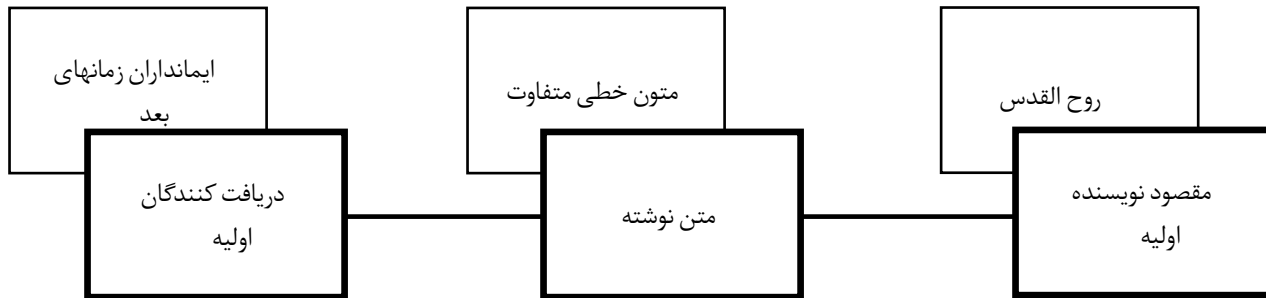
مطالعه هریک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش می‌گردد. پیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهم، اجازه دهید برخی روشهای نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روشهایی که این قدر باعث گوناگونی در تفاسیر شده‌اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

II. روشهای نامناسب

۱. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژگان به عنوان اظهاریه‌های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلیتر آن ندارد. این کار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می‌گویند.
۲. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده‌ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
۳. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس به عنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
۴. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی / الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
۵. نادیده گرفتن پیام اصلی به وسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه‌اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا به عنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می‌افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می‌نامند.
حداقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده می‌شوند:



در گذشته روشهای مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می شدند. اما برای تایید حقیقی الهام منحصر به فرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسبتر می باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به منظور بررسی درستی حقیقت، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راه‌های اشتباهی است که مشاهده کرده‌ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متون و (۲) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده» ایمانداران زمانهای بعد (برای من اهمیت دارد). راه‌های اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش محرک‌ها، پیش داورها، اسلوب، و کارهایمان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم چنانچه هیچگونه مرزی، محدودیتی، شروط و موازینی برای این کار وجود نداشته باشد؟ در اینجا است که هدف نویسنده و ساختار متن، موازینی در اختیارم می‌گذارند تا بتوانم پهنه تفاسیر احتمالاً صحیح را محدودیت بخشم. در پرتو روش نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روش‌هایی امکان دارد برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس وجود داشته باشد که تا اندازه‌ای هم راست آزمایی و همخوانی آن را فراهم می‌کنند؟

III. روشهای ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

در این مقطع اسلوب منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمی‌دهم که برای تفسیر ژانرهای ادبی خاص به کار می‌روند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می‌پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده‌ای درباره روشهای تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گرددون فی» و «داگلاس استوارت» از انتشار «زان درون» می‌باشد. روش من متمرکز بر روی خواننده است که اجازه می‌دهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. این کار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار می‌دهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تاثیر نامتناسب مفسران محفوظ می‌دارد. شنیده‌ام که می‌گویند: «کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن می‌سازد.» مقصود از این گفتار، کم ارزش شمردن کمکهای مطالعات نیست بلکه استدعایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب.

ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحه بگذاریم. شش مورد زیر حداقل تاییدیه مبسوطی را ارائه می‌دهد:

- ۱) زمینه تاریخی
- ۲) متون ادبی
- ۳) ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)
- ۴) کاربرد واژگان معاصر
- ۵) بخشهای موازی/ مترادف و مشابه کتاب مقدس
- ۶) ژانر

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تاییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و درعین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده‌ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده اند تا بینشهای تفسیری ذیل را فراهم کنند:

۱. دوره اول مطالعه

a. کتاب را در یک جلسه بخوانید. یک مرتبه دیگر آن را در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است نظریه ترجمه آن متفاوت باشد:

i. ترجمه کلمه به کلمه (NRSV, NASB, NKJV)

- ii. ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
- iii. ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)
- b. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.
- c. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که به روشنی تم اصلی را بیان می کند.
- d. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

i. عهد عتیق

- ۱) داستانسرایی عبری
- ۲) شعر عبری (ادبیات حکمت، مزمور)
- ۳) نبوت عبری (نظم، نثر)
- ۴) قوانین در شریعت

ii. عهد جدید

- ۱) داستانسراییها (اناجیل، اعمال رسولان)
- ۲) مثالها (اناجیل)
- ۳) نامه‌ها/رساله‌ها
- ۴) ادبیات مکاشفه‌ای

۲. دوره دوم مطالعه

- a. کتاب را دوباره کامل بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.
- b. عناوین اصلی را به صورت طرح کلی در آورید و در جمله‌ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.
- c. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمکهای مطالعات، بازنگری کنید.

۳. دوره سوم مطالعه

- a) کتاب را دوباره کامل بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.
- b) موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده اند فهرست کنید.
 - a. نویسنده
 - b. تاریخ
 - c. دریافت کنندگان
 - d. دلیل خاص برای نوشتن
 - e. جنبه‌های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می باشند
 - f. اشارات به اشخاص و رویدادهای تاریخی

c) طرح کلی آن بخش از کتاب کتاب مقدس را که در حال تفسیر آن هستید، به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.

d) زمینه تاریختان را با استفاده از «کمکهای مطالعات» بازنگری کنید.

۴. دوره چهارم مطالعه

- a) «واحد ادبی» خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
 - (a) ترجمه کلمه به کلمه (NRSV، NASB، NKJV)
 - (b) ترجمه معادل پویا (JB، TEV)
 - (c) ترجمه تفسیری (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، کتاب مقدس تفصیلی)
 - (b) ساختارهای ادبی یا گرامری را بیابید

(a) عبارات تکرار شده، افس ۱: ۶ و ۱۲ و ۱۳

(b) ساختارهای دستوری مکرر، رومیان ۸: ۳۱

(c) مفاهیم مغایر

(c) موارد زیر را فهرست کنید

(a) کلمات مهم

(b) کلمات غیر معمول

(c) ساختارهای مهم دستوری

(d) کلمات، بندها، و جملات بسیار مشکل

(d) بخشهای مشابه مربوطه را در کتاب مقدس بیابید

(a) روشن‌ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق:

۱. کتاب‌های الهیات نظام‌مند

۲. کتاب مقدس‌های مخصوص مراجعات

۳. کشف الایات

(b) در داخل موضوعتان، مفاهیم بظاهر متضاد و در واقع همخوان را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس به صورت دو مفهوم به ظاهر

متضاد اما در اصل سازگار و واحد معرفی شده‌اند! بسیاری از اختلافات فرقه‌ای از این سرچشمه می‌گیرند که افراد از روی نیمی از این

مفاهیم دوگانه و پرتنش در کتاب مقدس برای "اثبات عقیده خود توسط آیات" استفاده می‌کنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است و

ما باید پیام کامل آن را بجوئیم تا برای تقصیر خود توازن و تعدیل کتاب مقدسی ارائه دهیم.

(c) عبارات موازی یا هم معنی را در همان کتاب یا نوشته‌های همان نویسنده یا همان "ژانر" بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا

یک نویسنده دارد که روح القدس می‌باشد.

(e) برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از "کمک‌های مطالعاتی" بهره بگیرید.

(a) نسخه‌های مختلف کتاب مقدس را بخوانید

(b) دایره المعارف، کتابهای راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس

(c) پیشگفتارهای کتاب مقدس

(d) تفاسیر کتاب مقدس (در این مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح

کنند.)

IV. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

در اینجا به کاربرد می‌پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده‌اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آن را در زندگی و فرهنگ خود به کار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می‌کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود می‌گفت، و به کارگیری آن واقعیت در زمان ما."

پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی‌توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان

خود به کار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه می‌گفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است!

«طرح کلی» مشروح شما، به صورت پاراگراف‌ها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف‌ها انجام شود نه

کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بندها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها

شخص الهام یافته‌ای که دست اندر کار می‌باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، به وسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی می‌کنیم. اما تنویر،

الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می‌فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی

بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسایل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای این کار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن

نتیجه‌گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متاسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در

کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا

به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. از این یک معنا می‌توان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت.

کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

۷. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و متنی در تفسیر کردن و در کاربرد صحبت کردم. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

- ۱) برای کمک روح القدس دعا کنید (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱:۲۶ و ۱۶:۲).
 - ۲) دعا کنید خدا شما را ببخشد و از گناهی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (اول یوحنا ۱:۹).
 - ۳) برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (مراجعه شود به مزمور ۱۹:۷ الی ۱۴؛ ۱:۴۲ به بعد؛ ۱۱۹:۱ به بعد).
 - ۴) هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود به کار ببندید.
 - ۵) فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.
- کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قولهای ذیل بمن کمک کرده اند توازن بین این دو را بیابم:

۱) نوشته‌ای از James W. Sire در کتاب *Scripture Twisting* صفحات ۱۷-۱۸:

"تنویر به اذهان قوم خدا می‌آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه اساتید معنوی یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف می‌کنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفاسیر قابل قبول باید از طریق آنها به دست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را می‌دهد، این کار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان تواناییهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهایی در تمام مواردی است که در باره آنها سخن می‌گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می‌توانند آن را به اندازه کافی درک کنند."

۲) در مورد Kierkgaard، در کتاب Bernard Ramm به نام *Protestant Biblical Interpretation* صفحه ۷۵:

به گفته Kierkgaard، مطالعه دستوری، واژه‌ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی به شمار می‌آید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آن را با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتاب مقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا به صورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی‌شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را می‌خواند، آنگاه آن را به عنوان کلام خدا خوانده است."

۳) H.H. Rowley در کتاب *The Relvance of the Bible* صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی‌تواند همه گنجینه‌های آن را از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی‌آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه‌های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعات روحانی با بینش روحانی دریافت می‌شوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. در این صورت او می‌تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنیتر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

۷.۱. روش کتاب تفسیر پیش رو

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه‌های ذیل برای کمک به رویه‌های تفسیری شما تنظیم شده:

۱) طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده‌اید، به این اطلاعات مراجعه کنید.

۲) بینشهای متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. اینها به شما کمک می‌کنند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.

۳) در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگرافها و عناوین توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده اند:

a) کتاب مقدس *The New American Standard Bible*، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)

b) کتاب مقدس *The New King James Version* ترجمه جدید (NKJV)

c) کتاب مقدس *The New Revised Standard Version* (NRSV)

d) کتاب مقدس *Today's English Version* (TEV)

e) کتاب مقدس *The New Jerusalem Bible* (JB)

تقسیم‌بندی پاراگراف‌ها الهام نشده‌اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. به وسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از نظریه‌های متفاوت ترجمه و دیدگاه‌های مختلف علم الهی می‌باشند، می‌توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می‌گویند. این تفکر یکی‌کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می‌باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه‌ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگراف‌های اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب به صورت پاراگراف بندی این قدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطلبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

(۴) ترتیب یادداشت‌ها مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می‌شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشت‌ها از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم می‌کنند:

(a) ساختار ادبی

(b) بینشهای تاریخی و فرهنگی

(c) اطلاعات دستوری

(d) مطالعات واژه‌ای

(e) بخشهای موازی (مشابه یا مترادف) مربوطه

(۵) در بعضی مقاطع کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه New American Standard Version (بروز شده در ۱۹۹۵) به وسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

(a) کتاب مقدس (NKJV) The New King James Version که مطابق پیرو متن نسخ خطی «متن دریافتی» می‌باشد.

(b) ترجمه جدید (NRSV) The New Revised Standard Version که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیساها می‌باشد.

(c) ترجمه (TEV) The Today's English Version که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتاب مقدس آمریکا است.

(d) کتاب مقدس (JB) The New Jerusalem Bible که ترجمه‌ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.

(۶) برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک می‌کند:

(a) تفاوتها در متون خطی

(b) معانی جانشین واژگان

(c) متون و ساختار مشکل دستوری

(d) متون دارای چند معنی

اگر چه ترجمه‌های گوناگون به زبان انگلیسی نمی‌توانند برطرف کننده این مسائل باشند، ولی باعث می‌گردند تا برای مطالعه هر چه بیشتر و کاملتر مورد نظر قرار گرفته شوند.

(۷) در پایان هر فصل سوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده‌اند و در این سوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند.

کلام آغازین برای مطالعه سفر پیدایش ۱-۱۱

A. چگونه پیدایش ۱-۱۱ با علوم مرفقی غرب مرتبط است؟

۱. کاملاً مخالف

۲. کاملاً موافق

۳. از جهاتی شبیه به یکدیگرند

علم، روش تحقیقاتی دارد. پدیده‌ای پیشرفته دارد ولی همیشه در زیر سایه دانش، در حال تغییر است. دو وجهه خداوند بعنوان خالق و منجی، بوسیله ذات دو کتاب به یکدیگر متصل شده‌اند (مکاشفه طبیعی، مزامیر ۱۹: ۱-۶) و کتاب مقدس (مکاشفه ویژه، مزامیر ۱۹: ۷-۱۱). هر دو نوشته خداوند هستند! مخالفی در آن نیست!

B. چگونه پیدایش ۱-۱۱ با تاریخ مرفقی مرتبط است؟

۱. ژانرهای ادبی شرقی و غربی با یکدیگر متفاوت هستند. نه درست و نه غلط، نه حقیقت و نه خطا، ولی تفاوت دارند. پیدایش ۱-۱۱ تاریخ مقدماتی است. الهیات حیاتی است، ولی پوشیده است (الگوی ادبی خلاصه). محصور در میان ژانر ادبی، ژانر درام تاریخی، و به نوعی که گویی پایان تاریخ است (مکاشفه).

۲. مسیحیت، بعنوان یهودیت، تاریخ مبتنی بر مذهب می‌باشد. در طول رویدادهای تاریخی خود، سقوط و ظهور دارد. با این حال برخی از این رویدادها (همچون پیدایش ۱-۱۱) و رای درک ما می‌باشد، لذا به گونه‌ای نوشته شده‌اند که انسان‌ها قادر به درک آن باشند (مطابقت داده شده‌اند). بهیچوجه نمی‌توان قابل اطمینان بودن آن‌ها را به زیر سوال برد، اما به دلایل الهیاتی مهم هستند. انجیل به عمد بر روی آفرینش دوباره تمرکز کرده است نه بر آفرینش اولیه.

۳. پیدایش در قالب یک منبع تاریخی قرار گرفته است. با شروع فصل ۱۲، (الواح نوزی و ماری) می‌توانیم مدارک روشنی را با یک دوره تاریخ بی‌خدایی مرتبط نماییم. با اینحال، فصل‌های ۱-۳ و رای تاییدات تاریخی و مشخصه‌های ژانر آن هستند.

C. چگونه پیدایش ۱-۱۱ با ادبیات مرتبط است؟

۱. از منابع بین‌النهرینی با فصل‌های ۱-۲، ۳ و ۶-۹ موازات وجود دارد. اغلب واژه‌شناسی، جزئیات، و خط داستان آنها شبیه یکدیگر هستند. با اینحال، یکتاپرستی انجیل و کرامت انسانی آن منحصر بفرد است.

۲. حداقل دو خطر در مواجهه با انجیل بعنوان علم ادبی وجود دارد.

a. بعنوان ادبیات، روال استوره‌ای داشته و کاملاً از جنبه تاریخی بدور است.

b. بعنوان ادبیات، روال ادبی داشته، هیچ زبان تمثیلی در آن بکار برده نشده، فاقد ژانر شرقی بوده و جنبه دراماتیک ندارد.

خداوند خود را در مقاطع مختلف بر تاریخ و فرهنگ و از طریق گویش انسان، نمایان ساخت (بصورت کنایه، قیاس و حتی نفی). این امر کاملاً حقیقی و قابل اطمینان می‌باشد، ولی جامع نیست.

۳. آفرینش، مکاشفه‌ای حقیقی و در حال اجرا است. پیدایش ۱-۲ بسیار بنیادین هستند، اما مزامیر و عهد جدید برای دیدگاهی مناسب، قطعی می‌باشند. هر یک از این سه منبع به درک الهیاتی روش و قصد آفرینش اضافه می‌گردند.

D. چگونه پیدایش ۱-۱۱ را تفسیر کنیم؟

۱. چگونگی شروع اینکه چگونه همه چیز به پایان خواهد رسید، پوشیده است (پیدایش ۱-۱۱ و مکاشفه، ما با عینکی تیره به موضوعات می‌نگریم).

۲. ما به همه حقایقی که لازمه پاسخ به خداوند و درک کتاب مقدس است، دسترسی داریم. ولی آن حقایق قطعی و جامع نیستند. ما به لحاظ الهیاتی انتخاب شده‌ایم و رویدادها برایمان ترجمه شده‌اند.

۳. پیدایش ۱-۱۱ را باید در قالب‌های زیر بنگریم:

a. ژانر ادبی

b. الهیات تاکیدی

c. رویدادهای تاریخی

d. فرهنگ/علوم/تعصب غربی

۴. انسان‌های سقوط کرده همگی در مقابل انجیل ایستاده (مکاشفه خداوند) و بوسیله او قضاوت خواهند شد. این خارج از اراده و قابلیت‌های ماست، ولی باید آن را درک کرده تا بتوانیم عکس‌العمل مناسب را در برابر آن نشان دهیم. افراد ایماندار این امر را بگونه‌های مختلف تفسیر می‌کنند (برخی خیلی ضعیف)، اما همگی برای حقیقتی که درک کرده‌اند، احساس مسئولیت می‌کنند. این امر خداوند را عیان می‌کند؛ انسان شورشی را عیان می‌کند؛ رستگاری الهی را عیان می‌کند. ابدیت ما ارتباط مستقیم با این حقایق دارد، نه چگونگی آفرینش و رویدادهای سفر آفرینش ۱-۱۱. در وحله اول چه کسی و چرا، که بسیار مهم می‌باشند. خداوند به همه ما را قرین رحمت خویش کند (که کرده است)!

مقدمه‌ای در باب پیدایش

I. نام کتاب

- A. در زبان عبری (متون مازراتی) برشیت (*bereshith*) اولین کلمه کتاب است، "در آغاز" یا "در آغازین راه".
B. در نسخه یونانی (ترجمه سپتاجینت)، کلمه *Genesis* نوشته شده که معنای "آغاز" یا "اصل" داشته و برگرفته شده از پیدایش ۴: ۲ الف بود. این نکته می‌تواند کلمه "کلیدی" نویسنده برای پیوند دادن بیوگرافی‌های الهیاتی به یکدیگر، آنچنان که نویسندگان به خط میخی می‌نوشتند بوده باشد. عملکرد این اصطلاح کلیدی در غالب یک جمع‌بندی ارزیابی می‌شود نه بعنوان مقدمه.

II. تشریح

- A. این اولین باب از فصل اول نسخه عبری می‌باشد که "تورات" یا "آموزه‌ها" و یا "قانون" نام دارد.
B. در نسخه سپتاجینت یونانی، این فصل بعنوان اولین کتاب از کتب پنجگانه شناخته شده است.
C. گاهی در زبان انگلیسی "پنج کتاب موسی" نیز نام گرفته شده است.
D. دواریم در کتاب پیدایش ادامه آنچه است که موسی در باب خلقت و در طول زندگی موسی توسط وی ویرایش گردید.

III. ژانر

- A. کتاب پیدایش در حله اول الهیاتی تاریخی بوده اما در عین حال شامل گونه‌های دیگری از ژانر ادبی نیز می‌شود:
B. درام تاریخی - بعنوان مثال: ۱: ۱-۳
C. شعر - بعنوان مثال: ۲: ۲۳، ۴: ۲ و ۸: ۲۲
D. پیشگویی: ۳: ۱۵، ۱: ۴۹

IV. تالیف

- A. کتاب مقدس بخودی خود نامی از نویسنده خود نمی‌آورد. در هیچ کجای کتاب پیدایش کلمه "من" به شیوه‌ای که در عزرا یا نحیمیا آمده و یا کلمه "ما" در اعمال، استفاده نشده است.

B. سنت یهودی

- (۱) نویسندگان یهودی عهد باستان که معتقدند موسی نگارنده کتاب است:
a. کتاب *Ecclesiasticus* نوشته بن سیرا آیه ۲۴: ۲۳ حدوداً ۱۸۵ سال قبل از میلاد مسیح نوشته شده است.
b. *Baba Bathra* ب ۱۴ (آخرین دروازه)، یکی از اجزای تلمود است.
c. فیلو آلکساندریه، در مصر، فیلسوفی یهودی بود که در حدود سال‌های ۲۰ قبل از میلاد تا ۴۲ سال بعد از میلاد مسیح می‌زیست.
d. فلاویوس ژوزفوس، مورخ یهودی که بین سال‌های ۳۷ تا ۷۰ بعد از میلاد مسیح می‌زیست.

(۲) این کتاب به موسی نازل شده بود.

- a. گفته شده است که موسی این کتاب را برای مردم نوشته است:

(۱) خروج ۱۷: ۱۴

(۲) خروج ۲۴: ۴، ۷

(۳) خروج ۳۴: ۲۷، ۲۸

(۴) اعداد ۳۳: ۲

(۵) تثنیه ۳۱: ۹، ۲۲، ۲۴-۲۶

- b. گفته می‌شود که خداوند از طریق موسی با مردم سخن گفته است:

(۱) تثنیه ۵: ۴-۵، ۲۲

(۲) تثنیه ۶: ۱

(۳) تثنیه ۱۰: ۱

- c. گفته می‌شود که موسی از کلام تورات با مردم سخن گفته است.

(۱) تثنیه ۱: ۱، ۳

(۲) تثنیه ۵: ۱

(۳) تثنیه ۲۷: ۱

۴) تثنيه ۲۹: ۲

۵) تثنيه ۳۱: ۱، ۳۰

۶) تثنيه ۳۲: ۴۴

۷) تثنيه ۳۳: ۱

۳) نگارندگان عهد عتیق آن را از صفات موسی می دانستند:

a. یوشع ۸: ۳۱

b. دوم پادشاهان ۱۴: ۶

c. عزرا ۶: ۱۸

d. نحمیا ۸: ۱، ۱۳: ۱-۲

e. دوم تواریخ ۲۵: ۴، ۳۴: ۱۲، ۳۵: ۱۲

f. دانیال ۹: ۱۱

g. ملاکی ۴: ۴

C. سنت مسیحی

۱. عیسی نقل قول هایی از تورات به موسی می آورد:

a. متی ۸: ۴، ۱۹: ۸

b. مرقوس ۱: ۴۴، ۷: ۱۰، ۱۰: ۵، ۱۲: ۲۶

c. لوقا ۵: ۱۴، ۱۶: ۳۱، ۲۰: ۳۷، ۲۴: ۲۷، ۴۴

d. یوحنا ۵: ۴۶-۴۷، ۷: ۱۹، ۲۳

۲. دیگر نویسندگان عهد جدید نیز نقل قول هایی از تورات به موسی می آورند:

a. لوقا ۲: ۲۲

b. اعمال ۳: ۲۲، ۱۳: ۳۹، ۱۵: ۱، ۲۱-۱۵، ۲۶: ۲۲، ۲۸: ۲۳

c. رومیان ۱۰: ۵ و ۱۹

d. اول قرنطیان ۹: ۹

e. دوم قرنطیان ۳: ۱۵

f. عبرانیان ۱۰: ۲۸

g. مکاشفه ۱۵: ۳

۳. بیشتر رهبران کلیسای اولیه، موسی را بعنوان نویسنده اصلی تورات پذیرفته اند. با اینحال، ایرنئوس، کلمنت اسکندریه، اورینگن و ترتولیان همگی ارتباط موسی با شکل کنونی کتاب پیدایش را به زیر سوال برده اند.

D. دانش امروزی

۱. مشخص است که در مواردی، بخش هایی به تورات اضافه شده (احتمالاً برای اینکه کارهای دوران باستان برای خوانندگان نسل های روز، قابلیت فهم و درک بیشتری داشته باشد که البته این کار از شاخصه های کاتبین مصری می باشد):

a. پیدایش ۱۲: ۶، ۱۳: ۷، ۱۴: ۱۴، ۲۱: ۳۴، ۳۲: ۳۲، ۳۶: ۳۱، ۴۷: ۱۱

b. خروج ۱۱: ۳، ۱۶: ۳۶

c. اعداد ۱۲: ۳، ۱۳: ۲۲، ۱۵: ۲۳-۲۲، ۲۱: ۱۴-۱۵، ۳۲: ۳۳

d. تثنيه ۳: ۱۴، ۳۴: ۶

کاتبین باستان بسیار تحصیلکرده و آموزش دیده بودند. با این همه، روش های آنان کشور به کشور متفاوت بود.

۱) در بین النهرین آنان بسیار محتاط بودند تا تغییری بوجود نیاورند، و حتی کارهایشان را با دقت بسیار بازبینی می کردند. به یک نمونه از پانویس سامری باستانی متعلق به حدود ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح توجه بفرمایید: "کار از ابتدا تا انتها تکمیل شده، نسخه برداری شده، مورد تجدید نظر قرار گرفته، مقایسه شده و در نهایت علامت به علامت تایید گردیده است."

۲) آنان در مصر متون قدیمی را برای خوانندگان همان دوران مورد بازبینی و بروزرسانی قرار می‌دادند. کاتبین قمران (کتیبه‌های دریای سیاه) نیز همین رویه را ادامه دادند.

۲. دانشمندان قرن نوزدهم معتقد بودند که تورات مجموعه‌ای از مدارک مدون از منابع متعدد است که در دراز مدت گردآوری شده است (گراف-ولهاوزن). این نظریه براساس موارد زیر استوار بود:

a. نام‌های متعدد خداوند

b. دو بیته‌های متعدد در متون

c. شکل ادبیات کاتبین

d. الهیات کاتبین

۳. تواریخ و منابع تخمینی:

a. منبع J (استفاده از یهوه در جنوب اسرائیل) - ۹۵۰ سال پیش از میلاد

b. منبع E (استفاده از الوهیم در شمال اسرائیل) - ۸۵۰ سال پیش از میلاد

c. تلفیق JE - ۷۵۰ سال پیش از میلاد

d. منبع D (کتاب قانون، دوم پادشاهان ۲۲: ۸، که در دوره اصلاحات یوشیا در هنگام بازسازی معبد که احتمال می‌رود کتاب تثنیه بوده، و توسط کشیشی گمنام در آن زمان نوشته شده بود، کشف شد.

e. منبع P (عهد عتیق نوشته شده توسط یک کشیش ماهر، بویژه در آیین‌ها و روش‌ها) - ۴۰۰ سال پیش از میلاد

f. بوضوح در مواردی، بخش‌هایی به تورات اضافه شده است. یهودیان اذعان داشته‌اند که:

(۱) این کار توسط یک کشیش رده بالا (و یا یکی از اعضای خانواده اش) در هنگام نگارش اتفاق افتاده

(۲) توسط جرمیای پیامبر صورت پذیرفته

(۳) عزرای کاتب - ادراک پنجم می‌گوید که این اضافات توسط وی انجام شده و دلیل آن را نابودی نسخه‌های اصلی در هنگام سقوط اسرائیل در ۵۸۶ پیش از میلاد عنوان می‌کند.

g. با اینحال، نظریه J.E.D.P اطلاعات بیشتری درباره نظریه‌های ادبی و دسته‌بندی‌های امروزی به ما می‌دهد تا شواهدی که درباره تورات در کتاب "Introduction to the Old Testament" نوشته آر. ک. هریسون ص. پ ۴۹۵-۵۴۱ و کامنتاری‌های تاینیدیل در کتاب "Leviticus" پ. ص ۱۵-۲۵ آورده شده است.

h. شخصیت‌پردازی ادبیات عبری

(۱) دو بیته، همچون پیدایش ۱ و ۲، در زبان عبری رایج است. معمولاً بدنبال یک حکایت مشخص، توضیحی کلی داده می‌شود (مانند ده فرمان و رمز مقدس). این کار می‌تواند راهی برای تاکید بر حقیقت و یا کمک به حافظه شفاهی تلقی گردد.

(۲) عالمن یهودی دوره باستان دو نام رایج برای خداوند را در کتب الهیاتی خود آورده‌اند:

a) یهوه - نام وعده داده شده برای خدا در زمانی که وی بعنوان نجات‌دهنده اسرائیل ظاهر می‌گردد (مزمور ۱۹: ۷-۱۴؛ ۱۰۳).

b) الوهیم - بعنوان خالق، فراهم‌کننده و پایدارکننده زندگی بر روی زمین (مزمور ۱۹: ۱-۶؛ ۱۰۴).

سایر متون باستانی شرق نزدیک اسامی متعددی برای توصیف خداوند استفاده کرده‌اند ("Encyclopedia of Bible Difficulties" نوشته گلیسان ل. آرچر ص. ۸۶).

(۳) به منظور حفظ یکپارچگی ادبی آثار در ادبیات شرق نزدیک، استفاده از مدل‌ها و واژه‌های متعدد غیرانجیلی بسیار رایج بود ("Introduction to the Old Testament" نوشته آر ک هریسون، ص ص ۵۲۲-۵۲۶).

E. شواهدی از ادبیات باستانی شرق نزدیک نشان می‌دهد که موسی از خط میخی و سنت‌های شفاهی مدل بین‌النهرینی انتقال داده شده برای نگارش پیدایش استفاده کرده بود. چنین چیزی بهیچوجه به معنی کمرنگ شدن نقش الهام نیست، ولی رویکردی است برای توضیح کتاب ادبی پیدایش (*New Discoveries in Babylonia about Genesis* نوشته پی جی پایزمن). شروع در پیدایش ۳۷، مدل، قالب و لغتنامه‌ای مشهود نشأت گرفته شده از مصریان، نشان از آن دارد که موسی یا از ادبیات مکتوب و یا سنت‌های شفاهی دوران تحت سلطه اسرائیل در مصر و بین‌النهرین استفاده کرده بود. تحصیلات رسمی موسی کاملاً در مصر انجام پذیرفت. اما نحوه شکل‌گیری دقیق پنج کتاب تورات مشخص نیست. من معتقدم که موسی گردآورنده و نگارنده بخش اعظم کتب پنجگانه است، با این که وی ممکن است از کاتبین و/یا مکتوبات و سنت‌های شفاهی نیز استفاده کرده باشد. بعدها نوشته‌های وی توسط کاتبین بروزرسانی گردید. اعتبار تاریخی این پنج کتاب عهد عتیق توسط باستان‌شناسان امروزی مورد تایید قرار گرفته است.

F. نظریه جدیدی در حال ظهور است که اعتقاد دارد کاتبینی (در نقاط مختلف اسرائیل) هم زمان زیر نظر و هدایت ساموئیل بر روی این پنج کتاب کار می‌کردند (ساموئیل ۱۰: ۲۵). این نظریه ابتدا توسط ای. رابرتسون در کتاب *The Old Testament Problems* ارائه گردید.

V. تاریخ

A. پیدایش دوره‌ای از خلقت جهان هستی را نسبت به خانواده ابراهیم پوشش می‌دهد. این امکان وجود دارد که خانواده ابراهیم در آن زمان از افراد بی‌دین روزگار خود بوده باشند. تاریخ تخمینی آن بازمی‌گردد به ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، در نیمه دوم قرن پیش از میلاد. بر این اساس

۱. پدر نقش کشیش را برای خانواده داشت (همچون شغل)
۲. زندگی آنان بصورت قبیله‌ای و عشیره‌ای بود
۳. مهاجرت مردم سامی در این دوران اتفاق افتاد

B. وقایع اولیه پیدایش ۱-۱۱ همگی رویدادهای واقعی تاریخی هستند (همچون یک داستان تاریخی) اما با توجه به دانش امروزی ما قابل تاریخ‌گذاری نیستند.

۱. شخصا به این نتیجه رسیده‌ام که زمین میلیاردها سال قدمت دارد (طبق گفته هیو راس در کتاب *The Genesis Question* و *Creation and Time*، ۱۴/۶ میلیارد سال برای کهکشان و ۴/۶ میلیارد سال برای زمین).
۲. در عین حال به خلقت ویژه آدم و حوا در زمان‌های دیگری نیز اعتقاد دارم. بنظرم می‌رسد که پیدایش در قالب یک کارگروه تاریخی معرفی گردیده است، ولی جنبه تاریخی آن در ابتدا مبهم است (پیدایش ۳-۱). فرزندان آدم و حوا تمدن بین‌النهرین را بوجود آوردند (فصل ۴). اگر این کار گروه مبنا قرار گرفته شود، بنابراین آدم یک بشر پیشرفت محسوب می‌گردد نه انسانی که تازه برای راه رفتن قد راست کرده باشد (اشاره به فرضیه داروین). اگر چنین چیزی صحت داشته باشد، بنابراین انقلاب بزرگی در تکامل انسان محسوب خواهد گردید (*OT Commentaries* نوشته تاینیدیل، *Genesis* نوشته کیندر و *Who was Adam* نوشته فاضل رعنا و هیورراس) همانطور که خلقت ویژه توسط پروردگار در نقطه‌ای دیگر از زمان اتفاق افتاد. این موضوع چندان مورد قبول من نیست، ولی در حال حاضر و با توجه به دانش و درک فعلی من از کتاب مقدس و علوم، بهترین نظری است که می‌توانم ارائه کنم.
۳. هنگام مطالعه کتاب پیدایش، باید به یاد داشت که وقایع تاریخی توسط موسی که قوم خداوند را به خارج از مصر هدایت کرد، (۱) یا در ۱۴۴۵ سال پیش از میلاد طبق گفته اول پادشاهان ۶: ۱، و یا ۱۲۹۰ سال پیش از میلاد بر اساس شواهد باستانشناسی جدید، ثبت گردیده است. بنابراین چه بر اساس سنت‌های شفاهی، منابع ناشناخته مکتوب، یا وحی الهی، موسی با تمرکز بر "چه کسی" و "چرا"، نه "چطور" و "چه زمانی"، "چگونه همه چیز شروع شد" را ثبت کرد!
۴. من این تفسیر (پیدایش ۱۱-۱) را در سال ۲۰۰۱ نوشتم. به شدت درگیر ارتباط دادن میان اول پیدایش و فرهنگ غربی امروز خود بودم. در سال ۲۰۰۹ کتابی از جان اچ. والتون بنام *The Lost World of Genesis One* به من کمک کرد تا دریابم چقدر تحت تاثیر محیط زمانه خودم قرار داشتم. معتقدم که یک تفسیر مناسب با نیت اصلی نویسنده بوجود می‌آید اما برای من روشن شده است که نظریه تفسیری من بر تجربه غلبه داشت. کتاب والتون یک تغییر پارادایم فکری درباره اول پیدایش برای من بود. حقیقتا چشم‌هایم را باز کرد. من را متقاعد کرد که به شیوه‌ای جدید این متن حیاتی را که از مباحثه در مورد علم در تقابل ایمان، زمین قدیم در تقابل زمین جوان و تکامل در تقابل با آفرینش موجودات عبور کرده، مشاهده کنم. مطالعه این کتاب را به شما توصیه می‌کنم.

VI. منابعی در تایید مولفه‌های تاریخی

A. سایر کتاب‌های انجیلی

۱. آفرینش-مزمور ۸: ۱۹؛ ۳۳؛ ۵۰؛ ۱۰۴؛ ۱۴۸ و عهد جدید (یوحنا ۱: ۳؛ اول قرنطیان ۸: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ عبرانیان ۱: ۲)
۲. دوران ابراهیم - ایوب

B. منابع باستانشناسی

۱. ابتدایی‌ترین ادبیات شناخته شده موازی با ساختار فرهنگی پیدایش ۱-۱۱ لوح‌های نوشته شده به خط میخی ابلا از شمال سوریه به تاریخ تقریبی ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در دوره اکادادیان است.
۲. آفرینش

a. نزدیک‌ترین حکایات بین‌النهرینی که با آفرینش آمیختگی داشت، انوما البش بود به تاریخ (۱) با استناد به NIV Study Bible، حدود ۱۹۰۰ تا ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، و یا (۲) کتاب *Ancient Israelite Literature in its Cultural Context* نوشته جان اچ. والتون ص. ۲۱، در حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح. این نسخه در کتابخانه پادشاه آشوری در نینوا پیدا شد و چندین نسخه دیگر نیز در مکان‌های دیگری یافت گردید. هفت لوح میخی نیز نوشته شده به زبان آکادادیان وجود دارد که آفرینش را توسط مردوک، از خدایان بابلی در بین‌النهرین تعریف می‌کنند.

(۱) خدایان، *Apsu* (آب تازه-مذکر) و *Tiamat* (آب شور-مونث) فرزندان شرور و پر سر و صدایی داشتند. این دو خدا همواره سعی در آرام کردن خدایان جوان‌تر داشتند.

(۲) یکی از فرزندان *Enma* و *Damkina*، *Marduk* (خدای بالاتر شهر بابل)، تیامات را شکست داد. از بدن تیامات، زمین و آسمان را شکل داد.

(۳) اما انسان را از خدای شکست خورده دیگری بنام *Kigu* آفرید. کینگو حاصل تیامات پس از مرگ آپسو بود. انسان از خون کینگو بوجود آمد.

(۴) *Marduk* خدای اصلی زیارتگاه‌های بابلیان گردید.

b. نشان آفرینش "لوح میخی" است که تصویر یک مرد و زن برهنه در کنار درخت میوه‌ای با یک مار پیچیده شده بدور تنه درخت به گونه‌ای بر روی شانه زن قرار داده شده که تداعی کننده صحبت با زن می‌باشد.

آلفرد جی. هورت، پروفیسور باستانشناس محافظه کار کالج ویتون، معتقد است که این نشان امروزه در اشاره به فاحشه‌گری ترجمه می‌گردد. مثال خوبی است که بدانیم چگونه صنایع دستی بجا مانده از گذشته، مطابق سلیقه افراد در گذر زمان تعبیر و ترجمه گردیده‌اند. این قطعه مدرک بجا مانده باید دوباره مورد ارزشیابی قرار گیرد.

۳. آفرینش و سیل - (*The Atrahasis Epic*) آتراهاسیس، حماسه‌پرداز دوره بابل در بین‌النهرین که حدود ۱۸ قرن پیش از میلاد مسیح می‌زیست، خدایان کمتری را ثبت کرده بود و علت آن را سخت‌کوشی و آفریدن هفت زوج انسان (از خون، بزاق و خاک رس) می‌دانست. این انسان‌ها وظیفه داشتند تا امر خدایان را اطاعت کنند. وی معتقد بود نابودی بشر آن زمان دو دلیل داشت: (۱) ازدیاد جمعیت و (۲) آلودگی صوتی. جمعیت نوع بشر آن زمان بدلیل طاعون، دو دوره قهطی پشت سر هم و سیر رو به کاستی گذاشته بود. این بلاها از طرف انلیل (*Enlil*) خدای سومر نازل گردیده بود. در آن زمان آتراهاسیس قایقی ساخت و حیوانات را به منظور دور نگهداشتن از سیل، سوار آن کرد. این دو رویداد در کتاب پیدایش ۸-۱ آورده شده است. تاریخ این سنگ‌نوشته میخی همزمان با *Enuma Elish* و *Gilgamesh Epic*، به ۱۷۰۰ تا ۱۹۰۰ سال پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد. همگی در دوره آکادادیان بودند.

۴. طوفان نوح

a. یک لوح سومری از نیپور بنام *Eridu Genesis* و به تاریخ حدودی ۱۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، از طوفانی پیش رو و *Ziusudra* سخن گفته بود.

(۱) *Enka*، خدای آب به زیوسودرا درباره وقوع سیلی عظیم هشدار داده بود.

(۲) *Ziusudra*، پادشاهی روحانی بود که به الهامی که به وی گردیده بود باور داشت لذا قایق مربع شکل بزرگی ساخته و آن را از انواع آذوقه پر نمود.

(۳) سیل به بوقوع پیوست و هفت روز به درازا کشید.

(۴) سپس *Ziusudra* پنجره‌ای در قایق باز نمود و پرندگان زیادی را به بیرون از قایق راند. وی از این طریق می‌خواست بداند که آیا پرندگان زمین خشکی می‌یابند یا خیر.

(۵) سپس پس از خروج از قایق، گاو و گوسفندی را قربانی نمود.

b. چهار سنگ‌نوشته سومری بنام *Gilgamesh Epic* نیز از یک سیل در بابل یاد کرده‌اند که قدمت آن به ۲۵۰۰ تا ۲۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد. لازم به ذکر است که شکل نگارش خط میخی آن شبیه به انواع مشابه در ۱۷۰۰ تا ۱۹۰۰ سال پیش از میلاد است. در این ماجرا از بازمانده‌ای بنام *Utnapishtim* یاد شده که به گیلامش، خدای *Uruk* درباره نجات خود از سیل عظیم می‌گوید و اینکه چگونه به زندگی ابدی دست یافته است.

(۱) *Ea* خدای آب نیز درباره سیلی عظیم هشدار داده و به *Utnapishtim* (خدای بابل شبیه زیوسودرا) می‌گوید که قایقی بسازد.

(۲) *Utnapishtim* و خانواده‌اش، به‌همراه گیاهانی که خواص درمانی داشتند، از سیل نجات یافتند.

(۳) این سیل پس از هفت روز پایان یافت.

۴) سپس قایق در بخش شمالی ایران بر روی کوه نیشیر به گل نشست. (این کوه در تقسیم‌بندی‌های امروزی در کردستان عراق واقع شده است).

۵) وی سه گونه پرندۀ مختلف را برای یافتن زمین خشک به پرواز درآورد.

۵. مکتوبات بین‌النهرینی نیز از یک سیل باستانی سخن گفته‌اند که همگی از یک منبع ترسیم شده‌اند. اسامی مختلفی برای آن بکار برده شده اما همگی یک رویداد را نشانۀ گرفته‌اند. بعنوان مثال، *Zivusudra, Atrahasis* و *Utnapishtim* همگی معرف نام یک پادشاه هستند.

۶. همبستگی تاریخی با رویدادهای اولیه در سفر پیدایش را می‌توان در پرتو دانش بشر و تجربیات او با خداوند (پیدایش ۱-۱۱) توصیف کرد. نمونه‌های مشابه سیل در این خاطرات تاریخی واقعی، به دقت شرح داده شده و در علم اسطوره‌شناسی ثبت شده‌اند. نه تنها در آفرینش (اول و دوم پیدایش) و سیل (پیدایش ۹-۶)، بلکه همین وصف را می‌توان در اتحادهای بوجود آمده بین انسان و فرشتگان تعمیم داد.

۷. دوران پاتریارک (واژه‌ای یونانی به معنای شیوخ و نامی است که در تورات به نخستین رؤسای خانواده‌ها می‌دادند)

a. لوح مریم، خط میخی رسمی (فرهنگ آمونیت) و مکتوبات شخصی در دوره آکادادیان‌ها از حدود ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح.

b. لوح نوزی، به خط میخی و آرشو خانواده‌ها (فرهنگ هوریت یا هوریان) نوشته شده به زبان آکادادیان‌ها، در مکانی حدود ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی نینوا در ۱۵۰۰ تا ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح. آنان تمام امورات خانوادگی و تجاری خود را ثبت می‌کردند. برای اطلاعات بیشتر به کتاب *Ancient Israelite Literature in its Cultural Context* نوشته جان اچ. والتون، ص. ۵۲ تا ۵۸ مراجعه فرمایید.

c. لوح‌های آللاک، متون میخی از شمال سوریه به تاریخ حدودی ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد

d. برخی اسامی که کتاب پیدایش یافت شده است حکایت از مکانی دارند که در لوح مریم به نام آن اشاره شده: سروگ، پلگ، تراخ و ناهور. سایر اسامی انجیلی نیز مشابه هستند: ابراهیم، اسحاق، یعقوب، لابان و یوسف. این امر نشان می‌دهد که مکانی و زمان اسامی آورده شده در کتاب مقدس یکی هستند.

۸. "مطالعات مقایسه‌ای تاریخی نشان می‌دهد که در کنار هیتیان، عبرانیان باستان شناخته شده‌ترین، مسئول و واقع‌گرایانه‌ترین وقایع را در تاریخ شرق نزدیک به ثبت رسانیده‌اند." نقل از کتاب *Biblical Criticism* صفحه ۵، نوشته آر. ک. هریسون.

۹. علم باستان‌شناسی ثابت کرده که کمک مفیدی در تاریخ‌گذاری انجیل بوده است. با اینحال، ذکر محتاطانه یک نکته ضروری است. علم باستان‌شناسی راهنمای قطعی در این مورد بشمار نمی‌رود، بدلیل

a. فنون ضعیف در حفاری‌های اولیه

b. تعدد زیاد ترجمه‌های بدست آمده از الواح دست‌ساز

c. عدم وجود توافق در تاریخ‌گذاری وقایع باستانی شرق نزدیک

C. حکایات آفرینش مصریان را در کتاب *Ancient Israelite Literature in Its Cultural Context* نوشته جان اچ. والتون صفحات ۲۳-۲۴ و ۳۲-۳۴ می‌توانید مطالعه نمایید (Grand Rapids, MI: Zondervan, 1990).

۱. در ادبیات مصریان، آفرینش با آبی پر سر و صدا شروع شد. آنان آفرینش را بصورت تپه‌ای که از آب سر برآورده می‌دیدند.

۲. در متون ادبی بجا مانده از ممفیس، آفرینش با گفتار پتاح، خالق شهر ممفیس نماد پیدا کرده بود.

۳. هر کدام از شهرهای بزرگ مصر باستان، دارای سنت‌های جداگانه‌ای بودند که بر خدایان حامی خود تاکید داشتند.

D. کتابی از جان اچ. والتون بنام *The Lost World of Genesis One* چاپ سال ۲۰۰۹، ارتباط بین باورهای شرق نزدیک باستان درباره خدا و جهان هستی را بشکلی جدید به تصویر می‌کشد. وی تسریح می‌کند (من هم موافقم) که زیاد مهم نیست چه کسی نسخه‌برداری از الگوی دیگری کرده است، ولی توافق کلی و اتفاق نظر فرهنگی بر سر وحدت "طبیعی" و "نیروی ماورالطبیعه" در شرق نزدیک باستان، وجود دارد. این نقطه نظر عمومی در تمامی فرهنگ‌ها مشترک است. اسرائیل نیز به لحاظ توحیدی بسیار خاص بود ولی همان ویژگی فرهنگی در خود داشت.

VII. واحدهای ادبی (متن)

A. طرح کلی استفاده از عبارت "نسل‌های" توسط موسی (*Toledoth*)

۱. ریشه‌های بهشت و زمین، ۱: ۱-۲: ۳

۲. ریشه‌های انسانیت، ۲: ۴-۴: ۲۶

۳. نسل آدم، ۵: ۱-۶: ۸

۴. نسل نوح، ۶: ۹-۹: ۱۷

۵. نسل پسران نوح، ۱۰: ۱-۱۱: ۹
۶. نسل سام ۱۱: ۱۰-۲۶
۷. نسل تارح (ابراهیم) ۱۱: ۲۷-۲۵: ۱۱
۸. نسل اسماعیل ۲۵: ۱۲-۱۸
۹. نسل اسحاق ۲۵: ۱۹-۳۵: ۲۹
۱۰. نسل عیسو ۳۶: ۱-۸
۱۱. نسل پسران عیسو ۳۶: ۹-۴۳
۱۲. نسل یعقوب ۳۷: ۱-۵۰-۲۶ (شماره‌های ۱ تا ۱۱ از پیش زمینه ادبی بین‌النهرینی برخوردار هستند ولی از شماره ۱۲ یک رایحه ادبی مصری به مشام می‌رسد).

B. موضوعات الهیاتی

۱. آفرینش برای بشر و از سوی بشر، ۱-۲
 ۲. بشر و زوال آفرینش، ۳
 ۳. علل زوال، ۴-۱۱
 - a. تاثیرات شیطانی قائن و خانواده اش
 - b. تاثیرات شیطانی شیث و خانواده اش
 - c. تاثیرات شیطانی همه آنان
 - d. سیل بزرگ
 - e. حضور شیطان در خانواده نوح
 - f. بشر در حال شورش، برج بابل
 - g. پراکندگی حضور خدا
 ۴. یک انسان برای جامعه بشری (۳: ۱۵)، ۱۲-۵۰ (رومیان ۵: ۱۲-۲۱)
 - a. ابراهیم (۱۲: ۱-۳)، ۱۱: ۲۷-۲۳: ۲۰
 - b. اسحاق، ۲۴: ۱-۲۶: ۳۵
 - c. یعقوب، ۲۷: ۱-۳۶: ۴
- (۱) یهودا (هم ردیف مسیحا)
(۲) یوسف (میراث زمین را دو برابر کرد)، ۳۷: ۱-۵۰: ۲۶

VIII. حقایق اصلی

- A. همه چیز چگونه شروع گردید؟
 ۱. همه چیز با خداوند شروع شد (پیدایش ۱-۲). کتاب مقدس نگرش جهانی توحیدی دارد نه چندگانه. تمرکز آن بر چگونگی آفرینش نیست بلکه بر آفریدگار آن متمرکز است. ارائه‌ای بسیار قوی و موثر ولی در عین حال مختصر دارد. با وجود استفاده از برخی لغات، رویدادها و موضوعاتی که در دیگر ادبیات منطقه بین‌النهرین یافت شد، اما الهیات کتاب مقدس در زمان خودش منحصر بفرد بوده است.
 ۲. خداوند به مشارکت بندگانش نیاز داشت. مرحله آفرینش برای خدا فقط یک صحنه از مشارکت با انسان بود. بقول C. S. Lewis، زمین یک سیاره مورد عنایت واقع شده است.
 ۳. بدون سفر پیدایش ۱، ۲-۴ و ۱۱-۱۲، بهیچوجه امکان درک بقیه کتاب مقدس وجود ندارد.
 ۴. آدمی باید برای درک خواست خداوند، با تکیه بر ایمان خویش واکنش نشان دهد (پیدایش ۱۵: ۶ و رومیان ۴).
- B. چرا جهان تا این اندازه بد و بی‌انصاف است؟ همه چیز خیلی خوب بود (۱: ۳۱) تا اینکه آدم و حوا به گناه آلوده شدند (پیدایش ۳: رومیان ۳: ۹-۱۸ و ۲۳: ۵: ۱۷-۲۱). نتیجه وحشتناک، کاملاً مشهود است:
 ۱. قائن، هابیل را کشت (فصل ۴)
 ۲. لمک انتقام گرفت (۴: ۲۳)
 ۳. اتحادهای بی‌قاعده (۶: ۱-۴)
 ۴. شرارت انسان (۶: ۵، ۱۱-۱۲: ۸: ۲۱)

۵. مستی نوح (۹)

۶. برج بابل (۱۱)

۷. چندگانگی اور (۱۱)

C. چگونه خداوند همه چیز را ترمیم خواهد کرد؟

۱. مسیح برای تمام نوع بشر خواهد آمد (۳: ۱۵)

۲. خداوند یک نفر را فراخواند تا وی تمام مردم را فرا بخواند (پیدایش ۱۲: ۱-۳ و خروج ۱۹: ۵-۶، رومیان ۵: ۱۲-۲۱)

۳. خداوند تمایل به کار با جامعه انسانی سقوط کرده دارد (آدم، حوا، قاتن، نوح، ابراهیم، یهودیان و امت‌ها) و این فضل اوست که همه چیز را

مهیا می‌کند.

a. پیمان‌ها

b. میثاق‌ها (با شرط و بدون شرط)

c. از خودگذشتگی‌ها

d. پرستش

مطالعه حلقه اول (صفحه vi را بخوانید)

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در پرتو آن حرکت کنیم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.

۲. نوع ادبیات

مطالعه حلقه دوم (صفحات vi-vii را بخوانید)

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در پرتو آن حرکت کنیم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جمله مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و غیره

پیدایش ۱: ۱-۲: ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
آفرینش (۱: ۱-۲: ۳)	تاریخ آفرینش (۱: ۲-۲: ۷)	داستان آفرینش (۱: ۱-۲: ۴ الف)	داستان آفرینش (۱: ۱-۲: ۴ الف)	آفرینش جهان هستی (۱: ۱-۲: ۱۵)
۱: ۱-۵	۱: ۱-۵	۱: ۱-۵	۱: ۱-۵	۱: ۱-۲ ۱: ۳-۵
۱: ۶-۸	۱: ۶-۸	۱: ۶-۸	۱: ۶-۸	۱: ۶-۸
۱: ۹-۱۳	۱: ۹-۱۳	۱: ۹-۱۳	۱: ۹-۱۳	۱: ۹-۱۰ ۱: ۱۱-۱۳ (۱۵)
۱: ۱۴-۱۹	۱: ۱۴-۱۹	۱: ۱۴-۱۹	۱: ۱۴-۱۹	۱: ۱۴-۱۹
۱: ۲۰-۲۳	۱: ۲۰-۲۳	۱: ۲۰-۲۳	۱: ۲۰-۲۳	۱: ۲۰-۲۳
۱: ۲۴-۲۵	۱: ۲۴-۲۵	۱: ۲۴-۲۵	۱: ۲۴-۲۵	۱: ۲۴-۲۵
۱: ۲۶-۳۱	۱: ۲۶-۲۸ (۲۷)	۱: ۲۶-۳۱	۱: ۲۶-۲: ۴ الف	۱: ۲۶-۲۷ ۱: ۲۶-۳۱
آفرینش زن و مرد ۲: ۱-۳	۱: ۲۹-۳۱ ۲: ۱-۳ ۲: ۴-۷	۲: ۱-۳ ۲: ۴		۲: ۱-۳

مطالعه حلقه سوم

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

* اگرچه الهامبخش نیستند، اما تقسیمات هر پاراگراف کلید درک و پیگیری اهداف اصلی نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم‌بندی آیه است.

در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگراف‌ها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در بخش پیوست‌های یک، دو، سه و چهار توضیح داده شده‌اند.

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. غیره

اظهارات آغازین

A. مطالعه پیدایش ۱-۱۱ به دلایل زیر دشوار است:

۱. همگی ما تحت تاثیر فرهنگ‌ها و باورهای مذهبی خود هستیم
۲. امروزه آگاهانه یا ناآگاهانه، فشارهای متعددی بر روی نگاه ما به شروع آفرینش وارد می‌شود

a. علم باستانشناسی مدرن

b. علوم پیشرفته (تئوری‌های فعلی)

c. تاریخچه تفسیر

(۱) یهودیت

(۲) کلیسای اولیه

۳. این شروع کتاب مقدس را بعنوان تاریخ معرفی می‌کند، ولی موارد متعددی باعث شگفتی مفسر می‌گردد

A. موضوعات هم‌تراز در بین‌النهرین

B. فنون ادبیات شرقی (دورویداد اصلی آفرینش)

C. رویدادهای غیرطبیعی

(۱) آفریدن زن از یک "دنده"

(۲) یک مار سخنگو

(۳) قایقی با دو گونه از هر حیوان سوار بر آن به مدت یک سال

(۴) تلفیق فرشتگان و انسان‌ها

(۵) زندگی طولانی برای مردم

C. لغت‌های متعددی برای شخصیت‌های اصلی استفاده شده است

۴. لازم است به مسیحیان یادآوری گردد که عهد جدید چگونه پیدایش ۱ و ۲ را در زیر نور عیسی مسیح دوباره تفسیر کرد. وی از وی پدر، مامور

در خلقت (یوحنا ۱: ۳، ۱۰؛ اول فرنیطیان ۸: ۶؛ عبرانیان ۱: ۲)، در هر دو قلمرو مرئی و نامرئی (کولسیان ۱: ۱۶) می‌باشد. این وحی جدید، نیاز به احتیاط در پیروی تحت‌اللفظی موضوعات پیدایش ۱-۳ را نشان می‌دهد. بحث تثلیث در آفرینش ادغام شده است.

۱. خدای پدر در آفرینش ۱:۱

۲. خدای روح در آفرینش ۲:۱

۳. خدای پسر در عهد جدید توسط وحی در حال ترقی

این موضوع می‌تواند توضیحی برای جمع‌بندی‌های پیدایش ۱: ۲۶؛ ۵: ۱ و ۳؛ ۹: ۶ تلقی گردد.

B. سفر پیدایش ۱-۱۱ یک سند علمی نیست، ولی علم امروزی به نوعی هم‌تراز با آن به ارائه‌ی مباحث می‌پردازد (ترتیب آفرینش و طبقه‌بندی

جغرافیایی). این موضوع ضدیت با علم نیست بلکه یک پیش‌زمینه علمی است.

سفر پیدایش حقایق زیر را معرفی می‌نماید:

۱. از جنبه سیاره زمین (یک انسان مشاهده‌گر بر روی این سیاره)

۲. از جنبه علم پدیده‌شناسی (حواس پنج‌گانه، راه‌هایی که موضوعات به انسان مشاهده‌گر ظاهر می‌گردند)

این موضوع برای بسیاری از فرهنگ‌ها در طول سالیان متمادی، کارایی خودش را بعنوان نمایان‌کننده حقیقت باثبات رسانده است. معرف

حقیقت به فرهنگ‌های علمی پیشرفته بوده ولی بدون توضیح علمی وقایع.

C. به شکلی خارق‌العاده‌ای خلاصه، زیبا و هنرمندانه تعریف گردیده است.

۱. همه چیز تفکیک شده

۲. همه چیز پرورده شده

۳. همه چیز برای زندگی بشری بارور شد، از شروع آفرینش تا رسیدن به یک سیاره قابل سکونت

D. کلیدهای درک این موضوع در بخش‌های زیر قابل یافتن است:

۱. در نوع داستان آن

۲. در ارتباط آن با دوران خود (به کتاب *The Lost World of Genesis One* نوشته جان اچ. والتون مراجعه شود)

۳. ساختار آن

۴. یکتاپرستی آن

۵. هدف الهیاتی آن

ترجمه این موضوعات باید در موارد زیر توازن را برقرار کند:

۱. تفسیر آیات

۲. درک سازماندهی شده تمام متن

۳. نوع داستان بطور اخص

این مورد اصالت موضوعات فیزیکی را روشن کرده («و خیلی خوب بود» ۱: ۳۱) و در عین حال فساد همه چیز را نیز برملا می کند (فصل ۳). رویداد مسیح به اشکال مختلف آفرینشی جدید و عیسی مسیح، آدمی جدید محسوب می گردد (رومیان ۵: ۱۲-۲۱). عصر جدید می تواند بازآفرینی باغ عدن و ارتباط نزدیکش با خداوند و حیوانات محسوب گردد. (پیدایش ۱-۲ را با مکاشفه ۲۱-۲۲ مقایسه نمایید).

E.

حقیقت بزرگ این فصل نه در چگونگی و زمان آن، بلکه در علت و بدست چه کسی نهفته است.

F. پیدایش بازتاب دانش حقیقی است نه دانشی جامع. این دانش در قالب تفکر بین النهرینی باستان در اختیار ما قرار داده شده است، اما حقیقت الهیاتی آن مصون از خطا می باشد. با دوران خود مرتبط بوده ولی در عین حال منحصر بفرد می باشد. بشکلی غیرقابل توصیف با ما سخن می گوید اما سخنش راستین است. نگرشی جهانی دارد (چه کسی و چرا)، اما جهان را به تصویر نمی کشد (چگونه و چه زمانی).

G.

انجیل بدون پیدایش ۱-۳ غیر قابل درک است. توجه داشته باشید که داستان چگونه از گناه (۱) به رستگاری و (۲) بشریت به اسرائیل حرکت می کند. خلقت یک تکامل را شکل می دهد ولی بخشی از خواست خداوند را درباره اسرائیل به منظور رستگاری جهان، کنار می گذارد (پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ ۲۲: ۱۸؛ خروج ۱۹: ۵-۶ و یوحنا ۳: ۱۶؛ اعمال ۳: ۲۵؛ غلاطیان ۳: ۸؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۹).

H.

پاسخ سوال، «علت این مکاشفه و وحی چیست؟» می تواند بر نگرش ما نسبت پیدایش ۱ تاثیر بگذارد. اگر به علت بعنوان تفکیک کننده حقایق آفرینش نگاه کنید، نگاهی یک سو به خواهید داشت (یا عبارتی حقایق گزاره ای). اگر نگاه شما در جهت انتقال حقایق کلی پیرامون خداوند، انسانیت، و گناه باشد، بعد شاید بتوانید نگاهی الهیاتی به موضوع داشته باشید. مگر اینکه نگاه شما به دلایل ابتدایی، بعنوان برقراری ارتباط بین خداوند و نوع بشر باشد (از جنبه وجودی).

I.

این بخش از پیدایش بطور قطع بعد الهیاتی دارد. همانطور که طاعون در خروج نیروی یهوه را بر خدای مصر به تصویر کشید، پیدایش ۱ و ۲ نیز قدرت یهوه را بر خدایان بین النهرین نشان می دهد. موضوع اصلی خداوند است. خدا به تنهایی همه آن کارها را برای اهدافی که داشت به انجام رسانید.

J.

من به نوعی بابت جهالت خودم شکرگزار هستم. گاهی از شرایط تاریخی، فرهنگی و جهت دهی های اجباری خودم می ترسم. خادم عجب خدای قدرتمندی هستیم. چه خدای شگفت آوری ما را فراخوانده است. کتاب مقدس بین عشق و قدرت، رحمت و عدالت توازن را برقرار کرده است! هر چقدر که بیشتر از این علم بدانیم، بیشتر در می یابیم که هنوز چیزی نمی دانیم!

K.

در اینجا برخی کتاب های مفیدی که بشکلی مقدماتی به شما کمک می کنند را معرفی می کنم:

۱. ترجمه پیدایش ۱-۲ در کنار علوم امروزی

a. *The Christian View of Science and Scripture* نوشته Bernard Ramm (خیلی خوب به لحاظ علمی و الهیاتی)

b. *The Genesis Question and Creation and Time* نوشته Hugh Ross (خوب به لحاظ علمی ولی ضعیف به لحاظ الهیاتی)

c. *Science and Faith: An Evangelical Dialog* نوشته Harry Peo و Jimmy Davis (بسیار مفید)

d. *Coming to Peace with Science: Bridging the Worlds Between Faith and Biology* نوشته Darrel R. Falk (رویکردی انجیلی با دیدگاه

آفریدگار گرایانه)

e. *The Language of God* نوشته Francis S. Collins

f. *Who was Adam?* نوشته Hugh Ross و Fazale Rana

۲. پیدایش ۱-۲ ترجمه شده در کنار خطوط مداری شرق نزدیک باستان

a. *Introduction to the Old Testament* و *Old Testament Times* نوشته R.K. Harrison

b. *Ancient Israelite Literature in Its Cultural Context* نوشته John H. Walton

c. *Ancient Orient and Old Testament* نوشته K. A. Kitchen

d. *The Stones and the Scriptures* نوشته Edwin M. Yamauchi

۳. پیدایش ۱-۲ ترجمه شده در کنار خطوط الهیاتی از کتاب *Old Testament Survey* نوشته LaSor، Hubbard و Bush

a. "به اسامی که عنوان شد، ابزار ادبی نیز یافت گردیده است. نام آورده شده در مکاتبات با عمل یا نقشی که وی در آن کار داشته، در چندین مورد قابل توجه است. Adam یعنی "انسان" و Eve یعنی "زنی که حیات می‌بخشد". قدر مسلم هنگامی که نویسنده یک داستان، انسان و حیات دهنده را شخصیت پردازی می‌کند، قصد انتقال چیزی را در مقیاس ادبیاتی دارد! به همین صورت، Cain یعنی "جعل کننده"؛ Enoch که مرتبط است با "تعهد و تساهل" (۴: ۱۷؛ ۵: ۱۸)؛ Jubal با شیپور (۴: ۲۱)؛ در حالیکه Cain، محکوم به *nāq*، "سرگردانی" که به سرزمین *Nod* برای زندگی می‌رود، نامی که به وضوح ریشه مشابه عبری بر گرفته شده، سرزمین آوارگان! این نشان می‌دهد که نویسنده، یک هنرمند، داستان‌سرا و کسی است که از ادبیات بعنوان ابزار هنری استفاده می‌کند. شخص باید بکوشد تا آنچه را که قصد تدریسش را دارد با آنچه که معنی ادبی دارد، تشخیص دهد" ص. ۷۲.

b. پیامد الهیاتی پیدایش ۱-۱۱:

"پیامد پیدایش ۱-۱۱، برسمیت شناختن تکنیک ادبی، فرم و یادداشت برداری از زمینه ادبی ۱-۱۱ چالشی در برابر واقعیات به تصویر کشیده شده، بوجود نخواهد آورد. نباید به شکل داستان‌های اسطوره‌ای به آن نگریست، اما در عین حال از نگاه گزارشگران امروزی که نگاه منفی دارند، "تاریخ" نیز محسوب نمی‌گردد. بیشتر حقایق الهیاتی را درباره وقایع، انتقال داده و آن را در غالب یک زائر ادبی و سمبولیک بزرگ به تصویر می‌کشد. این نکته به این مفهوم نیست که پیدایش ۱-۱۱ رویدادهای دروغین را به آیندگان منتقل می‌کند. این نتیجه‌گیری فقط در صورتی محقق خواهد شد که تکیه بر جزئیات دروغین داشته باشد. مدارک قطعی خلاف این موضوع را نشان داد. از سوی دیگر، در این فصل‌ها به ما یاد داده شد که هر نظر مخالفی، اشتباه نیست. آنها اساس حقایق را تایید می‌کنند: آفرینش همه چیز توسط خداوند؛ دخیل بودن خداوند در آفرینش اولین مرد و زن؛ اتحاد نژادی انسان؛ بی‌نظیر بودن جهان آفریده شده، شامل نسل انسان؛ ورود گناه به میان اولین زوج؛ تخریب و شیوع گناه پس از سقوط. از منظری دیگر، نویسنده انجیل از چنین سنن ادبی برای تشریح رویدادهای منحصر بفرد اولیه که تابع هیچ جهت‌دهی زمانی، انسانی و یا رونویسی تجربی تاریخ استفاده نکرده، بلکه فقط بوسیله علائم تعریف شده آن را ترسیم می‌کند. همین مشکل در انتهای کار نیز تکرار گردید: نویسنده انجیلی در آن زمان، در کتاب مکاشفه، تصاویر مبهمی را به تصویر کشیده که به گونه‌ای مبهم، ذهن را درگیر موضوعات آخر زمانی می‌کند" ص ۷۴.

c. اگر این موضوع صحت داشته باشد که در پیدایش ۱-۱۰ از یک گویش استفاده شده است (رجوع شود به کتاب *The Babel of Tongues: A Sumerian Version* نوشته Samuel Noah Kramer چاپ از انتشارات 88:108-11 "Journal of the American Oriental Society")، پس لازم است که به روشنی تشریح شود آن گویش، عبری نبوده است. بنابراین، تمام کلمات استفاده شده یا از زمان موسی هستند و یا از سنت‌های پدری انتقال زبانی نسل به نسل. این امر، طبیعت ادبی پیدایش ۱-۱۱ را تایید می‌کند.

۴. در اینجا مایل هستم نظری شخصی را مطرح کنم. بنده همه کسانی را که به انجیل عشق ورزیده و آن را محترم شمرده، دوست داشته و شایسته احترام می‌دانم. من شکرگذار وجود آنانی هستم پیام انجیل را بعنوان وحی منزل و پیام مکتوب از سوی یک خداوند راستین، می‌شناسند. همه ما کلام خدا را خوانده و قصد پرستش و جلال خداوند را داریم (ماتیوس ۲۲: ۳۷). این واقعیت که ما بعنوان فردی با ایمان، انجیل را به گونه‌ای دیگر بنگریم، به معنی بی‌ایمانی یا شورش نیست، بلکه عملی از روی تعلق خاطر صادقانه و قصدی برای درک حقیقت است تا بتوان واقعیت خداوند را به زندگی خود وارد کنیم. هر چه بیشتر پیدایش ۱-۱۱ را بخوانم و بدنالش کتاب مکاشفه را، بیشتر نسبت به درستی آن اطمینان حاصل می‌کنم البته از جنبه ادبی، نه تحت الفظی. کلید ترجمه کتاب مقدس در اعمال فلسفه شخصی خود در آن نیست بلکه باید اجازه دهیم تا نویسندگان اصلی آن، آنگونه که الهام گرفته‌اند مقصود خود را منتقل کنند. برای برداشت ادبی از یک متن و انتظار ما از معنی واقعی آن، آنهم در حالی که خود متن از خودش نشانه‌هایی نمادین بصورت سرخ ارائه می‌دهد، مرا بیشتر وادار می‌دارد که آن را پیامی الهی بدانم. زائر (نوع ادبیات) انجیل، کلید درک الهیات "چگونه شروع شد" و "چگونه همه چیز به پایان خواهد رسید" می‌باشد. من صداقت و تعهد همه آنان افرادی را که، به هر دلیل، بلحاظ شخصیتی و یا تعالیم حرفه‌ای، انجیل را به ادبیات امروزی ترجمه کرده و در دسته‌بندی‌های غربی قرار داده‌اند، آن هم در حالی که یک کتاب باستانی شرقی می‌باشد، تحسین می‌کنم. همه اینها را عرض می‌کنم که بگویم شاکر خداوندم برای وجود همه آنانی که پیدایش ۱-۱۱ را با پیشفرض‌هایی که من مطرح نمی‌کنم منتقل خواهند کرد، زیرا که می‌دانم با کمک و تشویق همان‌ها این کتاب بدست مردمی خواهد رسید که عاشق شخصیت‌ها و دیدگاه‌های آن هستند و می‌خواهند کتاب خداوند را به زندگی خود وارد کنند! البته مخالف این امر نیست که پیدایش ۱-۱۱ و یا کتاب مکاشفه باید به معنی واقعی کلمه دیده شوند، چه *Creation Research Society* (زمین جوان) باشد و چه *Reasons to Believe* از *Hugh Ross* (زمین پیر). برای من تاکید این بخش از کتاب مقدس بر روی "چه کسی" و "چرا" است نه "چگونه" و "چه زمانی" از آفرینش. من صداقت علم نوین را در مطالعه جنبه‌های فیزیکی آفرینش، می‌پذیرم. در عین حال منکر "طبیعت‌گرایی" هستم (بر مبنای این دیدگاه، همه جهان بطور اتفاقی و بر اثر یک رویداد طبیعی بوجود آمده است)، اما مسلماً به سیر تکامل دنیا و کهکشان بعنوان روندی معتبر و قابل اثبات می‌نگرم. به باور من، خداوند این روند را بوجود آورده و هدایت کرده است. اما فرایندهای طبیعی توانایی ارائه توضیح

پیرامون تنوع و پیچیدگی زندگی را در گذشته و حال ندارند. برای اینکه بتوانیم بدرستی واقعیات امروزی را درک کنیم، هم به مدل‌های الهیاتی علم نوین و هم مدل‌های الهیاتی پیدایش ۱-۱۱ نیاز است. پیدایش ۱-۱۱ یک الزام الهیاتی برای درک بقیه کتاب مقدس است، با اینکه ادبیاتی کهن، مختصر، هنری و با ارائه شرقی بوده و نه یک ادبیات جدید و ارائه‌ای غربی.

بطور یقین بخش‌هایی از انجیل روندی تاریخی دارند. جایی دارد ویژه برگردان تحت‌اللفظی کلام خدا: ابراهیم صدا زده شد، یک خروج، تولدی تازه، تپه‌ای که عیسی بر روی آن به صلیب رفت، رستاخیز؛ همگی نشان از بازگشتی دوباره و پادشاهی ابدی دارند. بحث پیرامون ژانر است، نه واقعیت، درباره قصد نویسنده، نه صلايق شخصی در ترجمه. حتی اگر همه انسانها دروغگو باشند، خدا راستگو است (رومیان ۳: ۴)!!!

موضوع خاص: طول عمر و شکل‌بندی زمین (Special Topic: The Age And Formation of The Earth)

I. این بخش از مطالعه به دلیل فرضیه‌هایی که باید برای همتراز کردن تفکرات منطقی پیرامون موضوع مطرح شود، حساس است. تمرکز این فرضیه‌ها باید بر روی ارزیابی نظرات مختلفی که کیهان‌شناسان، زمین‌شناسان و علوم مرتبط با آن در قیاس با درک و تفسیر الهیاتی بیان شده، قرار گیرد.

II. برای علم، فرضیه‌های عیان عبارتند از:

A. نرخ تغییرات (فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی) که امروزه بر روی زمین سنجیده و ثبت می‌شوند، در گذشته ثابت بوده‌اند (تئوری Uninformitarianism، "حال، کلیدی به گذشته است")

B. تاریخ‌گذاری رادیومتری (تاریخ‌گذاری دقیق)، که کلید وقایع زمانی برای ثبت زمان تاریخ بر روی زمین و رویدادهای کیهانی است که بدنبال چندین فرضیه دیگر مطرح شده است:

۱. ترکیب‌بندی اصلی صخره‌ها (مثل المان‌های رابطه خانواده و دختر با المان‌های بی‌ثبات ذرات اتم می‌باشد)

۲. نیمه دقیق تمام این المان‌ها

۳. درجه حرارت همچنین بر روی درصدهای والدین با دختر در یک نمونه آزمایشی تاثیر می‌گذارد (زمان شکل‌گیری و/یا مواد گداخته دهانه‌های آتشفشانی)

۴. منبع اصلی و زمان آفرینش المان‌های رادیواکتیو مشخص نیست. بر اساس تئوری‌های کنونی، المان‌های سنگین‌تر بوسیله فعل و انفعالات اتمی در نسل دوم و سوم ستارگان بوجود آمده و توسط سوپرنواها پخش شده‌اند.

C. تاثیر شش فرض اولیه قوانین زمین‌شناسی (بنام تاریخ‌گذاری نسبی) بر علم دیرینه‌شناسی:

۱. اصل توزیع، توالی دست نخورده از سنگ‌های رسوبی، لایه بستر بالایی جوان‌تر و لایه‌های زیرین قدیمی‌تر هستند.

۲. منشا اصلی لایه‌هایی که محور افقی سنگ‌های قدیمی

۳. اصل روابط متقابل، زمانی که سنگ‌ها توسط یک گسل، بریده شده یا انحراف پیدا کرده و از گسل بزرگتر باشند.

۴. اصل ادغام توده‌های سنگی مجاور در یکدیگر، معمولاً یک قطعه از پایین‌تر در لایه فوقانی قرار گرفته که در اینصورت فرضیه شماره یک را تایید می‌کند.

۵. اصل همبستگی آرایش سنگ‌های شبیه به هم اما از مناطق مختلف باید هماهنگ شوند، زمانی که این کار میسر نباشد، از فسیل‌های مشابه برای نشان دادن زمان شکل‌گیری استفاده می‌شود.

۶. اصل جایگزینی فسیل-ارگانسیم فسیل جایگزین شده با دیگری در یک دوره قطعی و قابل تعیین:

a. گستره فسیل‌ها

b. طول دوره زمانی محدود یا کوتاه دوره زمین‌شناسی

III. توضیحاتی توسط دانشمندان

A. بیشتر دانشمندان بر این باورند که علم، روشی تحقیقاتی است که بدنبال مرتبط کردن تمام وقایع و ناهنجاری‌های شناخته شده به یک نظریه صرفاً قابل آزمایش است. برخی چیزها به واسطه طبیعت آنها قابل آزمایش نیستند.

B. برخی نظرات از دانشمندان درباره فرضیه‌های علمی در این حوزه

۱. از دکترین Uniformitarianism نباید برداشت مفهومی شود. گفته می‌شود فرایند زمین‌شناسی در گذشته همچون امروز بوده است، ولی به این مفهوم نیست که آنها همیشه اهمیتی نسبی داشته و دقیقاً با یک سرعت عملیاتی می‌شوند (کتاب *Earth Science* نوشته Tarbuck and Lutgens، چاپ ششم ص. ۲۶۲).
 ۲. "درک این موضوع مهم است که یک تاریخ دقیق رادیومتری تنها در صورتی می‌تواند بدست آید که چنانچه مواد معدنی در یک سیستم بسته در طول دوره تشکیل آن باقی بمانند؛ بدین معنی که تاریخ صحیح ممکن نیست، مگر اینکه ایزوتوپهای والد یا دختر نه کم شده باشد و نه زیاد" (*Earth Science*، چاپ ششم ص ۲۷۶). 229
 ۳. "ما اصرار داریم که بگوییم این یکنواختی فرضیه ما درباره طبیعت است، اما بیشتر دکترین است تا یک قانون ثابت شده برپایه منطق" (کتاب *Evolution of the Earth* نوشته Balten و Dott، چاپ چهارم ص. ۴۴).
 ۴. فرورپاشی اجرام ثابت هستند که نرخ ناپایداری را در رادیوآکتیو مشخص کرده، و رابطه بین داده‌های ایزوتوپ و علائم آن را تعیین می‌کنند بدرستی مشخص نیست. در نتیجه، دقت برخی از دقیق‌ترین روش‌های تعیین تاریخ مانند روشهای $^{40}\text{Ar}/^{39}\text{Ar}$ ممکن است بدلیل مقیاس بزرگ و یا بیش از هر چیز، بدتر از درستی آنها (کتاب "Challenges in Geochronology" Progress and " نوشته Renne, Ludwig and Karner در نشریه *Science Progress* (۲۰۰۰)، ۸۳ (۱)، ۱۰۷).
 ۵. افراد فاقد آموزش‌های تخصصی در علم ممکن است درک نکنند که هر روش سنجش تاریخی رادیومتری، فقط برای نمونه‌هایی قابل اعتماد هستند که طول عمری نزدیک به نیمه عمر عنصر مورد نظر داشته باشند (از مقاله تخصصی *Reasons to Believe* نوشته Hugh Ross).
- IV. فرضیه‌ها برای جامعه علمی منحصر بفرد نیستند اما بوضوح در جوامع دینی رایج هستند
- A. انسان‌ها مجذوب اصولی متحدالشکل یا مدلی هستند تا بتوانند تجربیات حسی خود را با یکدیگر مرتبط کنند و یک ثبات حسی برقرار کنند. در علم این اصل یکپارچگی مبدل به "تکامل" شده است.
 ۱. *Changing Man* Theodosius Dobzhansky در کتاب "*Science*" (ص ۱۵۵، ۴۰۹-۴۱۵) می‌گوید "تکامل فرایندی است که از هیچ حیات ساخت، انسان را از حیوان به جلو آورد، و احتمالاً همین روند را در آینده نیز ادامه خواهد داد."
 ۲. Sandra M. Alters و Brian J. Alters در صفحه ۱۰۴ کتاب *Defining Evolution* می‌نویسند "تکامل زمینه اصلی تمام شاخه‌های علم زیست‌شناسی است... تکامل بدنه روشن‌نگر نظریه‌ای واحد است. در مطالعه زیست‌شناسی امری ضروری محسوب گردیده، همانطور که نظریه اتمی در مطالعات شیمی لازم می‌باشد."
 - B. برای بسیاری از مسیحیان محافظه‌کار، نظریه اتحاد (تفسیر) تبدیل به تفسیر مفهومی پیدایش ۱-۳ شده است. متفکران جدید باور دارند که (انجمن *Creation Research Society* عمر زمین را ۱۰۰۰۰ سال تخمین زده‌اند) و متفکران قدیمی (*Reasons to Believe* عمر زمین را در علم زمین‌شناسی مدرن ۴/۶ میلیارد سال تخمین زده‌اند) می‌باشد. تفسیر کتاب مقدس توسط یک نفر تبدیل به ذره بینی برای دیگران شده تا بتوانند آن را مشاهده و ارزیابی کنند. کسی نمی‌تواند فرضیه‌ای ذهنی را نقض کند زیرا تمام دانش انسان در سطح پیشفرض‌ها است. با اینحال، ارزیابی یک پیشفرض برای ارزیابی صحیح نظرات قطعی دیگران بسیار "مهم" است.
 - C. زمانی که مرکزیت مشکل، یک روش هرمنوتیک باشد، مسیحیت بنیادین تلاش خواهد کرد تا خود را با استدلال‌های علمی ملبس کند. این بدان معنی نیست که "علم پیشرفته تکامل" پیشفرض نیست و یا نتیجه‌گیری‌های آن به واسطه دیدگاه‌های دینی قدیمی شکل نمی‌گیرد. ما در رابطه با هر دو باید محطاط و تحلیل‌گرایانه عمل کنیم. بنظر می‌رسد که شواهدی برای هر دو سو وجود داشته باشد. من باید با خود این سوال را مطرح کنم که به کدام نگرش به لحاظ طبیعی، احساسی یا آموزشی گرایش دارم (فرضیه خودسرانه)؟
- V. جمع‌بندی شخصی
- A. از آنجاییکه من یک متکلم هستم نه دانشمند، برای من اهمیت وافر داشت که علوم مدرن و یکپارچه را مطالعه کنم. شخصاً برخلاف "نظریه تکامل"، که از "طبیعت‌گرایان" منقلب می‌گردم Carl Sagan معروف یکی از همین افراد است که می‌گوید "جهان هستی همین بوده، همین هست و همین نیز خواهد بود".
- متوجه هستم که این نظر از روی تعصب است اما باید اذعان دارم که نظریه من بر اساس فلسفه علوم ماورالطبیعه پایه‌گذاری شده ولی انکار هم نمی‌کنم که هیچ احساس تهدیدی از جانب نظریه تکامل نمی‌کنم. دیدگاه ابتدایی من اینست که خدایی وجود

- دارد که به دلیل خاصی، فرایند تکامل را کلید زده و هدایت می‌کند! برای من "طرح هوشمندانه" نظریه‌ای معقول است (cf. M. J. Behe, *Darwin's Black Box* and William A. Demski, ed. *Mere Creation: Science, Faith and Intelligent Design*). این "تصادفی بودن" تکامل و "بی‌عملی" طبیعت‌گرایی است که برایم دردناک و مایه سردرگمی می‌گردد. فرایند تکامل، بخش جدانشدنی زندگی است. من باید اطمینان حاصل کنم که چیزی را بدون ارزیابی نپذیرم. سعی کردم دلایل خود را مشخص کنم:
۱. نویسنده اصلی پیدایش ۱-۳ (و در همین رابطه، بیشتر کتاب مکاشفه)، قصد نداشتند که خوانندگان برداشت تحت‌اللفظی از مکتوبشان نمایند. در ژانر ادبی، "چگونه آغاز شد" و "چگونه همه چیز پایان خواهد یافت" روشن است (و باید هم برای انسان گناهکار روشن باشد).
 ۲. تکامل در برخی مراحل قطعیت دارد ("تکامل افقی"، "تکامل ذره‌ای"، "تکامل میان موجودات زنده") ولی فاکتور اصلی برای زندگی بر روی این سیاره و یا بسط کهکشان‌ها نیست. در این میان رازی نهفته است! شخصاً با انجیل احساس آرامش می‌کنم (مکاشفه خاص) که به من می‌گوید "چه کسی" و "چرا" و طبیعت (مکاشفه طبیعی)، عبارتی، علوم تحقیقاتی مدرن به من می‌گوید که "چگونه" و "چه وقت" بر اساس مدل‌ها و نظریه‌های توسعه‌گرایانه می‌باشند.
 ۳. حتی نهایت واقعیت "نظریه تکامل از دیدگاه خداشناسی" من را وادار نمی‌کند تا هیچکدام از پیشفرض‌های ایمانی خود را انکار نمایم. به کتاب *Coming to Peace with Science: Bridging the Worlds Between Faith and Biology* نوشته Darrel R. Falk و کتاب *Language of God* نوشته Francis S. Collins مراجعه نمایید. من هم چون شما ایمانم دارای پیشفرض‌هایی است! جهانبینی من مبتنی بر مسیحیت انجیلی می‌باشد. تصویری که از جهان متصور هستم در حال رشد و درکم در حال تغییر می‌باشد.
- B. در الهیات من، عمر "واقعی" زمین دچار نقص نیست، به جز:
۱. مفهوم ظاهری "نظریه انفجار بزرگ" (Big Bang) در مورد نظام جهانی ماده که به آغاز جهان نیز شهرت دارد، فرصت‌های نامحدود زمانی را برای توسعه تکامل محدود می‌سازد (طبیعت‌گرایی).
 ۲. شروع و توقف در لایه‌های فسیلی ممکن است نه فقط لزوماً تنها تغییر تدریجی در طول زمان بوده باشند، بلکه بیانگر یک "تعادل علامتگذاری شده" باشند که احتمالاً باعث بوجود آمدن تکامل در اسپورانته‌ها شده باشد (احتمالاً از کارهای خلاقانه خداوند).
 ۳. علم نه دشمن من است و نه منجی! زندگی در عصری که دانش بصورت روزافزون سیر صعودی دارد، هیجان‌انگیز است! و بسیار آرامش‌بخش است که فردی با ایمان باشیم. تلفیق ایمان و برهان، یا انجیل و علم، امکانی خارق‌العاده است.
- VI. پیشفرض‌های حال حاضر بعنوان طول عمر زمین
- A. تاریخ‌گذاری رادیومتری از سنگ‌های کره ماه و شهاب‌سنگ‌ها، قدمت ۴/۶ میلیارد سال را ثبت کرده‌اند. آنها دارای المان‌هایی از سیارات این مجموعه خورشیدی هستند که نشان می‌دهند خورشید و سیارات وابسته به آن و شهاب‌سنگ‌ها در طول این دوران شکل گرفته‌اند. قدیمی‌ترین سنگ‌های زمینی که بوسیله روش رادیومتری تاریخ‌گذاری شده‌اند، قدمت ۳/۸ میلیارد سال دارند.
 - B. تخمین قدمت آفرینش اولین زوج انسانی امری بسیار دشوار است اما میانگین درجه ده‌ها هزار و شاید ۴۰۰۰۰ داشته باشد. به کتاب *Who Was Adam* نوشته Hugh Ross and Fazale Rana مراجعه نمایید.
- زمان تنها برای ما که در طول یک دوره زمانی متوالی آفریده شدیم، مسئله‌ساز است. خداوند تحت تاثیر زمان نیست. من اعتقاد دارم که زمین و محیط آن به مرور زمان و فراهم آوردن محیطی برای خداوند و پرستش وی به‌همراه والاترین مخلوقش ایجاد شده بود. مخلوقی که بوسیله او و در تصور خداوند به تصویر کشیده شد. تنها منبع این اعتقادات، کتاب مقدس است. من با توسل به آن به علم نوین این اجازه را می‌دهم تا درک مرا از جنبه‌های فیزیک امور خلاقانه خداوند، افزایش دهد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۱: ۱-۵

۱ در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید ۲. زمین بی شکل و خالی بود، و تاریکی بر روی ژرفا؛ و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت. ۱: ۲: «بر سطح آبها در حرکت بود. ۳ خدا گفت: «روشنایی باشد»، و روشنایی شد. ۴ خدا دید که روشنایی نیکوست، و خدا روشنایی را از تاریکی جدا کرد. ۵. خدا روشنایی را 'روز' و تاریکی را 'شب' نامید. شامگاه شد و بامداد آمد، روز اول.

۱: ۱ «در آغاز» Bereshith (BDB 912) عنوان عبری کتاب است. ما پیدایش را از ترجمه Sepruagiant دریافت کردیم. این شروع تاریخ است ولی شروع فعالیت خداوند نیست (ماتیوس ۲۵: ۳۴؛ یوحنا ۱۷: ۵، ۲۵؛ افسوسیان ۱: ۴؛ تیتوس ۱: ۲؛ دوم تیموتی ۱: ۹؛ اول پترس ۱: ۱۹-۲۰ مکاشفه ۱: ۳). R. K. Harrison می گوید عنوان باید به اینگونه ترجمه شود: "در آغاز راه آفرینش" (Introduction to the Old Testament، ص. ۵۴۲ پانویس ۳). John H. Walton در کتاب *The Lost World of Genesis One* این عنوان را معرف یک دوره زمانی می داند (ص. ۴۵).

□ **خداوند** Elohim (BDB 43) شکل رایج در میان اسامی برای خدا در شرق نزدیک باستان می باشد (BDB 42) El. هنگامی که به خدای اسرائیل اشاره می شود، به استثنای ۶ مورد، فعل عموماً بصورت مفرد استفاده می گردد. رایبیس معتقد است که در این شکل با خدا بصورت خالق، فراهم کننده و نگهدارنده سیاره زمین سخن گفته می شود (مزامیر ۱۹: ۱-۶؛ ۱۰۴). توجه کنید که چگونه این لغت اغلب در فصل یک استفاده شده است. من معتقدم که این آیه، یک بند مستقل است: Ibn Ezra می گوید که آن بندی مستقل با تاکید بر ۷.2 می باشد در حالیکه Rashi معتقد است ۷.2 برایش حکم پرائنتر را داشته و تاکیدش بر ۷.3 می باشد. مفسرین دیگر معتقدند که ۷.1 بندی مستقل بوده تا بتواند از نقطه نظرات پیشین نظریه شکاف، پشتیبانی نماید. توجه داشته باشید که هیچ توضیحی درباره منشأ خداوند وجود ندارد. این نکته موید این امر است که خدا ماده را بوجود آورد اما شکل ماده امروزی را به آن نداد (علم کیهان شناسی یونانی). در *Enuma Elish*، (دوره آفرینش بابل)، همچون تفکر یونانی، روح (که خوب است) و ماده (که شیطانیت) همگی به یک اندازه جاودان هستند. انجیل نیز درباره منشأ خداوند بحث نکرده و آن را مشخص نمی کند. او همیشه وجود داشته است (مزمور ۹۰: ۲). قطعاً رازی نهفته است. بشر به راحتی نخواهد توانست به ذات خداوند دست یابد!

این بحث به لحاظ الهیاتی بسیار قابل توجه است. انتشارات The Jewish Publication Society of America بند پیدایش ۱: ۱ را بدین صورت ترجمه کرده است: "هنگامی که خداوند شروع به آفریدن بهشت و زمین کرد، زمین شکل نگرفته و خالی...". این ترجمه ممکن از به این نتیجه منتهی شود که خدا و ماده در کنار یکدیگر ازلی هستند، آنگونه که علم کیهان شناسی یونانی می گوید ("Creation and Cosmology" در *Encyclopedia Judaica* جلد ۵ ص. ۱۰۵۹). در دوره آفرینش سومریان، *Enuma Elish*، با "در هنگام شروع...". آغاز می گردد. به موضوع خاص اسامی خدا در ۲: ۴ رجوع کنید.

□ **آفریده شد** Bara (۱: ۱، ۲۱، ۲۷؛ ۲: ۳، ۴) فعل عبری است (BDB 135, KB 153, Qal Perfect) بصورت اختصاصی برای کارهای آفرینش خداوند استفاده می شود. معنی ابتدایی آن، روش بریدن است. خداوند برای بشر هر چیزی را مشیت کرد بجز ذات خودش را. مزمور ۳۳: ۶، ۹؛ عبرانیان ۱۱: ۳ و دوم پترس ۳: ۵ معرف آفرینش (کیهان شناسی) توسط کلام نقل شده توسط خداوند (*fiat*) از هیچ (*ex nihilo*) می باشد، با وجودیکه هرگز گفته نشده که آب آفریده شد (پیدایش ۱: ۲). فلسفه های یونان باستان و بین النهرینی اذعان می دارند که یک دوگانگی ازلی میان "روح" و "ماده" وجود دارد. هر آنچه که *bara* اشاره کند، خواست و مقصود خداوند را بر جسته می کند.

انجیل تسریح می کند که آفرینش، یک نقطه شروع دارد. علم قرن بیست و یکم نام آن را انفجار بزرگ می گذارد. طرفداران نظریه طبیعت گرایان اکنون نمی توانند مدعی دوباره به عقب برگشته و از اول شروع کنند. با اینحال این امکان وجود دارد که پیدایش ۱ اشاه به شروع فعالیت زمین داشته باشد، نه شروع از جنس ماده (کتاب *The Lost World of Genesis One* نوشته John H. Walton).

□ **بهشت ها** این کلمه (BDB 1029) ممکن است در بسیاری از خطوط استفاده شده باشد: (۱) اشاره دارد به اتمسفر زمین آنگونه که در ۷.۸ و ۲۰ آمده است؛ (۲) ممکن است اشاره به کل عالم هستی داشته باشد (هستی تمام مواد)؛ یا (۳) ممکن است به آفرینش تمام آنچه که قابل رویت هستند (ماده) و هر آنچه که نامرئی است (فرشتگان، بهشت بعنوان بارگاه خداوند) اشاره داشته باشد. اگر مورد سوم صحت داشته باشد پس می توانیم آن را به موازات کولسیان ۱: ۱۶ بدانیم. در غیر اینصورت می توان گفت پیدایش ۱ فقط بر روی مخلوقات روی کره زمین متمرکز است. انجیل یک جنبه مرکزیت زمین را نیز تسریح می کند (آفرینش آنگونه که بعنوان یک مشاهده گر بر روی زمین دیده شده، می توانست دیده شود). برخی معتقدند که پیدایش ۱، آفرینش جهان هستی را

نشان می‌دهد (خورشید، ماه، ستارگان، و کهکشان‌ها، در حالی که پیدایش ۲-۳ متمرکز بر آفرینش این سیاره و نوع بشر است. بطور یقین چنین چیزی ممکن است زیرا فصل‌های ۲-۴ از یک واحد ادبی پیروی می‌کنند. هر دو فصل، (پیدایش ۱ و ۲-۴) مرکزیت ثقل، آفرینش است (با تمرکز بر زمین).

□ "زمین" این مفهوم (BDB 75) می‌تواند به یک سرزمین خاص، کشور و یا کل سیاره اشاره داشته باشد. پیدایش ۱ مرکزیت زمین را تایید می‌کند (v.15). این موضوع نه در غالب علم بلکه اهداف الهیاتی فصل می‌گنجد. بخاطر داشته باشید که کتاب مقدس به زبان توصیف و به منظور اهداف الهی نوشته شده است. با علم تضاد نداشته بلکه مقدمه علم است.

۲:۱ "زمین بود" این فعل (BDB 224, KB243, Qal/Perfect) بسیار به ندرت می‌تواند به "شد" ترجمه گردد. به لحاظ دستور زبانی و متنی، استفاده از "بود" قابل پذیرش است. اجازه ندهید که نظریه پیشفرض الهیاتی شما از دو سقوط (نظریه تفکیک) بر روی تفسیر متن تأثیر بگذارد.



NASB	"شکل نگرفته و خالی"
NKJV	"بدون شکل، و خالی"
NRSV, NJB	"خالی بدون شکل"
TEV	"بدون شکل و ویرانگر"
NIV	"بدون شکل و خالی"
REV	"ضایعه وسیع"
SEPT	"نامرئی و چیده نشده"
JPSOA	"بدون شکل و خالی"

این دو عبارت در BDB 96, KB 111 و BDB 1062, KB 1688-1690 یافت شدند. آیا فقط دلالت بر آب دارد؟ زمین (صفحات تکتونیکی) مدام در حال تغییر شکل است (یک قاره اصلی بنام Pagea تبدیل به قاره‌های متعدد شد). دوباره سوال به سن زمین باز می‌گردد. این کلمات همراه با هم در ارمیا ۴:۲۳ آمدند. آنها درباره دوره آفرینش سومریان و بابل استفاده شدند ولی در یک قالب اسطوره‌ای. حالت آفرینش نشان می‌دهد که خداوند فرآیندی فعال را در قابل سکونت کردن زمین در پیش گرفته بود (اشعیا ۴۵:۱۸) این دو کلمه، نشان از آغاز ماده نداشته، بلکه حالت یک سیستم منظم غیر کارآمد و توسعه یافته را تعریف می‌کند (کتاب *The Lost World of Genesis One* نوشته John h. Walton ص. ۴۹). هنوز برای بشریت آماده نشده است!

□ "تاریکی" این واژه (BDB 365) معرف شیطان نبوده ولی نشان از هرج و مرج اصلی دارد. خداوند در v.5 از تاریکی نام برده است در حالی که او نور را نیز آفرید. در عین حال این دو عبارت در انجیل اغلب بمنظور مشخص کردن جنبه روح و واقعیات استفاده شده است، ولی در اینجا معرف شرایط فیزیکی می‌باشند.

□ "عمق" این واژه در عبری *tehom* نام دارد (BDB 1062 #3, KB 1690-91). یک ریشه سامی مشابه، ولی متفاوت، در دوره آفرینش سومر و بابل نیز مشخص شد که *Tiamat*، هیولای ناآرامی‌ها، مادر خدایان و همسر *Apsu* نام داشت. وی سعی کرده بود تا تمام خدایان کوچکتری را که جلوتر از او بودند، از بین ببرد. خارج از بدن وی *Marduk* بهشت و زمین را در آفرینش بابل تزئین کرد که *Enumma Elish* نام گرفت. یهودیان معتقد بودند که آب عنصر سرمنشا آفرینش بوده است (مزمور ۲۴:۱؛ ۱۰۴:۶؛ دوم پترس ۳:۵). هرگز به آفرینش آب اشاره نشده است. با اینحال، واژه عبری آن مذکر بوده نه مونث و به جنبه اخلاقی *Tiamat* نیز ارتباطی ندارد.

در عهد عتیق بخش‌هایی وجود دارد که YHWH (یهوه) را در تعارض با ماهیت هرج و مرج می‌باشد (مزمور ۷۴:۱۳-۱۴؛ ۸۹:۹-۱۰؛ ۱۰۴:۶-۷؛ اشعیا ۵۱:۹-۱۰). با این وجود، این‌ها همیشه در گذاره‌های شاعرانه و استعاره‌ای قرار گرفته‌اند. آب یکی از جنبه‌های حیاتی از خلقت است (۱:۲، ۶-۷).



NASB, NKJV	"روح خداوند"
TEV, NIV	"نسیمی از سوی خدا"
NRSV, JPSOA	"نسیم الهی"
NJB	"روح خداوند"
REB	"دمی از سوی خداوند"
SEPT	

واژه عبری *ruach* (BDB 924) و واژه یونانی آن *pneuma* (یوحنا ۳: ۵ و ۸) می‌تواند معنی "روح"، "دم بمعنی نفس" و یا "باد" داشته باشد. روح همیشه وابسته به آفرینش است (پیدایش ۱: ۲؛ ایوب ۲۶: ۱۳؛ مزمور ۱۰۴: ۲۹-۳۰؛ ۱۴۷: ۱۴-۱۸). عهد عتیق بروشنی ارتباط میان روح و خدا را مشخص نمی‌کند. در ایوب ۲۸: ۲۶-۲۸؛ مزمور ۱۰۴: ۲۴ و امثال ۳: ۱۹؛ ۸: ۲۲-۲۳ خداوند از حکمت (اسم تانیث) برای آفرینش همه چیز استفاده کرد. در عهد جدید گفته می‌شود که عیسی نماینده خدا در آفرینش است (یوحنا ۱: ۱-۳؛ اول قرنطیان ۸: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۵-۱۷؛ عبرانیان ۱: ۲-۳). همانطور که در موضوع رستگاری، و همچنین در خلقت، همه سه بعد از خداوند دخیل هستند. پیدایش ۱ بتنهایی هیچ علیت دومی را تسریح نمی‌کند.

"متحرک"	NASB, TEV
"شناور"	NKJV, NIV
"جارو شده"	NRSV
"در حال جارو شدن"	NJB

این واژه (*Piel* PARTICIPLE, BDB 934, KB 1219) به مرور بسط داده شد به "در فکر فرو رفتن" یا "شناور بودن به شکلی فعال" (JB). کلمه‌ای مادر است (خروج ۱۹: ۴؛ تثنیه ۳۲: ۱۱؛ اشعیا ۳۱: ۵؛ ۴۰: ۳۱؛ هوشع ۳: ۱۱؛ ۴). این امر ارتباطی به علم کیهان‌شناسی فیزیکیان که ادعا می‌کند زمین از یک تخم مرغ آمده است ندارد، بلکه یک استعاره زنانه برای مراقبت‌های پدران و فعال خداوند بوده و همچنین رشد خلقت او را در مرحله اول آفرینش نشان می‌دهد!

۱: ۳ "خداوند گفت" این یک مفهوم الهیاتی از خلقت بوسیله کلام خداوند است، که در لاتین *fiat* گفته می‌شود (۹، ۲۰، ۲۴، ۲۹، مزمور ۳۳: ۶؛ ۱۴۸: ۵؛ دوم قرنطیان ۴: ۶؛ عبرانیان ۱: ۳). این نکته اغلب بدین شکل توضیح داده می‌شود که "از هیچ به هستی آمد"، به فرمان خداوند، با استفاده از عبارت لاتین *ex nihilo* (II Maccabees 7:28). با این وجود، این احتمال می‌رود که موضوع پیدایش ۱ درباره اصلت آفرینش ماده نبوده بلکه سازمان دادن ماده موجود را مطرح کرده باشد (کتاب *The Lost World of Genesis One* نوشته John H. Walton، ص. ۵۴ ف).

قدرت این کلام را می‌توان در موارد زیر دید:

۱. برکت پدرسالارانه
۲. کلام رستگاری خداوند، اشعیا ۵۵: ۶-۱۳، نسخه ۱۱
۳. عیسی بعنوان کلام خدا در یوحنا ۱: ۱ و
۴. عیسی در حال بازگشت با شمشیر دو لبه در دهان (دوم تساکولیان ۲: ۸؛ عبرانیان ۴: ۱۲؛ مکاشفه ۱: ۶؛ ۲: ۱۲، ۱۶؛ ۱۹: ۱۵، ۲۱). این روشی اصطلاحی از خلقت خداوند است از طریق تفکر و کلام. آنچه را که خدا بخواهد، رخ خواهد داد!

□ "بگذار که باشد" اشاره به جنازه دارد (در ۳۷ و ۶ دو بار استفاده شده، ۹ دو بار در مفهوم نه در قالب، ۱۱، ۱۴، ۲۰ دو بار در مفهوم نه در قالب، ۲۲، ۲۴، ۲۶ در مفهوم نه در قالب).

۱: ۴ "خداوند دید که نور خوب بود" (۴۷۷، ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۳۱) تمام خلقت خوب بود (۱: ۳۱). شیطان جزعی از خلقت اصلی خداوند نبود، اما انحراف از نیکی بود. "خوب" در اینجا احتمالا معنی "با هدف اصلی متناسب است" دارد (اشعیا ۴۱: ۷) یا "ذاتا بدون نقص" (BDB 373).

□ "خداوند تفکیک کرد" این فعل (*Hiphil Imperfect*, BDB 95, KB 110) در غالب شخصیت‌پردازی خداوند در خلقت است. او جدا کرده (KJV) و چیزهای جدید شروع می‌کند (۷۷: 4,6,7,14,18).

□ "نور" بیاد داشته باشیم که هنوز خورشید وجود ندارد. باید مراقب بود که نسبت به این دوره زمانی دگم‌اندیش نباشیم (۲۴ ساعت برای چرخش زمین بدور خورشید که هنوز در تاریخ سیاره زمین ثابت نشده است).

نور (BDB 21) نماد انجیلی زمین است، خلوص، و حقیقت (ایوب ۳۳: ۳۰؛ مزمور ۵۶: ۱۳؛ ۱۱۲: ۴؛ اشعیا ۵۸: ۱۰، ۵۹: ۹؛ ۶۰: ۱-۳؛ یوحنا ۱: ۵-۹؛ دوم قرنطیان ۴: ۶). در مکاشفه ۲۲: ۵ از نور بدون خورشید سخن گفته شده است. همچنین به آفرینش تاریکی نیز توجه کنید (اشعیا ۴۵: ۷) و نام‌گذاری توسط خداوند (۷: ۵) که نشان از کنترل وی می‌دهد (مزمور ۷۴: ۱۶؛ ۱۰۴: ۲۰-۳۰؛ ۱۳۹: ۱۲).

John H. Walton در کتاب *The Lost World of Genesis One* (ص. ۵۵) بر اساس آیه‌های ۴ و ۵ ادعا می‌کند که این بمعنی "یک نقطه نورانی" بوده و نه اصل خورشید.

۱: ۵ "خداوند صدا زد" (۷۷: 8,10) این نام‌گذاری حکایت از تملک و نظارت خداوند دارد.

□ "در آن زمان صبح بود و عصر بود" این ترتیب بازتاب‌دهنده وجود تاریکی قبل از آفرینش نور بود. عالمان یهود آن را بعنوان روز، بعنوان واحد زمانی شروع عصر تفسیر کردند. تاریکی و نور بود. در دوره عیسی همچنین زمانی بود که روز جدید در هنگام شفق شروع می‌شد.

□ "روز" واژه عبری *yom* (BDB 398) می‌تواند اشاره به یک دوره زمانی داشته باشد (۲:۴؛ ۵:۲؛ روت ۱:۱؛ مزمور ۵۰:۱۵؛ ۹۰:۴؛ جامعه ۷:۱۴؛ اشعیا ۴:۲؛ ۱۱:۲؛ زکریا ۴:۱۰) اما معمولاً اشاره به ۲۴ ساعت در روز دارد (خروج ۲۰:۹-۱۰).

موضوع خاص: YOM (Special Topic)

نظریه‌های پیرامون معنی *Yom* (روز) بر گرفته شده از کتاب OT Survey I Notebook نوشته دکتر جان هریس، ناظم مدرسه Christian Studies و پروفیسور الهیات عهد عتیق در (East Texas Baptist University):

۱. نظریه مفهومی دوره زمانی بیست و چهار ساعته
این رویکردی دقیق است (خروج ۲۰: ۹-۱۱). اما سوال‌های زیادی را برمی‌انگیزد:
a. چطور در روز اول نور وجود داشت در حالی که خورشید تا روز چهارم هنوز خلق نشده بود؟
b. چگونه تمامی حیوانات (حتی آن دسته‌ای که در دیگر نقاط دنیا بودند) در کمتر از یک روز نام‌گذاری شدند؟ (پیدایش ۲: ۱۹-۲۰)
۲. نظریه سن روز
این نظریه بنا دارد که بین علم و کلام خدا توازن برقرار کند. این نظریه تسریح می‌کند که "روزها" در درازا "سنین زمین‌شناسی" بودند. طول آنها با یکدیگر برابر نبوده، و لایه‌های مختلف تعریف شده در زمین‌شناسی را بصورت تقریبی محاسبه می‌کنند. دانشمندان بنا را بر آن دارند تا با کلیات پیدایش ۱ موافقت کنند: بخار و یک توده آبی بزرگ پیش از جدا شدن زمین از دریا و پیش از ظهور حیات وجود داشت. زندگی گیاهی قبل از زندگی احشام بوجود آمد، و بشر معرف آخرین و پیچیده‌ترین شکل حیات است. از این بخش نیز سوالات متعددی مطرح می‌گردند:
a. گیاهان چگونه در طول "عصرهای" متمادی بدون خورشید دوام آورند؟
b. چگونه گیاهان گرده‌افشانی می‌کردند در حالیکه حشرات و پرندگان "عصر"های بعد از آن هنوز بوجود نیامده بودند؟
۳. نظریه روز-عصر ثانوی
روزها یک دوره بیست و چهار ساعته هستند، اما هر روز بوسیله دوره‌هایی جدا شده که بمنظور توسعه خلق شده بودند. باز هم سوال‌هایی مطرح می‌شود:
a. همین مشکلات در نظریه روز-عصر مطرح می‌شوند
b. آیا کلام، "روز" را هم بعنوان بیست و چهار ساعت و هم بعنوان یک دوره نشان می‌دهد؟
۴. نظریه پیشرفت آفرینش-فاجعه
این نظریه به این صورت مطرح می‌شود: میان پیدایش ۱: ۱ و ۲: ۱، دوره‌ای نامعلوم وجود داشت که عصرهای زمین‌شناسی اتفاق افتادند؛ در این برهه زمانی، موجودات ماقبل تاریخ به ترتیبی که فسیل‌ها نشان می‌دهند آفریده شدند؛ حدود ۲۰۰۰۰ سال قبل، فاجعه‌ای ماورالطبیعه اتفاق افتاد و بیشتر حیات روی این زمین را نابود و بسیاری از حیوانات را منقرض کرد؛ سپس عصر پیدایش ۱ ظاهر گردید. این روزها اشاره به خلقت دوباره دارند تا خلقت اصلی و اولیه.
۵. نظریه بهشت موعود
عصر آفرینش فقط به خلق و جنبه‌های فیزیکی باغ عدن می‌پردازد.
۶. نظریه شکاف
بر اساس پیدایش ۱، خداوند زمین را بی‌نقص آفرید. بر اساس پیدایش ۱: ۲، لوسیفر (شیطان) مسئول جهان شد و شورش کرد. پس از آن خداوند، لوسیفر و دنیا محاکمه و به نابودی محکوم کرد. برای میلیون‌ها سال، دنیا رها شده بود و دوران‌های زیادی (به لحاظ زمین‌شناسی) گذشتند. بر اساس پیدایش ۱: ۳-۲: ۳، در ۴۰۰۴ سال پیش از وجود مسیح، شش دوره روزهای بیست و چهار ساعته از پیدایش مجدد زمین بوجود آمد. اسقف اعظم Ussher (۱۶۵۴) از یک سری شجره‌نامه برای پیدایش ۵ و ۱۱ برای محاسبه خلقت انسان استفاده کرد (۴۰۰۴ سال پیش از مسیح). با این حال، شجره‌نامه‌ها برنامه کاملی از مراحل وقوع ارائه نمی‌کنند.
۷. نظریه هفته مقدس
نویسنده کتاب پیدایش مفهوم روزها و یک هفته را بعنوان یک ابزار تحت‌اللفظی برای قرار دادن پیام الهی کار خداوند در خلقت قرار داد. چنین ساختاری زیبایی و تقارن کار خلاقانه خداوند را نشان می‌دهد.
۸. گشایش معبد کیهانی

این نقطه نظر اخیر John H. Walton در کتاب *The Lost World of Genesis One* چاپ سال ۲۰۰۹ می‌باشد، که شش روز را بعنوان "هستی‌شناسی کاربردی، و نه هستی‌شناسی مادی" می‌بینید. آنها خداوند را بگونه‌ای تعریف می‌کنند که در حال دستور دادن یا تنظیم کردن کاربردی جهان هستی برای وجود بشریت است. این منظر با دیدگاه کیهان‌شناسان باستانی سازگاری دارد. بعنوان مثال، سه روز اول نشان دهنده خدای در حال فراهم کردن "فصول (زمان)" "آب و هوا (برای محصولات)" و غذا است. تکرار عبارت "خوب است" نشان دهنده عملکرد است.

روز هفتم خداوند را تعریف کرده که به "معبد کیهانی" در حال کار و قابل سکونت، بعنوان مالیک حقوقی خود وارد شده، کنترل کرده و هدایت می‌کند. پیدایش ۱ هیچگونه ارتباطی با آفرینش مواد نداشته، بلکه با ترتیب چیدمان آن مواد به منظور ایجاد مکانی برای خدا و انسان‌ها و دوستی آنها دارد.

"روزها" به ابزاری تحت‌اللفظی برای برقراری ارتباط تبدیل شد:

۱. هیچ تفاوتی میان "طبیعت" و "ما فوق طبیعت" نیست
 ۲. خدا در هر جنبه‌ای زندگی مشغول به کار است. بجز موارد زیر، منحصر بفرد بودن اسرائیل جهان‌بینی کلی وی نبوده است:
 - a. توحید وی
 - b. آفرینش برای نوع بشر بوده، نه برای خدایان
 - c. هیچ تعارضی نه میان خدا و نه خدایان و نوع بشر در دوران اسرائیل وجود نداشت.
- وی دوران آفرینش خود را از دیگری به عاریه نگرفت ولی جهان‌بینی کلی خود را با همه به اشتراک گذاشت.

متن NASB (بروزرسانی شده): ۱: ۶-۸

۶ و خدا گفت: "فلکی میان آب‌ها، و آب‌ها را از آب‌ها جدا کند" ۷ پس خدا فلک را ساخت و آب‌های زیر فلک را از آب‌های بالای فلک جدا کرد. و چنین شد. ۸ خدا فلک را آسمان نامید. شامگاه شد و بامداد آمد، روز دوم.

۱: ۶ این آیه دو *Qal* دارد ("اجازه بده...")^۱ از فعل "بودن" (BDB224, KB 243). همین ساختار در آیات ۱۴ و ۲۲ نیز وجود دارد.



NASB, NET, JPSOA	"گسترده‌گی"
NKJV	"حرمت"
NRSV, TEV	"گنبد"
NJB	"فلک"

این واژه (BDB 956, KB 1290) می‌تواند "کوفتن" یا "گستراندن" آنگونه که در اشعیا ۴۲:۵ آمده معنی دهد. اشاره به اتمسفر زمین داشته (۱: ۲۰) که بصورت استعاره بصورت یک طاق پر از اکسیژن و یا کاسه برگردانده شده در بالای سطح زمین قرار گرفته است. (اشعیا ۴۰:۲۲).

■ "آب‌ها" آب شیرین و آب شور مهمترین عناصر اضافی انجیلی در آفرینش است، اما در انجیل همگی در کنترل خداوند هستند. در آفرینش ۱ هیچ فرقی میان آب شور و شیرین آورده نشده است. آب موجود در اتمسفر زمین از آب روی زمین تفکیک شده است. تحلیل پیدایش ۱ نشان می‌دهد که خداوند بسیاری چیزها را بعنوان روند قابل سکونت کردن زمین تفکیک کرده است (نور از تاریکی، آب بالا از آب پایین، آب پایین از زمین خشک، زمان خورشید از زمان ماه).

■ "آب جدا شده" خداوند تمام سیل‌ها را در کنترل خود دارد (BDB 95, KB 110, *Hiphil PARTICIPLE*).

وی مرزهایشان را مشخص کرده است (ایوب ۳۸: ۸-۱۱؛ ۳۳: ۶-۷؛ اشعیا ۴۰: ۱۲).

۷: ۱ "و چنین شد" هر چه خدا خواست چنان شد و چنان نیز می‌شود (۱: ۹، ۱۱، ۱۵، ۲۴، ۳۰).

^۱ در نسخه‌های فارسی چنین لغتی استفاده نشده است.

متن NASB (بروز شده) ۱: ۹-۱۳

۹ و خدا گفت: «آبهای زیر آسمان در یک جا گرد آیند و خشکی پدیدار شود.» و چنین شد. ۱۰ خدا خشکی را 'زمین' و اجتماع آبها را 'دریا' نامید، و خدا دید که نیکوست. ۱۱ آنگاه خدا گفت: «زمین نباتات برویاند، گیاهانی که دانه تولید کنند و درختان میوه‌ای که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار بیاورند، بر روی زمین.» و چنین شد. ۱۲ زمین نباتات رویانید، گیاهانی که بر حسب گونه خود دانه تولید می‌کردند، و درختانی که بر حسب گونه خود میوه دانه‌دار می‌آوردند. و خدا دید که نیکوست. ۱۳ شامگاه شد و بامداد آمد، روز سوم.

۱: ۹-۱۰ دو فعل اولیه (BDB 906, KB 1157 و BDB 876, KB 1082) هر دو *Niphal* الزامی و صیغه امری هستند. آیا به یک قاره اشاره می‌کند (Pangaea)؟ سیاره زمین مدام در حال تغییر حالت است. سوال دوباره به سن زمین باز می‌گردد. توجه داشته باشید که خداوند تمام فجایع طبیعی را در کنترل خود دارد. هیچ خدای طبیعتی وجود ندارد!

۹:۱ «خشکی پدیدار شود» این عبارت شبیه تپه مقدس مصریان است. مثال دیگر آن، مطرح کردن جهانبینی واحد درباره ساخته شدن انسان از خاک رس است. این موضوع در دوره‌های خلقت بین‌النهرین، مصر و اسرائیل رایج بوده است.

۱: ۱۱-۱۲ این بخش بنا نبود از جزئیات فنی برای اصلیت زندگی گیاهی شود. بنظر می‌رسد که اشاره به سه نوع گیاه داشته باشد: علوفه‌جات، حبوبات و میوه‌جات. حیوانات اولی و دومی را می‌خورند؛ انسان‌ها سومی و چهارمی را. خدا زمین را مرحله به مرحله همچون یک صحنه یا سکو آماده می‌کند تا نوع‌دوستی برقرار شده و والاترین مخلوقش، یعنی نوع بشر حفظ گردد.

نظریه‌های علمی زیادی وجود دارند که مراحل گسترش سیاره زمین را به ترتیب عنوان می‌دارند. برخی دانشمندان از چنین نظراتی دفاع می‌کنند. اما باید مراقب بود چون نظریه‌های علمی مدام در حال تغییر هستند. مسیحیان معتقد به انجیل هستند نه به دلیل اینکه علم یا باستان‌شناسی موضوعی را تایید کرده است. ما به انجیل اعتقاد داریم به دلیل تاثیری که در ما می‌گذارد و همینطور آزمایشی که در مسیح یافته‌ایم.

۱: ۱۱ «زمین نباتات رویانید» این یک *Hiphel* صیغه امری از فعل «رویاندن» است (BDB 205, KB 233).

□ «برحسب گونه خود» آفرینش بگونه‌ای ساختار پیدا کرده بمحض خلق، گیاهان، حیوانات و انسان‌ها بتوانند تولید مثل کرده و خودشان را با محیط وفق دهند. خداوند زندگی را برای ایجاد تطابق بوجود آورد. در این مرحله، تکامل در شرایط مختلف در طول زمان محقق گردید (تکامل ذره‌ای یا تکامل افقی).

روند رو به رشدی در الهیات نسبت به مفهوم خلقت در حال اجرا وجود دارد که می‌گوید خدا نوع بشر را در دوران‌های (۱) مختلف آفرید یا (۲) آدم و حوا را در مراحل بعد، که همه چیز آماده بود خلق کرد (نوشته‌های Hugh Ross و Bernard Ramm).

در تقابل با شرق نزدیک باستان، باروری را بعنوان خدایان دو قلو پرستش می‌کردند، این امر نشان از خدا بعنوان سرمنشا زندگی دارد نه یک عمل جنسی. از بسیاری جهات این موضوع خاستگاه خدایان شرق نزدیک باستان را خدشه‌دار می‌کرد (آب، نور/تاریکی، بدن‌های آسمانی، نیروهای طبیعی و خدایان باروری) زیرا باعث از بین رفتن انحرافات اخلاقی خدایان مصری می‌شد. ابتکار عمل فقط و فقط از آن خداست!

متن NASB (بروز شده): ۱: ۱۴-۱۹

۱۴ و خدا گفت: «نورافشانها در فلک آسمان باشند تا روز را از شب جدا کنند، و تا نشانه‌ها باشند برای نمایاندن زمانها و روزها و سالها، و نورافشانها باشند در فلک آسمان تا بر زمین روشنایی بخشند.» و چنین شد. ۱۵ خدا دو نورافشان بزرگ ساخت، نورافشان بزرگتر را برای فرمانروایی بر روز، و نورافشان کوچکتر را برای فرمانروایی بر شب، و نیز ستارگان را. ۱۶ خدا آنها را در فلک آسمان نهاد تا بر زمین روشنایی بخشند و بر روز و بر شب سلطنت کنند و نور را از تاریکی جدا سازند. و خدا دید که نیکوست. ۱۷ شامگاه شد و بامداد آمد، روز چهارم.

۱: ۱۴ «تا نشانه‌ها باشند برای نمایاندن زمانها و روزها و سالها» نورافشانی آسمانی قرار بود برای مشخص کردن روزهای جشن (۱۸: ۱۴؛ لویان ۲۳؛ تثنیه ۳۱: ۱۰) و دوره استراحت، کار و پرستش باشد (مزمور ۱۰۴: ۱۹-۲۳). خورشید بمنظور تفکیک تقویم خلق شد و هر روز به بخش‌های جداگانه‌ای تقسیم شد تا انسان را به منظور تکمیل مسئولیت‌هایش کمک نماید (فیزیکی و روحانی).

۱: ۱۶ "دو نورافشان بزرگ... و نیز ستارگان را" خداوند خالق بدن‌های آسمانی است (اشعیا ۴۰: ۲۶). آن‌ها خدایانی برای پرستش نیستند (پرستش ستارگان در بین‌النهرین تثنیه ۴: ۱۹؛ جزقیال ۸: ۱۶) بلکه خادمین فیزیکی هستند (مزمور ۱۹: ۱-۶). این همچون یک بیانیه الهیاتی است!

۱: ۱۷-۱۸ ساختار موازی زبان عبری با انضمام نسخه ۱۴، اشاره به سه هدف دارد.

متن NASB (بروز شده): ۱: ۲۰-۲۳

۲۰ و خدا گفت: "آب‌ها از انبوه جانداران پر شود و پرندگان بر فراز زمین در فلک آسمان پرواز کنند." ۲۱ پس خدا موجودات بزرگ دریایی و همه جانداران را که می‌جنبند و آب‌ها را پر می‌سازند، بر حسب گونه‌هایشان، و همه پرندگان بالدار را بر حسب گونه‌هایشان آفرید. و خداد که نیکوست. ۲۲ خدا آنها را برکت داد و گفت: "بارور و کثیر شوید و آب دریاها را پر سازید، پرندگان نیز بر زمین کثیر شوند." ۲۳ شامگاه شد و بامداد آمد، روز پنجم.

۱: ۲۳-۲۰ بی‌مهرگان بصورت ناگهانی در دوره کامبریان به وفور ظاهر شدند. هیچ مدرک فیزیکی برای توسعه تدریجی آن در دست نیست.

فعل "ازدحام کردن" (BDB 1056, KB 1655) و "پرواز کردن" (BDB 733, KB 800) که در آیه ۲۰ استفاده شده هر دو ناقص و صیغه امری هستند.

۱: ۲۰ "انبوه جانوران" همین کلمه، *nepesh* (BDB 659)، درباره انسان‌ها (۷: ۲) و حیوانات استفاده شده است (۲: ۱۹؛ لاویان ۱۱: ۴۶؛ ۲۴: ۱۸). معرف نیروی زندگی مرتبط و منطبق با این سیاره می‌باشد (جزقیال ۱۸: ۴).

□ "پرندگان" در اصل "چیزهای پرنده" بوده (BDB 733) زیرا در تثنیه ۱۴: ۱۹-۲۰ به حشرات هم اطلاق شده است.

۱: ۲۱ "آفرید" این واژه آنگونه که در پیدایش ۱: ۱ آمده *bara* است (BDB 135, KB 153, *Qal Imperfect*). دلالت بر آفرینش الهی دارد. "انسان و حیوانات" در ۲۵-۲۴ "ساخته شده‌اند" که دلالت بر زندگی ماده در گذشته می‌باشد (چرک). با این حال *bara* برای "انسان" در ۱: ۲۷ استفاده شده است (سه بار).

این عبارت ویژه درباره (۱) جهان هستی (یا زمین) در ۱: ۱؛ (۲) درباره موجودات دریایی در ۱: ۲۱؛ و (۳) درباره بشریت در ۱: ۲۷ استفاده شده است.



NASB, NRSV, TEV, NJB "هیولاهای بزرگ دریایی"

NKJV, NIV "هیولاهای بزرگ دریایی"

LXX, KJV "نهنگ‌های بزرگ"

JB "مارهای بزرگ دریایی"

اشاره به *leviathan* (BDB 1072) مزمور ۱۰۴: ۲۶؛ ۷: ۱۴۸؛ ایوب (۴۱) دارد. گاهی لغت به دشمن اسرائیل وابستگی دارد: (۱) مصر، اشعیا ۵۱: ۹؛ جزقیال ۲۹: ۳؛ ۳۲: ۲ (گاهی بعنوان "Rahab" اشاره دارد مزمور ۸۹: ۱۰؛ اشعیا ۵۱: ۹) و (۲) بابل، ارمیا ۵۱: ۳۴. اغلب وابسته است به دشمنان فضایی/روحانی، ایوب ۷: ۱۲؛ مزمور ۷۴: ۱۳؛ اشعیا ۲۷: ۱. دوره آفرینش کنعان تبدیل به نبرد خدا با بال شد، اما در کتاب مقدس از آن با عنوان آفرینشی خوب از خدای راستین یاد شده است.

□ "پرنده بالدار" این شامل هر چیزی که پرواز شود می‌گردد، پرندگان و حشرات (تثنیه ۱۴: ۱۹-۲۰).

۱: ۲۲ در حالیکه گیاهان برای بازپروری حیوانات بوجود آمده بودند. خداوند می‌خواهد که سیاره‌اش با زندگی پر شود (مجموعه *Qal Imperatives*] و یک صیغه امری [۱: ۲۸؛ ۹: ۱ و ۷). این یکی از معضلات شورشیان برج بابل بود (عدم اشتیاق برای جدا شدن و پر کردن سیاره).

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. علم چگونه به انجیل مرتبط می‌گردد؟

۲. سوالات واقعی حول محور چه کسی و چرا پیرامون خلقت می‌گردند نه چطور و چه زمانی. اگر چنین چیزی صحیح باشد، چگونه باید آفرینش ۱-۲ را تفسیر نماییم؟
۳. خداوند دنیای فیزیکی را چگونه خلق کرد؟ اگر این موضوع جنبه شاعرانه داشته باشد، آیا باید به *fiat, ex nihilo* فشار وارد نماییم؟
۴. محور اصلی پیدایش ۱ چیست؟
۵. چگونه انجیل شبیه/برخلاف سایر دوران‌های آفرینش سخن گفته است؟

برخی منابع مفید

- A. کتاب *Objectives Sustained* نوشته Phillip Johnson
- B. کتاب *Darwinism on Trial* نوشته Phillip Johnson
- C. کتاب *Creation and Time* نوشته Hugh Ross
- D. کتاب *The Genesis Question* نوشته Hugh Ross
- E. کتاب *The Creator and the Cosmos* نوشته Hugh Ross
- F. کتاب *The Christian View of Science and Scripture* نوشته Bernard Ramm
- G. کتاب *The Scientific Enterprise and Christian Faith* نوشته Malcolm A. Jeeves
- H. کتاب *Coming to Peace with Science* نوشته Darrel R. Falk
- I. کتاب *The Language of God* نوشته Francis S. Collins
- J. کتاب *Who was Adam?* نوشته Fazale Rana and Hugh Ross

- A. در دو قرن گذشته، کاتبین عهد عتیق اغلب ادعا می‌کنند که پیدایش دو دوره آفرینش با اسامی متفاوتی برای خدا، را توسط نویسندگان مختلف ثبت کرده است. با اینحال:
۱. این می‌تواند شکل تحت‌لفظی رایج شرقی از تشریح یک دوره کلی بوسیله دوره‌ای خاصی باشد
 ۲. پیدایش ۱: ۱ - ۳: ۲ می‌تواند خلاصه دوره‌ای از آفرینش این سیاره و پیدایش ۲: ۴ - ۲۵ دربار آفرینش اولین زوج بشر در آن باشد.
 ۳. این می‌تواند بازتاب‌دهنده جنبه دیگری از شخصیت خداوند باشد
 - a. *Elohim* - خالق، فراهم‌کننده، نگهدارنده تمام زندگی
 - b. *YHWH* - منجی، رهایی‌بخش و پیمان‌خداوند با اسرائیل
- B. به نظر می‌رسد که تمایزی بوجود آمده میان خداوندی که از هیچ چیز آفریده شده و چیزهایی را که می‌آفریند. بعنوان مثال: خدا در ۷21 آفریده شد با وجود این در ۷20 هنوز آب را می‌آفرید؛ در ۷25 هنوز در حال آفریدن بود و در ۷24 زمین خلق شد. آگوستین متوجه این تمایزات شد و دو عمل آفرینش را مطرح کرد: (۱) ماده و موجودات معنوی و (۲) سازماندهی و تنوع آن‌ها.
- C. این بخش به روشنی به ما یاد می‌دهد که انسان‌ها همانند حیوانات سرزمین‌های بالایی هستند: (۱) هر دو دارای *nephesh* هستند، ۱: ۲۴ و ۲: ۷؛ (۲) هر دو در روز ششم آفریده شدند، ۱: ۳۱؛ (۳) هر دو از پایه آفریده شدند، ۲: ۱۹؛ (۴) هر دو از گیاهان تغذیه می‌کردند، ۱: ۲۹-۳۰؛ (۵) هر دو زاد و ولد می‌کردند. با اینحال، انسان‌ها همچون خداوند هستند: (۱) خلقتی ویژه دارند، ۱: ۲۶، ۲: ۷؛ (۲) بصورت او و شبیه او آفریده شده‌اند، ۱: ۲۶؛ و (۳) فرمانروایی دارد ۱: ۲۶، ۲: ۲۸.
- D. پیدایش ۱: ۲۶ "بسازیم..." (۱: ۲۶؛ ۳: ۲۲؛ ۱۱: ۷؛ ۱۹: ۲۴؛ اشعیا ۶: ۸) خیلی عالی مورد بحث قرار گرفته است. نظریه‌های زیادی ظهور کرده است:
۱. *The Plural of Majesty*^۲ (هیچ نمونه قدیمی‌تری در انجیل یا ادبیات ربانی وجود ندارد)
 ۲. خداوند از خودش و دادگاهی الهی از فرشتگان سخن گفت، ۱ پادشاهان ۱۹: ۲۲
 ۳. اشاره‌ها به سوی جمیع ویژگی‌ها در خداوند، و بنابراین، پیشینی تثلیث، ۳: ۲۲؛ ۱۱: ۷؛ اشعیا ۶: ۸؛ ۱۴: ۶۱. باید توجه کرد که (الف) *Elohim* جمع است و (ب) افراد الهی در آیات مزمور ۲: ۲؛ ۱۱۰: ۱؛ ۴: ۴؛ زکریا ۳: ۸-۹، ۱۱ ذکر شده‌اند.
- E. نظریه‌هایی که معنی ظاهر و شباهت می‌دهند
۱. *Tertullian و Irenaeus*
 - a. جنبه‌های ظاهری-فیزیکی انسانیت
 - b. جنبه‌های روحانی-شبهاتی انسانیت
 ۲. کلمنت اسکندریه، اوریگن، آتاناسیوس، هیلاری، امبروس، آگوستین و یوحنا دمشقی
 - a. جنبه‌های ظاهری-غیرشخصیتی انسان
 - b. جنبه‌های شبهاتی انسان که قابل بسط بوده، همچون قداست و اخلاق، و چنانچه بسط نیافته باشد لذا از دست رفته تلقی می‌گردد.
 ۳. پیروی از روش‌های تحقیقاتی قرون وسطایی (Thomas Aquinas)
 - a. ظاهر-توانایی و آزادی عقلانی بشریت (بصورت طبیعی)
 - b. شباهت-عدالت و نعمات ماورالطبیعه‌ای که در هنگام سقوط بشریت، از بین رفتند
 ۴. اصلاحگران
 - a. همگی هر گونه تمایز میان واژه‌ها را نفی کردند (پیدایش ۵: ۱؛ ۶: ۹).
 - b. هم لوتر و هم کالوین، هر دو این مفهوم را در حالات مختلف شرح دادند، ولی در عین حال به یک واقعیت مشترک اذعان داشتند.
 ۵. من تصور می‌کنم اشاره آنها به (۱) شخصیت، (۲) هشیاری، (۳) مهارت در زبان، (۴) اراده، و/یا (۵) اخلاق بوده است.

^۲ برای این عبارت در زبان فارسی معادلی یافت نشد.

موضوع خاص: منابع طبیعی (Special Topic: Natural Resources)

I. مقدمه

- A. تمام آفرینش خدا صحنه‌ای برای ابراز عشق وی با بشریت است.
- B. از هنگام سقوط میوه ممنوعه از درخت (پیدایش ۳: ۱۷؛ ۶؛ رومیان: ۸: ۱۸-۲۰). همچنین در هنگام رستگاری اسکاتولوژیکی (اشعیا ۱۱: ۶-۹؛ رومیان: ۸: ۲۰-۲۲؛ مکاشفه ۲۱-۲۲).
- C. انسان گناهکار در واقع با خودخواهی‌های خود محیط طبیعی را به تباهی کشید. نوشته زیر برگرفته از کتاب *The Conon of Wesminster* به قلم Edward Carpenter.

"... انسان بی‌رحمانه بر جهان اطرافش حمله می‌برد، و آن هم در یک بعد جهانی، یعنی خلقت خداوند. تعرضش به هوایی که آلوده می‌کند، رودخانه‌هایی که وی به منجلاب تبدیل می‌کند، خاکی که وی سمی می‌کند، جنگل‌هایی که وی به نابودی می‌کشاند، و تازه اگر تاثیرات دراز مدت این تخریب خبیثانه را در نظر نگیریم. چنین حمله‌ای از سوی انسان غیرهماهنگ می‌باشد. نسبت به توازن در طبیعت توجه اندکی معطوف داشته و در نتیجه مسئولیت بسیار اندکی در قبال آنچه که به نسل‌های بعدی بدهکار است، احساس می‌کند."

- D. نه تنها حاصل آلودگی و استثمار این سیاره نصیب خود ما می‌گردد، بلکه نسل‌های ما حتی عواقب شدیدتر و غیرقابل برگشتی را نیز متحمل خواهند شد.

II. موضوعات انجیلی

A. عهد عتیق

۱. پیدایش ۱-۳

- a. پیدایش جایبست ویژه خلق شده توسط خداوند برای دوستی وی با بشریت (پیدایش ۱: ۱-۲۵).
- b. پیدایش خوب است (پیدایش ۴: ۱، ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۲۵)، بلی، بسیار خوب است (پیدایش ۱: ۳۱) بنا بر این بود که شاهدی بر خداوند باشد (مزمور ۱۹: ۱-۱۶).
- c. بشریت دلیل اصلی آفرینش است. (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷)
- d. بشریت از ابتدا بنا بود حکمرانی (لغت عبری استفاده شده بجای حکمرانی، "راه رفتن" می‌باشد) بر قلمرو خداوند را در نقش پیشکار وی تمرین کند (پیدایش ۱: ۲۸=۳۰؛ مزمور ۸: ۳-۸؛ عبرانیان ۲: ۶-۸). خداوند خالق/رستگار کننده/نگاه‌دارنده/صاحب آفرینش هست و خواهد بود (خروج ۱۹: ۵؛ ایوب ۳۷-۴۱؛ مزمور ۲۴: ۱-۲؛ ۹۵: ۳-۵؛ ۱۰۲: ۲۵؛ ۱۱۵: ۱۵؛ ۱۲۱: ۲؛ ۱۲۴: ۸؛ ۱۳۴: ۳؛ ۱۴۶: ۶؛ اشعیا ۳۷: ۱۶).
- e. نظارت انسان بر خلقت را می‌توان در آفرینش ۲: ۱۵ دید، "... تا کار آن را بکند و از آن نگاهداری نماید" (لاویان ۲۳: ۲۵؛ اول قرنطیان ۲۹: ۱۴).

۲. خداوند خلقت را دوست دارد، بویژه خلقت حیوانات را.

- a. قوانین موزاییکی برای مراقبت صحیح از حیوانات
- b. بازی بیهوه با لویاتان (مزمور ۱۰۴: ۲۶)
- c. خداوند به حیوانات اهمیت می‌دهد (یونس ۴: ۱۱)
- d. حضور اسکاتولوژیکی طبیعت (اشعیا ۱۱: ۶-۹؛ مکاشفه ۲۱-۲۲)

۳. طبیعت، تا حدودی خدا را ستایش می‌کند

a. مزمور ۱۹: ۱-۶

b. مزمور ۲۹: ۱-۹

c. ایوب ۳۷-۴۱

۴. طبیعت یکی از ابزاربست که خداوند بوسیله آن عشق و وفاداری خود را نسبت به پیمانی که با بشر بسته نشان می‌دهد.

a. تثنیه ۲۷-۲۸؛ اول پادشاهان ۱۷

b. بوسیله پیامبرانش

B. عهد جدید

۱. خداوند بعنوان یک خالق دیده می‌شود. فقط یک خالق وجود دارد و آن هم خدای سه گانه است (Elohim پیدایش ۱: ۱؛ روح، پیدایش ۱: ۲؛ و عیسی در عهد جدید). بقیه هر آنچه هست توسط او خلق شده است.
 - a. اعمال ۲۴: ۱۷
 - b. عبرانیان ۳: ۱۱
 - c. مکاشفه ۱۱: ۴
۲. عیسی نماینده خداوند در امر آفرینش است
 - a. یوحنا ۱: ۳، ۱۰
 - b. اول قرنطیان ۶: ۸
 - c. کولسیان ۱: ۱۶
 - d. عبرانیان ۲: ۱
۳. عیسی در صحبت هایش، بصورت غیر مستقیم از اهمیت طبیعت برای خدا سخن می‌گوید
 - a. متی ۶: ۲۶-۲۸، پرندگان آسمان و سوسن‌های صحرا
 - b. متی ۱۰: ۲۹ گنجشک‌ها
۴. پولس تسریح می‌کند که تمامی انسان‌ها در قبال دانش خود از آفرینش خداوند مسئول هستند (مکاشفه طبیعت، رومیان ۱: ۲۰-۲۱؛ مکاشفه ۲۱-۲۲).

III. نتیجه

- A. ما نسبت به این نظم طبیعی متعهد هستیم!
- B. همچون سایر نعمات خدادادی، انسان گناهکار از طبیعت خداوند نیز سوء استفاده می‌کند.
- C. این نظم طبیعی دائمی نیست. این نیز خواهد گذشت (دوم پترس ۳: ۷). خداوند دنیای ما را بسوی سلسله‌ای تاریخی هدایت می‌کند. گناه دوره مراحل خود را طی خواهد کرد، ولی خداوند حد و مرز آن را مشخص کرده است. خلقت دوباره باز خواهد گشت (رومیان ۸: ۱۸-۲۵).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۱: ۲۴-۲۵

۲۴ و خدا گفت: «زمین جانداران را بر حسب گونه‌هایشان بر آوزد، چارپایان و خزندگان و وحوش زمین را، بر حسب گونه‌هایشان.» و چنین شد. ۲۵ پس خدا وحوش زمین را بر حسب گونه‌هایشان بساخت، و چارپایان را بر حسب گونه‌هایشان، و همه خزندگان روی زمین را بر حسب گونه‌هایشان. و خدا دید که نیکوست.

۱: ۲۴ «و خدا گفت، "Elohim (BDB 43) اسم جمع باستانی برای خدا بود که بر فضای فصل ۱ نیز حاکم دارد. ریشه این لغت مشخص نیست. معلمین تورات می‌گویند که این لغت خداوند را بعنوان خالق، فراهم کننده نیازها و نگهدارنده حیات بر روی زمین نشان می‌دهد. شکل جمع این لغت ظاهراً هنگامی که به آیات ۱: ۲۶، ۳: ۲۲، ۷: ۱۱ وصل شده و تجمیع حرف "یک" که در دعای اعظم (Shema) نیز دیده می‌شود، جنبه الهیاتی پیدا می‌کند، تنبیه ۶: ۴-۶. در هنگام استفاده، خدای اسرائیل بصورت فعل همیشه مفرد خواهد بود. واژه Elohim در عهد قدیم می‌تواند اشاره داشته باشد به (۱) فرشتگان (مزمور ۸: ۵)؛ (۲) قضات انسانی (خروج ۲۱: ۶؛ ۲۲: ۸، ۹؛ مزمور ۸۲: ۱)، و یا (۳) سایر خدایان کوچکتر (خروج ۱۸: ۱۱؛ ۳: ۲۰؛ اول ساموئیل ۴: ۸).

☐ "زمین بر آوزد" صیغه امری Hiphil می‌باشد. در پیدایش ۱ تفاوتی وجود دارد میان خدایی که بصورت کلامی از هیچ بوجود آمده، و خدایی که می‌آفریند و تولید مثل می‌کند. آیات ۲۰ و ۲۱ را با آیه‌های ۲۴ و ۲۵ مقایسه کنید.

☐ "موجودات زنده را بر حسب گونه‌هایشان" آیات ۲۴-۲۵ از زمینی صحبت می‌کند که حیوانات بزرگ و کوچک، اهلی و وحشی بر روی آن زندگی می‌کنند. توجه داشته باشید که واژه "موجودات زنده" (BDB 659 و 311) بر اساس واژه عبری nephesh بوده که لغت بکار برده شده برای انسان در پیدایش ۷: ۲ می‌باشد. روشن است که منحصر بفرد بودن انسان در واژه nephesh دیده نشده، بلکه اغلب در یونانی بعنوان "روح" ترجمه شده است.

□ «چیزهای خزنده» در کل به «پرنندگان» و «خزندگان» اشاره دارد (BDB 943). این همان لغتی است که در v.21 بکار رفته شده است «که حرکت می کند».
ظاهراً اشاره دارد به تمام حیواناتی که بر روی دو پا راه نمی روند و یا دارای پاهای کوتاهی می باشند که غیر قابل تشخیص هستند.

□ «و چنین شد» خواست خدا به وقوع پیوست! یادداشت ۱:۷ را مطالعه فرمایید.

۱:۲۵ «و خدا دید که نیکوست» خلقت خداوند نیکو بود (BDB 373) و در آفرینش ۱:۳۱ نیز بصورتی علنی «بسیار نیکو» اعلام شده است. این می تواند اصطلاحی عبری برای منظوری مشخص باشد. از لحاظ الهیاتی نیز ممکن است سخن از عدم وجود گناه توسط آفریده اصلی خداوند بگوید. گناه نتیجه شورش است، نه خلقت خداوند.

متن NASB (بروز شده): ۱:۲۶-۳۱

۲۶ آنگاه خدا گفت: «انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم، و او بر ماهیان دریا و بر پرنندگان آسمان و بر چارپایان و بر همه زمین و همه خزندگانی که بر زمین می خزند، فرمان براند.» ۲۷ پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید. ۲۸ خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرنندگان آسمان و بر هر جانداري که بر زمین حرکت می کند، فرمان برانید.» ۲۹ آنگاه خدا گفت: «اینک همه گیاهان دانه دار را که بر روی تمامی زمین است و همه درختان دارای میوه دانه دار را به شما بخشیدم تا خوراک شما باشد. ۳۰ و به همه وحوش زمین و همه پرنندگان آسمان و همه خزندگان روی زمین که جان در خود دارند، همه گیاهان سبز را برای خوردن بخشیدم.» و چنین شد. ۳۱ و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم.

۱:۲۶ «بسازیم» حالت *Qal* (BDB 793, KB 889) ناقص است، ولی اینجا با مفهوم اصرار کردن استفاده شده است. درباره جمع بودن «ما» بحث های فراوانی بوده است. Philo و Eben Ezra می گویند که اشاره به عظیم الشان بودن خدا دارد، ولی این قالب دستوری تا سال ها بعد در تاریخ ادبیات عبری ظاهر نشد (انجیل NET می گوید که با افعال استفاده نمی شود، ص. ۵). Rashi نیز معتقد است که اشاره به دادگاه الهی دارد (اول پادشاهان ۲۲: ۱۹-۲۳؛ ایوب ۱: ۶-۱۲؛ ۲: ۱-۶؛ اشعیا ۶: ۸)، ولی نمی تواند اشاره به نقش فرشتگان در خلقت داشته و یا از آنان تصویر آسمانی رسم نماید. دیگران تصور می کنند که شکل اولیه ای از سه گانگی خداوند دارد.

جالب اینجاست که در حقیقت در دوره های آفرینش بین النهرین، خدایان (معمولاً به شهرهای مختلف وصل هستند) همیشه با یکدیگر مخالفت می کردند اما در اینجا نه تنها یکتاپرستی مشهود است، بلکه حتی در چند عبارت جمع، هماهنگی وجود داشته و تضاد شدیدی به چشم نمی خورد.

□ «انسان» این کلمه عبری «آدم» است (BDB 9)، که به روشنی بازی واژگان عبری برای زمین، *adamah* (v.9) می باشد. این عبارت همچنین می تواند اشاره به «قرمزی» چیزی داشته باشد. بسیاری از کاتبین بر این باورند که می تواند اشاره به بشریت داشته باشد که از ترکیبات قرمز یا خاک رس دره رودخانه تیرس/فرات تشکیل شده است (۷:۲). فقط در فصل های آغازین پیدایش، واژه عبری «آدم» بعنوان نامی اصلی استفاده شده است. *Septuagint*^۳ از کلمه *Anthropos* برای ترجمه این واژه استفاده می کند که واژه ای عمومی بوده و اشاره به مردان یا زنان دارد (۵: ۲؛ ۶: ۱، ۵-۷؛ ۹: ۵۶). عبارت رایج تر در عبری برای مرد یا شوهر (BDB 35) و آفرینش ۲: ۲۳ ریشه دستوری آن مشخص نیست) و برای زن یا همسر مونث *Ishah* و *Ish* (BDB 61) است.

در این مقطع از درک مفاهیم الهیاتی من، بسیار دشوار می توانم میان آفرینش اولین جفت بر طبق کتاب مقدس با فسیل های بدست آمده از انواع گونه های همو آرکتوس، ارتباط برقرار کنم. در برخی از این گورهای باستانی، اجساد به گونه ای دفن شده اند که گویی به زندگی دیگری متصل هستند. البته من بدنال بحث تکامل موجودات زنده نیستم. ولی اگر این حقیقت داشته باشد، آدم و حوا جزو انسان های اولیه محسوب می شوند و سپس دوره تاریخی در قالب زمانی پیدایش ۱-۱۱ باید بشکلی جدی و اساسی توسعه پیدا کند.

احتمالاً خداوند آدم و حوا را در دوره دیگری آفریده است (آفرینش در حال توسعه)، و آنها را بصورت انسان های پیشرفته در آورد (*Homo Sapiens*). در اینصورت، ارتباط آنها با تمدن بین النهرین نیازمند خلقتی ویژه در زمانی نزدیک به دوره شروع فرهنگ باشد. تاکید می کنم که در حال حاضر این فقط یک حدس است. دنیای امروزی فاقد اطلاعات گسترده درباره دوران باستان است. دوباره تاکید می کنم، به لحاظ الهیاتی، «چه کسی» و «چرا» مهم هستند، نه «چطور» و «چه زمانی»!!

^۳ انجیل عبرانی عهد عتیق

□ **"او فرمان براند"** معنی اصلی کلمه، "کسی یا چیزی را زیر پا له کردن" است. اصطلاحی قوی است که از سلطه بشر بر طبیعت سخن می گوید (مزور ۸: ۵-۸). این همان مفهومی است که در v.28 نیز یافت می شود. دو اصطلاح "حکم راندن" v.26 و 28 و "فرمانبردار کردن" در v.28 به لحاظ ریشه ادبی دارای یک معنی "چیزی را با پا له کردن" یا "پایمال کردن" است. گرچه این لغات معانی سنگینی دارند، اما در حقیقت تصویر سلطنت خدا را بازتاب می دهند. انسان به واسطه رابطه‌ای که با خدا دارد، بر روی زمین حکمرانی می کند. بشر قرار بود نمایندگی خداوند را برای این حکمرانی داشته باشد. قدرت یک مسئله الهیاتی نیست، اما روشی برای تمرین است (برای خود و یا برای مصلحت دیگران).

توجه داشته باشید که کاربرد این فعل بصورت جمع، دلالت بر تسلط مرد و زن به همراه هم دارد (۵: ۲۳). همچنین به جمع ضروریات در v.28 توجه نمایید. مطیع بودن زن فقط بعد از سقوط فصل ۳ بوجود می آید. پرسش واقعی اینست که: آیا این اطاعت، پس از بوجود آمدن عصر جدید در زمان عیسی نیز باقی می ماند؟

۱: ۲۷ **"خدا آفرید"** در این آیه استفاده‌ای سه‌گانه (Qal کامل به دنبال دو Qal ناقص) از عبارت Bara (BDB 127) وجود دارد، که بصورت حالتی خلاصه و همچنین تاکید بر خلقت خداوند یعنی انسان بعنوان مرد و زن عمل می کند. این امر در قالب شعر در NRSV, NJB چاپ شده است بصورت پانویس نیز در NIV ذکر شده است. عبارت Bara تنها در عهد عتیق برای آفرینش خداوند استفاده شده است.

□ **"بصورت خود"** خیلی جالب است که فعل استفاده شده بصورت جمع در v.20 اینجا بشکل مفرد آمده است. این امر دربر گیرنده راز تجمع، و در عین حال واحد بودن خداوند است. تصویر خدا (BDB853) برابر با مردان و زنان است!

□ **"مردان و زنانی که او آفرید"** جنبه‌های جنسی مرتبط است به نیازها و محیط زیست این سیاره. خداوند به این تفکیک‌ها ادامه می دهد (یادداشت ۱: ۴ را بخوانید). در اینجا دو طرفه بودن را در آیات ۲: ۱۸ و ۵: ۲ مد نظر داشته باشید. تصویر الهی ما این اجازه را به ما می دهد تا به شکلی منحصر بفرد با خداوند ارتباط برقرار کنیم.

۱: ۲۸ **"خدا آنها را برکت می دهد... بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید"** بخشی از برکت خداوند (BDB 138, KB 159, *Piel Imperfect*) در بعد از آفرینش بود (تثنیه ۷: ۱۳). برکت هم بر حیوانات بود (v.22) و هم انسان (v.28)؛ ۹: ۱، ۷). در دوره آفرینش بین‌النهرین سر و صدای ازدیاد جمعیت دلیلی بود که خداوند بشر را نابود کرد. دوره پیدایش مشوق رشد جمعیت است. قافلگیر کننده است که یکی از اولین اقدامات شورشیان (پیدایش ۱۰-۱۱) آکراه بشر به جدایی و پر کردن زمین بود.

□ **"تسلط یابید و فرمان برانید"** این‌ها در متن عبری دو دستور هستند که به موازات "بارور و کثیر" شوید استفاده می شوند (مجموعه سه Qal Imperative). این باعث می شود که هم کنترل بشر و قوای جنسی انسان در اراده خداوند باشد. هر دو فعل عبری، "فرمانبردار" (BDB 461, KB 460) و "حکمراندن" (BDB 921, KB 1190) می توانند دلالت منفی (سلطه بی‌رحمانه) داشته باشند. در یک متن خاص باید مشخص شود که آیا معنی آن ملایم است و یا خشن.

۱: ۲۹ دوره برتری گیاهان به سه گروه متفاوت تقسیم شده است. زنجیره خوراک با عمل فتوسنتز در گیاهان شروع می شود. تمام زندگی حیوانات بسته به زندگی اعجاز انگیز گیاهان دارد. در این آیه، بعنوان خوراک به بشر دانه و میوه عطا شده است (۲: ۱۶؛ ۶: ۲۱)، در حالیکه گروه سوم، علوفه جات، به حیوانات عطا شده است. تا قبل از سیل عظیم، انسان‌ها اجازه خوردن گوشت نداشتند (پیدایش ۹: ۳). این امر می تواند به علت عدم امکان درو در آن سال داشته باشد. به لحاظ الهیاتی صحیح نمی باشد که قوانین عمومی تغذیه را از پیدایش ۱ حذف کنیم.

ضمن اینکه حتی ممکن است که این موضوع فقط مرتبط با باغ عدن باشد. مرگ حیوانات گوشتخوار به قدیمی ترین لایه‌های فسیلی مربوط به کامبرین در ۵۰۰/۰۰۰ سال قبل باز می گردد، جایی که زندگی فسیلی ثبت شده آغاز می گردد.

۱: ۳۰ **"همه درختان دارای میوه دانه دار را به شما بخشیدم تا خوراک شما باشد"** این نتیجه گیری بسیار مهمی برای خلقت است زیرا که در تفکرات عرفانی یونان، ماده شر است و روح خوب. در آن نظام یونانی (همینطور در متون بین‌النهرینی) هم ماده و هم روح ازلی هستند که بعنوان توضیحی برای مشکلات آن دو بر روی زمین عمل می کنند. اما در دوره ادبیات یهود، این امر متفاوت است. فقط خداوند است که از عمر ازل برخوردار است و ماده را بنا به مقصود خود خلق کرده است. هیچ شری در خلقت اصلی خداوند وجود ندارد بجز "آزادی"!

□ **"شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم"** توجه به این نکته مهم است که همانند روز سوم، ششمین روز دو عمل خلاقانه دارد، بنابراین در طول شش روز هشت عمل خلاقانه وجود دارد. عالمین یهود روز جدید را در هنگام گرگ و میش هوا و بر اساس این فراز آغاز می کنند، "عصر و صبح".

۱ بدین سان، آسمانها و زمین و همه لشکر آنها تمام شد. ۲ و خدا در روز هفتم، کار خویش را به پایان رسانید؛ پس او در هفتمین روز، از همه کار خویش بیاسود. ۳ و خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدس شمرد، چراکه در آن روز از همه کار خویش که خدا آفریده و ساخته بود، بیاسود

۱:۲ "آسمانها" در اینجا این واژه (BDB 1029) اشاره به اتمسفر بالای جو زمین دارد. در برخی متون به آسمانهای ستاره ای بالاتر از جو اشاره کرده است.

□ "و زمین و همه لشکر آنها تمام شد" آفرینش فیزیکی خدا به مرحله بلوغ رسیده است (BDB 477, KB 476, Paul Imperfect, v.2 و Piel Imperfect). اکنون آماده حیات برای بشریت شده است. هر مرحله ای از خلقت، ساکنان مناسب خود را داشته است ("میزبانان" BDB 838). این موضوع به طور خاص اشاره به آفرینش فرشتگان ندارد (مگر اینکه ۱:۱ را شامل حال آن نماییم). این متن ویژه آفرینش فیزیکی می باشد.

در عبری واژه "میزبانان"، در برخی از متون، اشاره به (۱) بت پرستی مردمان بین النهرین که به نورهای آسمانی متصل بودند (خورشید، ماه، سیارات، ستاره های دنباله دار، صور فلکی، تثنیه ۴:۱۹) یا (۲) ارتش فرشتگان YHWH (یوشع ۵:۱۴)، اما اینجا دلالت بر تمام انواع مختلف مخلوقات در زندگی دارد.

□ ۲:۲ "خدا در روز هفتم، کار خویش را به پایان رسانید" بیشتر تداعی کننده بعد انسانی می باشد ولی به این معنا نیست که خداوند از فعالیت دائمی در خلقت و بشریت خسته شده و کار را بی پایان رسانیده بود. این فقط مقدمه یک الگو برای بشریت است که نیاز به استراحت و پرستش دارد.

□ "بیاسود" ریشه این لغت مشابه "شبت" است (BDB991, KB 1407, Qal Imperfect, خروج ۲۰:۱۱؛ ۳۱:۱۲-۱۷). تثنیه ۵:۱۵ دلیل دیگری برای جنبه جامعه شناسی شبت ارائه می کند، نه همانند دلایل الهیاتی که در خروج ۲۰:۸-۱۱ آورده شده است.

این واژه در حالات مختلفی استفاده شده است، بویژه در عهد عتیق کتاب عبرانیان ۳:۷ - ۴:۱۱ و تفسیر آن بر اساس مزمو ۷:۹۵-۱۱ می باشد. در عبری واژه "استراحت" هم درباره استراحت سبت بکار می رود، سرزمین وعده داده شده، و هم دوستی با خدا (بهشت). خداوند برای آفرینش ویژه خود، بشریت، نمونه ای فراهم آورده است. همبستگی منظم میان خداوند و نوع بشر بصورت رسمی اعلام نشده، ولی در شکل مفهومی، دلیل آفرینش می باشد!

□ "روز هفتم" روزهای ۱ تا ۶ با عصر شروع می شوند و با صبحگاهان خاتمه می یابند (۱:۳۱)، ولی به صبحگاه روز هفتم هرگز اشاره ای نشده است. بنابراین، عالمان یهود و همینطور نویسندگان عبرانیان در عهد عتیق (۳:۷ - ۴:۱۱) از عبارت روز هفتم استفاده کرده تا نتیجه گیری کند استراحت خداوند هنوز برقرار است (مزمو ۷:۹۵-۱۱).

۳:۲ "خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدس شمرد" عبارت "مقدس" به معنی "تقدیس شده" می باشد (BDB 872, KB 1073, Piel Imperfect).

این عبارت به معنی جدا کردن چیزی به منظور استفاده خاص خداوند است. خداوند خیلی زود یک روز خاص و عادی را به منظور برقراری ارتباط میان خود و بشریت بوجود آورد. این بدان معنی نیست که همه روزها به او تعلق ندارند، ولی این روز بصورت انحصاری برای ارتباط برقرار کردن، پرستش، ستایش و ذخیره انرژی بوجود آمده است.

منشا هفت روز هفته رازی نهفته است. انسان می تواند ببیند که هر ماه چگونه کره ماه، و هر سال چگونه به تغییرات فصلی مرتبط هستند، ولی یک هفته هیچ منشا مشخصی ندارد. با اینحال، تا جایی که ما می دانیم، بنظر می رسد هر یک از فرهنگ های باستانی تاریخچه ای برای منشا آن نگاشته اند.

موضوع خاص: پرستش (Special Topic: Worship)

I. مقدمه

A. برخی سوالات مهم

۱. پرستش چیست؟

۲. چگونه و چطور شروع شد؟

۳. شامل چه مواردی می‌شود؟

۴. چه کسانی در آن شرکت دارند؟

۵. کجا و چگونه انجام می‌گیرد؟

B. این سوالات قالب بحث ما را شکل می‌دهند. باید بیاد داشت که هیچ پاسخی قاطعی برای این سوالات وجود ندارد، ولی مفاهیم کتاب مقدس و تحولات تاریخی در این زمینه موجود می‌باشد.

II. پرستش چیست؟

A. واژه انگلیسی آن از عبارتی در زبان ساکسون بنام "weorthscipe" گرفته شده که بمعنی شخص یا کسی است که به وی احترام گذاشته شده و مورد تکریم واقع شده.

B. واژگان اصلی عهد عتیق عبارتند از:

۱. "Abodah"، که از ریشه‌ای عبری گرفته شده بمعنی "خدمت کردن" یا "خدمت‌گذار" (BCB 715). معمولاً ترجمه می‌شود "خداوند را خدمتگذاری کردن".

۲. Hishtawah، از ریشه عبری گرفته شده بمعنی "تعظیم کردن" یا "سجده کردن" (BDB 1005، خروج ۳۱:۴).

C. واژگان عهد جدید از واژگان عبری دنباله‌روی می‌کنند.

۱. برای abodah واژه latreia استفاده می‌شود که به معنی کارگر یا برده استخدام شده است.

۲. برای hishtawah واژه proskuneo استفاده می‌شود که به معنی "خود را به سجده بردن"، یا "پرستیدن" و یا "پرستش" است.

D. توجه داشته باشید که پرستش در دو حوزه مورد صدمه واقع می‌گردد.

۱. نگرش ما به احترام

۲. سبک زندگی روزانه ما

مجموع این دو با یکدیگر یا بصورت منفرد از بزرگترین مشکلات هستند (تثنیه ۱۱:۱۳)

III. چه زمان و چگونه شروع شد؟

A. عهد عتیق زمان مشخصی برای سرمنشا شروع پرستش ارائه نمی‌دهد، اما در سفر پیدایش، نشانه‌های متعددی وجود دارد.

۱. تاسیس روز سبت خداوند در پیدایش ۲: ۱-۳ به مرور زمان تبدیل به روزی برای پرستش بصورت هفتگی درآمد. پیدایش یک می‌گوید که خداوند هر هفته روزی را برای استراحت و عبادت توسط بشریت قرار داده است.

۲. بنظر می‌رسد که کشتن حیوانات برای فراهم آوردن پوشاک برای بشر، و تحمل محیط جدید زندگی این زوج سقوط کرده در پیدایش ۳: ۲۱، تبدیل به مرحله‌ای می‌شود برای استفاده از حیوانات برای نیازهای بشری، که به مرور زمان ابعاد آن به یک نظام قربانی کردن برای خداوند گسترش می‌یابد.

۳. بنظر می‌رسد داستان قربانی شدن قائن و هابیل در پیدایش ۴، رویدادی عادی محسوب می‌شود نه واقعه‌ای که فقط یکبار اتفاق افتاده باشد. این موضوع را نباید نسخه یا مجوزی برای قربانی کردن حیوانات دانست، بلکه نمونه‌ای واضح از نیاز به نگرشی در خور توجه در مقابل خداوند است. این موضوع نشان‌دهنده پذیرش یا رد ارتباط خود با انسان است.

۴. خط الهی شبت در پیدایش ۴: ۲۵ پیشرفت کرده است. نام خداوند، YHWH و در v.26 طی ستایشی عیان ذکر کرده است (این بند باید با خروج ۳: ۶ انتباق یابد).

۵. در پیدایش ۷: ۲ نوح میان حیوانات پاک و ناپاک تفاوت قائل می‌گردد. این امر نشان می‌دهد قربانی کردن در دوره‌های بسیار پیشین به خوبی اعمال می‌گردید.

۶. همانگونه که در پیدایش ۱۲: ۷، ۸؛ ۱۳: ۱۸؛ ۲۲: ۹ دیده می‌شود، ابراهیم نیز بخوبی با قربانی کردن آشنا بود. وی با اینکار به حضور و وعده‌های خداوند شکل می‌داد. نوادگانش بوضوح این کار را ادامه دادند.

۷. کتاب ایوب (۲۰۰۰) زمینه‌ای مردسالارانه دارد. آنطور که در ایوب ۱: ۵ دیده می‌شود، وی نیز با قربانی کردن آشنا بود.

۸. بنظر می‌رسد طبق مفاد کتاب مقدس، قربانی کردن از ترس و احترام نسبت به خداوند توسط بشر سرچشمه گرفته و روش خداوند را نیز در نحوه اجرای آن بیان می‌کنند.

a. ده فرمان و رموز مقدس آن

b. Tabernacle Cultus

IV. محتوای آن چیست؟

A. روشن است که نگرش انسان، کلید اصلی در موضوع قربانی کردن است (پیدایش ۴: ۳). این عنصر شخصی همیشه بعنوان یک رکن در ایمان به کتاب مقدس آشکار بوده است (تثنیه ۶: ۴-۹؛ ۱۱: ۱۳؛ ۳۰: ۶؛ ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ جزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷؛ رومیان ۲: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۶: ۱۵).

B. با اینحال، این احساس احترام عمیق بشر خیلی زود تبدیل به تشریفات مذهبی گردید.

۱. مراسم تطهیر و شستشو (مرتبط با احساس گناه)

۲. مراسم خدمتگذاری (جشن‌ها، قربانی کردن‌ها، هدایا، غیره)

۳. مراسم خصوصی پرستش (دعاهای خصوصی و عمومی)

C. بسیار مهم است در حالی که به سوال درباره محتوا اشاره می‌کنیم، به سه منبع وحی نیز توجه نماییم (ارمیا ۱۸: ۱۸)

۱. موسی و cultus (واعظان)

۲. ادبیات حکیمان خردمند

۳. پیامبران

هر یک از این موارد به درک ما درباره پرستش اضافه می‌کنند. هر یک بر جنبه سازگاری و حیاتی پرستش متمرکز شده‌اند.

۱. غالب (خروج-اعداد)

۲. نحوه زندگی (مزمور ۴۰؛ میکا ۶: ۶-۸)

۳. انگیزه (اول ساموئل ۱۵: ۲۲؛ ارمیا ۷: ۲۲-۲۶؛ هوشع ۶: ۶)

D. عیسی پیرو بافت پرستشی در عهد عتیق بود. وی هرگز عهد عتیق را مورد تمسخر قرار نداد (متی ۵: ۱۷)، اما وی سنت شفاهی را به شیوه‌ای که از قرن اول گسترش پیدا کرده بود، مردود دانست.

E. کلیسای اولیه برای دوره‌ای با شیوه یهودیت ادامه یافت (تا زمان احیا و اصلاحات در سال ۹۰ بعد از میلاد) و سپس تکامل منحصر بفرد خود را آغاز نمود، اما در کل بر الگوی پرستشگاه‌های یهودی استوار بود. مرکزیت عیسی، زندگی او، تعالیم او، مصلوب شدن او و قیام او جای خود را در عهد عتیق باز کرد. موعظه، تعمید، و عشای ربانی بصورت کانون اعمال در آمد. سبت جایگزین روز خداوند گردید.

V. چه کسی شرکت می‌کند؟

A. فرهنگ مردسالارانه شرق نزدیک باستان، صحنه را عرصه رهبری مردان در تمام بخش‌های زندگی، از جمله مذهب تعریف کرده بود.

B. مرد نقش کشیش را برای خانواده اش ایفا می‌کرد، هم در فداکاری کردن و هم در چارچوب‌های دینی (ایوب ۱: ۵).

C. برای اسرائیل کشیش نقش ایفای وظایف مذهبی را در میان مردم و دعاهای دست جمعی داشت در حالیکه پدر خانواده کماکان از نقش خود برای دعاهای خصوصی برخوردار بود. با مهاجرت بابلیان (۵۸۶ پیش از میلاد) نقش پرستشگاه‌های یهود و ربی‌ها، به یک نظام آموزشی عبادتی تعمیم پیدا کرد. پس از نابودی معبد در سال ۷۰ بعد از میلاد، خادمین یهود که از فریسی‌ها بوجود آمده بودند، بر پیشینیان خود غلبه یافتند.

D. در کلیسا نیز الگوی مردسالاری حفظ شده است اما تاکید بر کیفیت حضور زنان و نامردن از آنان بعنوان موهبت الهی نیز به این الگو اضافه شده است (اول قرنطیان ۱۱: ۵؛ قلاطیان ۳: ۲۸؛ اعمال رسولان ۲۱: ۹؛ رومیان ۱۶: ۱؛ دوم تیموتی ۳: ۱۱). این برابری در پیدایش ۱: ۲۶-۲۷ و ۲: ۱۸ نیز دیده می‌شود اما در شورش پیدایش ۳ آسیب دید، ولی از طریق مسیح دوباره ترمیم شد.

کودکان همیشه از طریق والدین خود به عبادت کمک می‌کنند، اما کتاب مقدس یک کتاب بزرگسالانه محسوب می‌گردد.

VI. پرستش کجا و چه موقع انجام می‌گیرد؟

- A. در پیدایش برای بشریت مکانی در نظر گرفته شده تا خدای خود را ملاقات کنند. این مکان‌ها تبدیل شدند به محراب. پس از گذار از اردن، این مکان‌ها گسترش یافتند (Gilgal, Bethel, Shechem)، اما اورشلیم بعنوان مکان ویژه خداوند انتخاب گردید. جایی که ارتباط خدا و صندوقچه میثاق برقرار گردید (تثبیه).
- B. دوران زراعت همواره زمانی برای شکرگذاری بشر از خداوند بابت تامین مایحتاج او بوده است. دیگر نیازهای شناخته شده همچون بخشش، به روزهای خاص واگذار گردید (لاویان ۱۶، روز کفاره). یهودیت روزهای عید پسخ، پنطیکاست و آلاچیق‌ها را نیز بوجود آورد (لاویان ۲۳). همچنین برای انسان فرصت‌های ویژه را فراهم آورد (جزقیال ۱۸)
- C. توسعه کنیسه‌ها باعث بوجود آمدن ساختاری برای مفهوم عبادتی سبت شد. کلیسا نام این روز را به روز خدا (اولین روز هفته) تغییر داد که به روشنی دلالت بر تکرار وعده عیسی به بازگشت وی در روز یکشنبه عصر پس از قیام، دارد.
- D. در ابتدا کلیسای اولیه هر روز برگزار می‌شد (اعمال رسولان ۲: ۴۶)، ولی خیلی زود به جلسات پرستشی خصوصی در طول هفته و جلسات همگانی پرستش در روزهای یکشنبه تقلیل یافت.

VII. نتیجه

- A. پرستش خداوند ساخته و پرداخته نوع بشر نیست. یک نیاز احساس شده است.
- B. پرستش واکنشی است به اینکه خداوند کیست و بواسطه عیسی چه برای ما انجام داده است.
- C. پرستش تمامی شخص را درگیر خود می‌کند. هم در قالب فیزیکی و هم احساسی. هم عمومی است و هم خصوصی. هم برنامه‌ریزی شده است و هم فی‌البداهه.
- D. پرستش واقعی، رشد یک ارتباط شخصی می‌باشد.
- E. یوحنا ۴: ۱۹-۲۶ بیشترین کمک را می‌تواند از جنبه الهیاتی عهد جدید درباره پرستش به شما نماید.

■ **“ساخته بود”** بمعنی واقعی کلمه، “ساختن” است. کار خلاقانه خداوند ادامه می‌یابد (BDB 793 I, KB 889, *Qal* Infinitive Construct). خداوند موجودات ارگانیک را برای ایجاد کردن آفرید. تکرار فراز “بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید” بازتاب طرح و برنامه خداوند است. خدا موجودات زنده را آفرید (از جمله انسان‌ها را) که یکی پس از دیگری تولید مثل کنند. این عمل در نوع خود، تغییرات را بدنبال خواهد آورد.

پیدایش ۲: ۴-۲۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
آفرینش مرد وزن ۹-۴:۲	(۷:۲-۱:۱)	آفرینش مرد وزن ۹-۴:۲	باغ عدن ۶-۴:۲	بهشت، و آزمون امیال آزاد ۷-۴:۲
	زندگی در باغ خداوند ۹-۸:۲		۷:۲	
			۹-۸:۲	۹-۸:۲
۱۴-۱۰:۲	۱۴-۱۰:۲	۱۴-۱۰:۲	۱۴-۱۰:۲	۱۴-۱۰:۲
۱۷-۱۵:۲	۱۷-۱۵:۲	۱۷-۱۵:۲	۱۷-۱۵:۲	۱۷-۱۵:۲
۲۵-۱۸:۲	۲۵-۱۸:۲	۲۵-۱۸:۲	۲۰-۱۸:۲	۲۳-۱۸:۲
			۲۴-۲۱:۲	(۲۳)
(۲۳)	(۲۳)	(۲۳)	(۲۳)	۲۴:۲
			۲۵:۲	۲۵:۲

مطالعه حلقه سوم

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف (به ص. *Vii* رجوع کنید)

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

پیش‌زمینه

- A. من شخصا نظریه منشا انتقاد را رد می‌کنم (J (YHWH), E (Elohim), D (Deuteronomy), P (Priest) که چندین نویسنده مختلف کتاب‌های شش گانه عهد عتیق را هدف قرار می‌دهد (Introduction of Genesis, Modern Scholarship, D.). برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این موضوع به کتاب *More Evidence that Demands a Verdict* نوشته Josh McDowell و یا *Exposition of Genesis* نوشته H.C. Leupold جلد اول، مراجعه فرمایید.
- B. پیدایش ۲: ۴-۲۵ بخش الهیاتی بزرگی است که متصل شده به پیدایش ۱: ۱-۳: ۲. این تکنیک ادبی رایجی در عبری است. به لحاظ الهیاتی، فصل دو صحنه را برای فصل سه آماده می‌کند.
- C. پیدایش ۱: ۳۱ شروع دنیای ما با خواست خداوند را صحنه می‌گذارد، "خوبی"؛ پیدایش ۲: ۱-۳ باید با فصل ۱ ادامه یابد زیرا ۱: ۱-۳: ۲ در حقیقت از یک جنس هستند.
- D. پیدایش ۲: ۴-۲۵ بیشتر به فصل ۳ ارتباط دارد تا فصل ۱. این فصل زمینه وسوسه حوا برای گناه و بدنبال آن عواقب ویرانگرش برای کل سیاره، آماده می‌شود (رومیان ۵: ۱۲-۲۱؛ ۸: ۱۸-۲۳).

c. *El-Shaddai* ("خدای قادر مطلق" یا "خدای رحیم" یا "خدای کوهستان" - [در انجیل فارسی همگی، خدای قادر مطلق ترجمه شده‌اند].) پیدایش: ۱:۱۷؛ ۱۱:۳۵؛ ۱۴:۴۳؛ ۲۵:۴۹؛ خروج ۳:۶

d. *El-Olam* (خدای سرمدی)، پیدایش ۲۱:۳۳. این واژه به لحاظ الهیاتی وصل است به وعده خداوند به داوود در دوم سموئیل ۱۳:۷، ۱۶

e. *El-Berit* (خدای میثاق)، داوود ۹:۴۶

۴. *El* برابر شده است با

a. *YHWH* در مزمور ۸۵:۸؛ اشعیا ۴۲:۵

b. *Elohim* در پیدایش ۳:۴۶؛ ایوب ۵:۸، "I am *El*, the *Elohim* of your father" (در انجیل فارسی نوشته شده است: "منم خدا، خدای پدرت").

c. *Shaddai* پیدایش ۲۵:۴۹

d. "غیور" در خروج ۱۴:۳۴؛ تثنیه ۴:۲۴؛ ۵:۹؛ ۶:۱۵

e. "رحیم" در تثنیه ۳۱:۴؛ نمیا ۹:۳۱؛ ۳۱:۹؛ "امین" تثنیه ۷:۹؛ ۳۲:۴

f. "عظیم و مهیب" در تثنیه ۷:۲۱؛ ۱۰:۱۷؛ نمیا ۱:۵؛ ۹:۳۲؛ دانیال ۹:۴

g. "دانا" در اول سموئیل ۲:۳

h. "خدای دژ استوار من" در دوم سموئیل ۲۲:۳۳

i. "خدای انتقام‌گیر من" در دوم سموئیل ۲۲:۴۸

j. "خدای قدوس" در اشعیا ۵:۱۶

k. "خدای قدیر" در اشعیا ۱۰:۲۱

l. "خدای نجات" در اشعیا ۱۲:۲

m. "خدای عظیم و قادر" در ارمیا ۳۲:۱۸

n. "خدایی جزا دهنده" در ارمیا ۵۱:۵۶

۵. تلفیقی از تمام اسامی اصلی خداوند در عهد عتیق در یوشع ۲۲:۲۲ دیده می‌شود (*El, Elohim, YHWH* تکرار شده‌اند)

B. *Elyon*

۱. نام اولیه آن "بلند"، "بالا برده شده" یا "برداشته شده" می‌باشد (پیدایش ۱۷:۴۰؛ اول پادشاهان ۹:۸؛ دوم پادشاهان ۱۸:۱۷؛ نمیا ۳:۲۵؛ ارمیا ۲۰:۲؛ ۳۶:۱۰؛ مزموز ۱۸:۱۳).

۲. این واژه در یک ردیف موازی با بسیاری از اسامی/القاب دیگر خداوند بکار برده شده است.

a. *Elohim* مزمور ۴۷:۱-۲؛ ۷۳:۱۱؛ ۱۰۷:۱۱

b. *YHWH* پیدایش ۱۴:۲۲

c. *El-Shaddai* مزموز ۹۱:۱، ۹

d. *El-Num* ۲۴:۱۶

e. *Elah* - اغلب در دانیال ۲-۶ و عزرا ۴-۷ بکار برده شده است که مرتبط هستند با *illair* (به زبان آرامی یعنی "خدای عظیم" در دانیال ۳:۲۶؛ ۴:۲؛ ۵:۱۸، ۲۱)

۳. اغلب توسط غیر اسرائیلی‌ها استفاده می‌شود

a. ملکیصدق، پیدایش ۱۴:۱۸-۲۲

b. بلعام، اعداد ۲۴:۱۶

c. موسی، از ملت‌ها سخن می‌گوید در تثنیه ۳۲:۸

d. انجیل لوقا در عهد جدید که روی سخنش با غیر یهودیان است نیز از مشابه یونانی *Hupsistos* استفاده کرده است (۱:۳۲، ۳۵)

۶:۳۵؛ ۸:۲۸؛ اعمال رسولان ۷:۴۸؛ ۱۶:۱۷)

C. *Elohim* (جمع)، *Eloah* (مفرد)، در شعر بکار برده شده است

۱. این واژه در خارج از عهد عتیق یافت نشده است.

۲. این لغت می‌تواند خدای اسرائیل را تعریف کرده باشد و یا خدای ملت‌ها را (خروج ۱۲:۱۲؛ ۳:۲۰). خاندان ابراهیم چند قطبی بودند (یوشع ۲:۲۴)
۳. واژه *Elohim* همچنین درباره سایر موجودات غیر دنیوی نیز بکار برده شده است (فرشتگان، اشرار) تشبیه ۳۲:۸ (LXX)؛ مزموز ۸:۵؛ ایوب ۱:۶؛ ۳۸:۷. همچنین می‌تواند به قضات انسانی دلالت داشته باشد (خروج ۲۱:۶؛ مزموز ۸:۲۶)
۴. در انجیل اولین نام برای خداوند است (پیدایش ۱:۱). این واژه بطور اخص برای خدا استفاده شده تا پیدایش ۲:۴، جایی که با YHWH (یهوه) ادغام می‌گردد. به لحاظ الهیاتی اشاره دارد به خداوند بعنوان خالق، نگهدارنده و هستی بخش زندگی بر روی این سیاره (مزموز ۱۰۴). مترادف است با *EL* (تشبیه ۳۲:۱۵-۱۹). همچنین به موازات YHWH بکار می‌رود، آنطور که در مزموز ۱۴ (*Elohim*) دقیقاً همچون مزموز ۵۳ (YHWH) استفاده شده است، به استثناء تغییرات اعمال شده در اسامی الهی.
۵. با اینکه اسامی جمع برای دیگر خدایان بکار رفته شده است، اما این واژه اغلب به خدای اسرائیل تخصیص داده می‌شود، اما معمولاً دارای فعلی مفرد برای استفاده در مفاهیم توحیدی است.
۶. این واژه توسط غیر اسرائیلی‌ها نیز جهت نام بردن از خداوند، استفاده شده است.
- a. *میلکیصدق*، پیدایش ۱۴:۱۸-۲۲
- b. *بَلعام*، اعداد ۲:۲۴
- c. موسی، در هنگامی که از ملت‌ها سخن می‌گوید در تشبیه ۸:۳۲
۷. عجیب است که یک واژه مشترک برای خدای توحیدی اسرائیل، در حالت جمع بکار برده می‌شود! با اینحال اطمینانی هم وجود ندارد، به نظریه‌های زیر دقت فرمایید.
- a. عبری جمع‌های زیادی دارد که اغلب برای تاکید استفاده می‌گردند. شبیه این حالت، بعدها حالت دستوری دیگری نیز بوجود آمد که "The Plural of Majesty" نام گرفت، و زمانی است که برای بزرگنمایی کردن یک مفهوم بکار برده می‌شود.
- b. می‌تواند اشاره به شورای فرشتگان داشته باشد، جاییکه با خداوند محشور شده و وی در آنجا انتخاب خود را انجام می‌دهد (اول پادشاهان ۲۲:۱۹-۲۳؛ ایوب ۱:۶؛ مزموز ۸۲:۱؛ ۸۹:۵، ۷).
- c. حتی این امکان وجود دارد که بازتاب دهنده مکاشفه عهد جدید از یک خدا در سه بدن باشد. در پیدایش ۱:۱ خداوند خلق می‌کند؛ در پیدایش ۱:۲ روح بوجود می‌آید و از عهد جدید عیسی تبدیل به خدا، نماینده خدا در آفرینش می‌گردد (یوحنا ۳:۱۰؛ رومیان ۱۱:۳۶؛ اول قرنطیان ۸:۶؛ کولسیان ۱:۱۵؛ عبرانیان ۱:۲؛ ۱۰:۲).

D. YHWH

۱. این نامی است که بازتاب دهنده خداوند با بعنوان خدای وعده داده شده می‌باشد؛ خدا بعنوان منجی، رستگار کننده! انسان‌ها پیمان شکن هستند، اما خداوند به کلامش، به قولش و به وعده‌ای که داده وفادار است. (مزموز ۱۰۳).
- این نام ابتدا در تلفیق با *Elohim* در پیدایش ۲:۴ ذکر گردید. در آفرینش ۱-۲ دوره خلقت وجود ندارد، اما دو چیز تاکید شده است: (۱) خدا بعنوان آفریننده جهان (فیزیکی) و (۲) خدا بعنوان آفریننده ویژه بشریت. پیدایش ۲:۴ با مکاشفه ویژه‌ای آغاز می‌گردد که درباره نقش ویژه و پر افتخار بشریت، به‌مراه مشکل گناه و شورش که با این موقعیت خاص، گره خورده است.
۲. در پیدایش ۴:۲۶ گفته می‌شود که "انسان شروع به فریاد زدن نام خدا کرد" (YHWH). اما، خروج ۶:۳ می‌گوید که عهد زودهنگام مردم (ابراهیم و خانواده اش) خدا را فقط بعنوان *El-Shaddai* می‌شناختند. نام YHWH فقط یکبار در خروج ۳:۱۳-۱۶ و بخصوص v.14 توضیح داده شده است. با این حال، نوشته‌های موسی اغلب بصورت لغت به لغت ترجمه می‌گردند نه از جنبه ریشه‌شناسی (پیدایش ۱۷:۵؛ ۲۷:۳۶؛ ۲۹:۱۳-۳۵). نظریه‌های متعددی درباره معنی این نام وجود داشته (بر گرفته از IDB، جلد ۲، صفحات ۱۱-۴۰۹).
- a. از ریشه عربی، "عشقی پر حرارت نشان دادن"
- b. از ریشه عربی، "دمیدن" (YHWH بعنوان خدای طوفان)
- c. از ریشه Ugratic (کنعانی) "صحبت کردن"
- d. بدنبال یک کتیبه فینیقی، معنی در قالب وجه وصفی معلوم "کسی که نگه می‌دارد" و یا "کیب که ایجاد می‌کند"
- e. از قالب عبری *Qal* "کسی که هست"، یا "کسی که حاضر می‌باشد" (در حالت آینده، "کسی که خواهد بود")
- f. از قالب عبری *Hiphil* "کسی که ایجاد می‌کند باشد"

- g. از ریشه عبری "زندگی کردن" (پیدایش ۳: ۲۰)، بمعنی "همواره زنده"، تنها کسی که زنده است"
- h. از متن خروج ۳: ۱۳-۱۶ داستانی با قالب ناقص و استفاده شده در حالتی کامل، "هستم آن که هستم" و یا "باید باشم همانطور که قبالا بودم" (رجوع شود به کتاب *A Survey of Syntax in the Old Testament*، نوشته J. Wash Watts ص. ۶۷)
- نام کامل YHWH اغلب بصورت اختصاری و یا احتمالا در یک قالب اصلی بیان می‌شده
- (۱) (Hallelu - yah) Yah
- (۲) (Isaiah) Yahu (اسامی، همچون)
- (۳) (اسامی، همچون Joel یا همان یوئیل) Yo
۳. بعدها در یهودیت این نام جنبه مقدس پیدا کرد بگونه‌ای که یهودیان از بردن آن نام می‌هراسیدند تا مبادا باعث شکستن فرمان در خروج ۲۰: ۷؛ تثنیه ۵: ۱۱؛ ۱۳: ۶ شوند. لذا آنان واژه عبری دیگری را جایگزین کردند که معنی "مالک"، "ارباب"، "شوهر"، "استاد" را می‌داد- *adonai* یا *Adonai* (ارباب من یا سرور من). آنان در زمان خواندن متن عهد عتیق هنگامی که به نام YHWH می‌رسیدند، تلفظ می‌کردند "ارباب". به همین علت است که در ترجمه‌های انگلیسی YHWH را Lord یا ارباب نوشته شده است.
۴. به همین‌گونه با *El*، اغلب YHWH با واژه‌های دیگری تلفیق می‌گردد تا جنبه خاصی از خدای اسرائیل را پر اهمیت جلوه دهند. نمونه‌های فراوانی را در این مورد می‌شود یافت ولی در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.
- a. *YHWH - Yireh* (خداوند فراهم خواهد کرد)، پیدایش ۲۲: ۱۴
- b. *YHWH - Rophekha* (من یهوه شفا دهنده شما هستم) خروج ۱۵: ۲۶
- c. *YHWH - Nissi* (خداوند بیرق من است) خروج ۱۷: ۱۵
- d. *YHWH - Meqaddishkem* (من خداوند هستم که شما را تقدیس می‌کنم) خروج ۳۱: ۱۳
- e. *YHWH - Shalom* (یهوه صلح است) داوران ۶: ۲۴
- f. *YHWH - Sabaoth* (عهد یهوه) اول سموئیل ۱: ۳، ۱۱؛ ۴: ۴؛ ۱۵: ۲؛ بیشتر در رسولان آمده است)
- g. *YHWH - Ro I* (یهوه شبان من است) مزمور ۲۳: ۱
- h. *YHWH - Sidqenu* (یهوه عدالت ما)، ارمیا ۲۳: ۶
- i. *YHWH - Shammah* (یهوه آنجاست) جزقیال ۴۸: ۳۵

☐ "آسمان‌ها و زمین" ترتیب این کلمات از ۷.1 معکوس شده است ولی علت آن مشخص نیست.

۵:۲ "گیاه کشتزار" اشاره به گیاهان وحشی دارد (پیدایش ۲۱: ۱۵؛ ایوب ۳۰: ۴، ۷)

☐ "نهال کشتزار" اشاره به گیاهان خانگی دارد.

۶:۲ "مه" (*mist*)^۴ این واژه (BDB 15, KB11) از ریشه Akkadian بمعنی (۱) سیل (۲) جریان آب زیرزمینی دارد. احتمالا اشاره می‌کند به ریزش آب توسط سیل (*BDB 748, KB 828, Qal Imperfect*). مترادف عبری آن نیز مه (*fog*) است که از ریشه "mist" ترجمه شده است. می‌شود گفت شبی سبکی. این بخش می‌تواند بازتاب دهنده شرایط باغ عدن باشد. بنظر می‌رسد علم زمین‌شناسی نیز وجود آب بر روی سطح زمین را پیش از آفرینش آدم و حوا، تایید کند.

۷:۲ "بسرشت" بلحاظ لغوی یعنی "قالب‌بندی خاک رس" (*BDB 427, KB 428, Qal Imperfect* رجوع شود به ارمیا ۱۸: ۶). این سومین واژه‌ای است که برای عمل آفرینش خدا در ارتباط با انسان، استفاده می‌شود ("ساختن" *BDB 793, KB 889 ۲۶: ۱*؛ "آفرید" *BDB 135, KB 153 ۲۷: ۱* و "شکل دادن" *۷: ۲*) عهد جدید روشن می‌کند که عیسی نماینده خدا در امر خلقت است (یوحنا ۱: ۳؛ اول قرنطیان ۸: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ عبرانیان ۱: ۲).

☐ "آدم را از خاک زمین بسرشت" آدم (*Man*) در واژه عبری، *Adam* (BDB 9)، که بنوعی رنگ "قرمز" است (خروج ۲۵: ۵؛ ۱۷: ۲۸؛ اعداد ۱۹: ۲؛ اشعیا ۴۳: ۲؛ زکریا ۱: ۸) و یا (۲) "زمین" (*adamah*) رجوع شود به ۷.6، احتمالا اشاره به "خاک رس قرمز" دارد. این نشان دهنده ضعف بشریت است. در اینجا تنشی در بحث میان جایگاه انسان (ساخته شده در تصور خدا) و شرایط سست دون مرتبه وجود دارد. حیوانات هم به همین صورت بر پایه ۷.19 شکل گرفتند. همچنین ممکن است که اشاره به اصلیت انسان از غبار داشت داشته باشد (پیدایش ۳: ۱۹؛ مزمور ۱۰۳: ۱؛ جامعه ۱۲: ۷). این امر انسان را در شکل خاک رس و خدا در شکل کوزه‌گر به تصویر کشیده است (اشعیا ۲۹: ۱۶؛ ۴۵: ۹؛ ارمیا ۱۸: ۶؛ رومیان ۹: ۲۰-۲۳).

^۴ نویسنده بر پایه کتاب مقدس عبری از کلمه *Mist* استفاده کرده است در صورتیکه در کتاب مقدس لغت مه استفاده شده است. تفاوت میان *Fog* و *Mist* در میدان دید است. اگر چشم کمتر از هزار متر را ببیند، *fog* گفته شده و در غیر اینصورت بیشتر از هزار متر *mist* گفته می‌شود. مترجم.

□ **نفس حیات دمید** فعل دمید (BDB 655, KB 708) یک *Qal Imperfect* است. مصدر "دمیدن" (BDB 675) نشان دهنده میزان دقت خداوند در خلقت بشر است. با اینحال، عملکرد فیزیکی انسان‌ها هنوز همانند حیوانات بر روی زمین است (نفس کشیدن، خوردن، رفع حاجت، تولید مثل). انسان‌ها به گونه‌ای وصف ناپذیر می‌توانند به خدا وصل شوند، ولی در عین حال بسیار پیچیده به این سیاره وصل هستیم. ما دارای طبیعتی دو گانه داریم (روحی و فیزیکی).

□ **آدم موجودی زنده شد** انسان‌ها یک *nepshesh* می‌شوند (BDB 659, KB 711-713)، ولی احشام هم همینطور (پیدایش ۱: ۲۴؛ ۲: ۱۹). ویژگی بشر نفس کشیدن و قالب‌بندی خدادادی است. انسان‌ها روح ندارند، بلکه روح هستند! ما مجموعه‌ای واحد از قابلیت‌های فیزیکی و روحی هستیم. ما همیشه دارای یک نمای بدنی هستیم بجز برای حد متوسط بین مرگ و قیام (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۵).

آیا آدم یک انسان اولیه بود یا انسانی پیشرفته؟ وی چگونه به دیگر انسان‌های اولیه باستانی مرتبط می‌گردد؟ انسان‌های دوره پارینه سنگی در منطقه کوه‌های کارمل در حدود ۲۰۰۰/۰۰۰ سال قابل زندگی می‌کردند. آدم چه زمانی آفریده شد؟ آیا وی را باید پایان توسعه مرحله خلقت انسان دانست و یا وی اولین نفر در این خلقت ویژه بود؟

۸:۲ **"باغ"** این واژه (BDB 171) در حالت یک پارک بسته استفاده شده است. نسخه یونانی عهد عتیق عبری، از یک لغت فارسی "پردیس" برای ترجمه این باغ استفاده کرده است.

□ **"در عدن"** *Eden* به زبان عبری یعنی "مسرت" یا "سرزمین خوشحال" (BDB 727 III, KB 792 II). توجه داشته باشید که نام باغ، "عدن" نیست، اما در عدن واقع است. بوضوح نام یک مکان جغرافیایی می‌باشد. واژه سامری مرتبط می‌تواند معنی "دشت حاصلخیز" داشته باشد. این توضیحات در ۱۴-۱۰، ۸، ۷ vv با جزئیات و دقیق ذکر شده است که به معنای عنوان مکان دقیق آن است، اما محل دقیق جغرافیایی آن معلوم نیست. بیشتر مفسران حدس می‌زنند مکان آن جایی در (۱) دهانه رودخانه Tigris (رودخانه‌ای در جنوب شرقی آسیا) و رود فرات و یا (۲) در سرمنشا این رودخانه‌ها باشد. با اینحال، اسامی تمام رودخانه‌ها با جغرافیای پیشرفته امروزی سازگاری ندارند. مشخص نیست که سیل چه میزان شکل زمین را تغییر داده است. شباهت‌های دوران بین‌النهرین و دوره‌های نام برده شده در انجیل می‌تواند به ما کمک کند تا مکان این باغ را جایی در بین‌النهرین تخمین بزنیم اما این تنها گمانه‌زنی است. به کتاب *Who was Adam?* نوشته Hugh Ross و Fazale Rana ص ۴۶ مراجعه نمایید.

۹:۲ **"درخت حیات ... درخت شناخت نیک و بد"** آخرین بند ممکن است یک پرائتز باشد (انجیل NET). پیدایش ۳: ۳ اشاره به این نکته دارد که فقط یک درخت وجود داشته، در حالیکه پیدایش ۳: ۲۲ اشاره به دو درخت دارد. درخت شناخت نیک و بدی هیچ مشابهی در ادبیات شرق نزدیک باستان ندارد. این درخت جادویی نبود، اما بنظر می‌رسد که برای انسان‌ها راه استقلال در برابر خداوند را نشان می‌داد و یا حداقل به آنها وعده احتمال کسب آن دانش را در رقابت با خدایشان می‌داد. این کار جوهره گناه است. حتی ممکن است که به حوا، راه تسلط بر آدم را نشان می‌داده که البته برابری خلق شده را نقض می‌کرد.

متن NASB (بروز شده): ۲: ۱۰-۱۴

۱۰ رودخانه‌ای از عدن بیرون می‌آمد تا باغ را آبیاری کند و از آنجا به چهار شاخه منشعب می‌شد. ۱۱ نام رودخانهٔ اوّل فیشون است که سرتاسر سرزمین حویله را که در آنجا طلا است، دور می‌زند. ۱۲ طلای آن سرزمین نیکوست، و در آنجا صمغ خوشبو و سنگ جَزَع یافت می‌شود. ۱۳ نام رودخانهٔ دوم جیحون است که سرتاسر سرزمین کوش را دور می‌زند. ۱۴ رودخانهٔ سوم دجله نام دارد که در شرق آشور جاری است، و رودخانهٔ چهارم فرات است.

۱۰:۲ "رودخانه‌ها" این‌ها "شاخه‌های انشعابی" بودند (BDB 625).

۱۱:۲ "فیشون" معنی لغوی آن در اینجا "روان شدن" است (BDB 810). این نام می‌تواند به یک آبراه باستانی یا کانال در جنوب بین‌النهرین اشاره داشته باشد که نام آن "Pisanu" بود.

□ "دور می‌زند" بمعنی "درون چیزی پیچیدن" (*Qal*, BDB 685, KB 738, صفت مفعولی فعال)

□ "سرزمین حویله" معنی لغوی آن "ماسه‌زار" است (BDB 296). مکان اینجا در مصر نیست اما مرتبط شده است با کوش در پیدایش ۱۰: ۷. این واژه دوباره در پیدایش ۱۰: ۲۹ در رابطه با زمین ماسه‌زاری در عربستان، تکرار شده است.

۱۲:۲ "صمغ" این احتمالاً صمغ درختی خوشبو است (BDB 95). معنی این واژه و واژه بعدی مشخص نیست. برخی کلمه "مروارید" را برای جایگزینی ترجمه آن پیشنهاد کرده‌اند (ترجمه James Moffatt و Helen Spurrell).

□ "سنگ جَزَع" تمامی واژه‌های باستانی برای جواهرات، خیلی مشخص نیستند (BDB 995). این سنگ یکی از سنگ‌های دوازده‌گانه بر روی زره آویخته شده بر سینه کشیش اعظم بود (خروج ۹:۲۸). درباره جواهرات باغ عدن بشکل استعاره در جزقیال ۱۳:۲۸ صحبت شده است.

۱۳:۲ "جیحون" بمعنی "حباب" است (BDB 161). ممکن است اشاره به یک آبراه باستانی یا کانال آب در جنوب بین‌النهرین بنام "Guhana" داشته باشد.

□ "کوش" این عبارت به سه صورت در عهد عتیق استفاده شده است: (۱) اینجا و ۶:۱۰ برای اشاره به مردم Kassite در شرق رودخانه دجله؛ (۲) حقوق ۸:۳؛ دوم قرنطیان ۱۴:۹؛ ۱۶:۸؛ برای اشاره به منطقه شمال عربستان؛ و عموماً در اشاره به اتیوپی و نوبیا، منطقه‌ای در کنار رود نیل در شمال سودان و جنوب مصر (BDB 468).

۱۴:۲ "دجله" به لحاظ مفهومی "Hiddekel"^۵ (BDB 293) می‌باشد.



NASB, NKJV

"Assyria" NRSV, TEV

"Ashur" NJB

"Asshur" JPSOA, NIV

این عبارت (BDB 78) می‌تواند اشاره به (۱) یک ملت (اعداد ۲۲:۲۴، ۲۷؛ هوشع ۲:۱۲؛ ۴:۱۴) و یا (۲) یک سرزمین (پیدایش ۲:۱۴؛ ۱۱:۱۰؛ هوشع ۵:۱۳؛ ۷:۱۱؛ ۸:۹؛ ۹:۳؛ ۱۰:۶) داشته باشد. در مورد این متن، شماره دوم بیشتر صدق می‌کند.

□ "فرات" "Perath" هم گفته شده است. اغلب با عنوان "رودخانه" از آن یاد می‌شود (پیدایش ۱۵:۱۸؛ اول پادشاهان ۴:۲۱، ۲۴).

متن NASB (بروز شده): ۱۷-۱۵:۲

۱۵:۲ یهوه خدا آدم را برگرفت و او را در باغ عدن نهاد تا کار آن را بکند و از آن نگاهداری نماید. ۱۶ و یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: «تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ ۱۷ اما از درخت شناخت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری به یقین خواهی مرد.»

۱۵:۲ "تا کار آن را بکند و از آن نگاهداری نماید" کار تا قبل از سقوط وظیفه بشریت بود و نه حاصل گناه وی. عبارت "کار آن را بکند" بمفهوم "خدمت کردن" است (BDB 712, KB 773 مصدر غیرمستقیم Qal)، در حالیکه "نگهداری کردن" بمفهوم "محافظت کردن" است (BDB 1036, KV 1581) و همچون واژه قبل، مصدر غیرمستقیم Qal). این یکی از مسئولیت‌های بشر در تسلط بر زمین است. ما باید مباشران خداوند باشیم نه استثمارگران منابع این سیاره. از اسطوره‌های سومری و بابلی، بشر همواره خلق شده تا خادم خدایان باشد اما در انجیل، آدم و حوا از تصویر خداوند ساخته شده‌اند تا بر خلقت برتری داشته باشند. این تنها کاری است که به انسان محول شده تا به انجام برساند و هیچ ارتباطی هم با نیازهای خداوند ندارد.

۱۶:۲ "تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری" این یک Qal مصدر کامل ترکیبی با یک Qal ناقص از یک ریشه است (BDB 37, KB 40)، برای تأکید استفاده می‌شود. دستور خداوند سنگین نبود. خدا میزان وفاداری و تمکین والاترین مخلوقش را آزمایش می‌کرد (پیدایش ۲۲:۱؛ خروج ۱۵:۲۲-۲۵؛ تثنیه ۸:۲، ۱۶؛ ۱۳:۳؛ داوران ۲:۲۲؛ دوم قرنطیان ۳۱:۳۲).

۱۷:۲ "درخت شناخت نیک و بد" این درخت جادویی نبود. حاوی هیچگونه عنصر فیزیکی پنهان در میوه خود نبود تا مغز انسان را تحریک کند. این آزمایشی از اطاعت و اعتماد بود. توجه داشته باشید که درخت نقاط قوت و ضعفی نیز داشت. برای من شگفت‌آور است که انسان از منابع فیزیکی این سیاره ساخته شده باشد. بشریت یک آفرینش شگفت‌انگیز با توانایی نیکی و شر است. دانش، مسئولیت‌آور است.

□ "بد" این واژه از عبارت عبری ra بمعنی "بهم زدن" یا "خراب کردن" است (BDB 948). ترکیبی است از عمل و پیامدهای آن (کتاب Synonyms of the Old Testament نوشته Robert B. Girdlestone ص. ۸۰)

^۵ سومین رود از چهار رود بهشت در دوره آکادیان

□ "روزی" این اشاره به یک دوره زمانی، بدنبال ادامه زندگی آدم و حوا با یکدیگر پس از خوردن میوه است نه ۲۴ ساعت (BDB 398).



NASB	"حتما خواهی مرد"
NKJV	"حتما باید بمیری"
NRSV	"باید بمیری"
TEV	"در چنین روزی خواهی مرد"
NJB	"محکوم به مرگ هستی"

این یک فعل مطلق نامحدود و یک صفت مفعولی هم‌ریشه است به معنی "آرزوی مرگ داشتن" (BDB 559, KB 562) که در دستور زبان عبری برای نشان دادن تاکید استفاده می‌شود. مشابه آن در ۷.16 دیده می‌شود. ساختار این فعل ترجمه‌های متعددی را ممکن می‌سازد (رجوع شود به Twenty-Six Translations of the Old Testament). البته روشن است که در اینجا مرگ، اشاره به مرگ معنوی دارد (افسسیان ۱:۲)، که به مرگ فیزیکی منتج خواهد شد (پیدایش ۵). در انجیل سه صحنه از مرگ تعریف شده است: (۱) مرگ روحانی (۱۷:۲؛ ۱-۳؛ ۷-۱۰؛ اشعیا ۲:۵۹؛ رومیان ۵:۱۲-۲۱؛ ۱۱:۱۰؛ افسسیان ۲:۱، ۵؛ کولسیان ۲:۱۳؛ یعقوب ۱:۱۵)؛ (۲) مرگ فیزیکی (پیدایش ۵)؛ و (۳) مرگ ابدی که به "مرگ دوم" شهرت دارد (مکاشفه ۲:۱۱؛ ۶:۲۰؛ ۱۴؛ ۸:۲۱). در یک حالت واقعی این فعل به تمام این موارد اشاره دارد.

متن NASB (بروز شده): ۲۵-۱۸:۲

۱۸ یهوه خدا فرمود: «نیکو نیست آدم تنها باشد، پس یآوری مناسب برای او می‌سازم.»^{۱۹} و یهوه خدا همه جانداران صحرا و پرندگان آسمان را که از خاک سرشته بود نزد آدم آورد تا ببیند آدم چه نامی بر آنها خواهد نهاد، و هر آنچه آدم هر جاندار را خواند، همان نامش شد.^{۲۰} پس آدم همه چارپایان و پرندگان آسمان و همه وحوش صحرا را نام نهاد؛ ولی یآوری مناسب برای آدم یافت نشد.^{۲۱} پس یهوه خدا خوابی گران بر آدم مستولی کرد و در همان حال که آدم خفته بود یکی از دنده‌هایش را گرفت و جای آن را با گوشت پر کرد.^{۲۲} آنگاه یهوه خدا از همان دنده که از آدم گرفته بود زنی ساخت و او را نزد آدم آورد.
۲۳ آدم گفت:

«این است اکنون استخوانی از استخوانهایم،
و گوشتی از گوشتم؛
او زن نامیده شود،
زیرا که از مرد گرفته شد.»

۲۴ از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند شد.^{۲۵} آدم و زن هر دو عریان بودند و شرم نداشتند.

۱۸:۲ "نیکو نیست آدم تنها باشد" این تنها جایی در آغاز فصل‌های عهد عتیق است که "خوب نیست" استفاده شده است. خدا ما را ملزم کرده که به کسی نیاز داشته باشیم، حتی فراتر از دوستی با او! انسان بدون زن نه تنها نمی‌توانست ماموریت خود را در فرمانروایی آفرینش به اتمام برساند، بلکه نمی‌توانست فرمان تولید مثل و پر کردن زمین را نیز به اجرا درآورد.



NASB	"کمکی مناسب برای او"
NKJV	"کمکی راحت برای او"
NRSV	"کمکی بعنوان شریک وی"
TEV	"همدمی مناسب برای کمک به وی"
NJB	"یک کمک"

معنی "کسی که تمجید یا تکمیل می‌کند" می‌باشد (BDB 740 I, KB 811 I). انجیل NET "مصاحبی ضروری" دارد (ص. ۸). از این واژه اغلب بعنوان تعریف از کمک خداوند، استفاده می‌شود (خروج ۱۸:۴؛ تثنیه ۳۳:۴، ۷، ۲۹؛ مزمور ۳۳:۲۰؛ ۱۱۵-۹:۱۱؛ ۱۲۱:۲؛ ۱۲۴:۸؛ ۱۴۶:۵). به دوطرفه بودن رابطه زن و مرد توجه نمایید، آنگونه که در آیات ۱:۲۶-۲۷ و الزامات جمعی ۱:۲۸ آمده است. تسلیم انسان، بعد از سقوط وی اتفاق افتاد نه قبل از آن (پیدایش

۱۶:۳). این دوره آفرینش زن در ادبیات شرق نزدیک بسیار منحصر بفرد است. در این مورد تحقیق جالبی انجام شده که در کتاب *Hard Sayings of the Bible* صفحات ۹۲-۹۴ منتشر شده است، جایی که Walter Kaiser شخصیت زن را چنین ترجمه می‌کند "یک ناظر نیرومند برای مرد" (یا مساوی با مرد).

۱۹:۲ "خدا همه جانداران صحرا و پرندگان آسمان را که از خاک سرشته بود" برخی اینطور برداشت کرده‌اند که خداوند حیوانات را بعد از آدم آفرید و نام آن را دوره دوم خلقت نهادند (پیدایش ۲:۴-۲۵). فعل (BDB 427, KB 428 *Qal imperfect*) در بسیاری از ترجمه‌ها، "سرشته بود" آورده شده است (نسخه NIV). عنصر زمان در افعال عبری وابسته به متن می‌باشد.

دکتر Rich Johnson پرفسور دینی در دانشگاه East Texas Baptist University، در یادداشتی پیرو این تفسیر من نوشت:

"معنی یک فعل ناقص با یک حرف "و" (waw) قابلیت انعطاف پیدا کرده و تبدیل به فعل گذشته ساده می‌شود. این روشی در ساختار ادبی عبری است که مجموعه‌ای از رویدادها را می‌تواند تشکیل دهد. مجموعه‌ای از این افعال به ترتیب حوادث را آنگونه که اتفاق می‌افتند به تصویر می‌کشند. شما در اینجا به پیشفرض‌هایی اشاره می‌کنید که روی متن ترجمه‌شده توسط مترجمین اثر می‌گذارند. در اینجا، این پیشفرض اشتباه مترجمان نسخه NIV است که منجر به ترجمه غلط این آیه و آیه ۲:۸ شده است "اکنون خداوند باغی کاشته است..." مترجمان NIV تصور کرده‌اند که این فصل باید با فصل یک مطابقت داشته باشد و قواعد عادی خواندن عبری را برای اثبات فرضیه خود به زیر پا گذاشتند. سوال اساسی اینجاست که چگونه به چنین نتیجه‌گیری رسیدند. فعل در ترجمه‌های KJV, ASV, ERV, RSV, NRSV, NASB, ESV, NEB, REB, NET و ترجمه Young و Jewish Bible و New American Bible و The New Jerusalem Bible به صورت گذشته ساده ترجمه شده است. ترجمه NIV خیلی عجیب است."

□ "تا ببیند آدم چه نامی بر آنها خواهد نهاد" فعل "نام نهادن" (BDB 894, KB 1128) سه مرتبه در vv.19, 20 استفاده شده است. در میان یهودیان، اسامی بسیار مهم بود. این نشان دهنده برتری و حکمرانی آنان بر حیوانات می‌باشد. آیا این آیه اشاره به (۱) تمام حیوانات مختلف روی زمین، (۲) گونه‌های اصلی موجودات زنده و یا (۳) حیوانات ناحیه بین‌النهرین داشته است؟

۲۱:۲ این آیه ارتباط منحصر بفرد میان مرد و زن، آدم و حوا را تقویت می‌کند (v.23). ممکن است اصطلاحی عبری برای نشان دادن نزدیکی و صمیمیت باشد. کلمه عبری "دنده" در جای دیگری بمعنی "سمت" ترجمه شده است (BDB 854, KB 1030 I).

جالب است که R.K. Harrison در کتاب *Introduction to the Old Testament* صفحات ۵۵۵ و ۵۵۶ تسریح می‌کند که واژه عبری "دنده" اینجا به معنی "از جنبه شخصیتی" بوده که شباهت دارد به آدم ساخته شده در تصور خداوند که شامل جنبه‌های شخصیتی او نیز می‌گردد.

در عین حال جالب توجه است که یک "دنده" بخشی از آفرینش زن در دوره آفرینش سومریان می‌باشد: از nin-ti, enki وجود آمد (رجوع شود به کتاب *Illustrations from Biblical Archaeology* نوشته D.J. Wiseman). در این متن، واژه سومری استفاده شده برای دنده (ti)، می‌تواند همزمان معنی "زنده کردن" را نیز بدهد. حوا، مادر همه موجودات زنده خواهد بود (پیدایش ۳:۲۰).

باید بخاطر داشت که موسی این فصل‌ها را در زمانی بسیار دورتر می‌نویسد (ویرایش یا نگارش). این بازی با کلمات عبری است، اما عبری زبان اصلی استفاده شده نبود.

۲۲:۲ "او را نزد آدم آورد" عالمان یهود معتقدند که خداوند در اینجا نقش ساقدوش را ایفا کرده است.

۲۳:۲ "زن... مرد" این آیه شعر است. در لفظ Ishah (BDB 35) بوده... ish (BDB 35)، بازی با اصوات کلمه می‌باشد (بخصوص "نامش Ishah"). همچنین نام حوا را نیز آدم انتخاب کرد (یا حداقل شباهت‌های حوا را با خودش وصف کرد). ریشه این حرف ولی مشخص نیست. معمولاً آدم به بشر و ish به یک فرد خاص اشاره دارند.

۲۴:۲ "مرد پدر و مادر خود را ترک کرده" این فعل (BDB 736, KB 806) یک Qal ناقص است، احتمالاً در قالب صیغه امری استفاده شده است. اهمیت خانواده در باعث می‌گردد تا تفسیر مربوط به این دوره اولیه را بخوانیم. موسی بازتاب دهنده تاریخ زمان خودش و اهمیت نهاد خانواده در امر زندگی خانوادگی می‌باشد. در انتخاب زوج برای ازدواج، الویت با اعضای خانواده است.



"جدا شدن"	NASB
"ملحق شدن"	NKJV
"چسبیدن"	NRSV
"در اتحاد با"	TEV

این در عبری اصطلاحی است برای نشان دادن میزان وفاداری، حتی صمیمیت (BDB 179, KB 209, *Qal Perfect*) رجوع شود به روت ۱:۱۴؛ متی ۶-۱۹؛ افسسیان ۵:۳۱).

□ "یک گوشت" نشان دهنده اتحاد کامل و الویت ارتباط در زوج مزدوج است. حالت مفرد آن "یک" سخن از یکی شدن دو نفر می‌دهد.

۲۵:۲ "هر دو عریان بودند و شرم نداشتند" این آیه باید با فصل ۳ مرتبط باشد. مفهوم آن دلالت بر این دارد که آدم از خودش، از همسرش و از خدایش (BDB 101, KB 161, *Hithpolel Imperfect*) هیچ چیزی برای پنهان کردن نداشت. لذا این اصطلاح بی‌گناهی است. اما همه چیز خیلی زود تغییر خواهد یافت! این حقیقت که مرد و زن برهنه بودند (BDB 736 صفت) حکایت از محیطی دارد که بسیار تحت کنترل است. می‌تواند این دیدگاه را برساند که باغ عدن در دوره آفرینش ویژه، محافظت شده و متفاوت با سایر قسمت‌های سیاره بوده است (آفرینش در حال توسعه).

سوالات این مبحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا در پیدایش ۱ تمایزی است میان خدای خالق و مخلوق وی که قابلیت تولید مثل دارد؟ اگر چنین است این موضوع اشاره به چه چیز دارد؟
۲. انسان چطور شبیه حیوانات است؟ انسان چه شباهتی با خدا دارد؟
۳. آیا زنان هم در تصور خدا درست شده‌اند یا فقط در تصور آدم بوده‌اند؟
۴. مقصود از این که انسان بدنبال غلبه و فرمانروایی در نظام آفرینش را دارد، چیست؟
۵. جمله "تولید مثل کنید" چه ارتباطی با بحث ازدیاد جمعیت دارد؟
۶. آیا خواست خدا است که انسان گیاه خوار باشد؟
۷. آیا غیر طبیعی است که انسان آنگونه که در پیدایش ۲:۲، ۳ عنوان شده، بجای روز یکشنبه، روزهای شنبه را به عبادت بپردازد؟
۸. چرا فصل‌های ۱ و ۲ در عین تفاوت، شبیه به هم هستند؟
۹. چرا نام آدم، هم در قالب کلی و هم شخص ترجمه شده است؟
۱۰. چرا مکان جغرافیایی باغ عدن تا این حد با جزئیات ذکر شده است؟
۱۱. سه نوع مرگ را نام ببرید.
۱۲. آیه ۱۸ درباره ما بعنوان موجودات زنده دارای نیاز جنسی چه می‌گوید؟
۱۳. آیا "کمک‌کننده" دلالت بر برابری دارد؟

پیدایش ۱:۳-۲۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
قائن و هابیل	وسوسه و سقوط آدم	داستان وسوسه	نافرمانی انسان	سقوط
۷-۱:۳	۸-۱:۳	۷-۱:۳	۱:۳ ۳-۲:۳ ۵-۴:۳ ۷-۶:۳	۷-۱:۳
۱۹-۸:۳		۱۹-۸:۳	۹-۸:۳	۱۳-۸:۳
	۱۹-۹:۳		۱۰:۳ ۱۱:۳ ۱۲:۳ ۱۳:۳ الف ۱۳:۳ ب	
(۱۶-۱۴)	(۱۶-۱۴)	(۱۶-۱۴)	خداوند از عدالت می‌گوید	
(۱۷ب-۱۹)	(۱۷ب-۱۹)	(۱۷ب-۱۹)	۱۵-۱۴:۳	۱۶-۱۴:۳ (۱۶-۱۴)
۲۱-۲۰:۳	۲۴-۲۰:۳	۲۱-۲۰:۳	۲۱-۲۰:۳	۱۹-۱۷:۳ (۱۹-۱۷)
			آدم و حوا از بهشت رانده شدند	۲۴-۲۰:۳
۲۴-۲۲:۳		۲۴-۲۲:۳	۲۴-۲۲:۳	

مطالعه حلقه سوم

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف (به ص. *Vii* رجوع کنید)

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

مقدمه

- A. پیدایش ۳ در درک مسئله شیطان و رنج در دنیای امروزی ما، نقش محوری دارد. شگفت‌آور است که اکثر عالمان یهود به نقش شیطان و گناه و انسان سرکش در مباحث خود اشاره نمی‌کنند.
- B. شورش عامدانه نوع بشر بر علیه یک ارتباط عاشقانه با خداوند نه تنها بر روی زندگی مذهبی او اثر گذاشته، بلکه شخصیت، زندگی خانوادگی و جهان را نیز شامل شده است. توجه داشته باشید که خداوند به نوبه خود هزینه بالایی را برای بشریت و تمرین آزادی وی متحمل شده است. هدف اصلی خداوند برای آفرینش بطور شگفت‌آوری (البته نه برای همیشه) تحت تاثیر شورش انسان قرار گرفت. اگر تصور کنیم که خوبی و عشق همیشگی خداوند، شورش نوع بشر (و احتمالاً فرشتگان) در بی‌احترامی تند و خودخواهی او دیده می‌شود، به همان میزان نیز تداوم عشق خداوند و وعده او به نجات (پیدایش ۳: ۱۵) در شخصیت خیرخواه وی جدی می‌گردد.
- C. اگرچه این فصل موضوعات مشترکی با سایر متون باستانی شرق نزدیک دارد، اما طرز نگاه آن یک سویه می‌باشد.

ریشه و علت گناه

A. مباحث انجیلی

۱. فرضیه الهیاتی من اینست که هدف از آفرینش شیطان (۱) گزینه‌ای در اختیار موجودات مخلوق خداوند قرار گیرد که آنان را به سوی استقلال و سپس اتهام، سوق دهد، ایوب ۱-۲؛ زکریا ۳ و یا (۲) پیدایش ۳ بحثی را درباره شورش فرشتگان در قبل از آفرینش خداوند مطرح می‌کند.
۲. انسان تحت تاثیر وسوسه قرار گرفته است.
۳. انجیل بطور مشخص درباره خاستگاه یا علت وجودی "شریر" بحث نمی‌کند.
 - a. مدت‌ها بعد در برخی نوشته‌های یهودی تسریح شد که گناه از زمان پیدایش ۳ شروع شد (در شیطان و بعد بشریت)
 - b. در برخی دیگر از نوشته‌های درون انجیلی یهودی آمده است که گناه در پیدایش ۶ شروع گردید ("پسر خدا")
 - c. پس از دوران عیسی، معلمان دروغین یهودیت و تفکر یونانی را ادغام کرده و تسریح کردند که شریر موضوعی ذاتاً فیزیکی بوده است (تفکر عرفانی یونان، رجوع شود به کولسیان، افسسیان، اول تیموتائوس، دوم تیموتائوس و تیتوس)
۴. تصور می‌شود که چنانچه وجود شریر بی‌دلیل بود اصلاً خلق نمی‌شد. با این وجود افزایش شریر و شیطان در عهد جدید نسبت به عهد عتیق مشهود است (رجوع شود به کتاب *The Theology of the OT* نوشته A.B. Davidson صفحات ۳۰۰ تا ۳۰۶). در عهد عتیق شیطان دشمن خدا نیست (بجز احتمالاً در این فصل) اما همیشه دشمن بشریت بوده است. عالمان یهود می‌گویند که شریر همیشه به عشق و اهمیتی که خداوند به نوع بشر داشته، حسادت می‌کرده است.
۵. گناهی که آدم مرتکب شد، گریبان کل بشریت را گرفت (یکی از مفاهیم در عبری، پیدایش ۳: ۱۴-۲۴؛ رومیان ۵: ۱۲-۲۱؛ ۸: ۱۸-۲۳).

B. پیشرفت تاریخی-الهیاتی (برگرفته از کتاب *Systematic Theology* نوشته L. Berkhof).

۱. خادمان یهود اصل گناه را انکار کرده و دو بحث دیگر را در پیش گرفتند (نیک بر علیه شر). عهد عتیق وارد بحث عمیق در پیدایش ۳ نمی‌شود (همینطور ربی‌های یهود).
۲. Irenaeus (۲۰۲-۱۳۰ بعد از میلاد) اولین کشیش کلیسا بود که درباره گناه آدم و عواقب آن وارد بحث شد. مبحث گناه آدم از منظر سقوط بشریت تبدیل به موضوع حاکم بر کلیسای غرب شد (آگوستین). اینگونه که مشخص است، این موضوع برای مبارزه با عرفان که مسئله شریر را در خود قرار داده بود استفاده می‌شد.
۳. Origen (۲۵۱-۱۸۲ بعد از میلاد) مدعی بود که هر انسان بصورت دواطلبانه در زندگی قبلی خود مرتکب گناه شده است (Platonic).
۴. کشیشان کلیسای یونان (کلیسای شرقی) در قرون سوم و چهارم، از اهمیت نقش آدم در مسئله شر در دنیای ما کاستند. این موضوع منتهی به Pelagianism (فلسفه یک راهب انگلیسی) گردید که ارتباط این دو بحث را با یکدیگر بطور کل رد می‌کرد.
۵. کشیشان لاتین (کلیسای غرب)، بدنبال آگوستین بر نقش آدم در مسئله شر، گناه و عذاب دنیوی تاکید داشتند.
۶. در دوره اصلاحات پروتستان، اصلاح‌طلبان اصلی دنباله رو آگوستین بودند در حالیکه Armenius در واکنش به مکتب دگم اندیش Calvinism، مکتبی نیمه پلاگیان^۱ بوجود آورد.
۷. فیلسوفان و الهیات‌دانان نظریه‌های متعددی پیرامون گناه منتشر کرده‌اند. آنان گناه را اینچنین تعبیر کرده‌اند:
 - a. کانت (Kant) - برخی شناخته شده، برخی غیرقابل توضیح در حبابی بسیار حساس
 - b. لایبنیتز (Leibnitz) - بستگی دارد به محدودیت‌های ذاتی عالم وجود جسمانی

^۱ در بحث Pelagianism، اصل بر اینست که گناه طبیعت انسان را آلوده نکرده، و روح ازلی بدون کمک آسمانی نیز همچنان قادر به انتخاب نیک و شر می‌باشد.

- c. شلایرماخر (Schleiermacher) - بستگی دارد به طبیعت مبتنی بر لذات جسمانی انسان
- d. ریتشل (Ritschel) - بستگی دارد به بی توجهی های انسان
- e. بارت (Barth) - در گرو راز تقدیر آدمی
- f. وایتهد (Whitehead) - این جهان آکنده به گناه است. گناه هم باعث پیشرفت عملکرد خدا می شود و هم انسان.
۸. تلاش اصلی انجیل در جدا کردن بشر از گناه و شریر، شکل دادن شخصیت و عشق به خدا از طریق مسیح است. ریشه گناه هیچوقت بحث نشده است.

موضوع خاص: پیشرفت های الهیاتی عهد جدید درباره بحث اخراج از عدن

(Special Topic: New Testament Theological Development On The Fall)

۱. سقوط، همه نوع بشر را تحت تاثیر قرار داد بطوری که پولس در رومیان خیلی روشن درباره آن بحث کرد ۵: ۱۲-۲۱.
- رومیان ۵: ۱۲-۲۱ مبحث عیسی بعنوان آدم دوم است (رجوع شود به اول قرنطیان ۱۵: ۲۱-۲۲، ۴۵-۴۹؛ فیلیپیان ۲: ۶-۸). این آیات تکیه بر مفهوم الهیاتی گناه فردی و مشارکتی دارد. گستردگی پرداختن پولس به موضوع سقوط بشریت از طریق آدم (و خلقت) منحصر بفرده بوده و با آنچه که ربیان یهود عقیده داشتند کاملا متفاوت بود. در عین حال نقطه نظر وی درباره بحث مشارکت کاملا در خط آموزش این عالمان یهود بود. این موضوع نشان داد که توانایی تحت الهام پولس برای استفاده یا تکمیل حقایقی بوده که به وی در طول دوره آموزشی در اورشلیم زیر نظر گاملائیل آموزش داده شده بود (اعمال رسولان ۲۲: ۳). دکنترین گناه اصیل از پیدایش ۳ توسط آگوستین و کالوین مطرح گردید. بر طبق این دکنترین، آدمی گناهکار زاده می شود. اغلب از مزموز ۵: ۵؛ ۵۸: ۳ و ایوب ۱۵: ۱۴؛ ۴: ۲۵ بعنوان سند تایید عهد عتیق استفاده می شود. نظر دوم الهیاتی این است که انسان ها از لحاظ اعتقادی یا معنوی مسئول انتخاب های خود می باشند. بر پایه این نظر، ربی های یهود ابتدا بحث سرنوشت را مطرح کرده و سپس در کلیسا توسط Arminius و Pelagius ادامه پیدا می کند. شواهدی هم برای نظرات آنها در نشنیه ۱: ۳۹؛ اشعیا ۷: ۱۵ و یونس ۴: ۱۱؛ یوحنا ۹: ۴۱؛ ۱۵: ۲۲؛ ۲۴؛ اعمال رسولان ۱۷: ۳۰ و رومیان ۴: ۱۵ وجود دارد. این بحث الهیاتی معتقد است که کودکان تا سن تکلیف بی گناه هستند (ربی ها معتقد بودن که این سن برای پسران ۱۳ سال و برای دختران ۱۲ سال می باشد). در این میان حد وسطی وجود دارد که در آن، هم گرایش درونی شر و هم سن تکلیف، واقعی هستند! شر به تنهایی در امر گناه دخیل نیست، بلکه شخصی که شر را در خود می پرورد نیز در این امر دخالت دارد (زندگی جداگانه از خدا). مشکل تباهی بشریت نیست (پیدایش ۶: ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۳؛ رومیان ۳: ۹-۱۸، ۲۳)، اما تا چه زمان، در هنگام تولد یا بعد در زندگی؟
۲. "بهشتی جدید و زمینی جدید" موضوع بحث اسکاتولوژی (بخشی از الهیات که به آخرت انسان و رویدادهای واپسین روزهای زندگی بشر می پردازد) عهد جدید می شود.
- "بهشتی جدید و زمینی جدید." واژه یونانی برای "جدید" *Kainos*، بر روی کیفیت زمان تاکید می کند و نه آنچه که در سلسله وار در زمان اتفاق افتاده است (۲: ۱۷؛ ۳: ۱۲؛ ۵: ۹؛ ۱۴: ۳؛ ۲۱: ۱، ۲، ۵). این در چارچوب عهد عتیق و یک زمین دوباره آفریده شده بود (اشعیا ۹-۱۱؛ ۶: ۶۵؛ ۱۷: ۶۶؛ ۲۲: ۶۶؛ رومیان ۸: ۱۸-۲۵؛ ۲ پطروس ۳: ۱۰، ۱۳). همه ایمانداران شهروندان این پادشاهی هستند (فیلیپیان ۳: ۲۰، افسسیان ۲: ۱۹؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳) و در این آفرینش سهیم هستند (دوم قرنطیان ۵: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۱۵؛ افسسیان ۴: ۲۴). در کنار این بحث، موضوع الهیاتی دیگر "شهر خدا که بدست انسان ساخته نشد" می باشد، عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۶؛ ۱۲: ۲۲؛ ۱۳: ۱۴.
- آفرینش جدید همچون آفرینش اولیه خواهد بود. بهشت باغ عدن دوباره ساخته شده خواهد بود. خدا، بشر، حیوانات و تمام مخلوقات طبیعی دوباره گرد هم آمده و دوستی می ورزند! (پیدایش ۱-۲). انجیل در جایی به پایان می رسد که خداوند، بشر (مکاشفه ۲۱-۲۲) و حیوانات در یک باغ در کنار هم قرار داده شده اند (اشعیا ۱۱: ۶-۸؛ ۶۵: ۲۵). بنا نیست باورمندان به بهشت بروند، بلکه اورشلیم تازه ای برای پاکسازی و بازسازی زمین از درون بهشت به بیرون خواهد آمد (مکاشفه ۲: ۲۱). خدا و بشر باز در کنار یکدیگر قرار خواهند گرفت (پیدایش ۳: ۱۵؛ اشعیا ۷: ۱۴؛ ۸: ۸، ۱۰؛ مکاشفه ۲۱: ۳).

متن NASB (بروز شده): ۳:۱-۷

۱ و اما مار از همه وحوش صحرا که یهوه خدا ساخته بود، زیرکتر بود. او به زن گفت: «آیا خدا براستی گفته است که از هیچ یک از درختان باغ نخورید؟» زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می خوریم، اما خدا گفته است، "از میوه درختی که در وسط باغ است مخورید و بدان دست مزینید، مبادا بمیرید."» ۴ مار به زن گفت: «به یقین نخواهید مرد. بلکه خدا می داند روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز خواهد شد و همچون خدا شناسنده نیک و بد خواهید بود.» ۶ چون زن دید که آن درخت خوش خوراک است و چشم نواز، و درختی دلخواه برای افزودن دانش، پس از میوه آن گرفت و خورد، و به شوهر خویش نیز که با وی بود داد، و او خورد. ۷ آنگاه چشمان هر دوی آنها باز شد و دریافتند که عریانند؛ پس برگهای انجیر به هم دوخته، ننگها برای پوشیدن ساختند.

۱:۳ "اکنون" استفاده از این کلمه مفهوم موقت نداشته و فقط یک تکنیک خیلی ساده برای معرفی صحنه ای جدید در داستان خلقت است. ما نمی دانیم که آدم و خدا با یکدیگر بوده و یا چقدر آدم، حوا و خدا پیش از دوره آفرینش با یکدیگر بوده اند.

□ "مار" به موضوع خاص که در ادامه خواهد آمد توجه نمایید. مار همچنین در داستان Gilgamesh دشمنی قلمداد گردیده (۱۱: ۲۸۷-۲۸۹) که دزد گیاهانی است که زندگی ابدی می بخشند.

موضوع خاص: مار (Special Topic: The Serpent)

- A. عبارت عبری "مار"، *Nachash* است (BDB 638). به لحاظ ریشه شناسی لغوی، چندین امکان برای ریشه آن وجود دارد:
۱. *Kal Stem* "هیس کردن"
 ۲. *Piel Stem* "نجا کردن" همچون جادو کردن یا غیب گویی کردن
 ۳. برگرفته از ۴:۲۲ - "درخشیدن" احتمالاً به واژه "برنز" ارتباط دارد
 ۴. از ریشه عبری - "خزیدن"
- B. مقاله اصلی نشان دهنده نوع خاصی از مار یا ماری شخصیت پردازی شده است.
- C. مار به لحاظ لغوی بوسیله موارد زیر تقویت می شود:
۱. نامش بعنوان فقط یکی از موجودات خطرناکی آورده شده که خداوند خلق کرده است.
 ۲. مجازاتش بعنوان یک حیوان در پیدایش ۳:۱۴ ذکر شده است.
 ۳. در عهد جدید، دوم قرنطیان ۱۱:۳ و اول تیموتائوس ۲:۱۳-۱۴ بطور مشخص از آن نام برده شده است.
- D. نام مار بطور مشخص در کنار شیطان آورده شده است:
۱. کتاب "Wisdom" عهد عتیق عبری، آیه ۲:۲۳-۳۴، می گوید: "زیرا خداوند انسان را آفرید تا فناپذیر باشد؛ ... با این وجود، مرگ به واسطه شیطان به این دنیا وارد شد."
 ۲. Irenaeus (حدود ۱۳۰-۲۰۲ سال پس از میلاد مسیح)
 ۳. مکاشفه ۹:۱۲؛ ۲:۲۰
 ۴. این بخش مهم در عهد عتیق وجود ندارد زیرا در هیچ مقیاسی عهد عتیق را مورد بحث قرار نمی دهد. در هیچ یک از کتابهای عهد عتیق حتی نه مورد اشاره قرار گرفته و نه ترجمه شده است.
- E. چرا شیطان نام مشخصی ندارد- مسئولیت بار اهمیت متن بر دوش انسان است نه نیروهای وسوسه کننده ماوراالطبیعه. در رومیا ۱-۳، در جایی که گناه انسان معرفی می گردد و در ۴-۸ جایی که اثرات گناه انسان مورد اشاره قرار می گیرد، هرگز به شیطان اشاره ای نمی شود.

□ "زیرک‌تر" دو کلمه هم معنی با این واژه می‌تواند وجود داشته باشد (BDB 791, KB 886): (۱) "حیله‌گر" یا "خردمند" و (۲) "محتاط" (امثال ۱: ۴؛ ۵: ۸؛ ۱۲: ۱۲؛ ۱۶: ۱۳؛ ۲۳: ۱۳؛ ۱۶: ۱۳؛ ۲۳: ۱۳؛ ۲۷: ۱۲). بنظر نمی‌رسد که این مفهوم منفی بوده که به مار اطلاق می‌گردد ولی بسادگی شخصیت مار را به تصویر می‌کشد (متی ۱۰: ۱۶). احتمالاً به همین دلیل است که شیطان با این حیوان خاص به تصویر کشیده می‌شود.

□ "از همه وحوش صحرا" نشان‌دهنده اینست که مار فقط یکی از چندین حیوان خلق شده بوده است.

□ "خدا" (در آیه انگلیسی **The Lord God** نوشته شده است) اولین واژه "Lord" نام وعده داده شده خداوند، YHWH (یهوه)، از فعل عبری "بودن" گرفته شده است (خروج ۳: ۱۴). دومین واژه "God" عبارت عبری *Elohim* است که حالت جمع نام کلی خداوند، El در شرق نزدیک باستان بوده است. ربیان می‌گویند که YHWH نشانه رحمت خداوند بوده در حالی که *Elohim* به منظور نشان دادن بعد خلق کننده خداوند دارد. رجوع شود به موضوع خاص اسامی خداوند در ۲: ۴.

□ "او گفت" حدس‌های زیادی درباره یک مار سخنگو وجود دارد (به ضمیر شخصی توجه کنید). ما چیز زیادی درباره ارتباط میان انسان و حیوان در پیش از سقوط نمی‌دانیم، هر چند که ممکن است ارتباط دوستانه‌ای وجود داشته است. با این حال، تصور می‌کنم که قابلیت سخن گفتن بخشی از تصور خداوند در نوع بشر است، و این برای حیوانات طبیعی نیست. مشابه همین ارتباط، در یک دوره اسکاتولوژیک دوباره محقق خواهد شد (اشعیا ۶: ۱۱-۱۱). به تصور من شیطان در مار حلول کرده بود به همین دلیل بود که صدایش شنیده می‌شد. آنچه که به لحاظ الهیاتی شگفت‌آور است، متعجب نشدن حوا است!

□ "زن" درباره علت جدا بودن حوا از آدم، میان مفسرین حدس و گمان‌های زیادی وجود دارد، با این که افعال استفاده شده توسط شیطان، جمع است. در پیدایش ۳: ۶ اینطور برداشت می‌شود که آدم در تمام طول مدت گفتگو حضور داشته است. برخی تسریح کرده‌اند که در اینجا بصورت نمادین، زن بدنبال بدست آوردن شخصیت خود بوده است. برخی دیگر نیز اعتقاد دارند شیطان زن را به دلیل عدم فرمانبری پیام خداوند، وسوسه کرد (۲: ۱۶-۱۷). همه این‌ها فقط حدسیات هستند.

□ "خدا برآستی گفته است" ربیان می‌گویند که شیطان قادر به استفاده از واژه YHWH (یهوه) نیست زیرا با بخشش خداوند آشنا نیست. با اینحال، بنظر می‌رسد میزان شرارت شخصیت شیطان در انجیل، زیاد شده است (*The Theology of the Old Testament* نوشته A.B. Davidson صفحات ۳۰۰-۳۰۶).

موضوع خاص: شریر شخصی (Special Topic: Personal Evil)

به دلایل زیادی، این موضوع متفاوت است:

۱. عهد عتیق دشمن حیله‌گری را برای خدا معرفی نمی‌کند، بجز یک خادم یهوه که به بشریت راه دومی را نشان داده و موفق می‌شود بشر را از راه راست خارج کند.
۲. مفهوم دشمن حیله‌گر در یک ادبیات غیر انجیلی تعریف گردید که متأثر از دین ایران (زرتشت) بود. اما بشدت روی یهودیت ربی‌ها تاثیر گذاشت.
۳. عهد جدید مضامین عهد عتیق را بسط داد ولی بصورت شگفت‌آوری خشن، اما گزینش شده و دسته‌بندی شده. اگر کسی به مبحث شریر از منظر الهیات انجیلی نگاه کند (در صورتیکه هر کتاب، نویسند یا ژانر بصورت جداگانه مطالعه گردد)، دیدگاه‌های بسیار متفاوتی درباره شریر مطرح خواهد گردید. اگر، چنانچه، کسی به مبحث شریر از منظر غیر انجیلی یا خارج از دایره تفکرات مذهبی یا ادیان شرقی نگاه کند، متوجه خواهد شد که بیشتر عهد عتیق زیر سایه فرهنگ دینی ایران و یونانی/رومی نوشته شده است. اگر کسی بدون قید و شرط به مالکیت الهی کتاب مقدس معتقد و متعهد باشد، پس باید پیشرفت عهد جدید را نیز بعنوان یک وحی بپذیرد. مسیحیان نباید اجازه دهند داستان‌های قومی یهود یا ادبیات انگلیسی (همچون دانتو و میلتن) بیش از این مفاهیم را تغییر دهند. مسلم است که در مبحث وحی، رمز و راز فراوانی وجود دارد. این خواست خداوند است که همه جنبه‌های شیطان، اصالت وی و یا علت وجودی وی فاش نشود. اما خداوند روش شکست شیطان را افشا کرده است.

بنظر می‌رسد واژه Satan یا اتهام زننده در عهد عتیق، به سه گروه مجزا مرتبط شده باشند:

۱. اتهام زندگان انسانی - اول ساموئیل ۴: ۲۹؛ دوم ساموئیل ۱۹: ۲۲؛ اول پادشاهان ۱۴: ۱۱، ۲۰، ۲۹؛ مزمو ۱۰۹: ۶
۲. اتهام زندگان آسمانی - اعداد ۲۲: ۲۲-۲۳؛ زکریا ۳: ۱
۳. اتهام زندگان شیطانی - اول قرنطیان ۲: ۲۱؛ اول پادشاهان ۲۱: ۲۲؛ زکریا ۱۳: ۲

فقط در دوره حداثی انجیل عبرانی و بوجود آمدن عهد جدید است که مار مورد بحث در پیدایش ۳ در کنار شیطان معرفی می‌گردد (Book I Enoch 31:3, of Wisdom 2:23-24; II Enoch 31:3)، و حتی بعدها این بعنوان گزینه مورد بحث ربیان می‌گردد (Sot 9b and Sanh. 29a). در I Enoch

54:6، "پسر خداوند" از پیدایش ۶ فرشته می‌شود. این را به دلیل تسریح واقعیت الهیاتی نمی‌گوییم، بلکه فقط می‌خواهم پیشرفت را نشان دهم. در عهد جدید تمامی این فعالیت‌های عهد عتیق به شخصیت‌های دیگر شیطان آسمانی اختصاص داده شده است (اول قرنطیان ۱۱:۳؛ مکاشفه ۱۲:۹). اصالت شخصیت داده شده به شریر از طریق عهد عتیق (البته بستگی به نقطه نظر شما دارد) دشوار یا غیر ممکن است. یک دلیل آن را می‌توان قوی بودن یکتاپرستی در اسراییل دانست (اول پادشاهان ۲۲-۲۰: ۲۲-۲۰؛ جامعه ۷:۴۵؛ عاموس ۳:۶).

یکی از راه‌های قابل دسترسی به این اطلاعات، تمرکز بر (۱) ایوب ۱-۲ است، در جایی که شیطان یکی از "پسران خدا" می‌باشد (فرشتگان) در حضور خدا (زکریا ۳) و یا (۲) اشعیا ۱۴؛ جزقیال ۲۸ در جاییکه پادشاه مغرور شرقی (بابل و صور) عادت به تصویر کشیدن شیطان دارند (اول تیموتائوس ۳:۶). در این رابطه من احساسات متفاوتی دارم. جزقیال از استعاره باغ عدن نه تنها برای رسیدن به شیطان درباره پادشاه صور استفاده می‌کند (جزقیال ۲۸:۱۲-۱۶)، بلکه در رابطه با پادشاه مصر بعنوان سه درخت دانش نیکی و پلیدی (جزقیال ۳۱) نیز صحبت می‌کند. با اینحال، اشعیا ۱۴ و اغلب ۱۴-۱۲، سخن از یک قیام آسمانی حاکی از تکبر می‌گویند. اگر خداوند می‌خواست که طبیعت خاص و اصالت شیطان را بر ما آشکار سازد، چنین جا و مسیری را انتخاب نمی‌کرد. ما باید در مقابل روند سیستماتیک در برداشت‌های کوچک و مبهم بخش‌های مختلف عهدهای عتیق و جدید، نویسندگان، فصل‌ها و ژانرهای آن، و تلفیق آنان بصورت قطعات یک پازل آسمانی، مقاومت بخرج دهیم.

Alfred Edersheim در کتاب *The life and Times of Jesus the Messiah*، جلد دوم، اپنیکس XIII (ص. ۷۴۸-۷۶۳) و XVI (ص. ۷۷۶-۷۷۰) معتقد است که یهودیت به شدت تحت تاثیر دوگانگی ایرانی و گمانه‌زنی‌های شیطانی شده است. ربیان منبع موثقی برای رسیدن به حقیقت در این زمینه نیستند. مسیح بشکلی بنیادین از آموزه‌های کنیسه در این حوزه دور می‌شود. به تصور من مفهوم آموزه‌های یهودی درباره وساطت فرشتگان آسمانی و مخالفت با قانون داده شده به موسی در کوه سینا، راه را برای مفاهیم جدیدی چون شیاطین آسمانی مخالف YHWH و انسان، باز کرد. دو خدای بزرگ ایرانیان، اهورا مزدا (خدای نیکی) و Angra Mainyu (اهریمن، خدای بدی)، برای برتری یافتن بر زمین با یکدیگر جنگیدند. نتیجه حاصل از این درگیری احتمالا در میان فلسفه یهودیت بسط یافته و منجر شده است به یک دوگانگی میان یهوه و شیطان.

بطور قطع همانطور که مکاشفه با عهد جدید پیشرفت کرد، شخصیت داده شده به شریر نیز انبساط خود را داشته است، اما نه آنقدر دقیق که ربیان یهودی به آن اشاره کرده‌اند. مثال خوب این تفاوت "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان یک الزام منطقی است، اما به جزئیات آن پرداخته نشده است. با اینکه شیطان شکست خورده و به زمین تبعید شده است، اما همچنان از قابلیت‌های خود بعنوان خادم یهوه برخوردار است (متی ۴:۱؛ لوقا ۳۲-۳۱:۲۲؛ اول قرنطیان ۵:۵؛ اول تیموتائوس ۱:۲۰).

ما باید کنجکاوی خود را در این زمینه محدود نماییم. نیرویی از وسوسه و شر در انسان وجود دارد، اما همچنان یک خدا وجود داشته و یک بشر که هنوز مسئول انتخاب خویش است. جنگی روحانی در قبل و بعد از نجات وجود دارد. پیروزی فقط می‌تواند تحت لوای خدای سه‌گانه محقق شود. شیطان شکست خورده و حذف خواهد گردید!

"از هیچیک از درختان باغ نخورید" متن عبری بسیار مشخص است اما بنظر می‌رسد که به یک تاکید ربط داده شده است نه یک سوال. مار خیلی ساده سر صحبت را با زن در ارتباط با ممنوعیت پیرامون موضوع درخت در میان باغ، از سوی خداوند باز می‌کند.

۲:۳ حوا اظهار می‌دارد که خداوند برای آنان از بقیه درختان خوراک فراهم کرده است (۲:۱۶). اما مار این موضوع را کنار زده و تمرکز خود را بر ممنوعیت درخت دانش نیکی و بدی از سوی خداوند معطوف می‌دارد.

۳:۳ "از میوه درختی که در وسط باغ است" از پیدایش ۲:۹ یاد گرفتیم که دو درخت در وسط باغ وجود داشته، درخت زندگی و درخت دانش نیکی و بدی. روشن است که میوه هر دو درخت در زمان مناسب در اختیار انسان قرار می‌گرفت، اما خودپسندی بشر این را از برنامه خدا برای انسان بیرون آورد (چقدر عکس‌العمل عیسی در فیلیپیان ۲:۶-۱۱ متفاوت می‌باشد). درخت زندگی در تمام دوره‌های آفرینش شرق نزدیک باستان مشترک است، با این حال، درخت دانش نیکی و بدی منحصر در انجیل آورده شده است. هیچ نکته جادویی در رابطه با آن میوه وجود ندارد. این فقط راهی بود که خداوند از آن استفاده می‌کرد، نه اینکه چیزی در محتوای فیزیکی میوه وجود داشته باشد که آن را مهم جلوه دهد.

■ "مبادا بمیرید" این واژه (BDB 559, KB 502) سه بار در vv3 و vv4 استفاده شده است. مشخص نیست که برداشت حوا از مرگ چه بوده زیرا هیچیک از حیوانات نمرده بودند. با اینحال، این امر به نوعی با زن و مرد ارتباط برقرار کرده بود. انجیل سه نوع مرگ را برسمیت می‌شناسد: (۱) مرگ روحانی که در پیدایش ۳، اشعیا ۵۹:۲؛ رومیان ۷:۱۰-۱۱؛ یعقوب ۱:۱۵ اتفاق افتاد. (۲) مرگ فیزیکی که منتهی می‌شود به پیدایش ۵. و (۳) مرگ ابدی بعنوان دست‌آورد سماجت و قلب شورش انسان (مکاشفه ۲:۱۱؛ ۲۰:۶؛ ۱۴:۸).

۵:۳ "خدا می‌داند روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز خواهد شد" حقیقت محدودی در آنچه که شیطان گفت وجود داشت، اما حقیقتی نیمه‌تراژیک بود (تیتوس ۱:۱۵). بنظر می‌رسد که این استفاده ادبی (استعاره‌ای) مترجم برای "روز"، با معنی "هر وقت" باشد. به لحاظ ادبی، متن عبری "آن وقت" می‌باشد.

فعل "باز شد" (*Niphal Perfect*, v.7, BDB 824, KB 959) از یک رابط میانی صحبت می‌کند، احتمالاً نیروی درخت یا شیطان.

□ "همچون خدا شناسنده نیک و بد خواهید بود" این لغت برای خدا مفهوم *Elohim* است. به موضوع خاص ۴:۲ رجوع شود. این واژه برای شخص خدا در این متن استفاده شده است و به این صورت است که بسیاری از ترجمه‌ها چنین تفسیر شده‌اند. با این وجود، این عبارت می‌تواند برای فرشتگان نیز استفاده (مزمور ۸:۵؛ ۶:۸۲؛ ۱، ۶ [برداشت جمله از عبرانیان ۷:۲؛ ۷:۹۷])؛ و یا می‌تواند در رابطه با "موجودات معنوی" (اول ساموئیل ۲۸:۱۳)، و می‌تواند درباره قضاوت یهودی استفاده گردد (خروج ۲۱:۶؛ ۲۲:۸-۹). منطقی‌تر بنظر می‌رسد که وعده‌ای باشد برای موجوداتی چون فرشتگان، موجودات روحانی و معنوی که در حضور خداوند بوده و یا احتمالاً در یک مجموعه آسمانی حضور دارند (۳:۲۲). عجیب است که انسان قصد ربودن چیزی را از خداوند داشته که پیشاپیش به خودش تعلق داشته است. ترتیب روحانی بشر از فرشتگان بالاتر است (عبرانیان ۱:۱۴؛ ۲:۱۴-۱۶؛ اول قرنطیان ۳:۶).

۶:۳ "چون زن دید که آن درخت خوش خوراک است و چشم‌نواز، و درختی دلخواه برای افزودن دانش" در اینجا پیشرفتی سه برابری، از وسوسه به گناه حقیقی را می‌بینیم. عالمان یهود معتقدند که چشمان و گوش‌های ما پنجره‌های روح ما هستند و هر آنچه را که اجازه ورود از طریق آنان بدهیم در قلب ما رشد کرده تا زمانی‌که عملی مهم یا شوم رخ دهد.

□ "پس از میوه آن گرفت و خورد، و به شوهر خویش نیز که با وی بود داد، و او خورد" گمانه‌زنی درباره این آیه زیاد است. ربیان اظهار می‌کنند که آدم خورد چون نمی‌خواست که از همسرش جدا شود. Milton نیز در کتاب *Paradise Lost* چنین نظری دارد. با اینحال، از متن اینگونه بنظر می‌رسد که حوا آنگونه با آدم رفتار کرده که مار با وی کرد، ضمن این که شواهد به وی نشان داده بود که با وجود خوردن میوه، همچنان زنده بود. ربیان همچنین تصریح می‌کنند که مار همین روش را با حوا در پیش گرفت؛ وی را مجبور به لمس میوه کرد و گفت: "بین، تو نمردی". احتمالاً وی به آدم گفت: "بین، من نمردم."

۷:۳ "دریافتند که عریانند" این جمله برای بیان طبیعت جنسی وسوسه، بارها توسط مفسرین استفاده شده است (دوم قرنطیان ۱۱:۳، "حوا فریب حيله مار را خورد". عالمان یهود حتی می‌گویند که مار، حوا را به لحاظ جنسی فریب داد، اما بنظر می‌رسد این تعصب خواندن در متن باشد. دانش جدید آنان برکتی نبود که می‌بایست باشد (تیتوس ۱:۱۵).

□ "برگهای انجیر به هم دوخته" شیوه سبب خوردن حوا کاملاً قابل حدس است. ربیان می‌گویند که وی انجیر را از همان درختی خورد که از برگ‌هایش برای هر دو نفر پوشش ساخته بود. با اینحال، "میوه" می‌توانست خرما یا هر گونه میوه دیگری بوده باشد- ما بهیچوجه اطلاع نداریم. اما نوع میوه، مورد بحث نیست.

متن NASB (بروز شده) ۸:۳-۱۳

۸ و صدای یهوه خدا را شنیدند که در خنکی روز در باغ می‌خرامید، و آدم و زنش خود را از حضور یهوه خدا در میان درختان باغ پنهان کردند. ۹ ولی یهوه خدا آدم را ندا در داده، گفت: «کجا هستی؟» ۱۰ گفت: «صدای تو را در باغ شنیدم و ترسیدم، زیرا که عریانم، از این رو خود را پنهان کردم.» ۱۱ خدا گفت: «که تو را گفت که عریانی؟ آیا از آن درخت که تو را امر فرمودم از آن نخوری، خوردی؟» ۱۲ آدم گفت: «این زن که به من بخشیدی تا با من باشد، او از آن درخت به من داد و من خوردم.» ۱۳ آنگاه یهوه خدا به زن گفت: «این چه کار است که کردی؟» زن گفت: «مار فریبم داد و من خوردم.»

۸:۳ "صدای یهوه خدا را شنیدند که در خنکی روز در باغ می‌خرامید" نسخه انگلیسی King James از ترجمه "the voice of the Lord God" بعنوان صدای یهوه استفاده کرده است، اما در کلام عبری فقط نوشته شده "صدای او در حال راه رفتن" (*Hithpal Participle*, BDB 229, KB 246). بنظر می‌رسد طبق ساختار دستوری عبری و متن، اینگونه عنوان می‌شود که امر راه رفتن در جایی که خدا و اولین زوج بشر همدیگر را برای آشنایی ملاقات کردند،

امری عادی تلقی می‌گردد. برای خداوندی که ذات جسمانی نداشته و روح است، عمل راه رفتن کاری انسانی بود که انجام داده است. برخی بر این باور هستند که خداوند برای این دوستی میان اولین زوج بشر، خود را در قالب و پوشش انسانی نمایان کرده بود. ممکن است که این موضوع صحت داشته باشد، زیرا بخشی از خدای سه گانه وجود جسمانی دارد، پسر است. برخی گمان می‌کنند از آنجایی که عهد جدید آفرینش را به دوره پسر وصل می‌داند (یوحنا ۱: ۳-۱۰؛ اول قرنتیان ۸: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ عبرانیان ۲: ۱)، و اغلب تجلی فیزیکی خدا مشهود بوده (فرشتگان خدا، پیدایش ۱۶-۷-۱۳؛ ۲۲-۱۱-۱۵؛ ۳۱-۱۱، ۱۵؛ ۴۸-۱۵-۱۶؛ خروج ۳: ۲، ۴؛ ۱۳: ۲۱؛ ۱۴: ۱۹) لذا می‌تواند به دوره پیش از شکلگیری جسمانی عیسی اشاره داشته باشد.

□ "در خنکی روز" واژه عبری استفاده شده، اشاره به باد دارد (BDB 398). سخن از نسیم سرد که یا در صبح و یا در عصر می‌وزد می‌گوید.
 □ "آدم و زنش خود را از حضور یهوه خدا در میان درختان باغ پنهان کردند" این فعل (BDB 285, KB 284) یک *Hiphthael* ناقص است. داستان غم‌انگیز گناه را می‌توان در ارتباط جدا شده فیزیکی و روحی میان خداوند و مخلوقش دید (مزمور ۱۳۹؛ مکاشفه ۶: ۱۶).

۹:۳ "کجا هستی؟" روشن است که این خدا نیست که بدنبال کسب اطلاع می‌باشد، بلکه سوال را بگونه‌ای مطرح می‌کند که آن‌ها متوجه کاری که کرده‌اند، بشوند (v11). در عهد جدید سوالات بگونه‌ای مطرح می‌شود که تکامل جنبه‌های مختلف در ذات خداوند را بیان کند. به اینگونه سوالات لفظی "خداشناسی باز" می‌گویند (رجوع شود به کتاب *The Most Moved Mover* نوشته Clark Pennock).

۱۰:۳ "و ترسیدم، زیرا که عریانم" عجب داستان حزن‌انگیزی! آدم از خدایی که وی را خلق و قصد شناخت او را داشته، می‌ترسد. قدرت شیطان به وضوح اینجا دیده می‌شود در حالیکه انسان همچنان سعی در پنهان شدن از خداوند، از خانواده و از قانون طبیعت دارد. این حقیقت که وی برهنه بود فقط سرپوشی بود برای مشکل واقعی که همانا شورشی چشم باز کرده به خواست خداوند بوده است.

۱۲:۳ "آدم گفت" در اینجا ما این تاکید را مشاهده می‌کنیم که آدم مسئولیت دارد، با وجود اینکه سعی می‌کند حوا و حتی خود خدا را مقصر بداند. حتی با وجود عذرهای متعدد، چه حوا مقصر قلمداد شود و چه خدا، این انسان است که مسئولیت رفتار و اعمال خویش را بر دوش دارد. طبق نظریه الهیاتی *Flip Wilson*، "شیطان مرا گول زد!" بیشتر یک عذر است تا "محیط فرهنگی مرا به انجام کاری وا داشت" یا "به لحاظ ژنتیکی این کار را انجام دادم"، و غیره.

۱۳:۳ "مار فرییم داد و من خوردم" حوا به سرعت از آدم یاد گرفت و شروع به عذر آوردن کرد. واژه "فریب دادن" بیشتر معنی "سبب فراموشی شدن" دارد (BDB 674, KB 728, *Hiphil Perfect*). ممکن است صداواژه‌ای باشد برای هیس کردن مار (*hissi' ani*). عهد جدید اعمال حوا را در آیات دوم قرنتیان ۱۱: ۳ و اول تیموتائوس ۲: ۱۴ نیز یادآوری می‌کند.

نگرشی در متن پیدایش ۱۴:۳-۲۴

مقدمه

- A. درک این مبحث، همچون ۱:۳-۱۲، با توجه به وضعیت دنیای امروزی در گناه، بیماری، درد، بی‌عدالتی و شیطان، سخت است. این دنیایی نیست که خدا می‌خواست بسازد.
- B. این مبحث، بخصوص v. 15، اولین قول را به ما می‌دهد درباره اینکه دنیای ما بخاطر شفاعت بازگردانده شده خداوند، چه خواهد شد. این وعده بزرگ خداوند است به انسان سرکش سقوط کرده و این حقیقت که از طریق "زن" محقق خواهد شد.
- C. عواقب سرکشی علیه خدا و وعده‌اش به روشنی ترسیم شده است! شیطان به وضوح دشمن شناخته شده و گناه در زندگی آدم و حوا و فرزندانش جریان دارد.
- D. رابطه میان مرد و زن به روشنی در v. 16 تعریف شده است (دوم تیموتائوس ۲: ۹-۱۵؛ افسسیان ۵: ۲۲؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱). روابط تاکید شده دنیای ما، نتیجه مستقیم نافرمانی خود خواسته است. اگر در عهد عتیق علت و معلول وجود دارد، همین مثال خوبی برایش خواهد بود. در هر حال، همانها تخت تاثیر فضل خدا در مسیح قرار گرفته‌اند (اول قرنتیان ۱۱: ۱۱؛ غلاطیان ۳: ۲۸).

E. عالمان یهود اصالت گناه را مردود دانسته و بجای آن، دو "yetzers" (نیت) فرض کرده‌اند. با اینحال، بنظر می‌رسد شواهد قطعی برای گناه اولیه آدم در آیات ایوب ۱۴:۴؛ ۱۵:۱۴؛ ۲۵:۴؛ مزمور ۵۱:۵ و در عهد جدید رومیان ۵:۱۲-۲۱ وجود داشته باشد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۱۴:۳-۱۹

^{۱۴} پس یهوه خدا به مار گفت: «چون چنین کردی، از همه چارپایان و همه وحوش صحرا ملعونتری! بر شکمت خواهی خزید و همه روزهای زندگی‌ات خاک خواهی خورد.^{۱۵} میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می‌گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.»^{۱۶} و به زن گفت: «درد زایمان تو را بسیار افزون گردانم؛ با درد، فرزندان خواهی زایید. اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود، و او بر تو فرمان خواهد راند.»^{۱۷} و به آدم گفت: «چون سخن زنت را شنیدی و از درختی که تو را امر کردم از آن نخوری خوردی، به سبب تو زمین ملعون شد؛ در همه روزهای زندگی‌ات با رنج از آن خواهی خورد.^{۱۸} برایت خار و خَس خواهد رویانید، و از گیاهان صحرا خواهی خورد.^{۱۹} با عرق جبین نان خواهی خورد، تا آن هنگام که به خاک بازگردی که از آن گرفته شدی؛ چراکه تو خاک هستی و به خاک باز خواهی گشت.»

۱۴:۳ "یهوه خدا" ترکیب این دو نام بزرگ برای خدا در عهد عتیق، YHWH و Elohim می‌باشد. به یادداشت ۴:۲ مراجعه کنید.

- "به مار گفت" خدا از مار سوالی نپرسید، آنگونه که از آدم و حوا پرسید. مار بعنوان ابزار شیطان تحت محاکمه خداوند قرار گرفت.
- "از همه چارپایان و همه وحوش صحرا ملعونتری" فعل (BDB 76, KB 91) یک *Qal Perfect Participle* است. این بدین مفهوم نیست که تمام احشام نفرین شدند. استفاده از صفت "تری" برای ملعون، می‌تواند معنی "از سایر حیوانات" نیز بدهد. ربیان معتقدند که این جمله اشاره به دوره حاملگی گاو نسبت به مار دارد، که بر طبق گفته Talmud، هفت سال است.
- "بر شکمت خواهی خزید" طبق گفته عبرانیان، هر چیزی که بر شکم بخزد، ناپاک تلقی می‌گردد (لاویان ۱۱:۴۲). عالمان دین یهود معتقدند که خداوند پاهای مار را قطع کرد تا وی بر روی شکم بخزد، اما شاید این مورد شبیه نشانه رنگین کمان در پیدایش ۹:۱۳ باشد که احتمالاً همیشه وجود داشته اما اکنون با استفاده خدا در یک مورد خاص، معنی عجیب گرفته است.
- "خاک خواهی خورد" به این مورد در اشعیا ۲۵:۶۵ اشاره شده است. ظاهراً جنبه‌ای از خدا، بصورت تحت‌اللفظی مار را نفرین کرده است. این عبارت می‌تواند استعاره‌ای در انجیل برای نشان دادن شکست یا شرم باشد (امثال ۷۹:۹؛ اشعیا ۴۹:۲۳؛ میکا ۷:۱۷). هر دو افعال ناقص در این آیه بصورت صیغه امری استفاده شده‌اند.

۱۵:۳ "دشمنی می‌گذارم" دشمنی (BDB 33) کلمه‌ای است که میان دو نفر استفاده می‌شود. بنظر می‌رسد اینجا جاییست که خداوند در قضاوت خویش، شیطان را هدف قرار گرفته، نه مار (مکاشفه ۱۲:۹؛ ۲:۲۰). به مقاله "The Presence of God Qualifying our Nations of Grammatical-historical Interpretation: Genesis 3:15 as a Test Case" نوشته Vern S. Poythress, JETS شماره ۱ / ۵۰ صفحات ۸۷ تا ۱۰۳ مراجعه نمایید).

- "میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن" در میان مفسرین پیرامون این آیه بحث‌های زیادی بوده است. در یک متن استاندارد طولانی‌تر، بنظر می‌رسد که اشاره به فرزندان ("نسل"، BDB 282) شیطان (متی ۱۳:۳۸؛ یوحنا ۸:۴۴) و فرزندان مسیح (Irenaeus) داشته باشد. اما چون آیه بعد بصورت مفرد استفاده شده، "او" و "تو" ظاهراً اشاره به تنش میان خدا و شیطان بصورت نمادین داشته باشد. روشن است که نه آدم و حوا مسئله انشعاب بین خدا و بشر را درک کردند، و نه احتمالاً موسی، با اینکه موسی در تشبیه ۱۸:۱۸ به این تشخیص رسید که پیامبری بزرگتر از وی خواهد آمد. من فکر می‌کنم که احتمالاً اشاره‌ای به تولد باکره داشته باشد، با اینکه این موضوع بطور یقین برای نویسنده اصلی ناشناخته بوده است، اما برای نگارنده آسمانی (روح‌القدس) کاملاً شناخته شده می‌باشد. در حالیکه بشریت از طریق بی‌فکری زن سقوط می‌کند، از طریق تمکین به اطاعت مسیح توسط زن نیز، با نیروی قدرتمند روح‌القدس دوباره رها می‌شود (اشعیا ۷:۱۴؛ متی ۱۸:۱-۲۵؛ لوقا ۱:۲۶-۳۸، همینطور به مقاله *A Guide to Biblical Prophecy* صفحات ۷۸ و ۸۰ رجوع کنید). در نسخه لاتین قدیمی کتاب مقدس، کلمه اشاره "او" را برای مرد به زن تغییر داده است، که کاملاً غیر عادی می‌باشد، اما می‌تواند جان کلام را بخوبی برساند.

این پیشگویی تا تکمیل تاریخی تولد پاک عیسی مسیح کاملاً درک نشد، و می‌توان مشابه همین موضوع را نیز درباره تفسیر پیدایش ۱ و ۲ گفت. تاریخ حقیقت وحی را نمایان کرد، همانطور که ادامه مطالعه علمی زمین ما پیچیدگی و ارتباطات درونی کارهای خلاقانه خدا را نشان می‌دهد. در این میان هیچ تضادی وجود ندارد، فقط دانش بشر درباره بخشی از فعالیت خداوند تکمیل‌تر می‌شود.



NASB	"او باید به سر تو بگوید"
NKJV	"او باید سر تو را کبود کند"
NRSV	"او به سرت خواهد زد"
TEV	"اولاد او سر تو را خواهد شکست"
NJB	"آن شی سرت را زخمی خواهد کرد"

واژه انگلیسی استفاده شده "Bruise" بوده و در معانی مختلف استفاده می‌شود، از جمله "خرد کردن"، "با مشت زدن"، "ساییدن" یا "ضربه زدن" (BDB 1003, KB 1446, *Qal Imperfect*), دو بار استفاده شده است، ایوب ۹:۱۷). به ضمیر اول شخص مفرد توجه کنید (رومیان ۱۶: ۲۰). این نبرد دیر یا زود شامل حال بقیه افراد نیز خواهد شد.



NASB	"و تو باید روی پاشنه او بزنی"
NKJV	"و تو باید پاشنه او را کبود کنی"
NRSV	"و تو باید پاشنه او را بزنی"
TEV	"و تو باید پاشنه اولاد او را گاز بگیری"
NJB	"و تو باید پاشنه‌اش را بزنی"

مشابه همین فعل (*BDB 1003, KB 1446, Qal Imperfect*) برای هر دو استفاده شده است، اما روشن است که در نهایت بدترین آن نصیب شیطان گردید. اگر از زاویه عهد جدید به آن نگاه کنیم، اشاره به مصلوب شدن مسیح دارد.

۱۶:۳ "به زن گفت" به نظر می‌رسد چهار عنصر اصلی اینجا باشد: (۱) اضافه کردن درد زایمان (*Hiphil* مصدر کامل و *Hiphil* ناقص از فعل مشابه *BDB 176, KB 915*); (۲) فرزندان زیاد برای پرورش؛ (۳) مشکلات مربوط به پرورش فرزندان؛ و (۴) حکمرانی شوهر. اکنون می‌توانیم ببینیم همه این‌ها چطور با سرکشی حوا مرتبط است: (الف) وی می‌خواست مستقل باشد، اما بسیار به شوهرش وابسته است (و نه به خدا)؛ (ب) وی خوشحالی را در میوه ممنوعه جستجو می‌کرد، اما در زندگی روزمره خود درد داشت. روشن است که عهد جدید این موضوع را بعنوان یک مبحث الهیاتی در رابطه مردان و زنان، درک کرده است (اول تیموتائوس ۲: ۹-۱۵). ما باید به این نقطه برسیم که بدانیم در کنار مسیح چه کسی هستیم، اول قرن‌تیا ۱۱: ۱۱؛ غلاطیان ۳: ۲۸، و به چه صورت می‌خواهیم همانطور در کنارش باقی بمانیم، افسسیان ۵: ۲۲؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱. در این بخش در متن عبری آشفتگی وجود دارد. واژه ترجمه شده "در هنگام زایمان" متفاوت هجی شده است. هم‌خوانهای عبری می‌تواند می‌تواند معنی "دراز-کشیده-منتظر-برای" بدهد، اشاره‌ای به شیطان در حال اغوا کردن کودکان (*Hard Saying of the Bible* صفحات ۹۰-۹۹).



"اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود" لغت عبری در اینجا "اشتیاق" یا "تمنا" ترجمه شده است (*BDB 1003, KB 1801*). Walter Kaiser تسریح می‌کند که این لغت می‌تواند "بازگشتن" باشد، احتمالاً با احساس "حکمرانی کردن" (پیدایش ۴: ۷). حوا از یهوه خدا روی برگرداند. تنبیه او، روی گرداندن مداوم بسوی شوهرش است، کسی که اغلب از این موقعیت سوءاستفاده می‌کند (*Hard Sayings of the Bible*, IVP صفحات ۹۷-۹۸).



"او بر تو فرمان خواهد راند" فعل (*BDB 605, KB 647*) یک *Qal* ناقص است. اینطور بنظر می‌رسد که از نتایج سقوط باشد و، خدا ما را کمک کند، طبیعت گناهکار مرد وضعیت را به حد نهایت رسانده است. حسادت، تجاوز، طلاق و تسلط بدون در نظر گرفتن خدا قوای جنسی انسان را شکل داده است! ما شبیه حیوانات شده ایم، اما همراه با اضافه شدن مسئله ضمیر باطن به اشتیاق جنسی.

۱۷:۳ "چون سخن زنت را شنیدی" آدم باید به حرف خدا گوش می‌کرد، اما در عوض از کلام زنش پیروی کرده و دستور صریح و مشخص خدا را نادیده گرفت (۲: ۱۵-۱۷).

□ "به سبب تو زمین ملعون شد" فعل (BDB 76, KB 91, *Qal* Passive Participle) معنی مخالف برکت داده شده را دارد. زمین دیگر در آزادی و فراوانی مهیا نخواهد گردید. سیاره زمین امروزی چیزی نیست که خداوند در مقصود خویش داشت!

بر روی نام "آدم" و کلمه "زمین" (نه به معنی سیاره)، (*adamah*, BDB 9) زیاد می‌توان بازی کرد. هر دو از یک ریشه هستند. ما عواقب سقوط بشر را در رومیان ۸: ۱۸-۲۳ می‌توانیم ببینیم.

همچنین خواست خداوند بوده است که این وضعیت به خارج از طبیعت باغ عدن نیز بازتاب داشته باشد. بعد از سرکشی آدم و حوا به خارج از جای ویژه خداوند فرستاده شدند، به دنیایی که چنگ و دندان و شکارچی واقعیت داشت.

□ "و همه روزهای زندگی‌ات خاک خواهی خورد" آدم وظیفه حفظ باغ را تا قبل از سقوط داشت (۲: ۱۵)، که این یکی از نشانه‌های حکمرانی او بود، اما اکنون این وظیفه خسته‌کننده، تکراری، اجباری و تمام‌نشدنی شده بود ("رنج" BDB 781). اکنون حتی با وجود تلاش روز افزون انسان نیز از حاصلخیزی زمین کاسته شده و برکت رفته است (v.18).

به تعداد دفعات تکرار فعل "خوردن" (BDB 37, KB 46) در شروع فصل‌ها دقت کنید (۲: ۱۶، ۱۷؛ ۳: ۱، ۲، ۳، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷ [دو بار]، ۱۸، ۱۹، ۲۲)! این هم به فراوانی ربط دارد و هم به نفرین.

۱۹:۳ "تا آن هنگام که به خاک بازگردی که از آن گرفته شدی" این ارتباطی مستقیم است میان سقوط آدم، مرگ روحانی (فصل ۳) و مرگ فیزیکی (فصل ۵). خداوند قابل اعتماد است. وی گفت که آنها مرگ را با تمام جوانب آن تجربه خواهند کرد، و این اتفاق هم افتاد.

□ "تو خاک هستی" (رجوع شود به پیدایش ۲: ۷).

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۳: ۲۰-۲۱

۲۰ و اما، آدم زن خود را حوا نامید، زیرا او مادر همه زندگان بود. ^{۲۱} بیهوه خدا پیراهنهایی از پوست برای آدم و زنش ساخت و ایشان را پوشانید.

۳: ۲۰ "آدم زن خود را حوا نامید، زیرا او مادر همه زندگان بود" فرمانروایی شوهر بر زن اکنون بوسیله نام‌گذاری بر روی همسر نماد پیدا می‌کند. به لحاظ ریشه‌شناسی، کلمات "حوا" (*hawwa*) و "زندگان" (*haya*) بسیار شبیه هستند و احتمالاً یکی از بازی با لغات و کلمات عبری بوده است. این بازی با کلمات بر روی اسامی آدم، حوا، قائن نشان از ذات ادبیات دوران اولیه دارد. بسیار جالب است که نام را زن را "حوا" گذارد که معنی "زندگانی" دارد ولی در عوض وی مرگ را به همراه آورد.

۳: ۲۱ قدری غیرطبیعی است که انسان‌ها نیازمند این گونه لباس باشند مگر اینکه شرایط آب و هوایی یا تغییرات بزرگی خارج از باغ عدن در انتظار آن‌ها بوده باشد.

اولین مرگ توسط خداوند برای نیاز انسان بنیان گذاشته شد، به وضوح خداوند همانطور که مورد قضاوت قرار داده و تنبیه می‌کند، به انسان اهمیت داده و مایحتاج وی را نیز فراهم می‌کند. به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: چرا خداوند، آدم و حوا با پوست حیوانات پوشاند (Special Topic: Why God Clothed Adam and Eve with Animal Skins)

A. بعنوان توشه آنها برای زندگی سخت بیرون از عدن

B. برای پوشاندن برهنگی‌های حساس آنها

- C. برای نشان دادن اجازه استفاده از حیوانات برای نیازهای نوع بشر
- D. برای نشان دادن تفاوت میان نیازهای انسان (برگ درختان) و خداوند (پوست حیوانات)
- E. برای یادآوری انسان به نزدیک شدن مرگ (پیدایش ۵)
- F. برای پیشبینی پوشش استعاره حقانیت مسیح که به ما بعنوان پوشاک هدیه داده شده (رومیان ۱۳:۱۴؛ غلاطیان ۳:۲۷؛ افسسیان ۴:۲۴؛ کولسیان ۳:۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴؛ یعقوب ۱:۲۱؛ اول پطرس ۲:۱)
- G. برای نشان دادن تداوم عشق خدا و تهیه مایحتاج بشر، حتی با وجود سقوط وی.

متن NASB (بروز شده): ۲۴-۲۲:۳

۲۲ و بیهوه خدا فرمود: «اکنون آدم همچون یکی از ما شده است که نیک و بد را می‌شناسد. مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد و تا ابد زنده بماند.»^{۲۳} پس بیهوه خدا آدم را از باغ عدن بیرون راند تا بر زمین که از آن گرفته شده بود زراعت کند.^{۲۴} پس آدم را بیرون راند، و در جانب شرقی باغ عدن کروبیان را قرار داد و شمشیری آتشبار را که به هر سو می‌گشت، تا راه درخت حیات را نگاهبانی کند.

۲۲:۳ "اکنون آدم همچون یکی از ما شده است" بحث‌های زیادی پیرامون این افعال جمع در پیدایش مطرح بوده است (۱:۲۶؛ ۳:۲۲؛ ۷:۱۱). آیه ۲۲ بصورت مفرد شروع می‌شود و به جمع گسترش می‌یابد. اگر اجازه بدهیم که تفسیر متن برعهده خودش باشد، متوجه می‌شویم که اشاره آیه به خدای سه گانه می‌باشد، نه با فرم استفاده شده در دستور زبان عبری که به آن Plural of Majesty می‌گویند. با اینحال، می‌تواند اشاره‌ای باشد به (۱) یک شورای آسمانی (اول پادشاهان ۱۹:۲۲)، (۲) دو شخص آسمانی (در مزمور ۱۱۰:۱)، و یا (۳) شخصیت شکل گرفته‌ای که به عنوان فرشته خداوند آن را می‌شناسیم؛ بعنوان مثال، به بوته در حال سوختن در خروج ۳:۲، ۴ توجه فرمایید.

□ "درخت حیات" پیشتر گفتیم که درخت حیات در اکثر متون باستانی شرق نزدیک وجود داشته است. اینجا، انسان ضمیمه نشده است، نه بخاطر حسادت خدایان، بلکه این نفرینی برای بشریت خواهد بود چنانچه در دوره سقوط، زندگی ابدی داشته باشد.

□ "تا ابد زنده بماند" به موضوع خاص زیر توجه فرمایید.

موضوع خاص: 'Olam (Forever) (تا ابد) - Special Topic

واژه 'Olam (BDB 761, 798) بسیار رایج بوده است (بیش از ۴۰۰ بار استفاده شده است). این واژه برای نشان دادن طول زمان در حالات مختلف استفاده می‌شود، هر یک از حالات آن باید مرتبط باشند به طبیعت وجودی که به آن اشاره می‌کنند.

A. گذشت زمان (فقط مثال‌ها)

۱. "پهلوانان روزگاران کهن" پیدایش ۴:۶

۲. "کوه‌ها و تپه‌ها"

۳. "نیاکان" تثبیه ۷:۳۲

۴. "اجداد" یوشع ۲:۲۴

۵. "زمان‌های قدیم" اشعیا ۹:۵۱

B. تداوم برای یک دوره زندگی (فقط مثال‌ها)

۱. "از آن به بعد تو (موسی) را باور خواهند کرد" خروج ۱۹:۹

۲. "خدمتکار همیشگی" تثنیه ۱۷:۱۵؛ اول سموئیل ۱۲:۲۷

۳. "تا زنده هستید" تثنیه ۶:۲۳

۴. "ساموئیل همیشه در آنجا بماند" اول سموئیل ۲۲:۱

۵. پادشاه "تا ابد زنده بماند" نحمیا ۲:۳؛ مزمور ۴:۲۱

۶. "خداوند را می ستاییم، از حال و تا ابدالآباد" مزمور ۱۸:۱۱۵؛ ۱۴۵:۱-۲

۷. "خواهم سراپید" مزمور ۸۹:۱؛ ۱۸:۱۱۵؛ ۱۴۵:۱-۲

۸. "همیشه آبستن" (استعاره)، ارمیا ۱۷:۲۰

۹. احتمالاً امثال ۲۵:۱۰

C. تداوم حیات (اما با محدودیت‌های محدود)

۱. تا ابد زنده، پیدایش ۲۲:۳

۲. زمین، مزموز ۷۸:۶۹؛ ۱۴۸:۵؛ جامعه ۱:۴ (دوم پطرس ۳:۱۰)

۳. کهانت هارون، خروج ۲۹:۹؛ ۱۵:۵۰ (اول سموئیل ۲:۳۰)

۴. شبات، خروج ۳۱:۱۶-۱۷

۵. روز های جشن، خروج ۱۲:۱۴، ۱۷، ۲۴؛ لاویان ۱۶:۲۹، ۳۱، ۲۴؛ ۲۳:۱۴، ۲۱، ۴۱

۶. ختنه، پیدایش ۱۷:۱۳ (رومیان ۲:۲۸-۲۹)

۷. سرزمین وعده داده شده، پیدایش ۱۳:۱۵؛ ۱۸:۱۷؛ ۴:۴۸؛ خروج ۳۲:۱۳ (تبعید)

۸. شهرهای ویران شده، اشعیا ۲۵:۲؛ ۱۴:۳۲؛ ۱۰:۳۴

D. پیمان مشروط

۱. ابراهیم، پیدایش ۱۷:۷، ۸، ۱۳، ۱۹

۲. اسراییل، تثنیه ۵:۲۹؛ ۲۸:۱۲

۳. داوود، دوم سموئیل ۷:۱۳، ۱۶، ۲۵، ۲۹؛ مزمور ۸۹:۲، ۴

۴. اسراییل، داوران ۲:۱ (غلاطیان ۳)

E. پیمان بدون قید و شرط

۱. نوح، پیدایش ۹:۱۲، ۱۶

۲. عهدی جدید، اشعیا ۵۵:۳؛ ارمیا ۳۲:۴۰؛ ۵:۵۰ (ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴؛ جزقیال ۳۶:۲۲-۳۰)

F. خداوند

۱. وجود خداوند، پیدایش ۲۱:۳۳؛ تثنیه ۳۲:۴۰؛ مزمور ۹۰:۲؛ اشعیا ۴۰:۲۸؛ دانیال ۱۲:۷

۲. نام خداوند، خروج ۳:۱۵؛ مزمور ۱۳۵:۱۳

۳. سلطنت خداوند، خروج ۱۸:۱۵؛ مزموز ۴۵:۶؛ ۷:۶۶؛ ارمیا ۱۰:۱۰؛ میکاه ۷:۴

۴. کلام خداوند، مزمور ۱۱۹:۸۹، ۱۶۰؛ اشعیا ۴۰:۸؛ ۵۹:۲۱

۵. مرحمت خداوند، مزموز ۲۵:۶؛ ۸۹:۲؛ ۱۰۳:۱۷؛ ۱۱۸:۱-۴؛ ارمیا ۳۳:۱

G. مسیح او (خداوند)

۱. نام او، مزمور ۷۲:۱۷، ۱۹

۲. جاودانه مبارک، مزموز ۴۵:۲، ۱۷؛ ۸۹:۵۲

۳. پادشاهی، مزمور ۸۹:۳۶، ۳۷؛ اشعیا ۹:۷

۴. کشیش، مزمور ۱۱۰:۴

۵. ایام ازل، میکاه ۵:۲

H. دوره جدید زندگی

۱. زندگی جاودان، دانیال ۲:۱۲

۲. حقارت جاودان، دانیال ۲:۱۲

۳. نشنیدن صدای گریه و شیون، اشعیا ۶۵:۱۹ (مکاشفه ۴:۲۱)

۴. بدون آفتاب، اشعیا ۶۰:۱۹-۲۰ (مکاشفه ۲۳:۲۱).

به تعداد کلمات انگلیسی متفاوتی که برای ترجمه متن عبری استفاده شده توجه کنید

۱. تا ابد
۲. قدیمی
۳. جاودان
۴. ابدی
۵. انتها
۶. همیشه
۷. برای زندگی
۸. تداوم
۹. عادی
۱۰. همیشگی
۱۱. هر زمان
۱۲. باستان، دوران باستان
۱۳. بی انتها
۱۴. تا ابدالابد
۱۵. تا انتهایش
۱۶. زمانی طولانی
۱۷. زمان های دور

۲۳:۳ "پس یهوه خدا آدم را از باغ عدن بیرون راند" این حالت افعالی سنگینی است (BDB 1081, KB 1511, *Piel Imperfect*) که دلالت ضمنی منفی دارد. در تثنیه ۲۱:۱۴ اشاره به طلاق، و در اول پادشاهان ۷:۹ اشاره به داوری خداوند بر قوم اسرائیل دارد.

۲۴:۳ "کروبیان" اینان فرشتگان مجهز به بال هستند (BDB 500) که از باغ عدن در مقابل ورود انسان ها محافظت می کنند. آنها سالیان سال بعد در معبد هنر ظاهر می گردند. این حقیقت که باغ تحت محافظت است نشان از ویژگی خاص آن دارد، محیطی محافظت شده، که منطقه ممنوعه برای نوع بشر محسوب می گردد.
به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: کروبیان (Special Topic: Cherubim)

- A. یکی از چندین نوع فرشتگان آسمانی. این نوع خاص وظیفه محافظت از مناطق مقدس را بر عهده دارد (خروج ۲۵:۱۸-۲۲؛ اول پادشاهان ۸:۶-۷)
- B. ریشه این نام مشخص نیست:
۱. در آکادیان معانی "میانجی" میان خدا و انسان را دارد
 ۲. در عبری احتمالاً بازی با کلمات است، "Chariot" معنی ارابه و "Cherub" یا همان کروب، معنی کودک فرشته بالدار می‌دهد (جزقیال ۱:۱۰)
 ۳. برخی می‌گویند معنی "ظهور درخشان" می‌دهد
- C. حالت فیزیکی-اثبات این امر بسیار دشوار است زیرا توصیفات بسیار متفاوتی درون انجیل و در شرق نزدیک باستان پیرامون شکلی میان حیوان و انسان یافت شده است. برخی آن را وصل می‌کنند به:
۱. گاو بالدار بین النهرین
 ۲. شیر-عقاب‌های بالدار مصر بنام "غرفین"^۷
 ۳. موجودات بالدار بر تخت سلطنتی هیرام، پادشاه فینقی
 ۴. ابوالهول مصر و شکل‌های مشابه آن که در قصر شاه احب در صامره یافت شده است
- D. شرح فیزیکی
۱. شکل این فرشته (کروب) مرتبط شده است با سرافین در اشعیا ۶.
 ۲. نمونه‌هایی از اشکال مختلف
- a. تعداد چهره‌ها
- ۱) دارای دو چهره - جزقیال ۴۱:۱۸
 - ۲) دارای چهار چهره - جزقیال ۱:۶، ۱۰:۱۰، ۱۴:۱۶، ۲۱:۲۲
 - ۳) دارای یک چهره - مکاشفه ۴:۷
- b. تعداد بال‌ها
- ۱) دارای دو بال - اول پادشاهان ۶:۲۴
 - ۲) دارای چهار بال - جزقیال ۱:۶، ۱۱:۲۳؛ ۲:۲۳؛ ۱۰:۷، ۸:۲۱
 - ۳) دارای شش بال (همچون سرفین در اشعیا ۶:۲) - مکاشفه ۴:۸
۳. سایر امکانات
- a. دارای دست همچون انسان - جزقیال ۱:۸؛ ۱۰:۸، ۲۱
- b. پاها
- ۱) صاف، بدون زانو - جزقیال ۱:۷
 - ۲) پای گوساله - جزقیال ۱:۷
۴. Flavius Josephus تصدیق می‌کند که هیچکس نمی‌دانست کروبیان دارای چه شکلی بودند (کتاب *Antiquities of the Jews*, VIII:3:3)
- E. مکان‌ها و علل یافت شده در انجیل
۱. محافظ درخت زندگانی، پیدایش ۳:۲۴ (احتمالاً بصورت استعاره درباره شیطان بکار رفته است - جزقیال ۲۸:۱۴، ۱۶)
 ۲. محافظ Tabernacle
- a. بر روی جایگاه کفاره در خروج ۲۵:۱۸-۲۰؛ اعداد ۷:۸۹؛ اول سموئیل ۴:۴
- b. نقش بر روی پرده‌ها و چادرها؛ خروج ۲۶:۱، ۳۱:۳۶؛ ۳۵:۸
۳. محافظ معبد سلمیان
- a. دو کروی بزرگ در قدس الاقداس در اول پادشاهان ۶:۲۳-۲۸؛ ۸:۶-۷؛ دوم قرنطیان ۳:۱۰-۱۴؛ ۵:۷-۹

^۷ به انگلیسی Griffin و بفارسی "شیردال" که در تخت جمشید نیز موجود است/مترجم.

- b. بر روی دیواره‌های درونی معبد، اول پادشاهان ۶:۲۹، ۳۵؛ دوم قرن‌تینان ۳:۷
- c. بر روی قاب‌هایی که به چندین دیواره وصل بودند، اول پادشاهان ۷:۲۷-۳۹
۴. محافظ معبد جزقیال
- a. حک شده بر روی دیوارها و درب‌ها، جزقیال ۴۱:۱۸-۲۰، ۲۵
۵. وصل است به شیوه‌های حمل و نقل الهی
- a. استعاره‌ای است برای باد، دوم ساموئیل ۲۲:۱۱؛ مزمور ۱۸:۱۰؛ اشعیا ۳:۴؛ اشعیا ۱۹:۱
- b. محافظ تخت خداوند، مزمور ۸۰:۱؛ اشعیا ۳۷:۱۶
- c. محافظ ارابه سلطنتی خداوند، جزقیال ۱:۴-۲۸؛ اول قرن‌تینان ۲۸:۱۸
۶. معبد هیروود
- a. نقاشی شده بر روی دیوارها (محافظ تلمود "Yoma" 54a)
۷. صحنه تخت مکاشفه (محافظ، مکاشفه ۴-۵)

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا این یک تمثیل، افسانه و یا روایت تاریخی است؟
۲. آیا مار واقعی بوده و صحبت کرد؟
۳. آیا مار، شخصیت شریر را تحریک و وی را اغفال کرد؟
۴. آیا خدا می‌دانست آدم و حوا قصد انجام چه کاری را داشتند؟
۵. با عبارات و کلام خود، میزان پیشرفت وسوسه مار را تعریف کرده و بگویید چه اتهاماتی به خداوند در این مورد وارد است.
۶. چگونه خداوند، بعنوان یک شخصیت معنوی می‌تواند دارای بدن باشد؟
۷. آیا فصل ۳ حضور شیطان در دنیای ما و حضور گناه در قلب انسان را توضیح می‌دهد؟ اگر چنین است، به چه علت در عهد عتیق کامل‌تر به آن پرداخته نشد؟
۸. آیا مار خدمتگذار خداوند برای آزمایش بشر بوده و یا سرکشی است در مقابل خداوند؟ (ایوب ۱-۲ و زکریا ۳).
۹. چرا خداوند حیوانی را که مورد استفاده شیطان قرار گرفته بود، مورد قضاوت قرار داد؟
۱۰. آیا آیه ۱۵ کنایه‌ای به آمدن عیسی مسیح بوده و یا فقط ترس بین مار و زنان را نشان می‌دهد؟
۱۱. روشن است که جامعه پیشرفته ما که کیفیت روابط مردان و زنان را مورد اهمیت قرار می‌دهند، آیه ۱۶ را بعنوان یک اصل کلی مردود می‌شمارد. شما چه فکر می‌کنید؟ آیا این آیه هنوز اعتبار دارد یا خیر؟
۱۲. آیا آیه ۲۰ عملی حاکی از توبه و ایمان از سوی آدم است و یا موید اینست که آدم و حوا بخودی خود توانایی انجام کار را داشتند؟
۱۳. استفاده افعال جمع را توسط خداوند در آیه ۲۲ توضیح دهید. آیا اینکار بر تثلیث سایه افکنده و یا موضوع چیز دیگری است؟ چرا بله و چرا نه؟

پیدایش ۱:۴-۲۶

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
قائن و هابیل	قائن هابیل را بقتل می‌رساند	قائن، هابیل و شیث	قائن و هابیل	قائن و هابیل
۸-۱:۴	۸-۱:۴	۷-۱:۴ ۱۶-۸:۴	۷-۱:۴ ۸:۴	۸-۱:۴
۱۵-۹:۴	۱۵-۹:۴		a۹:۴ b۹:۴ ۱۲-۱۰:۴ ۱۴-۱۳:۴ ۱۶-۱۵:۴	۱۶-۹:۴
	خانواده قائن		نوادگان قائن	
۱۶:۴	۱۸-۱۶:۴	۲۲-۱۷:۴	۲۲-۱۷:۴	۲۲-۱۷:۴
۲۲-۱۷:۴	۲۴-۱۹:۴			
۲۴-۲۳:۴		۲۴-۲۳:۴	۲۴-۲۳:۴	۲۴-۲۳:۴
(۲۴-۲۳)	(۲۴-۲۳)	(۲۴-۲۳)	(۲۴-۲۳)	(۲۴-۲۳)
	پسری جدید		شیث و انوش	شیث و نوادگانش
۲۶-۲۵:۴	۲۶-۲۵:۴	۲۶-۲۵:۴	۲۶-۲۵:۴	۲۶-۲۵:۴

مطالعه حلقه سوم

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف (به ص. *Vii* رجوع کنید)

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

مقدمه

A. بسیاری از مفسرین تسریح کرده‌اند که پیدایش ۱:۴-۲۴ پیشروی سرکشی در میان نوادگان قائن را تعریف می‌کند، در حالیکه ۴:۲۵-۵:۳۲ بر پیشروی این نوادگان از جنبه خدایی تاکید دارد. با این وجود، نگاه به این فصل‌ها مفید خواهد بود. این بخش کاملاً شرارت تمام انسان‌هایی که در پیدایش ۶:۵-۱۱، ۱۲، ۱۳ دیده می‌شوند، تجزیه می‌کند.

- B. بسیاری از مفسرین می‌گویند که فصل ۴ جزئیات سلسله غربی را در بر نمی‌گیرد بلکه فقط درباره اصل و نسب عبرانیان شرقی در بالاترین حد ممکن است. اگر تاریخ پیدایش ۴ را به آن اضافه کنیم، با یکدیگر مشترک شده و فقط ۲۰۰۰ سال را تحت پوشش قرار می‌دهند. بنابراین، بنظر من آنها نمونه‌هایی برای معرفی یا فقط اعداد نمادین می‌باشند (همانند متعلقین به عیسی در متی و لوقا).
- C. فصل ۵ بعنوان فصل مرگ تعریف شده است، اما آیات ۲۱-۲۴ در ترجمه آنوش، امید زیادی را برای حیات دوباره انسان در خود دارد. همین واژگان برای ایلیا در دوم پادشاهان ۳:۲، ۵، ۹، ۱۰ نیز وجود دارد.
- D. پیدایش ۳:۸-۱۱:۹ مجازات وحشتناکی را برای گناه افشا می‌کند که نسل به نسل ادامه می‌یابد.
- E. برای نوادگان قائل همچون شیث سندی وجود ندارد (نه تاریخ و نه سن آنان). سلسله قائل بطور کامل در سیل می‌میرند. احتمالاً بخاطر ازدواجی که کرده بود. همه موجودات دو پای ابزار ساز با جمجمه بزرگ در تصویر خدا نبودند.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۱:۴-۸

آدم زن خود حوا را بشناخت و او باردار شده، قائل را زایید، و گفت: «به یاری خداوند مردی حاصل کردم!»^۲ و دیگر بار، برادر او هابیل را زایید. هابیل گله‌بان بود و قائل کشتگر زمین.^۳ پس از چندی، قائل هدیه‌ای از محصول زمین برای خداوند آورد.^۴ ولی هابیل از نخست‌زادگان گله خویش و از بهترین قسمتهای آنها هدیه‌ای آورد. خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت،^۵ ولی قائل و هدیه‌اش را منظور نداشت. پس قائل بسیار خشمگین شد و دلریش گشت.^۶ آنگاه خداوند به قائل گفت: «از چه سبب خشمگینی و چرا دلریش گشته‌ای؟^۷ اگر آنچه را که نیکوست انجام دهی، آیا پذیرفته نمی‌شوی؟ ولی اگر آنچه را که نیکوست انجام ندهی، بدان که گناه بر در به کمین نشسته و مشتاق توست، اما تو باید بر آن چیره شوی.»^۸ قائل به برادر خویش هابیل گفت: «بیا تا به صحرا برویم.» و چون در صحرا بودند قائل بر برادرش هابیل برخاست و او را کشت.

۱:۴ "آدم زن خود حوا را بشناخت" دقیقاً، "آدم حوا را می‌شناخت". واژه عبری "شناختن" سخن از روابط شخصی بسیار صمیمی می‌گوید (BDB 393, KB 390, Qal, Perfect, رمیا ۱:۵). مشخص نیست که آیا این اولین اتحاد جنسی آدم و حوا بوده است یا خیر. انجیل درباره اینکه آنها چه زمانی و چند فرزند داشتند، سکوت می‌کند. ما فقط نام سه تن از آنان را می‌دانیم. این موضوع برای "دانستن" خدا در تفسیر عهد جدید بسیار اهمیت دارد، زیرا نه تنها محتوای واقعی را نشان می‌دهد بلکه بر روی یک رابطه شخصی نیز تاکید دارد. بصورت مقدماتی، عکس‌العمل بشر به خدا شامل (۱) حقایق برای پذیرفتن، (۲) شخص برای پذیرفتن، و (۳) زندگی مناسب برای ادامه حیات، می‌باشد! به موضوع خاص زیر توجه کنید.

موضوع خاص: دانستن (بیشتر از تثنیه بعنوان آیات نمونه استفاده شده است) - (Special Topic: Know) (using mostly Deuteronomy as a paradigm)

واژه "دانستن" در عبری (BDB 393) حالات مختلفی را به لحاظ معنایی در یک Qal در بر می‌گیرد.

۱. برای درک نیکی و پلیدی - پیدایش ۳:۲۲؛ تثنیه ۱:۳۹؛ اشعیا ۷:۱۴-۱۵؛ یوشع ۱۱:۴
۲. برای دانستن بوسیله درک کردن - تثنیه ۹:۲، ۳، ۶؛ ۱۸:۲۱
۳. برای دانستن بوسیله تجربه کردن - تثنیه ۳:۱۹؛ ۴:۳۵؛ ۸:۲، ۳، ۵؛ ۱۱:۲۰؛ ۲۰:۲۰؛ ۳۱:۱۳؛ یوشع ۲۳:۱۴
۴. برای در نظر داشتن - تثنیه ۴:۳۹؛ ۱۱:۲۰؛ ۲۹:۱۶
۵. برای اطلاع شخصی
 - a. شخص - پیدایش ۲۹:۵؛ خروج ۱:۸؛ تثنیه ۲۲:۲؛ ۲۸:۳۵؛ ۳۶:۳۳؛ ۹
 - b. خدای دروغین - تثنیه ۱۱:۲۸؛ ۱۳:۲، ۶؛ ۱۳:۱۳؛ ۲۸:۲۸؛ ۲۹:۲۶؛ ۳۲:۱۷
- YHWH (یهوه) - ۴:۳۵، ۳۹؛ ۷:۹؛ اشعیا ۱:۳؛ ۵۶:۱۰-۱۱
- c. جنسیتی - پیدایش ۴:۱۷، ۲۵؛ ۲۴:۱۶؛ ۳۸:۲۶
۶. فرا گرفتن یک مهارت یا دانش - اشعیا ۲۹:۱۱، ۱۲؛ آموس ۵:۱۶
۷. عاقل بودن - تثنیه ۲۹:۴؛ امثال ۱:۲؛ ۴:۱۰؛ اشعیا ۲۹:۲۴
۸. دانش خداوند
 - a. از موسی - تثنیه ۳۴:۱۰

□ "قائن" نام "قائن" (*qayin*, BDB 884 III m KB 1097, BDB 888-89) به نوعی بازی با اصوات زبان عبری با لغت *qaniti* به معنی "گرفته" می‌باشد. بنظر می‌رسد تأییدی باشد مبنی بر اینکه قائن هدیه‌ای ویژه بوده که با کمک خدای یهوه گرفته شده است (حتی می‌تواند حاصل انجام کاری بوده باشد، پیدایش ۳:۱۵).

□ "به یاری خداوند مردی" ترجمه "مردی"، ظاهراً تأکید بر امری دارد. برخی اظهار کرده‌اند که حوا قبلاً دخترانی داشته و این اولین پسر وی بوده است، اما این فقط یک گمان است. بند پایانی v.1 "به یاری خداوند" (BDB 86) مطابق پیدایش ۳:۱۵ دلالت بر اعلام ایمان به خداوند توسط حوا دارد. این اولین باری است که نام خدای یهوه بخودی خود استفاده شده است. دفعات بعد به تنهایی در خط شیث در ۴:۲۶ هنگام نیایش آورده شده است.

۴:۲ "و دیگر بار، برادر او هابیل را زاید" عالمان یهودی هابیل و قائن را دوقلو می‌دانستند زیرا عبارت "و آدم حوا را می‌شناخت" از جمله حذف گردیده است، اما این امر بسیار بعید بنظر می‌رسد.

□ "هابیل" واژه عبری این نام به معنی "نفس"، "بخار" یا "بیهودگی" دارد (BDB 211 II جامعه ۱:۲). احتمال می‌رود این نام سه پیامد بدنبال داشته باشد: (۱) ممکن است بازتاب داشته باشد بر (الف) دلسردی حوا درباره وضعیت پس از سقوطش، و یا (ب) یک پیشبینی درباره کوتاهی عمر زندگی هابیل؛ (۲) می‌تواند مرتبط باشد با کلمه "پسر" به زبان آکادانی؛ (۳) دیگران اظهار داشته‌اند که به دلیل دلسردی حوا بخاطر نفرین فرزندانش، به لغت "ضعف" مرتبط است (پیدایش ۳:۱۶).

۴:۳ "قائن هدیه‌ای از محصول زمین برای خداوند آورد" توجه داشته باشید که قائن اولین کسی است که برای خداوند، پیشکشی می‌آورد (BDB 97, *Hiphil Imperfect* KB 112). قربانی کردن یک دانه یا خرمن، از قربانی کردن یک حیوان کمتر و پست‌تر نیست. اهمیت کار در ایمان فرد آورنده است. احتمالاً آنها هدایای خودشان را به دروازه باغ عدن آورده بودند.

۴:۴ "ولی هابیل از نخست‌زادگان گله خویش و از بهترین قسمت‌های آنها هدیه‌ای آورد" بنظر می‌رسد لغت کلیدی این آیه "نخست‌زادگان" باشد (BDB 114). قائن برخی محصولات کشاورزی را آورد، در حالیکه هابیل از میان رمه خویش بهترین را انتخاب کرده بود که نشان از میزان اعتقاد و احترام وی داشت. اما باید به خاطر داشت که متن در نوع خود بسیار مبهم و خلاصه است. ما باید هنگام خواندن موضوعات چنین دوران اولیه‌ای بسیار محتاط باشیم.



"و قسمت‌های فربه آنها را"	NASB
"و فربه‌ها را"	NKJV
"قسمت‌های فربه آنها را"	NRSV
"بهترین قسمت‌هایش را"	TEV
"و برخی از فربه‌ها را"	NJB
"حتی بعضی از فربه‌ترین‌های آنها را"	SEPT
"پسندیده‌ترین"	JPSOA
"حتی فربه‌ترین آنها"	NET

بوضوح در اینجا و در آینده یهودیت، روده و بخش‌های فربه متصل به آن در مذبح استفاده می‌شده است: (۱) به آنها بعنوان صندلی احساسات نگاه می‌شد و یا (۲) فربگی نماد موفقیت و سلامتی بوده است.

نسخه‌های انجیل SEPT, JPSOA و NET از این بخش‌ها بعنوان بهترین بخش‌های حیوان پیشکش شده یاد می‌کنند نه بعنوان چربی روده‌ها، آنگونه که معانی لغوی نشان می‌دهند. متن اینگونه بهتر قابل درک است.

□ "خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت" معنی تحت‌اللفظی این عبارت "در نظر گرفتن" با حالتی مثبت است (BDB 1043, KB 1609, *Qal Imperfect* رجوع شود به نسخه‌های TEV و NJB). مشخص نیست چگونه، ولی حدس و گمان در این زمینه زیاد است. واضح است که خداوند رضایت خود را به یک نفر و عدم رضایت خود را به دیگری ابراز داشته است. هم توسط مفسرین باستانی و هم امروزی گفته شده است که خداوند ابتدا هابیل را پذیرفت و بعد پیشکش او را. این ترتیب همیشه رعایت شده است (عبرانیان ۱۱:۴). مشکل قائن، طرز برخورد وی بوده است. این امکان هست که خداوند با ابراز عشق خود به پسر جوانتر و نه پسر بزرگ‌تر، حق حاکمیت خود را نشان می‌داده است. این امر در طول کتاب پیدایش دیده می‌شود.

۵:۴ «قائن بسیار خشمگین شد» لغات استفاده شده عبری که احساسات قائن را در این مورد تعریف می‌کنند بسیار خشن هستند (BDB 354, KB 351, *Qal Imperfect* بانضمام قید "خیلی"، BDB 547). توجه داشته باشید وی بسیار از خداوند خشمگین بود اما خشم خود را بر روی برادر خالی کرد. در اینجا متن خشم در میان پرستش است. احتمالاً دلیل عصبانیت وی این بود که خداوند پیشکش وی را نپذیرفته بود با وجود اینکه پیش از هابیل آن را ارائه داده بود.

□ «علت خشمگینی» (در متن انگلیسی نوشته شده "چرا سیمایت افتاده است"، معادلی در فارسی که استفاده نیز می‌گردد برای ابراز ناراحتی طرف مقابل) در نسخه‌های ۷۷.5 و ۷۷.6، با لغت "افتاده" بازی شده و در ۷۷.7 واژه "بلند شده" که می‌تواند معنی "پذیرفته شده" یا "مرتفع شده" بدهد (BDB 669, *Qal Infinitive Construct* KB 724, NKJV, NRSV, TEV رجوع شود به).

۶:۴ «چرا دلریش گشته‌ای» خداوند در اینجا باز چند سوال مطرح می‌کند، نه برای اطلاعات، بلکه برای کمک به شخص مقابل به جهت درک احساسات و دلایل انجام کارش (۷.9 و پیدایش ۳:۹، ۱۱، ۱۳).

۷:۴ «گناه بر در به کمین نشست» در این آیه گناه به مثابه حیوانی وحشی می‌ماند که تمایل به نابودی دارد (اول پطرس ۵:۸). بدلیل نوع استفاده شرارت در جمله، احتمال می‌رود ارتباطی میان لغت "کمین نشستن" با ادبیات آکادانی وجود داشته باشد (*Qal Participle* BDB 918, KB 1181). این امر نشان دهنده طبیعت واقعی گناه در دنیای ما می‌باشد.

□ «و مشتاق توست» مشابه لغت "مشتاق" (BDB 1003, KB 1802) در پیدایش ۳:۱۶ نیز استفاده شده است. این نشان می‌دهد شیطان قصد نابودی ما را دارد ("کنترل کردن" و "چیره شدن").

«اما تو باید بر آن چیره شوی» این فعل در عبری (BDB 605, KB 647) یک *Qal Imperfect* می‌باشد. معنی آیه نشان می‌دهد ما بازیچه دست شیطان نیستیم، اما این قابلیت را داریم که با کمک خداوند در مقابل شیطان مقاومت کرده (افسیان ۶:۱۳؛ یعقوب ۴:۷؛ اول پطرس ۵:۹) تا بتوانیم با توبه دوباره احیا شویم! قائن شامل گناه آدم نبود (جزقیال ۱۸:۲-۴). سرکشی آدم و حوا بر روی همه ما اثر گذارده است، اما ما مسئول انتخاب‌های خود نیز هستیم.

۸:۴ «قائن به برادر خویش هابیل گفت» درباره این بخش از آیه بحث‌های زیادی بوده است. برخی معتقدند قائن به هابیل درباره آنچه که خداوند در ۷۷.6 و ۷۷.7 گفته بود، اطلاع داده بود. برخی دیگر نیز می‌گویند، بر اساس متون کتاب‌های Samaritan Pentateuch, Septuagint, Syriac, Vulgate و ترجمه‌های RSV، قائن وی را به سوی مزرعه کشانید تا بتواند او را به قتل برساند (بعبارتی قتل عمد).

□ «قائن بر برادرش هابیل برخاست» فصل ۳ و سوسه‌ای با حالت ماورا الطبیعه دارد؛ فصل ۴ پیشرفت ذات سقوط آدم گونه، در بشریت را بازگو می‌کند. در اینجا هیچ نفر و سوسه کننده‌ای وجود ندارد، فقط گناه خوشبویی است که نتیجه حاصل از گناه آدم و حوا و پخش شدن آن در میان بازماندگان نشان می‌باشد (رومیان ۸:۹ - ۱۸، ۲۳، ۱ یوحنا ۳:۱۲). افعال "برخاستن" (*Qal Imperfect* BDB 887, KB 1086) و "کشتن" (*Qal* BDB 246, KB 255, *Imperfect*) نشان دهنده تکامل خشونت است.

متن NASB (بروز شده): ۹:۴-۱۵

۹ آنگاه خداوند به قائن گفت: «برادرت هابیل کجاست؟» گفت: «نمی‌دانم؛ مگر من نگهبان برادرم هستم؟»^{۱۰} خداوند فرمود: «چه کرده‌ای؟ خون برادرت از زمین نزد من فریاد بر می‌آورد.^{۱۱} و اکنون تو ملعون هستی از زمینی که دهان خود را گشود تا خون برادرت را از دست تو دریافت کند.^{۱۲} چون زمین را کشت کنی، دیگر قوت خود را به تو نخواهد داد. و تو بر زمین آواره و سرگردان خواهی بود.»^{۱۳} قائن به خداوند گفت: «مکافاتم بیش از تحمل من است.^{۱۴} هان امروز مرا از این زمین طرد کردی و از حضور تو پنهان خواهم بود. پس در جهان آواره و سرگردان خواهم بود و هر که مرا یابد، مرا خواهد کشت.»^{۱۵} آنگاه خداوند به او گفت: «در این صورت، هر که قائن را بکشد، از او هفت چندان انتقام گرفته خواهد شد.» و خداوند نشانی بر قائن نهاد تا اگر کسی او را بیابد، وی را نکشد.

۹:۴ «مگر من نگهبان برادرم هستم؟» مشکل بزرگ قائن، قلب بی‌رحم او بود. واژه "نگهبان" می‌تواند معنی "گوسفندچران" نیز داشته باشد (BDB 1036, *Qal Active Participle* KB 1851)، که احتمالاً اشاره به شغل هابیل بوده است (رجوع شود به ۷.2).

^{۱۰} از قواعد دستور زبان عبری

۱۰:۴ "خون برادرت از زمین نزد من فریاد برمی آورد" این عبارت بسیار پر معنی است ("فریاد" *Qal Active Participle*, BDB 858, KB 1042). برای یهودیان، نیروی زندگانی در خون بوده است (لاویان ۱۷:۱۱؛ مکاشفه ۹:۶، ۱۰). کلمه "خون" در زبان عبری به حالت جمع استفاده می شود. حالت جمع نشان دهنده نیرومندی یا سختی حالت مورد اشاره است.

۱۱:۴ "و اکنون تو ملعون هستی از زمینی که دهان خود را گشود" این اولین نفرین برای بشریت بود. با گناه آدم، زمین نفرین شد. بسیار مهم است که قائل، بعنوان یک کشاورز، دیگر نتواند از زمین بعنوان شغل خود استفاده کند. وی به صحرا تبعید شد، صحرایی که مأمّن موجودات شریر بوده و بهمین دلیل، هیچ فعالیت کشاورزی ممکن نخواهد بود.

۱۲:۴ "دیگر قوت خود را به تو نخواهد داد" در عبری این حالت *Hiphil Jussive* خوانده می شود (BDB 414, KB 418). بسیاری از مفسرین معتقدند که به همین دلیل است که مسیری که قائل طی کرد بر خلاف زندگی روستایی، باعث گسترش زندگی شهری شد (24-16 vv).

□ "و تو بر زمین آواره و سرگردان خواهی بود" این دو واژه آشنا (BDB 631, KB 681 و BDB 626, KB 678, v. 14) زندگی کوچ نشینی قائل را تعریف می کنند. این دو واژه نوعی بازی با لغات بر روی سرزمین نود می باشند (BDB 627 II). این دو واژه کاملاً شکلگیری این فصول اولیه را نشان می دهند.

۳:۴ "مکافاتم بیش از تحمل من است" قائل از کار خود متأسف نیست ولی بابت جزای خویش ابراز تأسف می کند.

۱۴:۴ "امروز مرا از این زمین طرد کردی" نتیجه این گناه قائل بر روی شغل مادی و دنیوی او اثر گذارده است در حالیکه در عبارت بعدی، "از حضور تو پنهان خواهم بود" گناه قائل دارای نتیجه روحانی و معنوی است (۳:۸).

□ "هر که مرا یابد، مرا خواهد کشت" این جمله نشان از ترس قائل برای زندگی است. عالمان یهود معتقدند که وی از حیوانات می ترسید. با اینحال، بنظر می رسد که منظور متن، ترس وی از خانواده اش بوده زیرا آنها بدنبال "go'els" (خون خواهی) برای هابیل بودند تا وی را بقتل برسانند. همین موضوع نشان دهنده این است که آدم و حوا فرزندان زیادی داشتند که ما از نام آنها بی اطلاع می باشیم.

پیرامون روابط میان آدم و حوا نسبت به سایر انسان های ماقبل تاریخ بحث بسیار جالبی در کتاب *The Tyndale Commentary on Genesis* نوشته Kinder و کتاب *The Christian's View of Science and Scripture* نوشته Bernard Ramm وجود دارد. این آیه از سایر موجودات خشن می گوید. برای یک بحث درباره موجودات شبیه انسان و تاریخ موجودیت آنها در شرق نزدیک باستان به کتاب *Introduction to the Old Testament* نوشته K. Harrison صفحات ۱۴۷-۱۶۳ و کتاب *Who Was Adam?* نوشته Fazale Rana و Hugh Ross مراجعه کنید.

چنانچه قائل با یک غیر انسان بدون روح خدا ازدواج کرده بود، بعد پیدایش ۶:۱-۴ تلفیقی می گردد از آفرینش انسان ویژه خداوند و حیوانات دو پا بجای انسان ها با فرشتگان.

۱۵:۴ "از او هفت چندان انتقام گرفته خواهد شد" بنظر می رسد واژه "هفت چندان" معنی انتقام کامل داشته باشد (BDB 988). اینطور که معلوم است خداوند قائل را با حتی نشانه های بیشتری از گناهان تلخ زنده نگاه داشت. عالمان یهود می گویند خداوند تا هفت نسل از قائل انتقام خواهد گرفت که نسل لمک خواهد بود. افسانه ای است که آیه ۲۳ اشاره به لمک و فرزندش توبال قائل، قائل را بطور اتفاقی می کشند.

"خداوند نشانی بر قائل نهاد" این یا (۱) یک نشان (BDB 16) "یک علامت" از ترحم متعادل خداوند و یا (۲) تقویت عدالت خداوند به مرور زمان بود. ربیان یهودی می گویند که خداوند شاخ حیوانی را میان پیشانی قائل قرار داد. با این وجود، احتمال اینکه علامتی بر روی پیشانی قائل قرار گرفته باشد بیشتر است (جزقیال ۹:۴، ۶).

متن NASB (بروز شده): ۱۶:۴

۱۶ پس قائل از حضور خداوند بیرون رفت، و در سرزمین نود در شرق عدن ساکن شد.

۱۶:۴ "پس قائل از حضور خداوند بیرون رفت" بنظر می رسد که این عمل نتیجه کاری فیزیکی برای رسیدن به عملی معنوی باشد ("بیرون رفت" BDB *Qal Imperfect*, 422, KB 425). آیات ۱۶-۲۴ در حقیقت نشان دهنده انسان متواری است که بدور از خداوند نظم جهانی را شروع کرده است. این نظام جهانی ضد یهوه در دوران پادشاهی دانیال دیده می شود. نمونه آن در داستان فاحشه بزرگ بابل در کتاب مکاشفه و در یوحنا با استفاده از عبارت "دنیا" دیده می شود.

□ "سرزمین نود" "نود" به عبری یعنی "سرگردانی" یا بعبارتی "سرزمین آوارگان" (BDB 627 II). اکنون این نقشی بر نام قائل محسوب می گردد. ما نمی دانیم این سرزمین کجاست اما روشن است که بیشتر در حدود شرق عدن قرار گرفته است، جایی که آدم و حوا بدانجا نرفته اند.

متن NASB (بروز شده): ۲۲-۱۷:۴

۱۷ قائن زن خود را بشناخت، و او باردار شد و خنوخ را زایید. آنگاه قائن شهری ساخت و آن را به نام پسر خود، خنوخ نامید. ۱۸ و برای خنوخ عیراد زاده شد، و عیراد محویائیل را آورد، محویائیل متوشائیل را، و متوشائیل لمک را. ۱۹ لمک دو زن گرفت، یکی عاده نام داشت و دیگری ظلّه. ۲۰ عاده، یابال را زایید؛ او پدر چادرنشینان و دامداران بود. ۲۱ برادر او یوبال نام داشت؛ او پدر همه نوازندگان بربط و نی بود. ۲۲ ظلّه نیز توبال قائن را زایید، که صانع همه گونه ابزار برنجی و آهنی بود. خواهر توبال قائن، نَعْمَه نام داشت.

"قائن زن خود را بشناخت" وی با چه کسی ازدواج کرده بود؟ بسیاری از کاتبین سنتی معتقدند که او با خواهر خویش ازدواج کرده بود، اما چنین چیزی هرگز در انجیل اظهار نشده است. پیدایش ۵: ۴ صریح می گوید که آدم و حوا پسران و دختران دیگری نیز داشتند. اما در عجبم آنهایی که خارج از باغ عدن بوده و قائن می ترسید (۱۴: ۴)، که بودند. (به یادداشت ۴: ۱۴ مراجعه فرمایید).

□ "او باردار شد و خنوخ را زایید" ریشه یابی تمام این اسامی دچار ابهام و تردید است. نام خون می تواند معنی "شروع کننده" یا "آغازگر" بدهد (BDB 335). شباهت مشهودی میان لیست نام فرزندان قائن و شیث در فصل ۵ وجود دارد (خنوخ و لمک). علت دقیق شباهت این ریشه ها مشخص نیست، اما می تواند حکایت از این داشته باشد که (۱) دو خانواده دارای ارتباطات اجتماعی زیادی بودند، و یا (۲) این دو خنوخ اختلافات معنوی با یکدیگر داشتند. همینطور توجه داشته باشید که طول عمر خاندان قائن ارائه نشده است. لذا می تواند حاکی از نمادی بودن عمر طولانی خاندان شیث به دلیل شهرت و یا ستایش بوده باشد (همچون نام ده پادشاه سومری که قبل و بعد از سیل دارای عمری طولانی بودند. طول عمر پس از سیل بیشتر شده اما هنوز بیشتر از استانداردهای امروزی است).

□ "او شهری ساخت" این کار می تواند بی اعتنایی مستقیم به دستور خداوند درباره آوارگی قائن محسوب گردد (14, 12, vv). برخی این کار را بعنوان مثالی برای ترس قائن از کشته شدن توسط افرادی تلقی می کنند؛ لذا، او به منظور محافظت از خود و خانواده، دژی بر پا می کند (شبیه علت ساخت برج بابل).

۱۸: ۴ "برای خنوخ عیراد زاده شد" ریشه های احتمالی این واژه عبارتند از: (۱) آذین شهر؛ (۲) شهروند؛ و یا (۳) کسی که می تواند تند بدود (BDB 747).

□ "محویائیل" ریشه های احتمالی این واژه عبارتند از (۱) "خداوند زندگی دهنده است"؛ (۲) "خداوند فواره زندگی را مهیا می کند"؛ (۳) "کوفتن خداوند"؛ و یا (۴) حالت گرفته شده از خداوند" (BDB 562).

□ "متوشائیل" ریشه های احتمالی این واژه عبارتند از (۱) "مرد خدا"؛ (۲) "جوانی قوی"؛ و یا (۳) "شاه" (BDB 607).

۱۹: ۴ "لمک دو زن گرفت" این اولین دوران چند همسری محسوب شده و با خاندان قائن آغاز می گردد. نام لمک مشخص نیست از کجا گرفته شده است (BDB 541).

□ "عاده... ظلّه" نام این دو زن از بازی با واژه هایی برای تشریح زیبایی فیزیکی گرفته شده است. ربیان یهود می گویند یکی همسر بوده برای زاییدن فرزندان و دیگری معشوقه ای برای لذت بردن. نام "عاده" می تواند معنی "زبورآلات" یا "صبح" (BDB 725)، در حالیکه بنظر می رسد نام "ظلّه" بمعنی "سایه" یا "پناهگاه"، "طنین" یا "پخش کننده موسیقی" داشته باشد (BDB 853).

۲۰: ۴ "یابال"؛ او پدر همه چادرنشینانی بود که دام زنده داشتند" این عباررت بنظر معنی "آواره" داشته (BDB 385 II)، که زندگی چادرنشینی که او تشکیل داده بود تعریف می کند.

۲۱: ۴ "یوبال... آنانی که نوازندگان بربط و نی بودند" برخی تشریح می کنند که نام وی معنی "صدا" می دهد. این ابتدای دوره عطای مهارت های موسیقی به بشر محسوب می شود. در جزقیال ۱۸: ۱۳ موسیقی با شیطان عجین است. این قبیله نه تنها سازهای سیمی را بلکه سازهای بادی را نیز اختراع کردند.

۲۲: ۴ "توبال قائن، صانع همه گونه ابزار برنجی و آهنی" این مرد (BDB 1063) اولین فردی بود که برای جنگ سلاح ساخت. ممکن است که نام سه نفری که در ۲۱-22 ذکر شده، نام هایی باشند که بازتاب دهنده شغلشان می باشند.

□ "نَعْمَه" این نام برای زن و به معنی "دلپذیر" یا "زیبا" دارد (BDB 653 I). ربیان یهود می گویند ه وی با نوح ازدواج کرد اما بسیار بعید می باشد.

متن NASB (بروز شده): ۲۳:۴-۲۴

۲۳ لَمِک به زنان خود گفت: «ای عاذه، ای ظَلَه، به من گوش فرا دهید، ای زنان لَمِک سخنانم را بشنوید. مردی را به سبب زخمی که به من زد کشتم، و جوانی را به سبب جراحتی که بر من وارد آورد. ۲۴ اگر برای قائن هفت چندان انتقام گرفته شود، برای لَمِک، هفتاد و هفت چندان.»

۲۳:۴ «لَمِک به زنان خود گفت» این اولین شعر ثبت شده در انجیل می‌باشد (حدود ۴۰٪ از عهد عتیق قالب شعر گونه دارد). به لحاظ دستور زبانی به آیه ۲۲ متصل است. مشاهیر یهود معتقدند که دو زن وی به دلیل قتل اتفاقی قائن و پسرش توبال قائن در هنگام شکار، او را ترک کرده بودند. اما این امر بنظر خیلی خیالی می‌رسد. چیزی که این موضوع می‌گوید پیشرفت گناه تا جایی است که حتی لَمِک به شدت انتقام او فخر می‌ورزد. برخی تسریح کرده‌اند که او اولین سلاح توبال قائن را نگه داشته و این وضع را بوجود آورده بود. در رابطه به عنصر زمان (گذشته و آینده) بین مفسرین بحث‌های زیادی وجود داشته است. بیشتر آنها تصور می‌کنند که به چیزی که ممکن است در آینده اتفاق افتد اشاره می‌کنند، نه چیزی که اتفاق افتاده بود.

۲۴:۴ «هفتاد و هفت چندان» این نشان دهنده سختگیری در انتقام لَمِک می‌باشد (رجوع شود به ۱۵:۴). برخی از مفسرین تضادی بین این امر و وعده عیسی در رابطه با بخشش، در متی ۱۸:۲۱، ۲۲ می‌بینند.

متن NASB (بروز شده): ۲۵:۴-۲۶

۲۵ و آدم دیگر بار زن خود را بشناخت و او پسری بزاد و او را شِیث نامید و گفت: «خدا به جای هابیل که قائن او را کشت، نسلی دیگر برای من برقرار داشت.» ۲۶ برای شِیث نیز پسری زاده شد و او را انوش نامید. در آن زمان، مردم به خواندن نام خداوند آغاز کردند.

۲۵:۴-۲۶ به لحاظ متنی این آیه باید با فصل ۵ باشد. اجزای فصل و آیه جزو از متن اصلی عهد عتیق عبری و یا عهد جدید یونانی نبوده‌اند.

۲۵:۴ این نیز بازی دیگری با کلمات عبری است میان دو فعل «برقرار کردن» (Shat BDB 1011, KB 1483, Qal Perfect) و شِیث (shet, BDB 1011 I). این تداوم ادبی بازی با اصوات روی اسامی در پیدایش ۱-۱۱ نشان دهنده شخصیت ادبی کتاب است.

۲۶:۴ «او را انوش نامید» این یکی از عبارات عبری برای «مرد» می‌باشد (BDB 60)، مترادف با آدم (ایوب ۲۵:۶؛ مزمور ۸:۴؛ ۳:۹۶؛ ۳:۱۴۴؛ اشعیا ۵۱:۱۲؛ ۵۶:۲).

□ «در آن زمان، مردم به خواندن نام خداوند آغاز کردند» بنظر درباره مراسم نیایش عمومی به دلیل استفاده از نام الهی یهوه، سخن می‌گوید. بسیاری از مفسرین میان این آیه و خروج ۳:۶ تناقضی می‌بینند. احتمالاً، انسان تا زمان موسی، نام یهوه را بدون دانستن اهمیت آن بر زبان آورده بوده است. این شروع نسل مربوط به مسیح می‌باشد (لوقا ۳:۳۸).

پیدایش ۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
سلسله آدم	خانواده آدم	نسل‌های آدم تا نوح	سلسله آدم	کتاب یهود پیش از طوفان
۲-۱:۵	۵-۱:۵	۲-۱:۵	۵-۱:۵	۲-۱:۵
۵-۳:۵		۵-۳:۵		۵-۳:۵
۸-۶:۵	۸-۶:۵	۸-۶:۵	۸-۶:۵	۸-۶:۵
۱۱-۹:۵	۱۱-۹:۵	۱۱-۹:۵	۱۱-۹:۵	۱۱-۹:۵
۱۴-۱۲:۵	۱۴-۱۲:۵	۱۴-۱۲:۵	۱۴-۱۲:۵	۱۴-۱۲:۵
۱۷-۱۵:۵	۱۷-۱۵:۵	۱۷-۱۵:۵	۱۷-۱۵:۵	۱۷-۱۵:۵
۲۰-۱۸:۵	۲۰-۱۸:۵	۲۰-۱۸:۵	۲۰-۱۸:۵	۲۰-۱۸:۵
۲۴-۲۱:۵	۲۴-۲۱:۵	۲۴-۲۱:۵	۲۴-۲۱:۵	۲۴-۲۱:۵
۲۷-۲۵:۵	۲۷-۲۵:۵	۲۷-۲۵:۵	۲۷-۲۵:۵	۲۷-۲۵:۵
۳۱-۲۸:۵	۳۱-۲۸:۵	۳۱-۲۸:۵	۳۱-۲۸:۵	۳۱-۲۸:۵
۳۲:۵	۳۲:۵	۳۲:۵	۳۲:۵	۳۲:۵

مطالعه حلقه سوم

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف (به ص. *Vii* رجوع کنید)

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۵. پاراگراف اول
۶. پاراگراف دوم
۷. پاراگراف سوم
۸. غیره

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۲-۱:۵

این است کتاب تاریخچه نسل آدم. روزی که خدا انسان را آفرید، او را شبیه خدا ساخت.^۲ او آنان را مرد و زن آفرید و ایشان را برکت داد، و در روز آفرینش آنها، ایشان را انسان نام نهاد.

۱:۵ "نسل" این عبارت (BDB410) در پیدایش، ده مرتبه تکرار شده است (۲:۴؛ ۱:۵؛ ۹:۶؛ ۱۰:۱۰؛ ۱۱:۱۰؛ ۱۰:۱۱؛ ۱۰:۱۱؛ ۱۲:۲۵؛ ۱۹:۳۶؛ ۱:۳۷؛ ۲:۳۷). ظاهراً به یک سند مکتوب اشاره دارد (احتمالاً به لوحی سفالی یا کتیبه‌ای چرمی). معمولاً در لوح‌های یافته شده در بین‌النهرین باستان، یک واژه یا فراز نوشته شده به خط میخی، به چندین لوح سفالی دیگر نیز اشاره می‌کند. به باور من موسی برای نوشتن کتب پنجگانه عهد عتیق از (۱) سنت‌های گفتاری دهان به دهان، (۲) منابع مکتوب از ریش سفیدان و بزرگان قوم و (۳) وحی مستقیم استفاده کرده است.

این بخش بارها در پیدایش تکرار شده است. همیشه این فراز از متن ختم کننده کلام است. کارایی آن بعنوان علامت پایان گذاری ادبی است.

□ **۲:۵** "روزی که خدا انسان را آفرید" این می‌تواند شروع یک لوح سنگی به خط میخی دیگر باشد زیرا پیدایش ۱-۲ را خلاصه می‌کند.

۲:۵ "ایشان را انسان نام نهاد" توجه داشته باشید که انسان در اینجا به معنی "آدم" استفاده می‌گردد، همانگونه که در ۷.3 استفاده شده است. این نوع استفاده از نام بمعنی تایید دیگری از کیفیت کار است، آنگونه که در آفرینش ۱:۲۶-۲۷ آمده است.

□ **در روز** در اینجا روز به معنی دوران یا دوره‌ای از زمان محسوب می‌گردد نه یک روز بیست و چهار ساعته. نظیر این استفاده در پیدایش ۲:۴؛ مزمور ۹۰:۴ نیز دیده می‌شود. به موضوع خاص ۱:۵ رجوع کنید.

متن NASB (بروز شده): ۵-۳-۵

آدم صد و سی ساله بود که پسری شبیه خود و به صورت خویش آورد، و او را شِیث نامید.^۴ و آدم پس از آوردن شِیث، هشتصد سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد. ^۵پس روزهای زندگی آدم به تمامی، نهصد و سی سال بود؛ و او مرد.

۳:۵ "آدم ... که پسری شبیه خود و به صورت خویش آورد" دو ترجمه برای این جمله احتمال می‌رود: (۱) آدم، همچون سایر حیوانات زمینی، پس از خودش به زاد و ولد ادامه داد (۱۱:۱) یا (۲) نشان دهنده اینست که حتی پس از سقوط انسان، تصویر خداوند (۱:۲۶-۲۷) هنوز در بشر وجود دارد.

۵:۵ "پس روزهای زندگی آدم به تمامی، نهصد و سی سال بود" درباره طول عمر انسان بخصوص بعد از سیل بزرگ، بحث‌های زیادی بوده است (دوره پیش از طوفان نوح). برخی تسریح کرده‌اند که (۱) آن فقط تمثیل است؛ (۲) در آن زمان، سال‌ها بگونه‌ای دیگر محاسبه می‌شدند؛ (۳) گناه آنگونه که اکنون در زمین گسترش پیدا کرده، شیوع نداشت؛ (۴) اعداد بزرگ‌تر برای نشان دادن ارزش و اعتبار رهبران سابق بکار می‌رفتند، آنگونه که در لیست اسامی پادشاهان سومری دیده می‌شود. در آن لیست، پادشاهان قبل از طوفان عمری به مراتب طولانی‌تر از پادشاهان بعد از طوفان داشتند، حتی بیشتر از سلسله‌های گفته شده در انجیل.

متن NASB (بروز شده): ۸-۶-۵

شِیث صد و پنج ساله بود که اِنوش را آورد. ^۶شِیث پس از آوردن اِنوش، هشتصد و هفت سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد. ^۸پس روزهای زندگی شِیث به تمامی، نهصد و دوازده سال بود؛ و او مرد.

این آیات به زمانی پیش از ۴:۲۶ اشاره دارد.

متن NASB (بروز شده): ۱۱-۹-۵

اِنوش نود ساله بود که قینان را آورد. ^۹اِنوش پس از آوردن قینان، هشتصد و پانزده سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد. ^{۱۱}پس روزهای زندگی اِنوش به تمامی، نهصد و پنج سال بود؛ و او مرد.

۱۰:۵ "قینان" این می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد: (۱) متصرف (۲) کودک (۳) چیزهای خلق شده (۴) مرد جوان و یا (۵) نیزه انداز (BDB 884). روشن است که با تمام این معانی (اغلب به همین‌گونه می‌باشند)، ما به راحتی نمی‌توانیم معنی دقیق آن را بدانیم.

متن NASB (بروز شده): ۱۴-۱۲-۵

قینان هفتاد ساله بود که مَهَلَلئیل را آورد. ^{۱۲}قینان پس از آوردن مَهَلَلئیل، هشتصد و چهل سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد. ^{۱۴}پس روزهای زندگی قینان به تمامی، نهصد و ده سال بود؛ و او مرد.

روشن است که این آیات به لحاظ ساختار ادبی همگون یا برابر شده‌اند.

متن NASB (بروز شده): ۱۷-۱۵-۵

و مَهَلَلئیل شصت و پنج ساله بود که یارد را آورد. ^{۱۵}مَهَلَلئیل پس از آوردن یارد، هشتصد و سی سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد. ^{۱۷}پس روزهای زندگی مَهَلَلئیل به تمامی، هشتصد و نود و پنج سال بود؛ و او مرد.

۱۵:۵ "مَهَلَّلِيل" معنی این نام، "شکر خداوند" است (BDB 239).

"یارد" معنی این نام "نژاد" است (BDB 434). □

متن NASB (بروز شده): ۱۸:۵-۲۰

۱۸ یارد صد و شصت و دو ساله بود که خنوخ را آورد. ۱۹ یارد پس از آوردن خنوخ هشتصد سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد. ۲۰ پس روزهای زندگی یارد به تمامی، نهصد و شصت و دو سال بود؛ و او مرد.

۱۸:۵ "خنوخ" این نام می‌تواند معانی (۱) "شروع کننده" (۲) "وقف شده" (۳) "آغازگر" داشته باشد (BDB 335). رجوع شود به یادداشت ۴: ۱۷ ب درباره شباهت‌های اسامی خاندان قائن (فصل ۴) و خاندان شیت (فصل ۵).

متن NASB (بروز شده): ۲۱:۵-۲۴

۲۱ خنوخ شصت و پنج ساله بود که متوشالچ را آورد. ۲۲ خنوخ پس از آوردن متوشالچ، سیصد سال با خدا راه می‌رفت و پسران و دختران دیگر آورد. ۲۳ پس روزهای زندگی خنوخ به تمامی، سیصد و شصت و پنج سال بود. ۲۴ خنوخ با خدا راه می‌رفت، و دیگر یافت نشد؛ زیرا خدا او را برگرفت.

۲۱:۵ "متوشالچ" معنی این نام می‌تواند (۱) "پرتاب کننده زوبین" و یا (۲) "مرد اسلحه بدست" باشد (BDB607). گفته می‌شود که وی طولانی‌تر از سایر افراد عنوان شده در انجیل زندگی کرده است اما هیچ دلیل یا سندی برای چنین اظهار نظری ارائه نشده است. ربیان یهود می‌گویند که طوفان بزرگ روز مرگ متوشالچ اتفاق افتاد.

۲۲:۵ "خنوخ با خدا راه می‌رفت" این عبارت عبری (BDB 229, KB 246) ادامه *Hithpael* بوده و تقریباً میزان دوستی را تا مرز "زندگی کردن با" بالا می‌برد. از معنی دقیق آن همچون سایر اسامی عبرانی باستانی، اطلاعی در دست نیست (BDB 335). عبرانیان ۱۱:۵ زندگی و ایمان خنوخ را شرح می‌دهد. برای تنها فرد دیگری که این عبارت استفاده شده، نوح در ۹:۶ است.

۲۴:۵ "زیرا خدا او را برگرفت" شبیه این لغات (*Qal Perfect*, BDB 542, KB 534) برای تعریف ایلیا در ۲ پادشاهان ۲:۳، ۵، ۹، ۱۰ بکار رفته است. این بمعنی ترجمه در حضور خداوند بدون رویارویی با مرگ فیزیکی است. ارتباط خنوخ با خداوند، منجر به یک دوستی صمیمانه شخصی گردید. در فصلی که مملو است از عبارت "و او مرد"، آوردن چنین مثالی به مثابه امید داشتن (۱) به عشق خداوند و (۲) برای تمام آنانی که به او امید دارند می‌باشد.

متن NASB (بروز شده): ۲۵:۵-۲۷

۲۵ متوشالچ صد و هشتاد و هفت ساله بود که لمک را آورد. ۲۶ متوشالچ پس از آوردن لمک، هفتصد و هشتاد و دو سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد. ۲۷ پس روزهای زندگی متوشالچ به تمامی، نهصد و شصت و نه سال بود؛ و او مرد.

۲۶:۵ "لمک" این نام می‌تواند معانی متعددی داشته باشد همچون (۱) "قوی" (۲) "جوان" (۳) "جنگجو" و یا (۴) "فاتح" (BDB 541). ضمن این که در ریشه عربی آن معنی "مرد بسیار قوی" نیز ذکر شده است. این نام همچنین در میان خاندان قائن نیز دیده می‌شود (۴:۱۸). چنین می‌توان برداشت کرد که (۱) این نام رایج بوده و یا (۲) در ریشه‌های آن ارتباطی وجود دارد.

متن NASB (بروز شده): ۲۸:۵-۳۱

۲۸ لمک صد و هشتاد و دو ساله بود که پسری آورد، ۲۹ و او را نوح نامید و گفت: «این پسر ما را از کار و محنت دست‌هایمان به سبب زمینی که خداوند لعنت کرد، آسودگی خواهد بخشید.» ۳۰ لمک پس از آوردن نوح، پانصد و نود و پنج سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد. ۳۱ پس روزهای زندگی لمک به تمامی، هفتصد و هفتاد و هفت سال بود؛ و او مرد.

۲۸:۵ این دو لمک چقدر با یکدیگر تضاد دارند. یکی مملو از کینه‌جویی و انتقام (خاندان قائن)، و دیگری امیدوار به رفت خداوند (خاندان شیت)!

۲۹:۵ "نوح... آسودگی" عبارت آسودگی رایج می‌باشد، البته نه از لحاظ علم ریشه‌شناسی یا زبان‌شناسی تاریخی (BDB 629). به نظر می‌رسد بیان کننده ایمان لمک بوده، که از طریق نوح، انحراف شگفت‌انگیزی از نفرین پیدایش ۳:۱۷ رخ خواهد داد. این آیه در حکم ایمان لمک می‌باشد.

متن NASB (بروز شده): ۳۲:۵
۳۲ نوح پانصد ساله بود که سام و حام و یافث را آورد.

۳۲:۵ "سام" این واژه می‌تواند معنی "شهرت" یا "نام" داشته باشد (BDB 1028).

□ "حام" این واژه می‌تواند معنی "داغ بودن" یا "تاریک بودن" داشته باشد (BDB 325).

□ "یافث" این واژه می‌تواند معنی "زیبا" یا "گسترده" داشته باشد (BDB 834).

سوالات این بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. پیدایش ۴ و ۵ به لحاظ الهیاتی چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟
۲. چرا سلسله خاندان قائن تا جایی پیشرفت ولی ناگهان کاملاً از متن کتاب مقدس حذف گردید؟
۳. چرا اسامی خاندان‌های قائن و شیث شبیه یکدیگر هستند؟
۴. چه بر سر خنوخ آمد؟

پیدایش ۱:۶-۲۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
فساد انسان ۴-۱:۶	شرارت و قضاوت انسان ۴-۱:۶	تولد Nephilim ۴-۱:۶	شرارت انسان ۴-۱:۶	پسران خدا و زنان ۴-۱:۶
		طوفان بزرگ (۲۲:۸-۵:۶)		فساد بشریت
۸-۵:۶	۸-۵:۶	۸-۵:۶	۸-۵:۶	۸-۵:۶
	نوح خدا را راضی می‌کند		نوح	
۱۰-۹:۶	۱۰-۹:۶	۱۰-۹:۶	۱۲-۹:۶	۰٫۲۵۶۲۵ ۱۲-۹:۶
۱۲-۱۱:۶	۱۳-۱۱:۶	۲۲-۱۱:۶		آماده‌سازی برای طوفان (۱۶:۷-۱۳:۶)
۲۲-۱۳:۶	کشتی آماده شد ۲۱-۱۴:۶		۲۲-۱۳:۶	۱۶-۱۳:۶
				۲۲-۱۷:۶
		۲۲:۶		

مطالعه حلقه سوم

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف (به ص. *Vii* رجوع کنید)

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۴-۱:۶

۱ و اما چون شمار آدمیان بر زمین فزونی گرفت و دختران برای ایشان زاده شدند، آپسران خدا دیدند که دختران آدمیان زیبارویند، و هر یک را که برمی‌گزیدند به زنی می‌گرفتند. ۳ و خداوند فرمود: «روح من همیشه در انسان نخواهد ماند، زیرا که او موجودی فانی است: روزهای او

صد و بیست سال خواهد بود.»^۴ در آن روزگار و پس از آن، گولپیکران بر زمین بودند، زمانی که پسران خدا به دختران آدمیان درآمدند و آنان فرزندان برای ایشان به دنیا آوردند. اینان پهلوانانی از روزگاران کهن بودند که مردانی نام‌آور شدند.

۱:۶ "آدمیان" این کاربرد کلی واژه است (۲:۵). چنانچه در مفهوم کلی همچون ۷.2 استفاده شود، که محتمل نیز بنظر می‌رسد، بعد می‌توان گفت نظریه فرشتگان تقویت شده است.

□ "و دختران برای ایشان زاده شدند" جمله به مفهوم این نیست که آنان تنها دختران زاده شده بودند (۴:۵) اما بیانی عمومی بوده پیرامون تکثیر نسل انسان (BDB 408, KB 411, *Qal* Passive Perfect).

۲:۶ "پسران خدا" به موضوع خاص زیر توجه نمایند.

موضوع خاص: "پسران خدا" در پیدایش ۶ (Special Topic: "the sons of God" in Genesis 6)

A. جدل بزرگی بر روی هویت عبارت "پسران خدا" وجود دارد. سه ترجمه اصلی در این میان وجود دارد

۱. عبارت اشاره به سلسله خاندان شیث دارد (رجوع شود به پیدایش ۵، یادداشت ۱۴:۴)

۲. عبارت اشاره به گروهی از فرشتگان دارد

۳. عبارت اشاره به پادشاهان و سلاطین و یا خاندان قائن دارد (پیدایش ۴)

B. شواهد برای این عبارت دلالت بر خاندان شیث دارد

۱. نگاهی اجمالی به ادبیات متن پیدایش ۴ و ۵ پیشرفت خط فکری شورشی خاندان قائن و سلسله منتخب شیث را نشان می‌دهد. بنابراین، بنظر می‌رسد که با توجه به شواهدی که از کلام مشهود است، کفه ترازو به نفع خاندان شیث سنگینی می‌کند.

۲. میان عالمان یهودی بر سر این عبارت اختلاف افتاده است. برخی تسریح می‌کنند که اشاره آن به شیث است (اما بیشتر به فرشتگان).

۳. با اینحال عبارت "پسران خدا" جمع بسته شده بیشتر برای موجودات آسمانی و فرشتگان استفاده می‌شود، و به ندرت درباره نوع بشر بکار می‌رود.

a. تثنیه ۱:۱۴ - "فرزندان یهوه خدای خود"

b. تثنیه ۵:۳۲ - "فرزندان او"

c. خروج ۸:۲۲-۹:۲۱؛ ۶:۲۱ - (احتمالاً قضات مد نظر است)

d. مزمور ۱۵:۷۲ - "فرزندان تو"

e. هوشع ۱:۱۰ - "پسران خدای زنده"

C. شواهدی برای اشاره به موجودات آسمانی، فرشتگان

۱. این رایج‌ترین درک سنتی از کلام است. بخش اعظم پیدایش می‌تواند این دیدگاه را بعنوان مثالی دیگر از شریر شیطانی که سعی در خنثی کردن اراده خداوند برای نوع بشر دارد، پشتیبانی کند.

۲. عبارت جمع بسته شده ("پسران خدا") بصورت چشم‌گیری در عهد عتیق برای فرشتگان استفاده شده است

a. ایوب ۱:۶

b. ایوب ۱:۲

c. ایوب ۷:۳۸

d. مزمور ۱:۲۹

e. مزمور ۷:۸۹، ۶:۷

f. دانیال ۶:۸۹

۳. در کتاب عهد عتیق یهودیان، کتاب I Enoch (I Enoch: ۱:۶ - ۸:۱؛ ۴:۱۲؛ ۴:۱۹ - ۳:۱؛ ۳:۲۱ - ۱:۱۰) و Jubilees (ایوب ۵:۱)، که در دوره عهد جدید میان ایمان‌داران بسیار رایج بود، در کنار متون محرمانه پیدایش از کتبی‌های دریای مرده، پسران خدا را بعنوان فرشتگان سرکش یا نافرمان ترجمه می‌کنند.

۴. ابتدای متن فصل ۶، آیه "اینان پهلوانانی از روزگاران کهن بودند که مردانی نام‌آور شدند" ظاهراً از تلفیق غیر معمول ترتیب الویت مراحل آفرینش نشأت می‌گیرد.

۵. نسخه یونانی عهد عتیق عبارت "فرزندان خدا" را، "فرشتگان خدا" ترجمه کرده است.

۶. I Enoch حتی تسریح می‌کند که طوفان نوح به منظور نابودی اتحاد انسانی/آسمانی که بر ضد یهوه و برنامه‌اش برای خلقت بود، اتفاق افتاد (رجوع شود به I Enoch 7:1ff; 15:1ff; 86:1ff)
۷. در ادبیات اوگاریتی، "پسران خدا" اشاره به اعضای معبد بزرگ (ویژه خدایان کوچکتر) دارد
- D. شواهد برای اشاره به پادشاهان یا ستمگران خاندان قائن
۱. ترجمه‌های باستانی متعددی در تایید این نظر موجود است
- a. نسخه آرامی Onlelos در قرن دوم بعد از میلاد، "پسران خدا" را بصورت "پسران اشراف‌زادگان" ترجمه کرده است.
- b. نسخه یونانی عهد عتیق بنام Symmachus در قرن دوم بعد از میلاد، "پسران خدا" را "پسران پادشاهان" ترجمه کرده است.
- c. عبارت *Elohim* مورد استفاده رهبران اسرائیل بوده است (خروج ۶:۲۱؛ ۸:۲۲؛ مزمور ۸۲:۱، ۶) به انجیل‌های NET و NIV توجه شود.
- d. *Nephilim* مرتبط شده است با *Gibborim* در پیدایش ۴:۶، *Gibborim* از ریشه *Gibbor* بوده و به معنی "مرد دلیر و شجاع"؛ قوی، ثروتمند یا قدرتمند دارد.
- e. این برداشت و شواهد آن از *Hard Saying of the Bible* صفحات ۱۰۶ و ۱۰۸ گرفته شده است.
- E. شواهد تاریخی در دفاع از هر دو مورد کاربرد
۱. این عبارت اشاره به پسران خدای اسرائیل دارد
- a. Cyril of Alexander
- b. Theodoret
- c. Augustin
- d. Jerome
- e. Calvin
- f. Kyle
- g. Gleason Archer
- h. Watts
۲. این عبارت اشاره به موجودات آسمانی، فرشتگان دارد
- a. نویسندگان نسخه یونانی عهد عتیق
- b. Philo
- c. Josephus (*antiquities* 1:3:1)
- d. Justin Mrtyr
- e. Ireaeus
- f. Clement of Alexandria
- g. Tertullian
- h. Origen
- i. Luther
- j. Ewald
- k. Delitzsch
- l. Hengstenberg
- m. Olford
- n. Westemann
- o. Wenham
- p. NET Bible
- F. چگونه "Nephilim" در پیدایش ۴:۶ به "پسران خدا" و "دختران انسان" در پیدایش ۶:۱-۲ ارتباط دارند؟ به این نظریه‌ها توجه کنید:

۱. آنها برآیند گول‌های (اعداد ۱۳:۳۳) اتحاد فرشتگان و زنان انسان هستند.
 ۲. هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند. آنها فقط بعنوان موجودات روی زمین در دوران رویدادهای پیدایش ۶:۱-۲ و همچنین بعد از آن ذکر شده‌اند.
 ۳. R.K.Harrison در کتاب *Introduction to the Old Testament* صفحه ۵۵۷ چنین می‌گوید: "دیدگاه‌های باستان‌شناسی بی‌ارزش را باید بطور کامل نادیده گرفت. انسان‌های اولیه و موجودات پیش از انسان در این آیات وجود دارند، برای آن دسته از محققانی که به دنبال آنها هستند، قابل پذیرش است."
- من اینگونه متوجه می‌شوم که وی این دو گروه را بعنوان نماینده گروه‌های متنوع شبیه انسان می‌بیند. این می‌تواند به معنای خلقتی بعد از آدم و حوا باشد، ولی همچنین تکامل پیشرفته‌ای از انسان اولیه راست قامت.
- G. فقط منصفانه خواهد بود که من درک خودم را درباره این جدل باز کنم. اول، اجازه دهید یادآوری کنم که متن پیدایش، خلاصه و مبهم است. شنوندگان فرامین و سخنان موسی یا باید بصیرت تاریخی اضافه می‌داشتند، و یا موسی نوشته‌ها و گفته‌هایش را از دوره‌ای بر گرفته بود که خود هیچ درک کاملی از آنها نداشت. البته این مسئله، یک موضوع سخت الهیاتی نیست. ما اغلب درباره موضوعاتی که در کتاب مقدس بسیار گنگ و مبهم بوده و فقط گاهی اشاره‌ای به آن می‌شود، کنجکاو هستیم. مایه تاسف خواهد بود که از چنین موضوعی و یا موارد مشابه کوچکتر در انجیل، الهیاتی دقیق بسازیم. اگر قرار بود که به جزئیات چنین اطلاعاتی دسترسی داشته باشیم، خداوند به شکل کامل‌تر و واضح‌تری آن را برایمان فراهم می‌کرد. من به شخصه معتقدم که آنان فرشتگان و انسان‌ها بودند، زیرا:
۱. استفاده محکم و نه انحصاری از عبارت "فرزندان خدا" برای فرشتگان در عهد عتیق
 ۲. ترجمه یونانی (آلکساندری در قرن اول پیش از میلاد) این عبارت را بصورت "فرشتگان خدا" بکار برده است
 ۳. کتاب I Enoch (احتمالاً در حدود ۲۰۰ سال پیش از میلاد نوشته شده است) بطور مشخص اشاره به فرشتگان دارد (فصل‌های ۶-۷)
 ۴. خط ربط الهیاتی به ۲ پطرس و فرشتگان یهودا که مرتکب گناه شد
- من می‌دانم که برخی از این موارد با متی ۲۲:۳۰ تناقض دارد، اما این فرشتگان بطور اخص نه در بهشت هستند و نه بر روی زمین اما در یک شخص خاص حضور دارند (*Tartarus*).
۵. من فکر می‌کنم یک دلیل که بسیاری از رویدادهای پیدایش ۱-۱۱ در دیگر فرهنگ‌های مشابه دوره‌های خلقت، یافت می‌شوند، (نظیر دوره‌های طوفان، نظیر دوره‌ای که فرشتگان زنان را می‌بردند) بخاطر این است که تمام انسان‌ها در کنار یکدیگر بودند و در این دوره با یهوه قدری آشنایی داشتند، اما بعد از پراکندگی ناشی از ماجرای برج بابل، این آگاهی صدمه دید و به مرور تبدیل به مدل پرستش خدایان مختلف گردید.
- مثال خوبی که در این مورد می‌شود به آن اشاره کرد، اسطوره‌شناسی یونان باستان است، جایی که گول‌هایی نیمه انسانی/نیمه مافوق انسان بنام تیتان‌ها در تارتاروس زندانی شده‌اند، این نام خاص فقط یکبار در انجیل (۲ پطرس ۲) برای اشاره به مکانی که فرشتگان را در آن نگهداری می‌کردند، بکار رفته شده است. در الهیات عالمان یهود Hades به دو بخش تقسیم شده بود، یکی برای حق (بهشت) و بخشی برای شر (*Tartarus*).

□ "دختران آدمیان زیبارویند" واژه "زیبا" در حقیقت به مفهوم "خوب" یا "منصف" می‌باشد (BDB 373). این یک مفهوم کلیدی الهیاتی از فصل ۱ (بویژه ۱:۳۱) می‌باشد. چیزی که خدا به شکل خوب می‌دید، اکنون بصورت شر می‌بیند (6-5.7v).

□ "هر یک را که برمی‌گزینند به زنی می‌گرفتند" بخش اول نشان دهنده ازدواج است و کاملاً با نظریه فرشته بودن، تضاد دارد (BDB 542, KB 534, *Qal Imperfect*). با اینحال، در بخش دوم می‌گوید که آنان هر کسی را که می‌خواستند، از میان زنانی که قبلاً ازدواج کرده بودند یا مجرد بودند را انتخاب می‌کردند. این بخش می‌تواند مفهوم (۱) فرشتگان آسمانی یا (۲) رهبران پر قدرت انسانی از خاندان قائن (ستمگران) که چند همسری را تجربه می‌کردند، در خود داشته باشد.

۳:۶ "روح من همیشه در انسان نخواهد ماند" در متن انگلیسی آیه کتاب مقدس، بجای "نخواهد ماند"، عبارت "در نزاع نخواهد بود" استفاده شده که به باور نویسنده، معنی اصلی آن از فعل "ماندن" صحیح می‌باشد (BDB 192, KB 220, *Qal Imperfect*) رجوع شود به نسخه NRSV که از لغت "abide" به معنی ایستادگی کردن، ماندن، پایداری ماندن، منزل کردن، تاب آوردن... می‌باشد. این اشاره می‌کند به (۱) صبر خداوند (بعنوان مثال خداوند طوفان را تا زمانیکه کشتی به اتمام رسید، به تعویق انداخت، ۱ پطرس ۳:۲۰) یا (۲) چرخه زندگی کوتاه شده بشر.

آیه ۶:۳ چگونه به ۶:۱-۲ و ۶:۴ ارتباط پیدا می‌کند؟ بسیار دشوار است که نیت اصلی نویسنده اصلی را در این بخش از کلام بتوان دنبال کرد. احتمال دارد که آنان حتی با وجود اختلاط با فرشتگان، باز هم زندگی رو به زوال داشتند. همانگونه که حوا "دید" و برداشت، اکنون نیز "پسران خدا" "دیدند" و برداشتند، که نشان از نوع تمرد آنها دارد (حتی می‌تواند حکایت از رسیدن به زندگی ابدی یا استقلال داشته باشد).

□ "زیرا که او موجودی فانی است" (در نسخه انگلیسی "او همچنین از جنس بشر است" نوشته شده است) بنظر می‌رسد که این بخش به ترجمه وزنی می‌دهد که مردمان دیگری که در این بخش از کلام از آن سخن به میان آمده، فرشتگان آسمانی هستند که با انسان‌های فانی تفاوت دارند. در ترجمه امروزی نسخه زبان انگلیسی نوشته شده است "آنان فانی هستند".

□ "روزهای او صد و بیست سال خواهد بود" بنظر این بخش اشاره به یک دوره برکت داشته باشد (دوم پطرس ۲:۵) در جاییکه کلام اظهار می‌کند که نوح برای تمامی آن سال‌ها موعظه کرد، بنابراین، اشاره آن تا زمان پیش از حادث شدن سیل می‌باشد. همچنین می‌تواند اشاره به کوتاه شدن طول عمر انسان‌ها بعد از طوفان داشته باشد.

۴:۶ "غول‌پیکران" منظور "آنانی که از بهشت رانده شده‌اند" می‌باشد (از ریشه عبری *naphal*, BDB 658, KB 709). به نظر من آنها قابل قیاس با غول پیکران هستند (اعداد ۱۳:۳۳؛ همچنین تثنیه ۲:۱۰-۱۱؛ ۹:۲؛ و ترجمه‌های نسخه یونانی، نسخه لاتین قدیمی و نسخه آشوری کتاب مقدس به نام پشیطتا). با اینحال، مفسرین دیگری همچون مارتین لوتر و H.C. Leopold اظهار داشته‌اند که این واژه باید "ستمگران" ترجمه شود که اشاره به شاهان قدرتمند خاندان قائن که حرم‌های بزرگی داشتند.

J.Wash Watts در کتاب *Old Testament Teaching* صفحات ۲۸ تا ۳۰ می‌گوید "عبارت غول پیکران، اشاره می‌کند به نوح و خانواده وی، بعنوان کسانی که خود را از خانواده‌های قائن و شیث که ازدواج‌های درونی داشتند، جدا کرده بودند". در این ترجمه، غول پیکران، پسران "تنها خدای راستین" هستند (رجوع شود به "خدا" در پیدایش ۵:۲۲، ۲۴؛ ۹:۶). به موضوع زیر توجه فرمایید.

موضوع خاص: واژه‌های استفاده شده برای جنگجویان یا گروه‌های مردمی قد بلند/قدرتمند (Special Topic: Terms Used for Tall/Powerful Warriors or People Groups)

این مردمان بزرگ/قد بلند/قدرتمند با اسامی مختلفی نام برده می‌شوند:

۱. *Nephilim* (BDB 658) - پیدایش ۶:۴؛ اعداد ۱۳:۳۳
۲. *Rephaim* (یا BDB 952 و یا BDB 952 II) - پیدایش ۱۴:۵؛ تثنیه ۲:۱۱، ۳:۱۱، ۱۳؛ یوشع ۱۲:۴؛ ۱۳:۱۳؛ دوم سموئیل ۲۱:۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲؛ اول قرنطیان ۲۰:۴، ۶، ۸
۳. *Zamzummin* (BDB 273)، *zuzim* (BDB 265) - پیدایش ۱۴:۵؛ تثنیه ۲:۲۰
۴. *Emim* (BDB 34) - پیدایش ۱۴:۵؛ تثنیه ۲:۱۰-۱۱
۵. *Anakim* (پسران آناک، BDB 778 I) - تثنیه ۱:۲۸؛ ۲:۱۰-۱۱، ۲۱؛ ۹:۲؛ یوشع ۱۱:۲۱-۲۲؛ ۱۴:۱۲، ۱۵

□ "در آن روزگار و پس از آن، بر زمین بودند" آن دسته از افرادی که به همزیستی فرشتگان و زنان انسانی باور دارند، از نیمه دوم نسخه ۷.4 استفاده کرده تا ثابت کنند غول‌ها از رابطه میان این دو بوجود آمده‌اند. با این وجود، دیگران برای اثبات این مطلب که غول‌ها پیش از این نیز در زمین زندگی می‌کردند، از نیمه اول ۷.4 استفاده می‌کنند.

کتاب I Enoch در عهد عتیق عبرانی می‌گوید که این غول‌ها حاصل اتحاد فرشتگان و انسان‌ها بوده و این تلفیق باعث گردید که خداوند سیل را نازل نماید. I Enoch همچنین تسریح می‌کند که غول‌هایی که پس از سیل بدن فیزیکی خود را از دست دادند، شری‌های هستند که به دلایل خودخواهانه، بدن‌های جانی گرفتند در بدن انسان هستند.



NASB, NKJV "مردان قوی"
NRSV, NJB "قهرمانان"
TEV "قهرمانان بزرگ"

واژه عبری آن *gibbor* است (BDB 150)، که بمعنی یک شخص بسیار قدرت داده شده و گاهی حیوان دارد. مورد کاربرد آن (۱) نمود در پیدایش ۸:۱۰-؛ ۹:۲) ستمگران در مزمور ۵۲:۱؛ افسسیان ۳۲:۲۷؛ و (۳) فرشتگان در مزمور ۱۰۴:۲۰ (همچنین در سرود شکرگذاری ۸:۱۱ و ۲۰:۳۴ از طومارهای دریای مرده)



NASB, NKJV

NJB, NIV "مردانی شهیر"

NRSV "جنگجویان شهیر"

TEV "مردانی معروف"

اولین حالت، ترجمه اکثر نسخه‌های انگلیسی انجیل همانند نسخه یونانی است. با اینحال، معنی لغوی آن "مردان نامی" است (BDB 1027). از این معنی، سه نظریه بوجود آمد:

(۱) اشاره دارد به سلسله خاندان شیث که یهوه را می‌پرستیدند (رجوع شود به اسامی خداوند در کتاب J.Wash Watts)

(۲) اشاره دارد به Nephilim بعنوان زاد و ولد قدرتمند فرشتگان و انسان (غول‌ها در نسخه TEV)

(۳) اشاره دارد به پادشاهان بی‌ایمان خاندان قائن که ستمگر بودند (NRSV)؛ آنان زنان بسیاری را به همسری بر می‌گزیدند (چند همسری سلطنتی در NJB)

این پاراگراف بسیار مبهم و خلاصه است. محرک اصلی آن تداوم و تشدید شرارت در خلقت بوده که صحنه را برای قضاوت سنگین خدا فراهم می‌کند. با این حال، شرارت حتی در میان نوح و خانواده وی نیز ادامه می‌یابد.

متن NASB (بروز شده): ۸-۵:۶

۵ و خداوند دید که شرارت انسان بر زمین بسیار است، و هر نیت اندیشه‌های دل او پیوسته برای بدی است و بس؛ و خداوند از این که انسان را بر زمین ساخته بود، متأسف شد و در دل خود غمگین گشت. پس خداوند فرمود: «انسان را که آفریده‌ام از روی زمین محو خواهم ساخت، انسان و چارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان را، زیرا که از ساختن آنها متأسف شدم.»^۸ اما نوح در نظر خداوند فیض یافت.

۵:۶ "خداوند دید که شرارت انسان بر زمین بسیار است" این بخش از متن تاکید بر پیشرفت شیطان در قلب نوع بشر دارد (BDB 906, KB 1157, *Qal Imperfect* رجوع شود به پیدایش ۶:۱۱-۱۲، ۱۳:۸؛ ۲۱:۸؛ مزمور ۱۴:۳؛ ۵۱:۵) که یک تناقض مشخص در نیکی عنوان شده در پیدایش ۱:۳۱ است.

□ "و هر نیت اندیشه‌های دل او پیوسته برای بدی است" نتیجه بیرون رانده شدن آدم و حوا به مقیاس جهانی رسید. بجز شش نفر، بقیه بگونه‌ای ناامید تحت تاثیر شریر قرار گرفتند. آنان روز و شب به شیطان فکر می‌کردند.

مفهوم "نیت شیطان" (*ysr*, BDB 428) تبدیل به درک ربیبان از طبیعت اخلاقی بشر شد. آنان انسان را وسیله آزمایش دو عنصر نیکی و پلیدی می‌دانند. ضرب المثل معروفی وجود دارد که انسان را به خوبی تعریف می‌کند: "در قلب هر انسان، یک سگ سیاه و یک سگ سفید وجود دارد، آن سگی که بیشتر تغذیه شود، بزرگتر می‌گردد." این نقطه نظر درباره انسان بوسیله پیدایش ۷:۴ تقویت می‌گردد. الهیات دانان یهودی بر روی پیدایش ۳ تاکید ندارند، در عوض پیدایش ۶ را بعنوان منبع شیطان در جهان می‌دانند. کودکان در هنگام تولد شرور نیستند زیرا مسئولیت‌های اخلاقی فقط با دانش بوجود می‌آیند (*bar mitzvah, bat mitzvah*). شیطان مرکب است از انتخاب‌های گوناگون!

۶:۶ "خداوند... متأسف شد و در دل خود غمگین گشت" این گفته‌ها کاملاً شکل انسانی دارند. اولین بخش ترجمه شده "خداوند آهی بلند کشید" (*Niphal Imperfect*, BDB 688) دومین بخش می‌گوید "خداوند در دل خود غمگین بود" (*Hithapael Imperfect*, BDB 780, KB 864). اینها در زبان عبری بسیار شدید هستند (رجوع شود به ۷:۳۴؛ اول ساموئیل ۲:۳۳؛ ۳۴:۲۰؛ دوم ساموئیل ۲:۱۹؛ مزمور ۷۸:۴۰؛ اشعیا ۵۴:۶). در انجیل خداوند اغلب در حال تأسف خوردن یا توبه کردن است (پیدایش ۶:۶-۷؛ خروج ۳۲:۱۴؛ اول ساموئیل ۱۵:۱۱؛ دوم ساموئیل ۲۴:۱۶؛ ارمیا ۱۸:۷، ۸؛ ۲۶:۱۳، ۱۹؛ یونس ۳:۱۰). با اینحال، بخش‌های دیگر کتاب تسریح می‌کند که خداوند هرگز توبه نکرده یا نظرش را عوض نمی‌کند (اعداد ۲۳:۱۹؛ اول ساموئیل ۱۵:۲۹؛ ارمیا ۴:۲۸؛ مزمور ۱۳۲:۱۱). این تنش همیشه زمانی بوجود می‌آید که ما خداوند را با واژه‌های انسانی تعریف می‌کنیم. خداوند انسان نیست، اما ما فقط با واژه‌های انسانی می‌توانیم وی و احساسات وی را بیان نماییم. خداوند دمدمی مزاج نیست. وی در برآوردن مقصودش برای بشریت ثابت قدم و بسیار صبور می‌باشد، اما اغلب عکس‌العمل انسان در توبه از گناه باعث می‌گردد خداوند در موارد مختلف اعمال متفاوتی انجام دهد (مزمور ۱۰۶:۴۵؛ یونس). به لحاظ الهیاتی، این خداوند است که تغییر می‌کند نه انسان. خداوند است که انتخاب می‌کند چگونه با انسان گناهکار رفتار کند. هدف وی یکی است- مردمانی حق طلب که بتوانند شخصیت وی را بازتاب دهند. این امر فقط با قلبی جدید محقق می‌گردد (ارمیا ۱۳:۳۱-۳۴؛ افسسیان ۳:۶-۲۶-۳۸). خداوند برکت را بر قضاوت انتخاب می‌کند!

۷:۶ "انسان را که آفریده‌ام از روی زمین محو خواهیم ساخت" واژه "محو کردن" معنی از بین بردن دارد (BDB 562, KB 576, *Qal Imperfect*) همچون سیل). حیوانات بدلیل گناه بشر خاکی در عذاب هستند (رومیان ۸: ۱۹-۲۲). ماهیان از این قضاوت مستثنی هستند. این قضاوت مبتنی بر بوالهوسی اعمال خداوند آنطور که در دوره بین‌النهرین عنوان شده نبوده، بلکه بر اساس اخلاق شیطانی نسل بشر است. این شرارت حتی در میان خانواده حق طلب نوح دیده می‌شود (پیدایش ۸: ۲۱-۲۲)، اما این فیض خداوند است که تداوم شرارت را در انسان تا زمان ظهور عیسی مسیح تحمل می‌کند (قلاطیان ۳).

۸:۶ "در نظر خداوند" این مثالی دیگر از تعریف خداوند با جملات انسانی است. وی چشم ندارد، بلکه روح است. این استعاره‌ای است برای خداوند عالم (آگاه به همه چیز).

متن NASB (بروز شده): ۹:۶-۱۰

۹ و این است تاریخچه نسل نوح. نوح مردی بود پارسا و در روزگار خویش بی‌عیب. نوح با خدا راه می‌رفت. ۱۰ و نوح سه پسر آورد: سام و حام و یافث.

۹:۶ "نوح مردی بود پارسا و در روزگار خویش بی‌عیب" این دو عبارت تشریحی بسیار پرمعنی هستند. عبارت اول می‌گوید که نوح درک خود را با خواست خداوند تطبیق داده بود. به موضوع خاص زیر: عدالت توجه فرمایید. عبارت دوم (BDB 1070) می‌گوید که وی قلب خود را بطور کامل در اختیار خداوند گذاشته است (۱۷: ۱؛ مزمور ۱۸: ۲۳). عبارت دوم بعدها برای فداکاری‌های کامل استفاده می‌شود. این دو عبارت آنگونه که در ۹: ۲۱ گفته می‌شود، بمعنی معصومیت نوح نیست

موضوع خاص: عدالت (Special Topic: Righteousness)

"عدالت" بحث مهمی است که یک دانشجوی الهیات کتاب مقدس باید مطالعه شخصی گسترده‌ای درباره مفهوم آن داشته باشد.

در عهد عتیق شخصیت خداوند بصورت "عادل" یا "حق" تعریف شده است (BDB 843). واژه بین‌النهرینی آن از ساقه نیشکر می‌آید که بعنوان ابزاری در ساخت و ساز، و بعنوان شاقول برای طراز ساف بودن دیوارها استفاده می‌شد. خداوند این واژه را انتخاب کرد تا طبیعت خودش را بصورت استعاره نشان دهد. وی همچون خط کشی است که همه چیز را می‌سنجد. این مفهوم تسریح می‌کند که خداوند همانقدر که عادل است که محق قضاوت کردن نیز هست.

انسان با تصور خداوند خلق گردید (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱-۳؛ ۹: ۶). بشر برای دوستی با خداوند آفریده شد. تمام خلقت خداوند صحنه و پشت صحنه‌ای برای خداوند و فعل و انفعالات بشر است. خداوند می‌خواست که والاترین مخلوقش، انسان، وی را شناخته، عشق ورزیده، خدمت کرده و همچون او باشد! وفاداری انسان آزمایش گردید (پیدایش ۳) و اولین زوج بشر از این آزمایش ناموفق بیرون آمدند. این عدم موفقیت، منجر به گسستگی رابطه میان خداوند و نوع بشر گردید (پیدایش ۳؛ رومیان ۵: ۱۲-۲۱).

خداوند وعده داد که این دوستی را ترمیم و مرمت کند (پیدایش ۳: ۱۵). وی این کار را به روش خود و از طریق پسر خود انجام می‌دهد. انسان‌ها فی‌نفسه قادر به ترمیم این رابطه نبودند (رومیان ۱: ۱۸-۳: ۲۰).

پس از اینکه انسان از بهشت رانده شد، اولین قدم خداوند برای بازگرداندن وی، میثاق بر اساس دعوت وی و توبه انسان، ابراز وفاداری و فرمانبرداری بشر بود. به دلیل این بیرون رانده شدن، انسان‌ها قادر به انجام اعمال معقول نبودند (رومیان ۳: ۲۱-۳۱؛ قلاطیان ۳). این خود خداوند بود که مجبور شد کاری برای پیمان‌شکنی انسان انجام دهد. وی اینکار را به روش‌های زیر انجام داد:

- A. بوسیله مسیح، بشر را گناهکار اعلام می‌کند (عدالت قانونی)
 - B. بوسیله مسیح، به بشر عدالت را عطا کرد (عدالتی حساب شده در عین عدم علاقه)
 - C. فراهم کردن روحی که عدالت خواه است (عدالت اخلاقی) درون بشر
 - D. بازگرداندن دوستی باغ عدن بوسیله مسیحی که تصویر خداوند را (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷) در ایمانداران بازگرداند (عدالت ارتباطی)
- با اینحال، خداوند ما را ملزم به پاسخ به دعوت وی می‌نماید. خداوند فرمان می‌دهد و فراهم می‌کند، اما انسان‌ها باید اجابت کنند و این کار را باید در روش‌های زیر ادامه دهند:

- A. توبه
- B. ایمان
- C. فرمانبرداری در زندگی روزانه
- D. پشتکار

بنابراین، عدالت یک میثاق و عملی دو طرفه میان خدا و والاترین مخلوقش است. بر مبنای شخصیت خداوند، کار عیسی و فعال شدن روح، که بوسیله آن هر شخص باید به نوبه خود و بصورت متداوم به خواست خدا پاسخ مناسب دهد. به این مفهوم "توجیه بوسیله ایمان" می‌گویند. این مفهوم در اناجیل رونمایی شد، اما نه با این عبارات. در وهله اول بوسیله پولس رسول تعریف گردید. وی از عبارت یونانی "عدالت" بیش از ۱۰۰ بار به اشکال مختلف استفاده کرد.

پولس، بعنوان یک ربی آموزش دیده، از واژه *dikaiosisune* در شکل عبری واژه *SDQ* که در نسخه یونانی عهد عتیق عبرانی بوده و نه بر مبنای ادبیات یونانی، استفاده می‌کند. در نوشته‌های یونانی، این واژه به کسی اطلاق می‌گردد که در مقابل جامعه و خدا سر تعظیم فرود آورده و مطیع است. در احساسات عبرانیان، واژگان توافقی همیشه دارای ساختاربندهی خاص خود هستند. یهوه (YHWH) به لحاظ اخلاقی خدایی معنوی است. او می‌خواهد که مردمش شخصیت وی را منعکس سازند. بشر آزاد شده تبدیل به مخلوق جدیدی می‌گردد. این تازگی نتیجه یک زندگی با ایمان به خداوند است (کاتولیک‌های رومی تمرکزشان بر توجیه است). از آنجاییکه اسرائیل حکومت روحانیون بود، لذا هیچ مرز مشخصی میان سکولار غیر دینی (نرم‌های جامعه) و دین‌سالاری (خواست خدا) کشیده نشده بود. این برتری در واژه‌های یونانی و عبری، "عدالت" (مربوط به جامعه) و "حقانیت" (مرتبط با مذهب) به انگلیسی ترجمه شده‌اند. اناجیل (خبر خوش) مسیح یعنی اینکه انسان رانده شده از بهشت دوباره می‌تواند با خداوند دوستی نماید. در نظر پطرس خدا، از طریق مسیح حق مطلب را ادا خواهد کرد. این کار بوسیله عشق پدر، رحمت و فیض خداوند انجام خواهد شد؛ زندگی پسر، مرگ، رستخیز؛ نظر لطف روح و هدایت به اناجیل. تراز کردن کاریست که خداوند آزادانه انجام می‌دهد، اما آن را باید در چارچوب توانایی خداوند دید (سمت آگوستین، که بازتاب دهنده اهمیت اصلاحات در اناجیل و اهمیت کاتولیک‌ها در تغییر زندگی مبتنی بر ایمان و عشق بوده است). برای اصلاح‌گران، واژه "حقانیت خداوند" یک مالکیت عینی است (عمل موجه جلوه دادن بشر گناهکار در دید خداوند [تطهیر بر اساس مقامی والا])، در حالیکه برای کاتولیک‌ها این امر یک مالکیت موضوعی است، که طی مراحل است که شخص بیشتر شبیه خداوند می‌گردد (تطهیر تجربی). اما در واقعیت هر دو درست هستند!!!

از دید من، کل انجیل، از پیدایش ۴ تا مکاشفه ۲۰ سند مکتوب بازگرداندن دوستی دوران باغ عدن است. انجیل با دوستی میان بشر و خداوند در دوران اولیه آغاز می‌گردد (پیدایش ۱-۲) و با همین موضوع نیز به اتمام می‌رسد (مکاشفه ۲۱-۲۲). تصور خداوند و هدف نهایی وی اعاده می‌گردد.

برای اینکه درباره بحث بالا مستنداتی نیز ارائه کرده باشم، بخش‌های متخبی از عهد جدید را در ذیل می‌آورم.

A. خداوند حق است (اغلب خداوند را بعنوان قاضی نشان می‌دهد)

۱. رومیان ۳:۲۶

۲. ۲ تسالونیکیان ۱:۵-۶

۳. ۲ تیموتائوس ۴:۸

۴. مکاشفه ۱۶:۵

B. عیسی حق است

۱. اعمال ۳:۱۴؛ ۷:۵۲؛ ۲۲:۱۴ (عنوان مسایح)

۲. متی ۲۷:۱۹

۳. اول یوحنا ۲:۱، ۲۹؛ ۳:۷

C. خواست خداوند برای آفرینش نشانه حقانیت است

۱. لایوان ۱۹:۲

۲. متی ۵:۴۸ (رجوع شود به ۵:۱۷-۲۰)

D. ابزار خداوند برای گسترش عدالت

۱. رومیان ۳:۲۱-۳۱

۲. رومیان ۴

۳. رومیان ۵:۶-۱۱

۴. غلاطیان ۳:۶-۱۴

۵. خدادادی

a. رومیان ۳:۲۴؛ ۶:۲۳

b. اول قرنطیان ۱:۳۰

c. افسسیان ۲:۸-۹

۶. دریافت با ایمان

a. رومیان ۱:۱۷؛ ۳:۲۲؛ ۴:۳، ۵، ۱۳؛ ۹:۳۰؛ ۱۰:۴، ۶، ۱۰

b. اول قرنطیان ۵:۲۱

۷. بوسیله اعمال پسر
- a. رومیان ۵: ۲۱-۳۱
- b. دوم قرنطیان ۵: ۲۱
- c. فیلیپیان ۲: ۶-۱۱
- E. خواست خدا این است که پیروانش حقانیت داشته باشند
۱. متی ۵: ۳-۴۸؛ ۷: ۲۴-۲۷
۲. رومیان ۲: ۱۳؛ ۵: ۱-۵؛ ۶: ۱-۲۳
۳. دوم قرنطیان ۶: ۱۴
۴. ۱ تیموتائوس ۶: ۱۱
۵. ۲ تیموتائوس ۲: ۲۲؛ ۳: ۱۶
۶. اول یوحنا ۳: ۷
۷. ۱ پطرس ۲: ۲۴
- F. خداوند جهان را بر پایه عدالت، قضاوت خواهد کرد
۱. اعمال ۱۷: ۳۱
۲. ۲ تیموتائوس ۴: ۸
- حقانیت یکی از ویژگی‌های شخصیتی خداوند است، که در نهایت آزادی از طریق عیسی به بشر اهدا گردید. آن یکی از:
- A. مدارج خداوند
- B. نعمات خداوند
- C. اعمال عیسی
- می‌باشد.

اما در عین حال مرحله رسیدن به حقانیت است که باید با شدت و استقامت به آن دست یافت؛ روزی خواهد رسید که ظهور دوم عیسی را بانجام برساند. دوستی با خدا در نجات محقق خواهد شد، اما مراحل آن در زندگی و رویارویی در زمان مرگ انجام می‌گیرد.

سخن خوبی از *Dictionary of Paul and His Letters* نوشته IVP انتخاب کرده‌ام:

"کالوین، بیشتر از لوتر، بر جنبه عدالت خدا تاکید دارد. به نظر می‌رسد که دیدگاه لوتر نسبت به عدالت خدا حاوی جنبه براءت است. کالوین بر طبیعت شگفت‌انگیز ارتباط یا شناخت عدالت خداوند نسبت به ما تأکید دارد" (ص ۸۳۴).

برای من ارتباط ایمان‌داران به خدا حاوی سه وجه است:

- A. اناجیل یک شخص است (کلیسای مشرق و تاکیدات کالوین)
- B. اناجیل حقیقت است (تاکیدات آگوستین و لوتر)
- C. اناجیل تغییر زندگی است (تاکیدات کاتولیک)

همه این‌ها صحت داشته و باید برای یک زندگی سالم، پرطنین و انجیلی مسیحی در کنار یدیگر قرار بگیرند. اگر هر شخصی این تاکیدات را نادیده بگیرد، مشکل بوجود خواهد آمد.

ما باید مسیح را با آغوش باز بپذیریم!

ما باید به انجیل باور داشته باشیم!

ما باید به آنچه عیسی دوست داشت دست یابیم!

□ "نوح با خدا راه می‌رفت" این جمله (BDB 229, KB 246, *Hithpael Perfect*) بسیار شبیه به آیه ۵: ۲۱-۲۲ (*Hithphael Perfect*) می‌باشد، جاییکه در خونج بکار رفته است.

متن NASB (بروز شده): ۶: ۱۱-۱۲

۱۱ باری، زمین در نظر خدا فاسد و آکنده از خشونت شده بود. ۱۲ و خدا زمین را دید که اینک فاسد گشته بود، زیرا که تمامی بشر راه خود را بر زمین فاسد کرده بودند.

۱۲-۱۱:۶ خداوند می‌خواست که زمین را با انسان و حیوان پر کند، اما در عوض زمین با گناه (BDB 569, KB 583, *Niphal Imperfect*) و خشونت و شیطان پر شد (7.13؛ مزمور ۱۴:۱-۳؛ رومیان ۳:۱۰-۱۸). دیگر "خیلی خوب" تعریف متعارفی برای پیدایش ۳۱:۱ نیست. این دنیایی نیست که خداوند می‌خواست بسازد!

متن NASB (بروز شده): ۲۲-۱۳:۶

۱۳ پس خدا به نوح گفت: «پایان تمامی بشر به حضورم رسیده است، زیرا زمین به سبب آنان آکنده از خشونت شده است. اینک آنان را با زمین نابود خواهم کرد. ۱۴ پس برای خود کشتی‌ای از چوب کوفر بساز، و حجره‌هایی در آن بنا کن، و درون و بیرونش را قیراندود نما. ۱۵ آن را این‌گونه بساز: درازای کشتی سیصد ذراع، پهنایش پنجاه ذراع و بلندی‌اش سی ذراع باشد. ۱۶ برای کشتی روزنه‌ای به اندازه یک ذراع از بالای آن بساز. در کشتی را در پهلوی آن بگذار و طبقات پایین و وسط و بالا در آن بنا کن. ۱۷ زیرا اینک من توفان آب بر زمین می‌آورم تا هر ذی‌جسدی را که نفس حیات در آن باشد از زیر آسمان نابود سازم. هر چه بر زمین است، خواهد مرد. ۱۸ لیکن عهد خود را با تو استوار خواهم ساخت، و تو به کشتی در خواهی آمد؛ تو و پسرانت و زنت و زنان پسرانت، همراه تو. ۱۹ از همه جانداران، از هر ذی‌جسدی، جفتی از هر گونه، به درون کشتی ببر تا آنها را با خود زنده نگاه داری. نر و ماده باشند. ۲۰ از هر گونه پرند، از هر گونه چارپا و از هر گونه خزنده زمین، جفتی از هر گونه نزد تو خواهند آمد تا آنها را زنده نگاه داری. ۲۱ همچنین از هر گونه آذوقه خوردنی بگیر و ببندوز، تا برای تو و آنها خوراک باشد.» ۲۲ پس نوح چنین کرد؛ او هر آنچه را که خدا به وی فرمان داده بود، به انجام رسانید.

۱۴:۶ "برای خود کشتی‌ای بساز" فعل (BDB 793 I, KB 889) یک *Qal Imperative* است. این لغت می‌تواند از مصری عاریه گرفته شده باشد برای نامیدن "سینه" یا "جعبه" (BDB 1061). تنها استفاده دیگر این واژه برای سبد بوده که موسی در آن گذارده شده بود (خروج ۲:۲، ۳:۴).

□ "چوب کوفر" در رابطه با ریشه این لغت هیچ اطمینانی وجود ندارد (BDB 781, 172). برخی از چندین ترجمه‌ها عبارتند از: (۱) در ترجمه یونانی عهد عتیق از "چوب مربع" استفاده شده، (۲) در نسخه لاتین نوشته شده "چوب لطیف"؛ (۳) بیشتر مفسرین بر این باورند که این واژه اشاره به نوع خاصی از درخت دارد، بیشتر شبیه "درخت سرو" (NRSV, REB) زیرا اکثر کشتی‌های باستانی در شرق نزدیک از این نوع چوب ساخته شده و با صمغ پوشیده شده بودند.

□ "حجره‌هایی در آن بنا کن" روشن است که اینکار برای تفکیک حیوانات و البته به منظور پشتیبانی از ساختار کشتی انجام بوده است (همچنین سه طبقه).

۱۵:۶ "ذراع" (واحد سنجش طول در دوران باستان) در انجیل دو ذراع وجود دارد (BDB 52). ذراع معمولی فاصله میان بلندترین انگشت یک انسان متوسط با آرنج، معمولاً حدود ۴۵ سانتیمتر است (تثنیه ۳:۱۱؛ ۲ قرنطیان ۲:۳). همچنین یک ذراع طولانی‌تر نیز وجود دارد (ذرع اعظم) که برای ساخت و ساز استفاده می‌شده است (معبد سلیمان)، که در مصر، فلسطین و برخی مناطق بابل رواج داشت. طول آن حدوداً ۵۳/۳۴ سانتیمتر بوده است (جزقیال ۴۰:۵؛ ۴۳:۱۳). ابعاد فیزیکی کشتی نوح احتمالاً حدود ۱۶/۱۳۷ متر در ۲۳ متر در ۱۳ متر بوده است. این اندازه حدود نصف کشتی ملکه الیزابت دوم بوده می‌باشد. گمان می‌رود این کشتی چهار گوش بوده ولی احتمال دارد اطراف آن دارای سطح اریب بوده تا امکان کنترل قدرت موج را بر بدنه‌اش فراهم آورده باشد.

در دوران باستان از اعضای بدن انسان برای سنجش استفاده می‌کردند. مردمان شرق نزدیک باستان از:

۱. پهنای میان دو بازوی باز
 ۲. فاصله آرنج تا انگشت میانی (ذرع)
 ۳. حد فاصله انگشت شصت و انگشت کوچک (وجب)
 ۴. اندازه چهار انگشت بسته یک دست (کف دست)
- برای سنجش استفاده می‌کردند. ذرع (BDB 52, KB 61) اندازه‌ای استاندارد نبود، اما دو مقیاس مقدماتی بود.
- a. فاصله آرنج تا انگشت میانی هر مرد معمولی (حدود ۴۵ سانتیمتر است، تثنیه ۳:۱۱).
 - b. ذرع بزرگ قدری بزرگتر بود (حدود ۵۳ سانتیمتر، دوم قرنطیان ۳:۳، جزقیال ۴۰:۵؛ ۴۳:۱۳)

۱۶:۶ "برای کشتی روزنه‌ای بساز" این پنجره شبیه چیزی نیست که در ۶:۸ استفاده شده بود. بسیاری فرض کرده‌اند که چیزی شبیه سیستم تهویه یا نورگیر در بالای کشتی یا زیر سقف کشتی بوده است.

۱۷:۶ "طوفان" حدس و گمان زیادی بر سر این واژه (BDB 550) بوده که ریشه آن را فعل "نابود کردن" در زبان آشوری می‌دانستند.

آیا این طوفان در کل سیاره زمین رخ داد یا فقط در محدوده شرق نزدیک بود؟ واژه "سیاره زمین" (*eres*) اغلب "سطح خشکی" در قالب منطقه‌ای ترجمه می‌شده است (پیدایش ۱۴:۵۷). اگر انسان‌ها در سرتاسر زمین پخش نشده بودند، که به این موضوع در داستان برج بابل فصل‌های ۱۰-۱۱ اشاره شده

است، پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که طوفان در حد منطقه‌ای بوده است. بهترین کتابی که شواهد مستدل برای یک وقوع یک طوفان در حد منطقه‌ای، خواننده‌ام *The Christian View of Science and Scripture* نوشته Bernard Ramm می‌باشد.

□ "نفس حیات" این واژه از ریشه عبری *ruach* است. موارد کاربرد آن برای باد، زندگی، نفس، یا روح است. گفته می‌شود که هم انسان‌ها و هم حیوانات وحشی دارای *nephesh* بوده ولی فقط انسان‌ها از تصور خداوند ساخته شده (رجوع شود به ۱: ۲۶-۲۷) و دارای خلقت ویژه هستند (۲: ۷). در این متن، تمام آنچه که نفس می‌کشند، می‌میرند (۷: ۲۲ حیوانات و انسان‌ها)!

۱۸:۶

NASB, NKJV

NRSV "من خواهم ساخت"

TEV "می‌سازم"

NET "تصدیق خواهم کرد"

معنی ابتدایی فعل (*Hiphil Perfect*) (BDB 877, KB 1086) "برخواستن" یا "بلند شدن" است. کاربرد اصل آن "ساختن"، "بتصویر رساندن" است (۱۸: ۶؛ ۹: ۹، ۱۱، ۱۷؛ ۱۷: ۷، ۱۹، ۲۱؛ خروج ۴: ۶؛ جزقیال ۱۶: ۶۲).

مشخص نیست که آیا به پیمان خداوند اشاره می‌کند یا خیر. احتمالاً به نوعی سایه افکننده بر روی ۹: ۹، ۱۱، ۱۷. نکته کلیدی اینست که خداوند به وعده‌های خود در رابطه با انسان رانده شده سرکش عمل خواهد کرد. حتی در میان شرارت آنها، برنامه‌های ابدی، خدا پایبند به دوستی‌اش هست!

□ "عهد خود با تو" این اولین کاربرد واژه *berith* است (BDB 136). این واژه در پیدایش ۹: ۸-۱۷ توضیح داده و برجسته شد. این عبارت موضوع مرکزی درک ارتباط خداوند و بشر را در دو عهد عتیق و جدید شکل می‌دهد. مسئولیت‌های متقابل و وعده‌هایی برای هر دو طرف وجود دارد. این مرحله درک ما را از تنش دیالکتیک بین پیمان بدون قید و شرط از سوی خداوند مشخص می‌نماید، اما جنبه شرطی آن مبتنی بر پاسخگویی انسان در هر نسل است. به موضوع خاص زیر توجه نمایید.

موضوع خاص: پیمان (Special Topic: Covenant)

توضیح دادن عبارت عهد عتیق (*berith* 136 BDB)، پیمان، ساده نیست. در زبان عبری هیچ فعلی را برای تطابق آن نیافتیم. تمام لغاتی که بعنوان ریشه آن معرفی شدند، مقبول واقع نگردید. با اینحال، مرکزیت روشن مفهوم آن، مفسرین را بر آن داشت تا لغاتی را برای آزمایش معنی اصلی امتحان کنند.

پیمان یعنی به هر صورت ممکن خدای حقیقی با مخلوق انسانی‌اش سر و کار داشته باشد. مفهوم پیمان، معاهده یا توافق نیازمند درک قاطع و مکاشفه انجیلی می‌باشد. تنش میان سلطه خداوند و آزادگی انسان به وضوح در مفهوم پیمان دیده می‌شود. برخی معاهدات بر اساس شخصیت خداوند و کارهای او است

۱. نفس وجود آفرینش (پیدایش ۱-۲)

۲. دعوت ابراهیم (پیدایش ۱۲)

۳. پیمان با ابراهیم

۴. محافظت و وعده به نوح (پیدایش ۶-۹)

با این حال، طبیعت هر پیمانی نیازمند پاسخ است

۱. آدم قلباً باید از خدا اطاعت می‌کرد و از درخت میانی عدن میوه را نمی‌خورد

۲. ابراهیم قلباً باید خانواده‌اش را ترک می‌کرد، خدا را دنبال می‌کرد و به آینده نسل خود ایمان می‌داشت

۳. نوح قلباً باید کشتی عظیمی بدور از آب می‌ساخت و حیوانات را بدور هم جمع می‌کرد

۴. موسی قلباً باید اسرائیلیان را از مصر خارج کرده و به کوه سینا می‌برد تا راهنمایی‌های خاص را برای مقاصد مذهبی و زندگی اجتماعی دریافت کند. راهنمایی‌هایی همراه با برکت و نفرین (تثنیه ۲۷-۲۸).

تنش مشابهی ارتباط خداوند را با بشر در "پیمان جدید" درگیر کرده و نشانه می‌گیرد. این تنش را می‌توان به وضوح در مقایسه جزقیال ۱۸ و جزقیال ۳۶-۳۷: ۲۷ دید (عمل یهوه). آیا این پیمان بر اساس فیض خداوند بوده یا پاسخ اجباری انسان؟ این بحث داغی است میان پیمان قدیم و جدید. هدف هر دو یکی است: (۱) بازسازی دوستی یهوه که در پیدایش ۳ گم شد و (۲) ساخت مردمی حق جو که بتوانند شخصیت خداوند را بازتاب دهند.

پیمان جدید در امریا ۳۱: ۳۱-۳۴ این تنش را با حذف نقش انسان بعنوان ابزار دستیابی به پذیرش حقیقت، از میان بر می‌دارد. قانون خداوند تبدیل به میل درونی می‌گردد. هدف مردمی حق جو و خداطلب همانگونه باقی مانده، اما روش دستیابی به آن تغییر می‌کند. انسان رانده شده از بهشت ثابت

کرد که بخودی خود برای اینکه منعکس کننده تصویر خداوند باشد، ناکافی است. مشکل پیمان خداوند نبود، بلکه انسان گناهکار ضعیف بود (رومیان ۷؛ غلاطیان ۳). نمونه مشابه تنش میان پیمان غیر شرطی و شرطی عهد عتیق، در عهد جدید نیز ادامه می‌یابد. در کار تمام شده عیسی مسیح، نجات کاملاً امری بدون چشمداشت بوده، اما نیازمند توبه و ایمان می‌باشد (هم اجرایی و هم مداوم). این به مثابه یک اعلامیه رسمی و دعوتی به همچون مسیح بودن است، اعلامیه رسمی پذیرش و دستور به پذیرش قدوسیت خداوند! ایمانداران نه یا کارهایشان، بلکه بوسیله سرسپردگی‌شان نجات می‌یابند (افسیان ۲: ۸-۱۰). زندگی در کنار خداوند به مثابه شاهی برای رستگاری و نجات می‌باشد، ولی خود نجات هنوز نیست. با اینحال، زندگی ابدی مشخصات قابل رویتی دارد! این تنش به وضوح در عبرانیان دیده می‌شود.

□ "تو به کشتی در خواهی آمد- تو و پسرانت و زنت و زنان پسرانت، همراه تو" بی‌گناهی نوح شامل حال خانواده‌اش نیز می‌گردد (اول قرنطیان ۱۴:۷).

۱۹:۶ "به درون کشتی ببر" احتمالاً منظور اینست که حیوانات (محلّی یا جهانی مشخص نیست) به سوی نوح آمدند، اما نوح بود که آنها را در کشتی جای داد. وی احتمالاً در پایان هفته شروع به این کار کرد. این که چگونه حیوانات با یکدیگر زندگی کرده و خوراک می‌خوردند همچون یک راز است، اما نشان دهنده احتمال وجود یک قانده طبیعی یا ماورالطبیّه نیست.

۲۱:۶ برای حیوانات و نوح در کشتی غذا وجود داشت (BDB 542, KB 534, *Qal Imperative*). با اینحال، جزئیات آن ثبت نشده است. در این دوره بیشتر الهیاتی حائز اهمیت است تا جنبه‌های اطلاعاتی آن.

۲۲:۶ "پس نوح چنین کرد" موضوع اصلی اینست که نوح از خدا فرمانبرداری کرد (۷: ۵، ۹، ۱۶)، که طبیعتاً عکس العمل مناسب نیز همین بود، با اینحال، آدم و حوا و بقیه بشر چنین نکردند (۶: ۵، ۱۱-۱۲، ۱۳).

پیدایش ۷

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
طوفان	طوفان بزرگ	طوفان بزرگ (۲۲:۸-۵:۶)	طوفان	آمادگی برای طوفان (۱۶:۷-۱۳:۶)
۵-۱:۷	۵-۱:۷	۵-۱:۷	۵-۱:۷	۵-۱:۷
۱۲-۶:۷		۱۰-۷:۶	۱۰-۷:۶	۶:۷
				۱۰-۷:۷
		۱۶-۱۱:۷	۱۶-۱۱:۷	۱۲-۱۱:۷
۱۶-۱۳:۷				۱۶-۱۳:۷
				۱۶:۷ ب
				طوفان
۲۴-۱۷:۷	۲۴-۱۷:۷	۲۴-۱۷:۷	۲۴-۱۷:۷	۲۴-۱۷:۷

مطالعه حلقه سوم (به صفحه vii رجوع شود)

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۵-۱:۷

آنگاه خداوند به نوح گفت: «تو و همه اهل خانه‌ات به کشتی درآید، زیرا تو را در این عصر در حضور خود پارسا دیدم.^۲ از همه چارپایان طاهر، هفت جفت، نر و ماده، با خود برگیر، و از چارپایان نجس، یک جفت، نر و ماده،^۳ و نیز از پرندگان آسمان هفت جفت، نر و ماده، تا نسل آنها را بر روی تمام زمین زنده نگاه داری.^۴ زیرا من پس از هفت روز، چهل روز و چهل شب باران بر زمین خواهم بارانید، و هر موجودی را که ساختم از روی زمین محو خواهم کرد.»^۵ و نوح هرآنچه را که خداوند به وی فرمان داده بود، به انجام رسانید.

۱:۷ "خداوند به نوح گفت" (در آیه انگلیسی کلمه Lord بکار برده شده که بمعنی سرور است نه خداوند ولی بخشی از اسامی شخصی خداوند محسوب می‌گردد. نویسنده بر روی این نام الهی متمرکز است/ مترجم). این نام در اینجا نام شخصی خدای یهوه است، اما در آیه ۱۶ وی Elohim نامیده شده است. تفکر عالمان یهود از این واژگان بر می‌گردد به جنبه نجات دهنده خدا (یهوه) و بنظر می‌رسد که بعنوان خالق (Elohim) در متن کتب پنجگانه یهود، بگنجد. به موضوع ویژه: نام‌هایی برای خداوند در پیدایش ۲:۴ رجوع نمایید.

□ "به کشتی درآید" این فعل (BDB 92, KB 112) یک *Qal Imperative* است.

□ "زیرا تو را در این عصر در حضور خود پارسا دیدم" واژه "پارسا" در این آیه به گونه‌ای استفاده شده که همچون پیدایش ۹:۶ نوح "بی‌عیب" (در متن آیه انگلیسی در پیدایش ۹:۶ کلمه "Blameless" استفاده شده) خوانده شده بود. کاربرد این واژه مفهوم بی‌گناهی را نمی‌رساند بلکه بمعنی کسی است که به قانون احترام گذاشته و یا در جامعه به شخصی با خدا معروف می‌باشد. توجه داشته باشید که پرسیایی نوح بر روی خانواده او نیز تاثیر گذارده بود. این یک واقعیت انجیلی است. ولی به این معنی نیست که هر کسی می‌تواند به واسطه شایستگی با خدا بودن فرد دیگری، با خدا باشد، اما برکت خداوند همیشه از طریق افراد با ایمان، شامل حال اطرافیان و دوستان می‌گردد (آیات تثنیه ۵:۹-۱۰؛ ۷:۹ و ۱ قرنطیان ۷:۱۴ را با یکدیگر مقایسه کنید).

۲:۷ "چارپایان طاهر، هفت جفت، نر و ماده" به تفاوت میان طاهر و ناپاک در این متن توجه کنید زیرا این سخنان در زمانی بیان شده که هنوز دستورات مربوط به ذبح کردن حیوانات توسط موسی فرا نرسیده بود (لاویان ۱-۷). هیچ حرفی درباره ضوابط و معیارهای انتخاب حیوانات طاهر عنوان نگردیده است. روشن است که موسی هزاران سال بعد این نکات را در ارتباط با خوراک و ضوابط ذبح حیوانات در لاویان مکتوب کرد (فصل ۱۱). در رابطه با هفت جفت، بحث‌های زیادی جریان داشت (NRSV, NJB, JPSOA). آیا این به مفهوم هفت جفت حیوان است یا هفت گونه از حیوانات؟

۴:۷ "من پس از هفت روز، چهل روز و چهل شب باران بر زمین خواهم بارانید" راشی می‌گوید که این دوره عزاداری برای متوشالغ پارسا بوده که در همان زمان فوت کرده بود. عالمان یهود معتقدند که خداوند تا زمانی که متوشالغ زنده بود از فرستادن سیل و طوفان خودداری کرد. هفته هفت روزه نیز بقدری قدمت در دوران باستان دارد که امکان مشخص کردن ریشه علم به تعریف آن وجود ندارد. هم ماه و هم سال را می‌توان بر اساس فصول و یا گردش ماه محاسبه کرد اما برای هفته چنین امکانی وجود ندارد. برای ایمانداران، سفر پیدایش ۱، بافت اصلی را مشخص می‌کند.

□ "چهل روز و چهل شب" واژه "چهل" در انجیل بسیار استفاده شده است (به هر فهرست لغاتی رجوع کنید متوجه خواهید شد). گاهی باید معنی ادبی آن برداشت شود ولی در زمان‌های دیگری فقط معنی یک دوره طولانی نامشخص می‌دهد (طولانی‌تر از یک چرخش ماه که بیست و هشت روز و نیم می‌باشد، ولی کوتاه‌تر از یک تغییر فصل است). در بسیاری از دوره‌های بین‌النهرین، دوره زمانی طوفان هفت روز بوده است.

متن NASB (بروز شده): ۷:۶-۱۲

نوح ششصد ساله بود که توفان آب بر زمین آمد؛^۷ و نوح با پسرانش و زنش و زنان پسرانش به کشتی درآمدند تا از آب توفان در امان باشند.^۸ چارپایان طاهر و چارپایان نجس، پرندگان و همه خزندگان روی زمین،^۹ دو به دو، نر و ماده، همان‌گونه که خدا به نوح فرمان داده بود، نزد نوح به کشتی درآمدند.^{۱۰} او پس از هفت روز، آب توفان بر زمین آمد.
^{۱۱} در سال ششصدم از زندگی نوح، در روز هفدهم از ماه دوم، آری، در همان روز، همه چشمه‌های ژرفای عظیم‌فوران کرد و پنجره‌های آسمان گشوده شد.^{۱۲} و باران چهل روز و چهل شب بر زمین فرو بارید.

۱۱:۷ "همه چشمه‌های ژرفای عظیم‌فوران کرد و پنجره‌های آسمان گشوده شد" تاریخ‌گذاری آیه ۱۱ خیلی خاص است (نشان از یک رویداد تاریخی دارد) که یک بلای طبیعی را که در زمین اتفاق افتاد، تعریف می‌کند (two *niphal* perfects, BDB 131, KB 149 and BDB 834, KB 986). ابعاد تخریب را می‌توانیم در ۷۷.18 و ۷۷.19 در متن عبری ببینیم. بسیاری از ویژگی‌های فیزیکی زمین بخصوص در شرق نزدیک تغییر کرد. دو سر منشا آب وجود دارد: (۱) آبشارهای عمیق و (۲) دریاچه‌های سیلاب (پنجره‌ها، رجوع شود به مزمور ۷۸:۲۳؛ ملاکیان ۳:۱۰) در آسمان. این دقیقاً نقض کاریست که خداوند در سفر پیدایش ۱ انجام داد. هر ج و مرج آبی فرا می‌رسد.

متن NASB (بروز شده): ۷:۱۳-۱۶

^{۱۳} در همان روز، نوح و پسرانش سام و حام و یافث و زن نوح و سه زوج پسرانش با آنها به کشتی درآمدند،^{۱۴} آنان و همه وحوش، گونه به گونه، و همه چارپایان، گونه به گونه، و همه خزندگان روی زمین، گونه به گونه، و همه پرندگان گونه به گونه، همه مرغان و همه بالداران.^{۱۵} پس دو به دو، از هر ذی‌جسدی که نفس حیات در خود داشت، نزد نوح به کشتی درآمدند.^{۱۶} و آنهايي که داخل شدند، همان‌گونه که خدا به نوح فرمان داده بود، نر و ماده از هر ذی‌جسد بودند. آنگاه خداوند در را بر او بست.

۱۴:۷ این شامل تمام دسته‌بندی‌های حیوانات منطقه‌ای گفته شده در پیدایش ۱، از جمله ماهیان می‌شود.

۱۶:۷ "خداوند در را بر او بست" یهوه (YHWH نام خداوند، خدای منجی) درب را شخصاً بست. ربیان می‌گویند که او، خداوند، این کار را انجام داد تا شریران را از کشتی دور نگهدارد. آنان حتی پای را از این فراتر گذاشته و اظهار می‌دارند که خداوند شیران و خرس‌هایی را در اطراف کشتی گذاشت تا مردم را

دور نگهدارند. به باور من کشتی، یکی دیگر از رحمت‌های بیهوده به بشریت بود تا خط مسیحایی ادامه یابد، حتی در میان قضاوت وی، که در نهایت منجر به رستگاری می‌شد (پیدایش ۳: ۱۵).

متن NASB (بروز شده): ۱۷:۷-۲۴

^{۱۷} و توفان چهل روز بر زمین ادامه داشت، و آب افزون گشت و کشتی را برگرفت که از زمین بلند شد. ^{۱۸} و آب چیرگی یافته، بر زمین بسیار فزونی گرفت، و کشتی بر سطح آب شناور شد. ^{۱۹} و آب بر زمین زیاد و زیادتر غلبه یافت تا آنکه همه کوههای بلند که زیر تمامی آسمان بود، پوشیده شد. ^{۲۰} آب پانزده ذراع از کوهها بالاتر رفت و آنها را پوشانید. ^{۲۱} هر ذی جسدی که بر زمین حرکت می‌کرد، از پرندگان و چارپایان و وحوش و همه انبوه جنبندگان کوچک روی زمین و همه آدمیان، تلف شد. ^{۲۲} هر آنچه بر خشکی بود و نفس حیات در بینی داشت، بمرد. ^{۲۳} او هر موجودی را که بر روی زمین بود، محو کرد، از آدمیان و چارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان. آنها از زمین محو شدند؛ تنها نوح باقی ماند و آنها که با وی در کشتی بودند. ^{۲۴} و آب صد و پنجاه روز بر زمین چیره بود.

۱۹:۷ نوع گویش این آیه این تصور را بوجود می‌آورد که سیل و طوفان، جهانی بوده (۸: ۲۱؛ ۲ پطرس ۳: ۶). اما آیا اینگونه بود؟ واژه "زمین" (BDB, *eres*, 75) معنی "زمین خشکی" نیز می‌دهد (۴۱: ۵۷). احتمالاً اصطلاحی شبیه آنچه که در لوقا ۲: ۱ و کولسیان ۱: ۲۳ بکار برده شده (رجوع شود به کتاب *Hard Sayings of the Bible*, IVP ۱۱۲-۱۱۴). بعنوان الهیات سیل و طوفان، حوزه آن کاملاً بی‌معنی است. هیچگونه سیلاب یا طوفانی در بین النهرین در آن دوران ثبت نشده است، چه رسد به کل زمین! سیلابها در بین النهرین امری رایج بودند زیرا در رودخانه بزرگ در کوهها به یکدیگر متصل می‌شدند. برای ادامه بحث می‌توانید به کتاب *The Christian's View of Science and Scripture* نوشته Bernard Ramm رجوع فرمایید.

۲۲:۷ "نفس حیات" به یادداشت (۱: ۳۰ رجوع فرمایید). زندگی آزیان از بین رفت.

سوالات این بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. برداشت شما از عبارت "پسران خدا" چیست و چرا؟
۲. چرا فکر می‌کنید فرشتگان، زنان انسان را بر می‌گزیدند؟
۳. Nephilim چه کسانی بودند؟
۴. خداوند چگونه توبه می‌کند؟
۵. منظور از راه رفتن با خدا چیست؟
۶. چرا ماهیان در کنار سایر حیوانات خشکی مورد قضاوت قرار نگرفتند؟
۷. در نظر نوح، حیوانات طاهر و ناپاک چه معیاری داشتند؟
۸. آیا سیل جهانی بود یا منطقه‌ای؟ چرا؟

پیدایش ۸: ۱-۲۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
طوفان فرو می‌نشیند	رهایی نوح	طوفان بزرگ	پایان طوفان	طوفان فرو می‌نشیند
۵-۱:۸	۵-۱:۸	(۶:۵-۸:۲۲)	۵-۱:۸	۵-۱:۸
۱۲-۶:۸	۱۲-۶:۸	۱۲-۶:۸	۱۲-۶:۸	۱۲-۶:۸
۱۹-۱۳:۸	۱۴-۱۳:۸	۱۹-۱۳:۸	۱۴-۱۳:۸	۱۳:۸
				۱۴:۸
	۱۹-۱۵:۸		۱۹-۱۵:۸	تخلیه کشتی
	عهد خدا با خلقت		نوح پیشنهاد قربانی می‌دهد	۱۹-۱۵:۸
	(۸:۲۰-۹:۱۷)			
۲۲-۲۰:۸	۲۲-۲۰:۸	۲۲-۲۰:۸	۲۲-۲۰:۸	۲۲-۲۰:۸
(۲۲)	(۲۲)	(۲۲)	(۲۲)	(۲۲)

مطالعه حلقه سوم (به صفحه vii رجوع شود)

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

دیدگاه‌های متنی

- A. یک خط موازی روشن میان پیدایش ۱ و ۷ وجود دارد مبنی بر بازگشت دوباره طوفان
- B. یک خط موازی روشن میان پیدایش ۱ و ۸ وجود دارد مبنی بر بازسازی زمین مملو از زندگی توسط خداوند
 ۱. آیه ۱:۲۰ را با ۱:۸ مقایسه کنید
 ۲. آیات ۱:۶-۷ را با ۲:۸ مقایسه کنید
 ۳. آیات ۱:۲۲، ۲۴ را با ۸:۱۷ مقایسه کنید
 ۴. آیه ۱:۲۸ با ۹:۱-۲ مقایسه کنید
- C. پیدایش ۸:۱-۱۹ داستان معکوسی است از ۷:۱۱-۲۴. این مطمئناً ساختارسازی ادبی است.

متن NASB (بروز شده): ۵-۱:۸

۱ و اما، خدا نوح و همهٔ وحوش و چارپایان را که با او در کشتی بودند به یاد آورد، و خدا بادی بر زمین وزانید و آب فروکش کرد. ۲ چشمه‌های ژرفا و پنجره‌های آسمان بسته شد؛ و باران از آسمان بازایستاد. ۳ و آب رفته رفته از روی زمین برگشت. در پایان صد و پنجاه روز، آب کم شده بود. ۴ در روز هفدهم از ماه هفتم، کشتی بر کوههای آرات قرار گرفت. ۵ تا ماه دهم، آب همچنان کاهش می‌یافت تا آن که در نخستین روز از ماه دهم، قله‌های کوهها نمایان گشت.

۱:۸ "خدا" این واژه در واقع *Elohim* است. به یادداشت پیدایش ۱:۱ یا موضوع خاص ۲:۴ رجوع نمایید.

□ "به یاد آورد" این واژه (BDB 269, KB 269, *Qal Imperfect*) به شکلی استفاده شده که گویی خداوند در مقابل یک فرد، بر خورد شخصی می‌کند (رجوع شود به ۱:۸؛ ۱۵:۹؛ ۱۶؛ ۲۹:۱۹؛ ۳۰:۲۲). اکنون زمانی است که خداوند دوباره دست به کار شده زیرا این خصلت اوست. نوح سر منشا یک بشر جدید خواهد بود.

□ "نوح" این نام (BDB 629) معنی "آسودگی" نیز می‌تواند بدهد، ریشه‌ای بر اساس صوت دارد نه مطابق علم زبان‌شناسی.

□ "خدا بادی بر زمین وزانید" این فعل (BDB 716, KB 778) یک *Hiph'al Imperfect* است. خداوند از یک واقعه طبیعی دیگر برای سرعت دادن به روند خشک شدن آب حاصل از سیل استفاده کرد، ۷.2، همانطور که در خروج عمل کرد (خروج ۱۴:۲۱). این امکان وجود دارد که عمل خدا را در فصول ۸-۹ هم تراز با سایر اعمالش در فصل ۱ سنجید. این شروعی تازه برای نوع بشر است. در اینصورت، می‌توان باد را در اینجا با "روح خدا بر سطح آب‌ها" در پیدایش ۱:۲ یکی دانست.

□ "فروکش کرد" شبیه همین واژه (BDB 1013, KB 1491, *Qal Imperfect*) در ارتباط با خشم پادشاه در استر ۲:۲ بکار برده شده است.

۴:۸ "کوه آرات" این موضوع به سه روش توضیح داده شده است: (۱) کوهی در مرز ترکیه و روسیه؛ (۲) کوهی نزدیک دریاچه وان؛ (۳) این واژه به خودی خود اشاره به محدوده یک کوه کامل دارد (در زبان آشوری *Urartu*)، نه یک قله خاص (به استفاده جمع در لغت کوه‌ها توجه داشته باشید). / در متن آیه انگلیسی نوشته شده کوه‌های آرات / مترجم).

متن NASB (بروز شده): ۱۲-۶:۸

۶ پس از چهل روز، نوح پنجره‌ای را که برای کشتی ساخته بود، گشود^۷ و کلاغی را رها کرد. کلاغ به این سو و آن سو می‌رفت تا آن که زمین خشک شد. ۸ سپس کبوتری را از نزد خویش رها کرد تا ببیند آیا آب از روی زمین فروکش کرده است. ۹ ولی کبوتر نشیمنگاهی برای کف پاهای خود نیافت و نزد نوح به کشتی بازگشت، زیرا آب همهٔ سطح زمین را پوشانیده بود. پس او دست خود را دراز کرد و کبوتر را گرفت و آن را نزد خود به کشتی بازگردانید. ۱۰ نوح هفت روز دیگر درنگ کرد و دیگر بار کبوتر را از کشتی رها کرد. ۱۱ شامگاهان، کبوتر نزد او بازگشت، و اینک برگ زیتون تازه‌ای به منقار داشت. پس نوح دانست که آب از روی زمین کم شده است. ۱۲ او هفت روز دیگر نیز درنگ کرد و کبوتر را رها ساخت، و کبوتر دیگر نزد وی بازنگشت.

۶:۸ "چهل روز" معمولاً معنی این عبارت "یک دوره نامشخص و طولانی" است. در این متن، تاریخ‌ها خیلی مشخص هستند و می‌تواند احتمالاً معنی چهل را بطور دقیق بدهد.

□ "پنجره‌ای" این واژه (BDB 319) با واژه مبهم ۶:۱۶ (لغت "سقف" BDB 844I) متفاوت است. اندازه و محل آن مشخص نیست اما احتمالاً در سقف قرار داشته است.

۱۲-۸:۶ باید مراقب بود تا از نوع این پرندگان نمونه‌ای آورده نشود! یک مورد موازی با این موضوع در ادبیات بین‌النهرین (حماسه گیل‌گمش در ۱۱:۱۴۵-۵۵) وجود دارد که برای هم‌رویدادی خیلی خاص بنظر می‌رسد. به لحاظ ادبی یک ارتباط بین انجیل (پیدایش ۱:۱۱) و ادبیات بین‌النهرین وجود دارد.

متن NASB (بروز شده): ۸:۶-۱۲

۱۳ در ششصد و یکمین سال از زندگی نوح، در روز نخست از ماه نخست، آب از روی زمین خشک شد. آنگاه نوح سرپوش کشتی را برگرفت و دید که اینک سطح زمین خشک شده است. ۱۴ در روز بیست و هفتم از ماه دوم، زمین خشک شده بود. ۱۵ آنگاه خدا به نوح گفت: «از کشتی بیرون بیا، تو و زنت و پسرانت و زنان پسرانت همراه تو. ۱۶ همه جاندارانی را که با تو آمد، هر ذی‌جسدی را از پرندگان و چارپایان و همه خزندگانی که بر زمین می‌خزند، با خود بیرون آور تا بر زمین منتشر شده، در جهان بارور و کثیر گردند.» ۱۸ پس نوح با پسرانش و زنت و زنان پسرانش بیرون آمد. ۱۹ و همه وحوش، همه خزندگان، همه پرندگان، و هر آنچه بر زمین حرکت می‌کند، بر حسب خانواده‌هایشان، از کشتی به در آمدند.

۱۳:۸ "نوح سرپوش کشتی را برگرفت" بنظر می‌رسد منظور بخشی از سقف است (BDB 492). با وجود اینکه بعداً این واژه اشاره می‌کند به پوست حیوانی که میشکان را پوشانیده بوده، اما در اینجا بسختی می‌توان از مفهوم بکار برده شده دفاع کرد.

۱۵:۸ "خدا به نوح گفت" تمام این بخش از متن صبر و تبعیت نوح را تداعی می‌کند. دستورات خداوند (۸:۱۵-۱۹) مورد موازی آن ۷:۱-۵ می‌باشد.

۱۶:۸ "بیرون بیا" این اولین دستور خداوند است در vv.16-17.

۱. "بیرون بیا"، *Qal Imperative* (BDB 422, KB 425), v.16.

۲. "بیرون بیاور" *Hiphal Imperative* (BDB 422, KB 425) v.17.

۳. "به تعداد زیاد بار آور"، *Qal Perfect* اما به حالت *Imperative* استفاده شده است (BDB 1056, KB 1655), v.17.

۴. "بارور باش"، *Qal Perfect* که به حالت *Imperative* استفاده شده است (۹:۱، ۷ 953 KB 826 BDB), v.17.

۵. "کثیر کن" *Qal Perfect* که در حالت *Imperative* استفاده شده است (۹:۱، ۷ 1176 KB 915 BDB), v.17.

این دستورات، موارد موازی هستند با پیدایش ۱:۲۲، ۲۴. به نوعی، خداوند همه چیز را از اول شروع می‌کند. سیل به جز موجودات زنده درون کشتی، همه چیز را تخریب کرده بود. در اینجا مقصود اصلی خداوند ادامه یافته است (۶:۱۸).

۱۷:۸ این دستورات خداوند (همچنین ۱:۹) موارد موازی هستند با پیدایش ۱:۲۲، ۲۴. رجوع شود به نظرات متنی در ابتدای همین فصل.

متن NASB (بروز شده): ۸:۲۰-۲۲

۲۰ آنگاه نوح مذبحی برای خداوند بنا کرد و از همه چارپایان طاهر و از همه پرندگان طاهر گرفته، قربانیهای تمام‌سوز بر مذبح تقدیم کرد. ۲۱ و رایحه خوشایند به مشام خداوند رسید و خداوند در دل خود گفت: «دیگر هرگز زمین را به سبب انسان لعنت نخواهم کرد، هرچند که نیت دل انسان از جوانی بد است. و دیگر هرگز همه جانداران را هلاک نخواهم کرد، چنانکه کردم.

۲۲ «تا زمانی که جهان باقی است،

کشت و درو،

سرما و گرما،

تابستان و زمستان،

و روز و شب،

باز نخواهد ایستاد.»

۲۰:۸ "نوح مذبحی بنا کرد" اولین کارش مربوط بود به نیایش و شکرگذاری. قربانی کردن یکی از رسوم باستانی است (۴:۳؛ ۷:۱۲؛ ۸:۱۳؛ ۱۸:۲۲؛ ۱۹). این کار همچنین اولین کار گیل‌گمش پس از سیل در آن حماسه بود (۱۱:۱۵۶-۱۵۸).

□ "همه پرندگان طاهر" ضوابط تشخیص پاکی یا ناپاکی مشخص نیست (۷:۲)، اما روشن است که این بحث ارتباط با قربانی کردن دارد نه حد و حدود مربوط به رژیم غذایی (لاویان ۱۱؛ تثنیه ۱۴).

□ "زایحه خوشایند به مشام خداوند رسید" این فراز در حالی استفاده شده است که حس پذیرش یک پیشکش را درون خود دارد (بخصوص در لاویان و اعداد). اینگونه بیان نمی‌گردد که گوشت، خوراکی برای خدا بود است آنگونه که در حماسه گیل‌گمش عنوان شده است (۱۱: ۱۵۹-۱۶۱). انجیل، آنگونه که در میان ملت‌های اطراف رایج بوده، هرگز نظام قربانی کردن بعنوان فراهم کردن خوراک برای خدا را بررسی نمی‌کند.

□ "دیگر هرگز زمین را به سبب انسان لعنت نخواهم کرد... هرگز همه جانداران را هلاک نخواهم کرد" این جملات نشان می‌دهد که چقدر در دل خداوند برای مخلوقش (اشعیا ۵۴: ۹) و قضاوتی کرده است، آشوب است. بشر شریر و فاسد است اما خداوند می‌خواهد که در زمان لازم با ما باشد و همه چیز را در نهایت، مرتب کند (آخرین روزها). در این داوری، طرز برخورد خداوند با انسان گناهکار تغییر کرده است. انسان هنوز سرکش است. برخورد خداوند باز هم تغییر خواهد کرد اما زمانی که مردم قادر به اجابت فرامین موسی نباشند. خداوند پیمانی جدید خواهد ساخت (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ جزقیال ۳۶: ۲۷-۳۸). انسان‌ها فقط از طریق عیسی و کاری کرد و منتهی به قربانی شدن خود کرد، می‌توانند همه چیز را مرتب کنند. با اینحال کاملاً درست است که خداوند قول داد تا دیگر سیلی نفرستد، ۲ پطرس ۳: ۱۰ تصریح می‌کند که خداوند زمین را با آتش خالص می‌کند. خداوند با انسان گناهکار همکاری می‌کند اما هدف اورستگاری انسان است (لاویان ۱۹: ۲؛ متی ۵: ۴۸).

□ "نیت دل انسان از جوانی بد است" شیطان تا پیش از طوفان کاملاً مشهود بود (۶: ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۳) و هنوز در انسان رانده شده از عدن وجود دارد، بگونه‌ای که نوح و خانواده‌اش بوضوح نشان خواهند داد! ۲۲: ۸ این ثبات در طبیعت است که باعث شده علوم جدید غربی گسترش پیدا کند. خداوند همدیس‌گرایی را بوجود آورد (فعالیت‌های یکنواخت و متحدالشکل در طبیعت). با اینحال، به فراز آغازین توجه کنید "تا زمانی که جهان باقی است". آیه ۲۲ در ترجمان انگلیسی در قالب شعر نوشته شده است. (در ترجمه انگلیسی، بجای جهان از کلمه زمین استفاده شده است/ مترجم).

پیدایش ۹: ۱-۲۹

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
میثاق رنگین کمان	عهد خدا با آفرینش (۸: ۲۰-۹: ۱۷)	عهد خدا با نوح	عهد خدا با نوح	نظم جهانی جدید
۷-۱:۹	۷-۱:۹	۷-۱:۹	۷-۱:۹	۷-۱:۹
(۶-۷)	(۶-۷)	(۶)	۷:۹	(۶)
۱۷-۸:۹	۱۷-۸:۹	۱۷-۸:۹	۱۷-۸:۹	۱۱-۸:۹
				۱۶-۱۲۸:۹
				۱۷:۹
	نوح و پسرانش	نفرین نوح بر کنعان	نوح و پسرانش	نوح و پسرانش
۱۹-۱۸:۹	۱۹-۱۸:۹	۱۹-۱۸:۹	۱۹-۱۸:۹	۱۹-۱۸:۹
۲۷-۲۰:۹	۲۳-۲۰:۹	۲۷-۲۰:۹	۲۷-۲۰:۹	۲۷-۲۰:۹
(۲۵-۲۷)	۲۷-۲۴:۹	(۲۵-۲۷)	(۲۵-۲۷)	(۲۵-۲۷)
	(۲۵-۲۷)			
۲۹-۲۸:۹	۲۹-۲۸:۹	۲۹-۲۸:۹	۲۹-۲۸:۹	۲۹-۲۸:۹

مطالعه حلقه سوم (به صفحه vii رجوع شود)

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۹. پاراگراف اول
۱۰. پاراگراف دوم
۱۱. پاراگراف سوم
۱۲. غیره

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۷-۱:۹

۱ آنگاه خدا نوح و پسرانش را برکت داد و به ایشان فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید. ۲ ترس و هیبت شما بر همه جانوران زمین و بر همه پرندگان آسمان و بر هر آنچه بر زمین می خزد و بر همه ماهیان دریا خواهد بود؛ آنها به دستان شما سپرده شده اند. ۳ هر جنبنده ای که حیات دارد، خوراک شما خواهد بود. همان گونه که گیاهان سبز را به شما دادم، اکنون همه چیز را به شما می بخشم. ۴ اما گوشت را با حیاتش که خون آن باشد، مخورید. ۵ به یقین تاوان خون شما را که حیات در آن است باز خواهیم ستانید: از هر جانوری آن را باز خواهیم ستانید. تاوان جان انسان را از دست هموعش نیز باز خواهیم ستانید.

۶ «هر که خون انسان ریزد،

خونش به دست انسان ریخته شود؛

زیرا خدا انسان را به صورت خود ساخت.
و اما شما، بارور و کثیر شوید؛ بر زمین منتشر گردید و در آن بیفزایید.»

«بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید» توجه داشته باشید که در اینجا سه *Qal Imperative* استفاده شده است: «بارور شوید» (BDB 826, KB 963)، «کثیر شوید» (BDB 915, KB 1176)، «زمین را پر سازید» (BDB 569, KB 853). این دومین شروع برای نوع بشر است (رجوع شود به ۱: ۲۸)، اما متوجه باشید که گناه باعث تغییر بزرگی در دستور گردیده است، عبارت «بر آن تسلط یابید» اکنون از جمله حذف گردیده است.

۲:۹ «ترس... هیبت» (در متن انگلیسی بجای هیبت، لغت **Terror** بکار برده شده که معنی هیبت نمی دهد) انسان ارتباط جدیدی با حیوانات برقرار کرده است. آن دوستی صلح میان انسان و حیوان در عدن (اشعیا ۱۱) اکنون تبدیل به ترس (BDB 432) و وحشت (BDB 369) گردیده است. نسخه یونانی کتاب مقدس لغت «احشام» را نیز به آیه اضافه کرده است اما شامل حیوانات اهلی نمی گردد.

۳:۹ «هر جنبنده ای که حیات دارد، خوراک شما خواهد بود» بشر در اصل گیاهخوار بوده است (حداقل در باغ عدن) اما از زمان خروج از عدن و از آنجاییکه تا مدتی هیچ گیاهی نمی توانستند بکارند، گوشت در دسترس آنان بود. همینطور توجه داشته باشید که در آن زمان هیچ مرز مشخصی برای تفکیک پاکی و ناپاکی حیوانات جهت مصرف وجود نداشت (بسیار متفاوت با آنچه در لاویان ۱۱ وجود داشت)، اما برای قربانی کردن، این مرز وجود داشت (رجوع شود به ۲:۷).

۴:۹ «اما گوشت را با حیانتش که خون آن باشد، مخورید» اهمیت مرگ عیسی مسیح به همراه این آیه، بنیان الهیاتی نظام قربانی کردن است (لاویان ۱۶-۱۷: ۱۰؛ تثنیه ۱۲: ۱۶، ۲۳؛ اعمال ۱۵: ۲۹). گناه به قیمت یک زندگی تمام شد. خداوند در نهایت شفقت، حیوانی را جایگزین کرد.

۵-۹ «خونش به دست انسان ریخته شود» این اعلام اولین حکم قضایی «چشم در مقابل چشم» است. نشان دهنده اجرای فرمان حق قصاص توسط دولت ها از جانب خداوند است. در عهد عتیق، این امر توسط یک «ولی» انجام پذیرفت (لاویان ۲۵: ۲۵-۲۸). شبیه موارد موجود در عهد جدید را می توانید در اعمال ۱۱: ۲۵ و رومیان ۴: ۱۳ ببینید.

آیه ۵ به زبان نثر نوشته شده است در حالیکه در ۷.۶ شعر گونه دو بیتی آورده شده است.

یک احتمال وجود دارد که نوع استفاده از لغت عبری لغت خون (*dam*) و انسان (*adam*) در ریشه شناسی آن تفاوت بوجود آورده باشد. در زبان آشوری واژه انسان (*adamu*) به جایگاهی مقدس ارتباط پیدا می کند. بنابراین، احتمال دارد که ارتباطی میان خون-نیایش-بشر وجود داشته باشد (رجوع شود به کتاب *Synonyms of the Old Testament* نوشته Robert B. Girdlestone صفحه ۴۵).

□ «زیرا خدا انسان را به صورت خود ساخت» این ارجحیت بشر انسانی را نشان می دهد (۱: ۲۶، ۲۷؛ ۱: ۵، ۳). عجب افتخار و مسئولیت خارق العاده ای.

۷:۹ «بر زمین منتشر گردید» این دستور هم تراز است با آیات ۱: ۲۲، ۲۴، ۲۸. فصل های ۸-۹ شکل دهنده راه اندازی مجدد آرزوی خداوند و فعالیت هایش برای بشر در پیدایش ۱ است. این آیه چهار *Qal Imperative* در خود دارد، در حالیکه ۷.۱ فقط سه تا دارد. عالمان یهود می گویند که بخاطر محتوای قتل (۷.۵-۶) آنهایی که از دنیا آوردن فرزندان اجتناب می ورزند نیز این فرمان را زیر پا می گذارند.

متن NASB (بروز شده): ۱۷-۸:۹

۸ سپس خدا، نوح و پسرانش را با وی خطاب کرده، گفت: ۹ «اینک من عهد خویش را با شما و پس از شما با فرزندان شما استوار می سازم، ۱۰ و نیز با هر جاننداری که با شما باشد، از پرندگان و چارپایان و همه جانوران زمین، یعنی با همه آنها که از کشتی بیرون آمدند؛ این برای همه جانوران زمین خواهد بود. ۱۱ من عهد خود را با شما استوار می گردانم که دیگر هرگز هر ذی جسد به آب توفان هلاک نشود، و دیگر هرگز توفانی نباشد که همه زمین را ویران کند.» ۱۲ و خدا گفت: «این است نشان عهدی که من میان خود و شما و هر جاننداری که با شماست، برای همه نسلهای آینده می بندم. ۱۳ رنگین کمان خود را در ابر قرار داده ام، و آن نشان عهدی خواهد بود که میان من و زمین است. ۱۴ هرگاه ابرها را بر فراز زمین بگسترانم و رنگین کمان در ابرها پدیدار شود، ۱۵ آنگاه عهد خود را با شما و هر جاندار ذی جسد به یاد خواهم آورد. و آنها دیگر هرگز سیل نخواهد شد تا هر ذی جسد را هلاک کند. ۱۶ هرگاه رنگین کمان در ابرها پدیدار شود، آن را خواهم دید و عهد جاودانی میان خدا و

هر جاندار ذی جسد را که بر زمین است به یاد خواهیم آورد.»^{۱۷} پس خدا به نوح فرمود: «این است نشان عهده‌ی که در میان خود و هر ذی جسدی که بر زمین است، استوار ساخته‌ام.»

۹:۹: «من ... شما استوار می‌سازم» این پیمان شرطی نیست و کاملاً از روی رافت خداوند است (۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷). سایر پیمان‌ها شامل آنچه با آدم و ابراهیم منعقد گردیده بود، همگی شرطی بودند. به موضوع خاص: پیمان در پیدایش ۱۸:۶ رجوع نمایید.

۱۲:۹: «برای همهٔ نسل‌های آینده» همه (olam)، آنگونه که در v.16 آورده شده، معنی «بی‌پایان» می‌دهد. به موضوع خاص ۲۲:۳ رجوع نمایید. راشی نیز متذکر شده است که «نسل‌ها» در متن عبری اشتباه نوشته شده است. وی اینگونه ترجمه می‌کند که این آیه یعنی پیمان فقط برای نسل‌هایی است که ایمان ناقص خواهند داشت.

۱۳:۹: «رنگین کمان... نشان» ممکن است این اولین باری باشد که رنگین کمان در اینجا ظاهر می‌گردد. پیدایش ۲:۵-۶ می‌گوید که آب ریزش به اشکال گوناگون از باران حاصل گردید بود (همچون مه در سطح زمین). این امکان وجود دارد که کمان (BDB 905) سلاحی بود که خداوند بر زمین گذاشت (یعنی خداوند انسان را با قضاوتش نابود نخواهد کرد). در دوران باستان، کمان نشانی بود برای صلح. این احتمال هم وجود دارد که خداوند معنی جدیدی برای یک رویداد فیزیکی رایج بوجود آورده باشد.

۱۵:۹: «به یاد خواهیم آورد» کمان یک نشان بود برای خداوند و بشر. این بخش از آیه نشان دهنده حقیقت کلام است که خداوند فراموش نمی‌کند (شبیبه مفهوم «کتاب زندگی» و «کتاب کردار»).

□ «آبها دیگر هرگز سیل نخواهد شد تا هر ذی جسد را هلاک کند» این آیه به معنی نیست که دیگر سیلی جاری نخواهد شد، بلکه به این معنی است که سیل جهانی که تمام حیات بشر و حیوانات را نابود کند بوقوع نخواهد پیوست.

متن NASB (بروز شده): ۱۸:۹-۱۹

۱۸ پسران نوح که از کشتی بیرون آمدند، سام و حام و یافث بودند. حام پدر کنعان بود.^{۱۹} اینان سه پسر نوح بودند و مردمان تمامی جهان از ایشان منشعب شدند.

۱۸:۹: «سام» معنی این نام به لحاظ علم ریشه شناسی «پر آوازه» یا «نام» است (BDB 1028 II).

□ «حام» این نام می‌تواند معنی «داغ» هم داشته باشد (KB 325 II). این نام احتمالاً از یک اسم مصری (زمین‌های داغ) سرچشمه گرفته است.

□ «یافث» ریشه این نام می‌تواند «بسط دهنده» یا «بزرگ شده» باشد (BDB 834) همچنین نوعی بازی با لغات در زبان عبری در vv.22).

□ «کنعان» به احتمال زیاد وی (BDB 488) به دو دلیل عنوان گردیده است: (۱) مستی نوح و نفرین بوجود آمده از نتیجه این مستی بر روی کنعان اثر گذاشته است و یا (۲) کنعانیان مشکل بزرگ الهیاتی اسرائیل در سال‌های بعد می‌گردند.

۱۹:۹: این آیه مکرراً مقصود خداوند را بیان می‌کند (پر کردن زمین). برج بابل در جهت مستقیم این انحراف بود.

جالب است که در مطالعات انجام شده امروزی بر روی میتوکندری DNA به این نتیجه رسیده شده است که انسان اولیه از شمال آفریقا می‌آید در حالیکه علم زبان‌شناسی تاریخی ثابت کرده است که زبان تمامی انسان‌ها از شمال هندوستان شروع گردیده است. توجه داشته باشید که چگونه این جغرافیا به دوره انجیل نزدیک می‌باشد.

بوضوح تمام نسل‌های مختلف بشر در ارتباط مستقیم با نسل‌های این سه برادر می‌باشند. تحقیقات امروزی بر روی DNA نشان داده است که انسان‌ها از تمام نسل‌ها از این ریشه ژنتیکی برخوردار هستند!

متن NASB (بروز شده): ۲۰-۲۷

۲۰: نوح به کشتکاری زمین آغاز کرد، و تاکستانی عَرَس نمود. ^{۲۱} او از شراب آن نوشیده، مست شد و خود را در میان خیمهٔ خویش برهنه ساخت. ^{۲۲} حام، پدر کنعان، برهنگی پدر را دید و دو برادر خویش را در بیرون خبر داد. ^{۲۳} پس سام و یافث ردایی برگرفته، آن را بر شانه‌های خویش افکندند و پس پس رفته، برهنگی پدر خود را پوشانیدند. ایشان روی به جانب دیگر داشتند و برهنگی پدر را ندیدند. ^{۲۴} چون نوح از مستی خود به هوش آمد و دریافت که پسر کوچکتر با وی چه کرده است، ^{۲۵} گفت: «لعنت بر کنعان! برادران خود را بندهٔ بندگان باشد.» ^{۲۶}

نیز گفت: «متبارک باد پیوه، خدای سام! کنعان بنده او باشد. ۲۷ خدا یافت را وسعت بخشید. او در خیمه‌های سام ساکن شود، و کنعان بنده او باشد.»

۲۰:۹ "نوح به کشتکاری زمین آغاز کرد" ظاهراً ترجمه‌های NASB و RSV خیلی زیاد بر روی کلمات عبری تمرکز می‌کنند؛ نوح اولین کشاورز نبود - پس قائل چه بود (۲:۴) یا لمک (۲۹:۵)؟ ترجمه NRXV از نوح بعنوان "نوح، مرد خاک" نام برده است.

۲۱:۹ "مست شد" بارها و بارها مستی (BDB 1016 I, KB 1500) در متن انجیل مورد رقت قرار گرفته است. با اینحال، مشکل از شراب نیست، بلکه کاربرد اشتباه آن توسط انسان است (تثنیه ۱۴:۲۶؛ مزمور ۱۰۴:۱۵؛ امثال ۳۱:۶-۷).

موضوع خاص: شراب و نوشیدنی سنگین (Special Topic: Wine and Strong Drink)

I. واژگان انجیلی

A. عهد عتیق

۱. *Yayin* - این واژه عمومی برای "شراب" بوده که ۱۴۱ بار استفاده شده است (BDB 406). ریشه آن مشخص نیست زیرا از یک ریشه عبری نیامده است. همیشه معنی آب میوه تخمیر شده، معمولاً انگور می‌دهد. نمونه‌های آن را می‌توان در پیدایش ۹:۲۱، خروج ۲۹:۴۰ و یا اعداد ۱۵:۵، ۱۰ دید.

۲. *Tirosh* - این "شراب جدید" است (BDB 440). با اینحال، بدلیل شرایط اقلیمی در شرق نزدیک، مرحله تخمیر شش ساعت پس از گرفتن آب میوه شروع می‌گردد. این واژه به شرابی اشاره دارد که در مرحله تخمیر قرار دارد. برای نمونه می‌توانید به آیات تثنیه ۱۲:۱۷؛ اشعیا ۴:۱۸؛ اشعیا ۶۲:۸، ۹؛ هوشع ۱۱:۴ مراجعه نمایید.

۳. *Asis* - یوئیل ۱:۵ و اشعیا ۴۹:۲۶ به روشنی الکی بودن آن را نشان می‌دهند (BDB 779).

۴. *Sekar* - این واژه معنی "نوشیدنی قوی" می‌دهد (BDB 1016، اشعیا ۵:۱). برای بالا بردن میزان الکل، به آن افزودنی اضافه می‌گردد. ریشه عبری مشابه آن برای واژگان "مست" یا "میخواره" استفاده می‌شود.

B. عهد جدید

۱. *Oinos* - معادل یونانی *yayin* (امثال ۲۰:۱؛ ۳۱:۶؛ اشعیا ۲۸:۷)

۲. *Neos oinos* (شراب جدید) - معادل یونانی *tirosh* (مرقس ۲:۲۲)

۳. *Gleuchos* (شراب شیرین) - شرابی که در مرحله اولیه تخمیر باشد (اعمال ۲:۱۳).

II. تخمیر

A. عمل تخمیر خیلی زود شروع می‌گردد، عموماً در اولین روز (۶ ساعت بعد از آگیری از میوه).

B. بر اساس سنت یهودیان، وقتی کف نازکی بر روی سطح ظاهر می‌گردد، مشمول قانون ده یک شراب می‌گردد (Ma aseroth 7:1).

C. تخمیر اولیه در طول یک هفته به پایان می‌رسد.

D. تخمیر دوم حدود چهل روز بطول خواهد انجامید. در این مرحله شراب قدیمی محسوب گردیده و می‌توان آن را به محراب فرستاد (Edhuyyoth 1:6).

E. شرابی که ته‌نشین شده نگهداری شود، خوب محسوب گردد اما قبل از استفاده باید خیلی خوب از صافی عبور داده شود.

F. طولانی‌ترین زمانی که شراب باید نگهداری شود سه سال است. در آن زمان "شراب کهنه" نامیده می‌شود. معمولاً یک سال پس از تخمیر آن را شراب عالی می‌نامند.

G. فقط در یکصد سال گذشته و آن هم با افزودنی‌های شیمیایی و شرایط استریل بوده است که امکان تعویق دوره تخمیر بوجود آمده است.

III. کاربردهای انجیلی

A. عهد عتیق

۱. شراب هدیه خداوند است (پیدایش ۲۷:۲۸؛ مزمور ۱۰۴:۱۴-۱۵؛ جامعه ۷:۹؛ هوشع ۲:۸-۹؛ یوئیل ۲:۱۹، ۲۴؛ عاموس ۹:۱۳؛ زکریا ۷:۱۰).

۲. شراب بخشی از برنامه قربانی کردن است (خروج ۲۹:۴۰؛ لاویان ۲۳:۱۳؛ اعداد ۱۵:۷، ۱۰؛ ۲۸:۱۴؛ داوران ۹:۱۳).

۳. شراب در مراسم اسرائیلیان استفاده می‌گردید (تثنیه ۱۴:۲۶)
۴. شراب مصرف دارویی داشته است (۲ ساموئیل ۱۶:۲؛ امثال ۳۱:۶-۷).
۵. شراب می‌تواند مشکل بزرگی نیز باشد (نوح در سفر پیدایش ۹:۲۱؛ لوت در پیدایش ۱۹:۳۳، ۳۵؛ سامسون در داوران ۱۶:۱۹؛ نابل دار اول ساموئیل ۲۵:۳۶؛ اوریاه در دوم ساموئیل ۱۱:۱۳؛ آمون در دوم ساموئیل ۱۳:۲۸؛ ایلا در اول پادشاهان ۲۰:۱۲؛ عاموس ۶:۶؛ خانم‌ها در عاموس ۴)
۶. هشیاری در مقابل سو استفاده برای شراب در این آیات آورده شده است (امثال ۱:۲۰؛ ۲۳:۲۰-۲۱، ۲۹-۳۵؛ ۳۱:۴-۵؛ اشعیا ۵:۱۱، ۲۲؛ ۱۴:۱۹؛ ۲۸:۷-۸؛ هوشع ۴:۱۱).
۷. شراب برای گروه‌های خاصی ممنوع شده است (کشیش‌های در حال انجام وظیفه، لاویان ۱۰:۹؛ جزقیال ۴۴:۲۱؛ نذر نذیره، اعداد ۶؛ شاهان در امثال ۳۱:۴-۵؛ اشعیا ۵۶:۱۱-۱۲؛ هوشع ۷:۵).
۸. شراب در دستورات مربوط به مرگ و قیامت استفاده شده است (عاموس ۹:۱۳؛ یوئیل ۳:۱۸؛ زکریا ۹:۱۷).
- B. دوران مابین عهد عتیق و عهد جدید
۱. شراب در میانه‌روی بسیار مفید است (Ecclesiasticus 31:27:30).
۲. ربیان می‌گویند "شراب بهترین دارو است، در جاییکه شراب موجود نیست، بعد باید به دارو مراجعه کرد" (BB 58b).
۳. مخلوط شراب و آب خطرناک نیست، اما خوشمزه بوده و شادی فرد را افزون می‌کند (Macc. 15:39).
- C. عهد جدید
۱. عیسی آب را به شراب تبدیل کرد (یوحنا ۲:۱-۱۱).
۲. عیسی از شراب استفاده کرد (متی ۱۱:۱۶، ۱۸-۱۹؛ لوقا ۷:۳۳-۳۴؛ ۲۲:۱۷)
۳. پطرس در روز پنطیکاست به مستی حاصل از خورد "شراب تازه" متهم گردید (اعمال ۲:۱۳)
۴. شراب مصرف دارویی داشت (مرقس ۱۵:۲۳؛ لوقا ۱۰:۳۴؛ اول تیموتائوس ۵:۲۳).
۵. رهبران نباید سو استفاده کننده باشند. این به معنی منع کامل مشروبات نیست (اول تیموتائوس ۳:۳، ۸؛ تیتوس ۱:۷؛ ۲:۲؛ اول پطرس ۴:۳).
۶. شراب در دستورات مربوط به مرگ و قیامت استفاده شده است (متی ۲۲:۱؛ مکاشفه ۹:۱۹).
۷. مستی مورد نکوهش واقع گردیده است (متی ۲۴:۴۹؛ لوقا ۱۱:۴۵؛ ۲۱:۳۴؛ اول قرنطیان ۵:۱۱-۱۳؛ ۶:۱۰؛ قلاطیان ۵:۲۱؛ اول پطرس ۴:۳؛ رومیان ۱۳:۱-۱۴).
- IV. دیدگاه الهیاتی
- A. تنش دیالکتیکی
۱. شراب هدیه‌ای الهی است
۲. مستی مشکل بزرگیست
۳. سرمشق ما عیسی است (متی ۱۵:۱-۲۰؛ مرقس ۷:۱-۲۳؛ رومیان ۱۴؛ اول قرنطیان ۸:۷-۱۳).
- B. تمایل به عبور از مرزهای خدادادی
۱. خداوند سر منشأ همه چیزهای خوب است
۲. انسان از تمام نعمات خداوند بوسیله عبور از مرزهای مشخص شده، سو استفاده کرده است.
- C. کاربرد غلط و سو استفاده در درون ما است نه درون اشیا. هیچ چیز شیطانی در خلقت فیزیکی نیست (رومیان ۱۴:۱۴، ۲۰).

۲۲:۹ "برهنگی پدر را دید و دو برادر خویش را در بیرون خبر داد" گناه حام (۱) بی‌حرمتی به پدر یا (۲) نوعی عمل جنسی بود (لاویان ۱۸:۶، ۷). عبرانیان نسبت به برهنگی بسیار حساس بودند.

در یک حالت الهیاتی، این عمل در امتداد داستان اخراج از عدن ارزیابی می‌شود. نوح مست بود! حام بشدت از حماقت و برهنگی پدرش لذت می‌برد! این گرایش به هتک حرمت و سو استفاده جنسی در نسل کنعان بسیار مشهود است. این تمایلات باید نسبت به نوح باشد که کنعان را نفرین کرد نه حام. بعنوان ختم کلام باید گفت که این بخش هیچ ارتباطی با نزول ارزش انجیلی نسل سیاه پوست ندارد. آفریقاییان مطمئناً از نسل حام آمده‌اند اما کنعانیان سیاه پوست نبودند (تصاویر دیوارهای مصر گویای این موضوع هستند)!

۲۴:۹ "نوح... می‌دانست" او می‌دانست چرا که احتمالاً پرسش را مطرح کرده بود، اما احتمال دارد به دلیل پوششی بود که سام و یافث بر روی او قرار دادند.

□ "پسر کوچکتر" مفهوم عبری نیروی کلام را در پیدایش ۱ بیاد آورد، همینطور اهمیت برکت والدین در پیدایش ۴۹.

□ "لعنت بر کنعان" این فعل (BDB 76, KB 91) یک *Qal Passive Participle* است. ربیان می‌گویند ابتدا کنعان برهنگی نوح را دید و به پدرش حام گفت، اما نوح احتمالاً این شاهد را بخشی از بی‌حرمتی در شخصیت پسر جواتر حام دید، و یا کنعان، پسر جواتر، راهی است برای اشاره به تمامی نسل حام. توجه داشته باشید که این نفرین الهی نیست بلکه حاصل کاربرد اشتباه الکل توسط نوح است!

از تاریخ دوران بعدتر اسرائیل اینگونه برداشت می‌شود که کنعانیان مردمانی بت پرست و شیطانی شناخته می‌شدند که باید نابود می‌گردیدند. در زمین‌هایشان گول‌ها هنوز زنده هستند. در کتاب لاویان حاصلخیزی برای آنان ممنوع شده است.

موضوع خاص: نژادپرستی (Special Topic: Racism)

I. مقدمه

- A. این یک تجلی جهانی بوسیله انسان اخراج شده از عدن در جامعه خود است. این نَفَس بشر است که از خود محافظت می‌کند. نژادپرستی، به اشکال گوناگون، پدیده‌ای امروزی بوده، در حالیکه ملی‌گرایی (یا ایل‌گرایی) بیشتر به عهد باستان بر می‌گردد.
- B. ملی‌گرایی از بابل شروع شد (پیدایش ۱۱) و در ابتدا ارتباط پیدا کرد با سه فرزند نوح که از طریق آنان نژادها آغاز گردیدند (پیدایش ۱۰). با اینحال، از متن اینطور بر می‌آید که انسان از یک منبع سرچشمه می‌گیرد (پیدایش ۱-۳؛ اعمال ۱۷: ۲۴-۲۶).
- C. نژادپرستی یکی از تبعیض‌ها است. برخی دیگر (۱) افاده‌های تحصیلی؛ (۲) تکبرهای اقتصادی-اجتماعی؛ (۳) افراد مذهبی تندرو که فقط خود را محق و با تقوی می‌دانند؛ و (۴) سیاستمداران دگم‌اندیش.

II. موارد انجیلی

A. عهد عتیق

۱. پیدایش ۱: ۲۷- بشریت، مرد و زن، از تصویر خداوند ساخته شده‌اند که همین امر آنان را منحصر بفرد می‌کند. این امر همچنین ارزش شخصی و منزلت آنان را نشان می‌دهد (یوحنا ۳: ۱۶).
۲. پیدایش ۱۱: ۱-۲۵ این فراز را، "... بر اساس نوع خود..." ده مرتبه ثبت کرده است. البته روشن است که این بخش از متن به حیوانات و گیاهان اشاره دارد نه بشر.
۳. پیدایش ۹: ۱۸-۲۷ - این آیات برای غلبه نژادی استفاده شده است. باید به خاطر داشت که خداوند کنعان را نفرین نکرد. نوح، پدرش، پس از هوشیاری از مستی وی را مورد لعن قرار داد. در هیچ کجای انجیل ذکر نشده است که خداوند این نفرین را تأیید کرده باشد. حتی با وجود این نفرین، نژاد سیاه تحت تاثیر آن قرار نگرفت. کنعان پدر آنانی بود که در فلسطین سکنی داشتند و دیوار نوشته‌های مصریان نشان می‌دهد که آنان سیاه پوست نبودند.
۴. یوشع ۹: ۲۳ - از این آیه به منظور اثبات خدمت‌گذاری یک قوم بر دیگران استفاده شده است. با اینحال، جبعونیان همچون یهودیان از یک نژاد هستند.
۵. عزرا ۹: ۱-۱۰ و نحμία ۱۳ - این آیات اغلب در یک حالت نژادی اما به دلایل مذهبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند (آنان از نسل شیبیه فرزند نوح در پیدایش ۱۰ هستند).

B. عهد جدید

۱. اناجیل

- a. عیسی در چندین مورد از نفرت بین یهودیان و سامری‌ها استفاده کرد، که نشان می‌دهد که نفرت نژادی امری ناپسند است.
- (۱) نمونه داستان سامری نیکوکار (لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷)
 - (۲) زنی در چاه (یوحنا ۴: ۴)
 - (۳) جذامی شکرگذار (لوقا ۷: ۱۷-۱۹)
- b. اناجیل برای بشریت آمده است
- (۱) یوحنا ۳: ۱۶
 - (۲) لوقا ۲۴: ۴۶-۴۷
 - (۳) عبرانیان ۲: ۹
 - (۴) مکاشفه ۱۴: ۶

c. پادشاهی شامل تمام بشریت می‌گردد

(۱) لوقا ۱۳: ۲۹

(۲) مکاشفه ۵

۲. اعمال

a. اعمال ۱۰ پیام قطعی عشق جهانی خداوند و پیام جهانی اناجیل می‌باشد

b. پطرس بخاطر کاری که کرد در اعمال ۱۱ مورد تهاجم واقع شده بود و این مشکل تا تشکیل شورای اورشلیم در اعمال ۱۵

حل نگردید و نتیجه حاصل نشد. تنش میان یهودیان قرن اول و غیر یهودیان بسیار شدید بود.

۳. پولس

a. هیچ مانعی در زندگی با مسیح وجود ندارد

(۱) غلاطیان ۳: ۲۶-۲۸

(۲) افسسیان ۲: ۱۱-۲۲

(۳) کولسیان ۳: ۱۱

b. خداوند نسبت به افراد بی‌غرض است

(۱) رومیان ۲: ۱۱

(۲) افسسیان ۶: ۹

۴. پطرس و یعقوب

a. خداوند نسبت به افراد بی‌غرض است، ۱ پطرس ۱: ۱۷

b. مردم نیز همچون خداوند نباید موقع قضاوت جانب کسی را بگیرند، یعقوب ۲: ۱

۵. یوحنا

a. یکی از قوی‌ترین احکام مربوط به مسئولیت باورمندان در اول یوحنا ۴: ۲۰ یافت شده است.

III. نتیجه

A. نژادپرستی، یا در مواردی تبعیض از هر نوع و شکل، برای فرزندان خداوند امر پسندیده‌ای نیست. گفته‌ای را از Henlee Barnette

می‌آورم که در گلوریتای شهر نیومکزیکو در کنفرانس زندگی مسیحیان در سال ۱۹۶۴ بیان کرد.

”نژادپرستی امری غیر خدایی است زیرا بر خلاف انجیل و برخلاف مسیحیت است، حتی اگر جنبه غیر علمی بودن آن را نیز در نظر

نگریم.”

B. این معضل برای مسیحیان امکان نشان دادن عشق عیسی‌گونه، بخشش و درکشان نسبت به دنیایی که راهش را گم کرده، فراهم می‌کند.

امتناع در این حوزه نشان دهنده نپختگی فرد بوده و فرصتی نیز برای شیطان است تا به ایمان و رشد فرد باورمند حمله نماید. همینطور

می‌تواند بعنوان حصار باشد تا مردمان راه گم کرده، بسوی عیسی آورده شوند.

C. من چه می‌توانم بکنم؟ (این بخش از یکی از بروشورهای کنفرانس Christian Life Commission بنام ”وابستگی‌های نژادی“ بر

گرفته شده است.

”مرحله شخصی“

★ مسئولیت خود را در حال مشکلات ناشی از نژادپرستی بپذیرید.

★ از طریق دعا، مطالعه کتاب مقدس، و دوستی با دیگر نژادها، بکوشید تا خود را از تبعیض‌های نژادی رها سازید

★ محکومیت خود را درباره نژادپرستی بیان کنید، بخصوص در رابطه با آنانی که تنفر نژادی دارند.

در زندگی خانوادگی

★ اهمیت نقش نفوذ خانواده در توسعه دیدگاه‌ها در مقابل نژادهای دیگر را بپذیرید

★ بدنبال گسترش دیدگاه‌های مسیحی از طریق صحبت با کودکان و والدین آنان باشید و مشکلات خارج از خانه آنان را بشنوید.

★ والدین باید بعنوان یک مسیحی نمونه در ارتباط با مردمان سایر نژادها رفتار کنند.

★ بدنبال فرصت‌هایی باشید تا با خانواده‌های سایر نژادها طرح دوستی بریزید.

در کلیسا

★ با وعظ و آموزش حقایق انجیلی در ارتباط با نژاد، سعی کنید حصار کلیسا را تشویق کنید تا برای تمام جامعه نمونه‌ای باشند.

★ اطمینان حاصل کنید تا پرستش، دوستی و خدمت در کلیسا برای همه آزاد باشد، حتی کلیساهای عهد جدید هیچ مرزی میان نژادها بوجود نیاوردند (افسیسیان ۲: ۱۱-۲۲؛ غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹).

در زندگی روزمره

- ★ در محیط کار خود کمک کنید تا تبعیض‌های نژادی کنار گذاشته شود.
- ★ با کار در سازمان‌های اجتماعی، سعی کنید به هر شکل حق برابری و فرصت‌های شغلی را تثبیت کرده، و به یاد داشته باشید که این معضل نژادپرستی است که باید مورد هجوم قرار گیرد، نه مردم. هدف ترویج درک عمومی است نه بوجود آوردن تلخی.
- ★ اگر عاقلانه بنظر می‌رسد، کمیته‌ای ویژه از شهروندان مسئول را برای بازکردن خط ارتباطی در اجتماع برای موارد عمومی و خاص و به منظور بالابردن سطح روابط میان نژادها، سازماندهی کنید. از وضع قانون و قانونگذاران در برقراری عدالت‌های نژادی و در مخالفت با افرادی که به خاطر مقاصد سیاسی میان نژادها تبعیض قائل می‌شوند، پشتیبانی نمایید.
- ★ نیروی پلیس و مقاماتی که پشتیبان قوانین بدون تبعیض هستند را مورد ستایش قرار دهید.
- ★ از خشونت اجتناب ورزیده و به هر وسیله‌ای که یک شهروند مسیحی می‌تواند اطمینان حاصل کند که ساختار قانونی بعنوان ابزاری در دست افرادی که ممکن است مروج تبعیض باشند قرار نگیرد، احترام به قانون را ترویج کنید.
- ★ در تمام روابط انسانی خود، نمونه فکر و روح عیسی مسیح باشید.

□ "بندهٔ بندگان" این صفت مبالغه‌ای به مفهوم "حقیرترین خدمتگذار" در زبان عبری است. در زمان غلبه فلسطین توسط یوشع این امر تکمیل گردید!

۲۶:۹-۲۷ "متبارک باد" در این آیات Jussive هستند، سه قالب خاص و بیان در قالبی بر مبنای متن.

۲۶:۹ "یهوه" بنظر می‌رسد که از ابتدا کاربرد ویژه نام الهی (یادداشت ۲: ۴ را ببینید) برای برسمیت شناختن سام بعنوان خط مسیحایی بوده است (لوقا ۳: ۳۶).

□ "خدای سام" سام یعنی "نام" و ممکن است نوعی بازی با نام خاص خداوند، یهوه باشد (BDB 1028 II). سلسله سام، سلسله‌ای مسیحایی است. این در تضاد با ۴: ۱۱ می‌باشد.

۲۷:۹ "او در خیمه‌های سام ساکن شود" برخی (۱) این موضوع را از نگاه سیاسی ارزیابی می‌کنند، همچون غلبه رومیان یا فرهنگ اروپاییان و یا (۲) در یک حالت روحانی شامل غیر یهودیانی که مورد برکت یهودیان قرار گرفتند، که در عین حال بخشی از وعده ابراهیمی نیز بود (پیدایش ۱۲: ۳؛ افسسیان ۲: ۱۱-۱۳).

متن NASB (بروز شده): ۲۸:۹-۲۹

۲۸ نوح پس از توفان سیصد و پنجاه سال زندگی کرد. ۲۹ پس روزهای زندگی نوح به تمامی نهصد و پنجاه سال بود؛ و او مرد.

۲۹:۹ مرگ هنوز حکمرانی می‌کند (به فصل ۵ رجوع کنید)!

سوالات این بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. موضوع بیرون راندن انسان از عدن چگونه بر روی وعده خداوند با نوح اثر گذاشت؟
۲. آیا تنبیهات قومی حکم انجیلی محسوب می‌شوند؟
۳. آیا نوح نژاد سیاه پوست را نفرین کرد؟
۴. آیه ۲۷ اشاره به چه دارد؟

پیدایش ۱:۱۰-۳۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
نسل نوح	قوم حاصل از نوح	میز اقوام	نسل‌های پسران نوح	تولید جمعیت در زمین
۱:۱۰	۱:۱۰	۱:۱۰	۱:۱۰	۱:۱۰
۵-۲:۱۰		۵-۲:۱۰	۵-۲:۱۰	۵-۲:۱۰
				۵:۱۰
۱۴-۶:۱۰	۱۴-۶:۱۰	۱۴-۶:۱۰	۱۲-۶:۱۰	۷-۶:۱۰
			۱۴-۱۳:۱۰	۱۲-۸:۱۰
۲۰-۱۵:۱۰	۲۰-۱۵:۱۰	۲۰-۱۵:۱۰	۲۰-۱۵:۱۰	۱۴-۱۳:۱۰
				۱۹-۱۵:۱۰
				۲۰:۱۰
				۰/۴۳۱۲۵
				۲۳-۲۲:۱۰
				۳۰-۲۴:۱۰
				۳۱:۱۰
۳۲:۱۰	۳۲:۱۰	۳۲:۱۰	۳۲:۱۰	۳۲:۱۰

مطالعه حلقه سوم (به صفحه vii رجوع شود)

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

مقدمه

A. مقصود الهیاتی از این همه جزییات در ذات فصل ۱۰ چیست؟

۱. این نشان می‌دهد که خداوند در قبال تمام ملت‌ها احساس مسئولیت می‌کند. فصل ۱۱ به لحاظ تسلسل تاریخی اشکال دارد. بنظر می‌رسد که موضوع فصل ۱۰ فقط قضاوت نیست (۱:۱۱-۹)، بلکه در وحله اول مکمل آیات ۱:۲۸ و ۹:۱، ۷ از سفر پیدایش می‌باشد (بارور شوید و زمین را پر سازید).
۲. این ملت‌های مشابه همواره به پیامبران، بعنوان گروه‌هایی که یادآور قضاوت خداوند هستند ارجاع داده می‌شدند (اشعیا ۷:۲۳؛ ارمیا ۴۶:۵۱؛ جزقیال ۲۷:۳۰؛ ۳۸:۳۹).
۳. این فصل زمینه را برای فراخوان ابراهیم و نسل وی بعنوان نوعی پادشاهی کشیشان فراهم نموده تا دنیا را به سوی یهوه بیاورند (۳:۱۲؛ خروج ۱۹:۵-۶).

۴. این فصل بافت پیدایش را در پهناورتر کردن تمرکز بر روی خط مسیحایی دنبال می‌کند (۲۶:۹).
۵. بنظر می‌رسد که این فصل درباره ۷۰ گروه یاد شده باشد. ربیان می‌گویند ۷۰ زبان در دنیا وجود دارد، احتمالاً این را از تثنیه ۳۲:۵ می‌گویند. بسیاری لوقا ۱:۱۰ را به این موضوع وصل کرده تا از نفوذ جهانی مبلغین خبر خوش بگویند.
- B. چرا و چگونه این فصل مخالف تحقیقات مدرن نژادشناسی است؟
۱. تحقیقات مدرن مبتنی بر قواعد زبانی و گویشی بوده در حالیکه دوران انجیلی متمرکز بر داده‌های جغرافیایی می‌باشد. هم (۱) تاریخ و (۲) جابجایی‌های مردم هم از طریق مهاجرت و هم جنگ بر روی این اطلاعات جغرافیایی اثر می‌گذارند (جزقیال ۱۶:۳؛ هوشع ۱۲:۷).
 ۲. فرد باید ماهیت و ذات الهیات این دوران را در نظر داشته باشد
 - a. محدوده پوششی انتخابی
 - b. وحدت بشر (آدم و نوح)
 - c. اقوامی که دورتر از قوم بنی اسرائیل بودند کمتر درگیر می‌شدند (یا اصلاً درگیر نبودند)
 ۳. این فصل شامل اسامی جمع بسته شده زیادی است. این امر نشان می‌دهند که نیاکان ما پشت یک گروه می‌ایستادند. اغلب، گروه‌ها بیشتر از یک منطقه جغرافیایی را تصرف می‌کردند.
 ۴. این یک دوره غربی با جزئیات علمی نیست. ما گاهی فراموش می‌کنیم که این اولین تلاش برای آگاهی درباره چنین فهرستی است. میزان دقت آن بوسیله تعهد ما در قبال پیش‌فرض‌های کتاب مقدس تضمین می‌شود. با اینحال، بدین معنی هم نیست که متن کتاب باید همواره بطور کامل و درباره همه مناطق مطابق با ذهن غربی ما، اطلاعات در اختیار ما بگذارد. این اطلاعات در زمان خود بسیار دقیق بوده است!
 ۵. این فهرست، همچون تمام تورات، مورد تجدید نظر تحریری و بروز رسانی قرار گرفته است. بسیاری از اسامی این فهرست (بعنوان مثال Cimmerians, Scythians, Philistines, and Medes) تا ۱۵۰۰-۱۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در هیچیک از ادبیات دوران باستانی شرق نزدیک یافت نمی‌شوند.
 ۶. این امکان وجود دارد که بخاطر مردمان آسیا و پلی‌نزی^۹ و بموجب آن در نتیجه آمریکا) و بسیاری از مردمان آفریقا درگیر این موضوع نبودند، چرا که این فهرست ممکن است فقط شامل بخش‌هایی از تنوع نژادی قابل مشاهده امروزی باشد. چنانچه این موضوع صحت داشته باشد، پس می‌توان گفت که یک تعبیر الهیاتی است که می‌گوید نژادها به طور مستقیم از سه فرزند نوح نشأت گرفته‌اند.
- قرار نیست از یکی بودن انسان‌ها چیزی کسر گردد (موضوعی که مطالعات ژنتیکی اثبات نموده‌اند) که به روشنی در پیدایش ۱ و ۲ درباره اولین زوج بشر تسریح شده است.

C. ساختار

۱. یافت (۷۷.2-5) شمال بین‌النهرین، منطقه‌ای از اسپانیا تا دریای خزر را تصرف کرد
۲. حام (۷۷.6-20) جنوب بین‌النهرین، از آفریقا تا هندوستان را تصرف کرد.
۳. سام (۷۷.21ff) درگیر تصرفات بین‌النهرین توسط سامیان بود، از دریای مدیترانه تا هندوستان

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده) ۱:۱۰

^۱ این است تاریخچه نسل پسران نوح، سام و حام و یافث. برای ایشان پس از توفان، پسران زاده شدند.

۱:۱۰ "این است تاریخچه نسل" این بخش سه بار در متن فصول ۱۰ و ۱۱ تکرار شده است (۱:۱۰؛ ۱۱:۱۰؛ ۲۷). اینکار احتمالاً روش نویسنده برای بیان رئوس کلی کتاب یا انجامه نسخه بابلی و به منظور علامتگذاری لوح سفالی بخت میخی را بوده که هر دو باید در کنار یکدیگر دیده شوند.

□ "سام، حام و یافث" ترتیب فهرست کردن این نام‌ها در وحله اول به سن آنها ارتباطی ندارد بلکه یک ترتیب الهیاتی است، آنان که در خط مسیحایی هستند در ابتدا قرار گرفته و آنان که از این خط دورتر هستند، در انتها قرار می‌گیرند.

^۹ پلی‌نزی یا جزایر پلی‌نزی نام گروهی از ۱۰۰۰ جزیره در اقیانوس آرام است. این جزایر بخشی از قاره اقیانوسیه به شمار می‌آیند.

متن NASB (بروز شده) ۱۰:۲-۵

آپسران یافت: جومر، ماجوج، مدای، یوان، نوبال، ماشک و تیراس. آپسران جومر: آشکناز، ریفات و توجرمه. آپسران یوان: ایشه، ترشیش، کتیم و دودانیم. ۵ از اینان، مردمان ساحل نشین در سرزمینهای خود منشعب شدند، هر یک با زبان خویش، بر حسب طایفه و در قومهای خویش.

۲:۱۰ "جومر" این نام احتمالاً به کیمری‌ها بر می‌گردد (BDB 170)، که در ایلید هومر در فصل ۱۱:۱۳-۱۹ به آن اشاره شد. آنان در شمال آسیای صغیر مستقر شدند. این امکان وجود دارد که آنان به شمال کوچ کرده و گروه‌های اروپایی را تشکیل دادند. این موضوع را می‌توان در موارد مشابه در شمال آلمان مشاهده کرد، "Cimbi" و در ایالت "Wales"، "Cymri".

□ "ماجوج" در رابطه با این نام و ارتباطش با جزقیال ۳۹-۳۸ و رویدادهای آخر زمان، بحث‌های زیادی بوده است. با اینحال باید تسریح کرد که قبایل ماجوج (BDB 156)، در کنار ماشک و توبال با آسیای صغیر و سواحل دریای سیاه متصل است. کاملاً محتمل است که آنان به شمال کوچ کرده و بخشی از قبایل روسیه امروزی شدند. اما در دوران باستان، آنان به سرزمین موعود نزدیک‌تر بودند. بیشتر گفته می‌شود که ماجوج به سکاها^۱ در جنوبی‌ترین بخش دریای سیاه وصل است. این اطلاعات از Josephus بدست آمده است.

□ "مدای" گفته می‌شود که این نام به مدس (BDB 552) که در جنوب و جنوب غربی دریای خزر بوده اشاره دارد. مدس برای اسرائیل بسیار مهم بود زیرا با اتحاد با ایران، امپراطوری "نبوکدنصر دوم" را که منجر به حصر یهودیان گردید، سرنگون می‌کند.

□ "یوان" این نام (BDB 402) بنظر اشاره به ایونیا (جنوبی) در یونان دارد (دانیا ۸:۲۱؛ ۱۰:۲۰؛ ۱۱:۲). این گروه در زبان سانسکریت "Javana" هجی می‌شود؛ در زبان فارسی قدیم "Juna" و بر روی سنگ روزتا "Jounan" نوشته شده است. آنان نه تنها بعدها پادشاهی یونان را تشکیل می‌دهند، بلکه احتمالاً بخشی از مردمان دریای اژه را نیز بخود اختصاص می‌دهند (فینیقیان و فلسطینیان).

□ "توبال" بسیاری معتقدند که این نام (BDB 1063) به تیبریان‌ها در مرکز آسیای صغیر اشاره می‌کند. هم توبال و هم ماشک بعنوان کسانی که در آسیای صغیر مستقر شدند، در جزقیال ۳۸-۳۹ ظاهر گردیدند.

□ "ماشک" بسیاری می‌گویند که این نام یک قبیله است (BDB 604) که در جنوب و جنوب غربی دریای سیاه ساکن بودند (جزقیال ۲۷:۱۳؛ ۳۲:۲۶؛ ۳۸:۲؛ ۳۹:۱). این اطلاعات از هرودوت منتشر گردیده است.

□ "تیراس" چندین شناسه رایج در میان مفسرین برای این گروه آورده شده است (BDB 1066). بسیاری از این نام‌ها و مکان‌ها قطعیت ندارند. شناسه‌های ممکن عبارتند از (۱) تمدن اتروسک، تمدن پلاسجی‌ها در واقع دزدان دریایی در دریای اژه بودند، (۳) ژوزفیوس از تمدنی بنام تراکیان یاد می‌کند، و یا (۴) راشی که معتقد است این نام به پرشیا، ایران امروزی اشاره دارد.

۳:۱۰ "اشکناز" این نام (BDB 79) بعدها توسط یهودیان اروپا (آلمان) بوجود آمد. نظریه‌های موجود عبارتند از (۱) تمدن سکاها در نواحی آلمان امروزی؛ (۲) مردمان نزدیک به دریاچه ارومیه؛ و (۳) قبیله‌ای بتنیا در آسیای صغیر.

□ "ریفات" این نام منتسب به قبیله‌ای (BDB 937) نزدیک به رودخانه ریاس یا قبیله‌ای نزدیک به خلیج بوسفر می‌باشد.

□ "توگرمه" اینان (BDB 1062) (۱) قبیله‌ای در ناحیه کاپادوکیه در آسیای صغیر؛ (۲) نزدیک شهر باستانی کارکمیش؛ و یا (۳) قبیله‌ای در فریگیه بودند. تمامی این سه احتمال در ترکیه امروزی می‌باشند.

۴:۱۰ "ایشه" گفته می‌شود که این نام (BDB 47) به اهالی بومی Cypress گفته می‌شود. از آنان در جزقیال ۲۷:۷ یاد شده است.

□ "ترشیش" با اینکه آبرایت این محل را در ساردنیا شناسایی کرد، اما بیشتر محققین امروزی آن را در جنوب اسپانیا (جایی حدود تارتسوس) تشخیص داده‌اند. در ۲ قرنطیان ۹:۲۱؛ مزمور ۷:۴۸؛ ۷۲:۱۰؛ یونس ۱:۳؛ ۴:۲ نیز از این نام یاد شده است.

□ "کتیم" نظر قطعی این است که این محل اشاره دارد به سواحل شرق Cypress (BDB 1076II).

^۱ سکاها دسته‌ای از مردمان کوچ‌نشین ایرانی‌تبار بودند که قدمتشان به پیش از هخامنشیان برمی‌گردد. آن‌ها در درازای تاریخی از درون آسیای میانه یعنی از ترکستان چین تا دریای آرال و خود ایران و از این نواحی با فاصله‌هایی تا رود دن و از این رود تا رود عظیم دانوب پراکنده بودند.

□ "دودانیم" بسیاری تسریح می‌کنند که شباهت میان دو لغت عبری 'د' (7) و 'ز' (7) این اشتباه را بوجود آورده است که این نام اشاره به اهالی قبیله‌ای در جزیره رودس دارد (بعنوان مثال در ترجمه نسخه NIV). با اینحال، برخی دیگر تسریح کرده‌اند که مربوط به جزیره‌ای در شمال یونان است و عده‌ای دیگر از مفسرین نیز مکان آن را در شمال ایتالیا می‌دانند. روشن است که مکال قطعی مشخص نیست (BDB 187).

۵:۱۰ "از اینان، مردمان ساحل‌نشین" این بخش بصورت استعاره برای مردمان بسیار دور استفاده می‌شود، ولی اینجا ظاهراً اشاره به اهالی سواحل مدیترانه و دریای سیاه داشته که کوچ فرزندان یافت را بدنبال خواهد داشت.

□ "سرزمینهای خود... بازبان خویش... بر حسب طایفه... قومهای خویش" بنظر می‌رسد این چهار قسمت بخش‌هایی باشد که فصل را به چهار قسمت تقسیم می‌کنند: (۱) جغرافیایی، (۲) گویشی، (۳) قومی؛ و (۴) سیاسی.

متن NASB (بروز شده): ۱۰:۶-۱۴

پسران حام: کوش، مصر، فوط و کنعان. پسران کوش: سببا، حویله، سبتاه، زعمه و سبتکا. پسران زعمه: صبا و ددان. کوش نمرود را آورد که سلحشوری را در جهان آغاز کرد. او در حضور خداوند شکارچی نیرومندی بود؛ از این رو می‌گویند: «همچون نمرود، شکارچی نیرومند در حضور خداوند.» مراکز اصلی حکومت او بابل، اِرك، اگد و کلنه، در سرزمین شنعار بود. او از آن سرزمین به آشور رفت، و در آنجا نینوا، رحوبوت عیر، کالچ و اریسن، آن شهر بزرگ را، که میان نینوا و کالچ واقع است، بنا کرد. مصر لودیم، عنامیم، لهابیم، و نفتوخیم را آورد، و فتروسیم و کسلوحیم را که از ایشان فلسطینیان پدید آمدند، و گفتوریم را.

۶:۱۰ "کوش، مصر، فوط و کنعان" فرزندان حام در این آیات بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرند: کوش (BDB 468) در vv. 7-12؛ مصر (BDB 595) در vv. 13-14؛ و کنعان (BDB 488) در vv. 15-19. فوط (BDB 806)، با اینکه مورد بحث قرار نگرفت، اما بنظر می‌رسد که یا بر می‌گردد به شرق آفریقا (سومالی)، جنوب عربستان، لیبی یا شحات. روشن است که با وجود این همه مکان، شناسایی محل دقیق ممکن نیست.

۷:۱۰ "سببا" از اطلاعات موجود می‌توان گفت، این نام جایی است در بالاترین نقطه رود نیل (BDB 685). در اشعیا ۴۳:۳ از آن نام برده شده است.

□ "حویله" معنی لغوی آن "سرزمین شنی" است (BDB 296)، احتمالاً جایی در مصر است.

□ "سبتاه" این نام (BDB 688) ممکن است جایی در اتیوپی امروزی باشد که در شرق آفریقا یا شهری در عربستان است.

□ "زعمه" بنظر می‌رسد که سباطین در جنوب غربی عربستان باشد (BDB 947).

□ "سبتکا" این هم اشاره به اتیوپی دارد (BDB 688).

□ "صبا" (BDB 985) ظاهراً اشاره به منطقه معروف به ملکه صبا در جنوب عربستان دارد (پادشاهان ۱۰:۱-۱۰:۱۰؛ ایوب ۱:۱۵؛ ۶:۱۹؛ مزمو ۷۲:۱۰، ۱۵؛ اشعیا ۶۰:۶؛ ارمیا ۶:۲۰).

□ "ددان" بنظر می‌رسد که جایی در عربستان باشد (BDB 186). روشن است که پسران کوش در شرق آفریقا و شبه جزیره عربستان ساکن بودند. در اشعیا ۲۱:۱۳؛ ارمیا ۲۵:۲۳؛ ۴۹:۸؛ حزقیال ۲۵:۱۳؛ ۲۷:۲۰ اشاره شده است.

۸:۱۰ "پدر نمرود" علت نام‌گذاری نمرود (BDB 650) این بود که وی بنیانگذار بزرگترین تمدن بود. این بدین معنی است که سام بابل را گسترش داد. وی مرتبط است به پسران کوش زیرا گوش بسیار شبیه با کاسیان داشتند. از کوش دو گروه بوجود آمدند، یکی در ۷.7 در کناره شرقی دریای سرخ و دیگری ۷.8 در حاشیه غربی دریای سرخ.

□ "نمرود" بنا به گفته راشی و لئوپولد این نام بمعنی "طغیان" است. دو عبارت اصلی بعد، "شخص قدرتمند" و "شکارچی قوی"، بصورت منفی و اشتباه ترجمه شده‌اند به "ستمگر" یا "فاتح" یا "قاتل انسان‌ها". با اینحال، نسبت به این دلالت مطمئن نیستیم، اما بنظر می‌رسد که با متن سازگاری داشته باشد. این شخص قصد ساختن شهرهای بزرگی را در بین‌النهرین داشته و به وضوح اولین قدرت جهانی را بوجود آورد. بسیاری از مفسرین تسریح کرده‌اند که این نام اشاره به توکولنتی نینورتا دارد، اما وی تا قرن سیزدهم قبل از میلاد زندگی نمی‌کرد. زمانی که وی آشور و بابل را کنترل می‌کرد. وی نینوس نامیده می‌گردید اما زمان زندگی وی با نمرود بهیچوجه همزمان نبود. مفسرین دیگری می‌گویند که این نام به سارگون اول، حاکم اکد اشاره دارد.

۹:۱۰ "در حضور خداوند شکارچی نیرومندی بود" برخی مفسرین می‌گویند که در شأن خداوند نیست که از یک شکارچی مورد گوشزد قرار بگیرد، اما چنانچه این عبارت اشاره به اولین فاتح و گسترش دهنده اولین نظام جهانی انسانی داشته باشد (میکاه ۵:۶)، پس کار خداوند قابل درک می‌گردد.

۱۰:۱۰ "بابل" بابلیان که از واژه (*Bab-ili*) سرچشمه می‌گیرد، بمعنی "دروازه خدایان" است. با این وجود، در پیدایش ۱۱، یهودیان آن را به (*balil*) ترجمه کردند که یعنی "او معشوش شد" (BDB 93).

تمام شهرهای فهرست شده در این آیه عمده‌ترین شهرهای شاعر در آن دوران بودند. □

"کلنه" برخی می‌گویند این نام (BDB 484) اشاره به شهر نیپور دارد، در حالیکه دیگر مفسرین آن را به "تمامی آنان" ترجمه می‌کنند. □

"سرزمین شاعر" به لحاظ نوع گویش این واژه به "سومر" یا "سومری" مرتبط می‌دانند (BDB 1042). این نام به ناحیه‌ای در جنوب بین‌النهرین اشاره دارد. □

۱۱:۱۰ "او از آن سرزمین به آشور رفت" برخی می‌گویند که این آیه اشاره به نمرود دارد که البته به نظر با متن نیز به بهترین شکل سازگاری دارد (میکاه ۵:۶). با اینحال، دیگر مفسرین، از جمله نسخه یونانی، نسخه ولگاته لاتین، نسخه سریانی، مارتین لوتر و جان کالوین می‌گویند که اشاره به آشور دارد.

"نینوا" این نام (BDB 644) پایتخت بزرگ امپراطوری آشور است که در کنار رود دجله قرار داشت (۲ پادشاهان ۱۹:۳۶؛ اشعیا ۳۷:۳۷؛ یونس ۱:۲؛ ۳-۷؛ ۱۱:۴؛ ۲:۳-۷؛ ۱:۱؛ ۸:۲؛ ۷:۳؛ صغیا ۲:۱۳) .. □

"رحوبوت عیر" به لحاظ لغوی یعنی "خیابان عریض شهر" یا "مکان‌های عریض در شهر" و احتمالاً جزئیاتی از نینوا است (BDB 944II). □

"کالج" یکی از شهرهای بزرگ آشور بود (BDB 480 II). نام امروزی آن نمرود است که واضح است به نمرود معروف مرتبط است. □

۱۳:۱۰ "مصر" بسیاری تفسیر می‌کنند که این نام اشاره به بالا و پایین کشور مصر اشاره دارد (BDB 595). □

"لودیم" احتمالاً اشاره به لیدیا در آسیای صغیر دارد (BDB 530). □

"عنمامیم" احتمالاً نام قبیله‌ای است که آبادی در غرب مصر را تصرف کرده بودند (BDB 777). □

"لهاییم" این نام اشاره به قبیله‌ای صحرائی در شمال سواحل آفریقا دارد (BDB 529). □

"نفتوخیم" این نام ظاهراً اشاره دارد به گروه قبیله‌ای در شرق شهر ممفیس (BDB 661). واضح است که تمامی نام‌های ذکر شده در ۷.13 با مصر و مناطق اطراف آن مرتبط هستند. □

۱۴:۱۰ "فتروسیم" یعنی سرزمین جنوبی یا احتمالاً اشاره داشته باشد به شمال مصر (BDB 837). □

"کسلوحیم (که فلسطینیان از آن آمدند)" از عاموس ۷:۹ بحث‌های زیادی پیرامون این واژه مطرح است، بنظر می‌رسد که اشاره داشته باشد به فلسطینیانی که از کرت آمدند. این یکی از آن نواحی است که مرجع را جغرافیایی می‌کند. تداوم موج تصرف‌ها و مهاجرت‌های مردمان ساحلی Agean اکثر مناطق ساحل مدیترانه، از جمله مصر و فلسطین را تحت تاثیر قرار داد. در رابطه با Casluhim به BDB 493 رجوع کنید. □

"کفتوریم" این نام ظاهراً اشاره دارد به اهالی جزیره کرت که به Caphtor (BDB 499) معرف است. □

متن NASB (بروز شده): ۱۵:۱۰-۲۰

۱۵ کنعان نخست‌زاده‌اش صیدون، و حیت را آورد،^{۱۶} و پیوسیان، آموریان و جرجاشیان را،^{۱۷} و جویان، عزقیان، و سینیان را،^{۱۸} و آروادیان، صیماریان و خماتیان را. پس از آن، طوایف کنعانی منشعب شدند.^{۱۹} حدود کنعان از صیدون به سمت چرار تا غزه بود، و به سمت سدوم، عموزه، آدمه و صبتویم، تا لاشع.^{۲۰} اینانند پسران حام بر حسب طوایف و زبانهایشان، در سرزمینها و اقوام خویش.

۱۵:۱۰ "صیدون" این نام یک بندر معروف فینیقی و اصالتاً مرکز آن، در شمال فلسطین است (BDB 850). □

"حیت" (BDB 366) بنظر نامی غیر سامی است. احتمالاً شروع گروه هیتی‌ها باشد. در انجیل آنها در دو نقطه زندگی می‌کردند: (۱) در اطراف شهر الخلیل و (۲) در شمال فلسطین در مرکز ترکیه. آنان بین ۱۸۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد بر این منطقه حکمرانی می‌کردند. اهالی این شهر حیتیان نامیده می‌شدند و احتمال می‌رود به واژه حیت نیز مرتبط باشند. □

۱۶:۱۰ "یوسیان" آنان فاتحین شهر سالم یا بیوس که بعدها اورشلیم نامیده شد، بودند (BDB 101).

■ "اموریان" واژه اموریان (BDB 57) می‌تواند عبارتی باشد که از پیدایش ۱۶:۱۵ گرفته شده باشد، همچون کنعانیان. ما فکر می‌کنیم با عبارت "high-lander" (که معنی لغوی آن "غربی" است) وصل باشد در حالیکه کنعانیان با "low-lander" (بمعنی "سرزمین ارغوانی") متصل است. در انجیل ساکنان کنعان در چندین مکان فهرست شده‌اند: (۱) دو گروه قبیله‌ای در پیدایش ۷:۱۳؛ ۳۴:۳۰؛ داوران ۱:۴؛ ۵؛ (۲) هفت ملت در تثنیه ۱۰:۷؛ یوشع ۳:۱۰؛ ۴:۱۱؛ (۳) ده ملت در پیدایش ۱۵:۱۹-۲۰؛ و (۴) بیشترین کاربرد آن نام ششمین ملت است که در بیشتر زمان‌های کتب چهارگانه آورده شده است.

■ "جرجاشیان" نام قبیله‌ای کنعانی که نام آن در اغلب فهرست‌های قبیله‌های کنعان آورده شده است (BDB 173)، پیدایش ۱۰:۱۶؛ ۲۱:۱۵؛ تثنیه ۱۱:۷؛ یوشع ۳:۱۰؛ ۱۱:۲۴؛ نمیا ۸:۹؛ اول قرنطیان ۱:۱۴)، اما هیچ محل خاصی هرگز شناسایی نشده است.

۱۷:۱۰ "حویان" آنان بنظر ساکنان فلسطین مرکزی بودند (BDB 295). برخی آنان را با هوری‌ها شناسایی کرده‌اند. اعداد ۲۹:۱۳ خلاصه جغرافیایی خوبی از تقسیم‌بندی‌های قبیله‌ای در فلسطین ارائه می‌دهد.

■ "عرقیان" بنظر اهالی شهر ساحلی و جزیره شمالی صیدون باشند (BDB 792).

■ "سینیان" ظاهراً اشاره دارد به ساکنان شهر نزدیک به Arke (BDB 696).

۱۸:۱۰ "اروادیان" این نام ظاهراً اشاره دارد به ساکنان جزیره‌ای در بیرون سواحل فلسطین شمالی (BDB 71). همچون دو نام قبل در شمال تریپولی قرار دارد.

■ "حماتیان" این نام اشاره به ساکنین شهری در رود عاصی دارد (BDB 333).

۱۹:۱۰ "سُدوم، عَمُورَه، اَدَمَه و صِبُوئیم" اینان نام شهرهای جلگه‌ای بودند که خداوند بعدها آنها را نابود کرد. آنها در انتهای جنوبی دریای مرده قرار داشتند.

■ "لاشع" جروم می‌گوید که این شهر در شرق دریای مرده قرار داشت (BDB 546).

۲۰:۱۰ این آیه خلاصه‌ای از بخش‌هایی چون ۷.5 است.

متن NASB (بروز شده): ۳۱-۲۱:۱۰

۱۲ برای سام نیز، که نیای همه بنی‌عبر و برادر بزرگتر یافت بود، پسران زاده شدند. ۲۲ پسران سام: عیلام، آشور، ارفکشد، لود و آرام. ۲۳ پسران آرام: عوص، حول، جاتر و ماش. ۲۴ ارفکشد پدر شلخ بود و شلخ پدر عبر. ۲۵ دو پسر برای عبر زاده شدند: نام یکی فلیج بود زیرا در زمان اوزمین منقسم شد؛ برادر او یقطان نام داشت. ۲۶ یقطان پدر الموداد، شلف، حصر موت، یرخ، هدورام، اوزال، دقله، ۲۸ عوبال، ابیمائیل، صبا، ۲۹ اوفیر، خویله و یوباب بود. اینان همه پسران یقطان بودند. ۳۰ سرزمینی که ایشان در آن می‌زیستند، از میشا به سمت سفار بود که کوهستانی در شرق است. ۳۱ اینانند پسران سام بر حسب طوایف و زبانهایشان، در سرزمینها و اقوام خویش.

۲۱:۱۰ "سام" به زبان عبری یعنی "نام" (BDB 1028 II). اهمیت وی بسیار به چشم می‌آید زیرا وی هم در اینجا و هم در آیات ۱۱:۱۰-۲۶ ذکر گردیده شده است. مردم طغیان‌گر فصل‌های ۱۰-۱۱ می‌خواهند که یک "نام" برای خود بجای گذارند. نام وی با پیدایش ۴:۲۶ ارتباط می‌یابد (نام یهوه تجلیل می‌شود). وی معرف خط منتخب برکت داده شده خواهد بود (پیدایش ۱۲:۲).

■ "عبر" به لحاظ ریشه‌شناسی این نام خیلی شبیه واژه "عبری" است (BDB 720 II)، که اشاره دارد به گروه وسیع‌تری از قوم بنی اسرائیل. گمان‌های زیادی درباره ارتباط میان عبر و واژگان‌های پیدا شده در مدارک و ستون‌های سنگی مصر بنام "حبیرو" وجود دارد (پیدایش ۱۴:۱۳). یک ریشه احتمالی برای نام عبر "از روی چیزی رد شدن یا از میان چیزی رد شدن" است، که بنظر می‌رسد اشاره به گروهی کوچ‌نشین دارد.

■ "برادر بزرگتر یافت" راشی می‌گوید که در میان یهودیان مشخص نیست که چه کسی بزرگتر است.

۲۲:۱۰ "عیلام" پادشاهی بزرگی در شرق رودخانه دجله به مرکزیت شوش بود. احتمالاً شرقی‌ترین گروه ذکر شده در این فصل است (BDB 743).

■ "آشور" (BDB 78) می‌تواند اشاره داشته باشد به (۱) یک شخص؛ (۲) یک شهر؛ و یا (۳) یک قوم (همچون آشوریان).

^{۱۱} در کلیسای فارسی زبان امروزه به اشتباه جلال دادن استفاده می‌شود. / مترجم

□ "ارفکشاد" بنظر می‌رسد که این نام (BDB 75) یک قبیله در شمال نینوا باشد (پایتخت دیگری از آشور). ترجمه NIV آن را Arphaxad نوشته است.

□ "لود" این نام احتمالاً اشاره دارد به قوم لیدیان در آسیای صغیر (BDB 530). هرودوت می‌گوید آنها اصالت خود را از نینوا، یک شهر آشوری می‌دانستند.

□ "ارام" اشاره به ناحیه‌ای در سوریه امروزی دارد (BDB 74).

۱۰:۲۵ "فلج" بطور مشخص سلسله‌ای است که ابراهیم از آن آمد و شجره‌نامه آن مفصلاً در ۱۱:۱۸-۲۷ مورد بحث قرار گرفته است. می‌تواند معنی "تفکیک شده" نیز داشته باشد (BDB 811 II).

□ "در زمان او زمین منقسم شد" در زبان عبری معنی "کانال‌های آبیاری" می‌دهد که در جنوب بین‌النهرین قرار داشت، اما ریشه آن عموماً معنی منقسم یا تفکیک شده می‌دهد (BDB 811, KB 928, Niphal Perfect). هنگام گویش تغییر صدا تفاوتی میان دو لغت اصلی Peleg و Niplega بوجود می‌آورد. این امر می‌تواند اشاره‌ای باشد به تفکیک زبان‌های ذکر شده در فصل ۱۱. بنابراین، پراکندگی فصل ۱۰ در هنگام مقایسه با فصل ۱۱ خارج از ترتیب تاریخی است.

۲۹-۱۰:۲۶ این آیه شرح قبایل عرب است.

۱۰:۲۸ "صبا... حویله" در کنار آشور در ۷.22، هم در نسل حام و هم در نسل سام فهرست شده است. این امر یا بخاطر (۱) کوچ‌های جغرافیایی؛ (۲) پیروزی در جنگ‌ها؛ و یا (۳) ازدواج‌های خانوادگی می‌باشد. البته این فهرست خاص نیست.

متن NASB (بروز شده): ۱۰:۳۲

۳۲ اینانند طوایف پسران نوح بر حسب نسلهای ایشان در اقوام خویش. از ایشان اقوام جهان پس از توفان منشعب شدند.

سوالات این بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. هدف پیدایش ۱۰ چیست؟

۲. چرا نمود برای برنامه ویژه‌ای انتخاب شد؟

۳. چرا اسرائیل، مواب و عدوم در فهرست اقوام وارد نشده‌اند؟

پیدایش ۱:۱۱-۳۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

NASB	NKJV	NRSV	TEV	NJB
زبان جهانی، بابل، سردرگمی	برج بابل	برج بابل	برج بابل	برج بابل
۹-۱:۱۱	۹-۱:۱۱	(۲۲:۸-۵:۶) ۹-۱:۱۱	۹-۱:۱۱	۴-۱:۱۱ ۹-۵:۱۱
سلسله سام	سلسله سام	خط نیاکان ابراهیم	سلسله سام	ریش سفیدان پس از طوفان
۱۱-۱۰:۱۱	۱۱-۱۰:۱۱	۱۱-۱۰:۱۱	۱۱-۱۰:۱۱	۱۰:۱۱ ۱۱-۱۰:۱۱
۱۳-۱۲:۱۱	۱۳-۱۲:۱۱	۱۳-۱۲:۱۱	۱۳-۱۲:۱۱	۱۳-۱۲:۱۱
۱۵-۱۴:۱۱	۱۵-۱۴:۱۱	۱۵-۱۴:۱۱	۱۵-۱۴:۱۱	۱۵-۱۴:۱۱
۱۷-۱۶:۱۱	۱۷-۱۶:۱۱	۱۷-۱۶:۱۱	۱۷-۱۶:۱۱	۱۷-۱۶:۱۱
۱۹-۱۸:۱۱	۱۹-۱۸:۱۱	۱۹-۱۸:۱۱	۱۹-۱۸:۱۱	۱۹-۱۸:۱۱
۲۱-۲۰:۱۱	۲۱-۲۰:۱۱	۲۱-۲۰:۱۱	۲۱-۲۰:۱۱	۲۱-۲۰:۱۱
۲۳-۲۲:۱۱	۲۳-۲۲:۱۱	۲۳-۲۲:۱۱	۲۳-۲۲:۱۱	۲۳-۲۲:۱۱
۲۵-۲۴:۱۱	۲۵-۲۴:۱۱	۲۵-۲۴:۱۱	۲۵-۲۴:۱۱	۲۵-۲۴:۱۱
۲۶:۱۱	۲۶:۱۱	۲۶:۱۱	۲۶:۱۱	۲۶:۱۱
	سلسله تارح		سلسله تارح	سلسه تارح
	۳۰-۲۷:۱۱	۳۰-۲۷:۱۱	۳۰-۲۷:۱۱	۲۷:۱۱
۳۰-۲۷:۱۱				۳۰-۲۷:۱۱
۳۲-۳۱:۱۱	۳۲-۳۱:۱۱	۳۲-۳۱:۱۱	۳۲-۳۱:۱۱	۳۱:۱۱ ۳۲:۱۱

مطالعه حلقه سوم (به صفحه vii رجوع شود)

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک جلسه بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

- A. فصل‌های ۱۰ و ۱۱ به لحاظ ترتیب سلسله تاریخی معکوس هستند.
- B. گرچه به نوعی قضاوت خواهیم بود اگر آشفته‌گی زبان‌ها را ناشی از پراکندگی جغرافیایی مردم بدانیم، ولی باید به یاد داشته باشیم که این امر توسعه ملی‌گرایی بوده که تا این لحظه، تلاش حرکت‌های سیاسی را به سمت یک دولت واحد جهانی خنثی کرده است. بنابراین، این نیز به نوعی موهبتی الهی محسوب می‌گردد.

متن NASB (بروز شده): ۹-۱:۱۱

۱ و اما، تمامی زمین را یک زبان و یک گفتار بود. ۲ و چون مردم از مشرق کوچ می‌کردند، در سرزمین شِنعار دشتی هموار یافتند و در آنجا ساکن شدند. ۳ آنان به یکدیگر گفتند: «بیایید خشته‌ها بزنیم و آنها را خوب بپزیم.» ایشان را خشت به جای سنگ و قیر به جای ملات بود. ۴ آنجا گفتند: «بیایید شهری برای خود بسازیم و برجی که سر بر آسمان ساید، و نامی برای خود پیدا کنیم مبادا بر روی تمامی زمین پراکنده شویم.» ۵ اما خداوند فرود آمد تا شهر و برجی را که بنی‌آدم بنا می‌کردند، ببیند. ۶ و خداوند گفت: «اینک آنان قومی یگانه‌اند و ایشان را جملگی یک زبان است و این تازه آغاز کار آنهاست؛ و دیگر هیچ کاری که قصد آن بکنند، از ایشان بازداشته نخواهد شد. ۷ اکنون فرود آییم و زبان ایشان را مغشوش سازیم تا سخن یکدیگر را درنیابند.» ۸ پس خداوند آنان را از آنجا بر روی تمامی زمین پراکنده ساخت و از ساختن شهر بازایستادند. ۹ از این رو آنجا را بابل نام «بابل» با واژه عبری به معنی «آشفته» شباهت آوایی دارد. نامیدند، زیرا در آنجا خداوند زبان همهٔ جهانیان را مغشوش ساخت. از آنجا، خداوند ایشان را بر روی تمامی زمین پراکنده کرد.

- ۱:۱۱ " تمامی زمین را یک زبان و یک گفتار بود" روشن است که فصل ۱۱ پراکندگی تعریف شده در فصل ۱۰ را توضیح می‌دهد. این زبان واحد، که روشن است به باغ عدن باز می‌گردد، عبری نبود. قدیمی‌ترین زبان شناخته شده تا به امروز، خط میخی سومری، که تاریخ آن به ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد (ABD, vol. 1, p.1213)، و فرهنگ آن از ۱۰۰۰۰ سال تا ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد.
- ۲:۱۱ " مردم از مشرق کوچ می‌کردند" بنظر می‌رسد که منظور حرکتی از محل کشتی، یعنی کوه‌های آرارات باشد. عبارت لغوی "کوچ می‌کردند" بمعنی "ترک خانه یا محل سکونت کردن" است (Qal Infinitive Construct, BDB 652, KB 704). بین‌النهرین در جنوبی‌ترین نقطه کوه‌های آرارات (که از ترکیه^{۱۲} امروزی به ایران می‌رود) قرار دارد.

□ "سرزمین شِنعار" اشاره دارد به مناطق تحتانی بین‌النهرین یا بابل، همچنین کلمه نیز نامیده می‌شود (BDB 11042).

- ۳:۱۱ این آیه یک *Qal Imperative* و دو قالب مرتبط *Cohortative* می‌باشد. یعنی ساختار تکنیک‌هایی را تعریف می‌کند که به لحاظ تاریخی برای بین‌النهرین صحیح می‌باشند. در این ناحیه هیچ سنگی وجود نداشت لذا آجر درست کردند. King James از واژه "لجن" استفاده کرده است، اما روشن است که به ماده‌ای سیاه و چسبنده که در آن منطقه از زمین می‌جوشید اشاره کرده است. می‌توان آن را قیر، آسفالت نامید (BDB 330 رجوع شود به ۶:۱۴).

- ۴:۱۱ این آیه یک *Qal* دستوری و دو *Imperfect* مرتبط بعنوان *Cohortatives* دارد. به نظر می‌رسد که چهار اصل در این دوران دخیل بودند: (۱) ساخت یک شهر و یک برج؛ (۲) ابعادی که با سایر سازه‌های آن دوران رقابت می‌کرد؛ (۳) آنها می‌خواستند تا برای خود آوازه‌ای بجای بگذارند؛ و (۴) آنان قصد کوچ به خارج (تمام زمین) را نداشتند. دلایل دقیق این چهار اصل هنوز مشخص نیست. عده‌ای از مفسرین آن را به زیگورات‌های بابلی مرتبط می‌دانند، اما در زبان عبری کلمه *misgdal* برای آن بکار برده شده که معنی "برج متسحکم" می‌دهد (BDB 153 داوران ۸:۹-۱۷). پر واضح است که بشر قصد داشته جدا از خداوند خود را سازمان‌دهی کرده و بدینوسیله، با خواست خدا مقابله کند. Philo حتی می‌گوید که آنها نامشان را بر روی سنگ می‌نوشتند تا از یکدیگر جدا نیافتند. این اولین نمونه از غرور انسانی، متشکل و دارای کارکرد، مجزا از خداوند است (دانبال و مکاشفه ۱۸ و ۱۹).

- "و برجی که سر بر آسمان ساید"^{۱۳} مردمان بین‌النهرین، ستارگان را می‌پرستیدند (آنان می‌گفتند نورهای آسمانی، خدایان بودند). این برج‌ها سطوح بلندی برای مشاهده آسمان شب بودند. مکان‌هایی بودند برای مواجهه با خدایان و پرستش آنان.

- ۵:۱۱ این آیه بسیار شکل انسانی و زمینی دارد (پیدایش ۱۸:۲۱؛ خروج ۳:۸).

^{۱۲} نویسنده بجای کشور ارمنستان، ترکیه را در متن اصلی نوشته است.

^{۱۳} در آیه انگلیسی نوشته شده است "برجی که نوک آن به بهشت خواهد رسید".

۷:۱۱ "اکنون فرود آییم" این آیه دارای یک *Qal Imperative* با دو *Cohortative* مرتبط است. دارای قالب جمع همچون ۲۶:۱ و ۲۲:۳ می باشد. با این حال این آیه در زبان انگلیسی شباهت انسانی داشته، به ضعف از جانب خداوند اشاره نمی کند و برعکس اشاره به این توفیق را دارد که وی، خداوند، انسان گناهکار را از سعی در ادامه راهی که منجر به اخراجش از عدن داشت، برحذر می دارد (رومیان ۳:۱). عبارت "اکنون" از جانب خداوند، خنثی کردن خودسری انسان سرکش است (۷۷, 3,4,7).

۹:۱۱ "بابل" نکته قابل توجه اینست که مکتوبات و مستندات از ادبیات سومری در بین النهرین که تسریح می کند در آن زمان همه مردمان با یک زبان سخن می گفتند (نمونه آن توسط Samuel Noah Kramer در مقاله "The Babel of Tongues: A Sumerian Version" در نشریه *American Oriental Society*, 800:108-111 چاپ گردیده است). ریشه عبری که عموماً از آن استفاده می شود "پیشانی" است (balal, BDB 93)، که ظاهراً خداوند درباره پیچیدگی زبان واحد آنان سخن می گوید. بابل بمعنی "دروازه خدایان" است (*Akkadian bab-ilani*)، که خیلی نزدیک به اسامی زیگوراتها است، که دارای ساختاری بزرگ، به همراه معبدی در راس آن برای پرستش خدایان آسمانی بودند. بابل تبدیل شد به نماد قدرت جهانی، به همراه نمرود، بعدها نبود کدنصریکم، و در نهایت، هیولای دریایی کتاب مکاشفه.

متن NASB (بروز شده): ۱۱-۱۰:۱۱

۱۰ این است تاریخچه نسل سام: چون سام صد ساله بود، دو سال پس از توفان، ارفکشاد را آورد ۱۱ و سام پس از آوردن ارفکشاد، پانصد سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد.

نسل سام بر خلاف شیث، خط مسیحایی را از پیدایش ۵:۳-۳۲ و ۱۰:۲۱-۳۱ ادامه دادند. این خط تا تارح/ابراهیم در ۱۱:۱۰-۲۵ ادامه یافت (لوقا ۳:۲۳-۳۸).

متن NASB (بروز شده): ۱۳-۱۲:۱۱

۱۲ ارفکشاد سی و پنج ساله بود که شلخ را آورد؛ ۱۳ و ارفکشاد پس از تولد شلخ، چهارصد و سه سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد.

متن مازراتی خاندان قائن را در ۷.13 حذف کرده است اما در متن یونانی وی همچون لوقا ۳:۳۶ ضمیمه شده است.

شلخ "BDB 1019 II" □

متن NASB (بروز شده): ۱۵-۱۴:۱۱

۱۴ شلخ سی ساله بود که عبر را آورد؛ ۱۵ و شلخ پس از آوردن عبر، چهارصد و سه سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد.

عبر "BDB 720" □

متن NASB (بروز شده): ۱۷-۱۶:۱۱

۱۶ عبر سی و چهار ساله بود که فلج را آورد؛ ۱۷ و عبر پس از آوردن فلج، چهارصد و سی سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد.

فلج "BDB 811 II" □

متن NASB (بروز شده): ۱۹-۱۸:۱۱

۱۸ فلج سی ساله بود که رعو را آورد؛ ۱۹ و فلج پس از آوردن رعو، دویست و نه سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد.

رعو "BDB 946" □

متن NASB (بروز شده): ۲۱-۲۰:۱۱

۲۰ رعو سی و دو ساله بود که سروج را آورد؛ ۲۱ و رعو پس از آوردن سروج، دویست و هفت سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد.

متن NASB (بروز شده): ۲۳-۲۲:۱۱

۲۲ سروج سی ساله بود که ناحور را آورد؛^{۲۳} و سروج پس از آوردن ناحور، دویست سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد.

BDB 637 "ناحور" □

سوالات این بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. برج بابل چه بود؟

۲. در پیدایش ۱۱ انسان بر خلاف اراده خداوند چه می خواست انجام دهد؟

مقدمه‌ای بر پیدایش ۲۴:۱۱ - ۱۸:۱۳

- A. این بخش از سفر پیدایش با بحث کامل تری درباره سلسله مسیحایی در خاندان ابرام آغاز می‌گردد.
- B. پنجاه فصل سفر پیدایش به بازسازی پیمان خداوند با مردم می‌پردازد، نه خلقت آنان. تمرکز کتاب بر فراخوان یک نفر و تشویق وی به فراخوان بقیه است.
- C. به نقاط ضعف ابرام در کنار ایمان وی توجه می‌شود. خداوند انتخاب کننده و رحیم وی را برای مقاصد رهایی بخش خود فرا می‌خواند.
- D. خداوند ابرام را انتخاب کرد تا جهان را انتخاب کرده باشد (پیدایش ۳:۱۲؛ خروج ۶-۴:۱۹؛ ۲ پطرس ۲:۵، ۹؛ مکاشفه ۱:۶) خداوند می‌خواهد تا تمامی مردمانی که از تصویر او بوجود آمده‌اند، رهایی یابند (پیدایش ۳:۱۵؛ جزقیال ۱۸:۲۳، ۳۲؛ ۱ تیموتائوس ۲:۴؛ ۲ پطرس ۳:۹).
- E. تلمود هفت برکت را از فراخوان ابرام بر می‌شمارد
۱. ابرام پدر قومی بزرگ خواهد بود
 ۲. وی در طول زندگی اش مورد برکت خداوند قرار می‌گیرد.
 ۳. نام وی جاودان می‌گردد.
 ۴. وی دیگران را برکت می‌دهد.
 ۵. افرادی که وی را مورد تکریم قرار دهند، برکت خواهند گرفت.
 ۶. افرادی که وی را انکار کنند، مورد نفرین قرار خواهند گرفت.
 ۷. وی دارای نفوذ جهانی خواهد شد.

مطالعه لغات و عبارات

متن NASB (بروز شده): ۵۳-۲۴:۱۱

۲۴ ناحور بیست و نه ساله بود که تازح را آورد؛^{۲۵} و ناحور پس از آوردن تازح، صد و نوزده سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگر آورد.

۲۴:۱۱ "تازح" "تازح" بمعنی "تاخیر کردن"، "درنگ کردن"، و یا "مهاجرت کردن" است (BDB 1076). همانطور که در یوشع ۲:۲۴ دیده می‌شود، او و خانواده اش چند خدا را می‌پرستیدند. از اسامی افراد این خانواده این چنین بر می‌آید که آنان الهه ماه Zin را می‌پرستیدند. او در اور، تما و حران نیز مورد پرستش واقع می‌شد. با اینحال، پیدایش ۳۱:۵۳ می‌گوید که او با یهوه آشنایی داشت.

متن NASB (بروز شده): ۲۶:۱۱

۲۶ تازح هفتاد ساله بود که ابرام و ناحور و هاران را آورد.

۲۶:۱۱ "ابرام، ناحور و هاران" بنظر ترتیب این اسامی مهم هستند نه سن آنها. نام ابرام می‌تواند (۱) "پدر تجلیل شده"؛ (۲) "تجلیل کننده پدر" و یا (۳) "تجلیل شده پدر من است" معنی دهد (BDB 4). ناحور یعنی "نفس زنان" و یا نامی آشوری است (BDB 637)، در حالیکه هاران یعنی "کوه پیما" (BDB 248).

متن NASB (بروز شده): ۲۷:۱۱-۳۰

این^{۲۷} است تاریخچه نسل تازح: تازح، ابرام و ناحور و هاران را آورد، و هاران لوط را آورد.^{۲۸} هاران نزد پدر خود تازح، در زادگاه خویش، اور کلدانیان، درگذشت.^{۲۹} ابرام و ناحور زن اختیار کردند. نام زن ابرام سارای، و نام زن ناحور ملکه بود، دختر هاران، که پدر ملکه و پسرکه بود.^{۳۰} و اما سارای نازا بود و فرزندی نداشت.

۲۷:۱۱ "لوط" BDB 532 II

۲۸:۱۱ "هاران نزد پدر خود درگذشت" این آیه در زبان عبری می‌گوید که هاران پیش از پدر خود درگذشت.

■ "اور کلدانیان" کلدانیان فرهنگ پیشرفته‌ای داشتند (آنان فرهنگ خود را بر روی فرهنگ قدرتمند سومریان بوجود آوردند) و بعد از دوران ابرام پیشرفت کردند (BDB 505).

۲۹:۱۱ "سارای" BDB 979

■ "ملکه" BDB 574

■ "پسرکه" این شخص (BDB 414) و دلیل حضورش در این آیه ناشناخته است. عالمان یهود (و همینطور ژوزفوس، جروم و آگوستین) می‌گویند که او همان سارای است، اما متن تسریح می‌کند که آنان پدران متفاوت داشتند.

۳۰:۱۱ "سارای نازا بود" ناتوانی سارای، راکل و ربکا در داشتن فرزند (BDB 785) یکی از راه‌های خداوند برای نشان دادن قدرتش در کنترل تاریخ و نسل بشر بود. نسل جنسی انسان جنبه کلیدی در جهت دهی به سوی مسایح نیست.

نمونه الهیاتی شبیه این مورد در تاریخ اسرائیل همین حقیقت است که فرزند ارشد این قوم در خط مسیحایی نبوده است. به لحاظ فرهنگی، این فرزند در راس خاندان قرار می‌گرفت ولی نه در میان مردمان خدای یهوه. این خواست او بود!

متن NASB (بروز شده): ۳۱:۱۱-۳۲

۳۱ تازح پسر خود ابرام، و نوه خود لوط، پسر هاران، و عروس خود سارای، همسر پسرش ابرام را برگرفت، و ایشان با هم از اور کلدانیان به در آمدند تا به سرزمین کنعان بروند، ولی چون به حران رسیدند، در آنجا اقامت گزیدند.^{۳۲} روزهای زندگانی تازح دویست و پنج سال بود، و تازح در حران درگذشت.

۳۱:۱۱ "در آمدند" بحث‌های زیادی بود که آیا تازح خانواده خود را نیز برد یا اینکه ابرام آنها را برد. برخی فرض می‌کنند خداوند ابتدا تازح را صدا زده است اما او بسمت بت‌پرستی لغزید. به گمان من تمرکز تمام این بخش بر روی ابراهیم بوده است نه تازح. اما با ترک اور، ابرام نه تنها می‌خواست خانواده خود، بلکه خدایان ملی و قومی خود را نیز بسط دهد. وی زندگی باثبات و راحت خود را رها کرده تا بدنبال خدای جدیدی که با وی به شیوه‌ای جدید سخن گفته بود باشد.

۳۲:۱۱ "روزهای زندگانی تازح دویست و پنج سال بود" هنگامی که آیات ۲۶:۱۱ را با ۴:۱۲ جمع می‌بندیم، حاصل آن ۱۴۵ سال گردیده و وقتی از ۲۰۵ کسر کنیم، روشن می‌شود که تازح ۶۰ سال پس از اینکه ابراهیم هاران را ترک کرد زندگی کرد. این بنظر در تضاد با موعظه استیفسان در اعمال ۴:۷ باشد. جنبه‌های زیادی از مطالعه بر روی استیفسان با درک امروزی ما از تاریخ عهد عتیق در تضاد است. مفسرین دیگر می‌گویند که ابرام اگرچه در فهرست ۲۶:۱۱ در راس قرار گرفته بود، اما براتب دیرتر بدنیا آمده و در نهایت اینکه استیفسان دقیق‌تر بنظر می‌رسید. جالب است که کتب چهارگانه یهود به زبان سامری عدد ۱۴۴ را ثبت کرده است.

بیانیه عقیدتی

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاه‌های اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از فریب و خطاهای الهیاتی، من حاصل تحقیقاتم را در زمینه الهیات مسیح، در زیر به طور خلاصه تقدیم می‌کنم.

- کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش‌ناپذیر، با اقتدار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح به وسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.
 - تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با این حال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دارای ذات واحد.
 - خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.
 - گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شرایطی که از آدم و حوا به ارث برده‌ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادیمان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.
 - خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.
 - هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصا دریافت کند. این به وسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.
 - همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت قدم می‌مانند.
 - روح القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گمشده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیحگونه را در نجات یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات، عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید به وسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.
 - پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را داوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، به هنگام بازگشت او بدنهای جلال یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد.
 - آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.
- مطمئناً مواردی که ذکر کردم کامل یا بی نقص نیستند اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"